

«يا ثارات الحسين (عليه السلام)»

شعائر حسینی

مجموعه ای از استفتائات و سیره‌ی

استاد الفقهاء والمجتهدين

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

متوفی سنه 1427 هـ. ق

دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام)

سوریه - السیده زینب (علیها السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

● قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): **إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) حرارة**
في قلوب المؤمنين لا تبرد أبداً؛ پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود: برای
شهادت حسین (عليه السلام)، حرارت و گرمایی در دل های مؤمنان است که هرگز سرد
و خاموش نمی شود.^۱

● قال الصادق (عليه السلام): **كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ**
وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام)؛ امام صادق (عليه السلام) فرمود: هر نالیدن و
گریه ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین (عليه السلام).^۲

● قال الصادق (عليه السلام): **نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَظْلَمِنَا تَسْبِيحٌ وَهَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ**
وَكَيْتْمَانُ سِرِّتَانِ جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): يَجِبُ أَنْ
يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ؛ امام صادق (عليه السلام) فرمود: نفس کسی که به
خاطر مظلومیت ما اندوهگین شود، تسبیح است و اندوهش برای ما، عبادت است و
پوشاندن راز ما جهاد در راه خداست. سپس امام صادق (عليه السلام) افزود: این حدیث
را باید با طلا نوشت!^۳

۱. جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 556.

۲. بحار الانوار، ج 45، ص 313.

۳. امالی شیخ مفید، ص 338؛ بحار الانوار، ج 44، ص 278.

زندگی نامه‌ی استاد الفقهاء والمجتهدين،

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه‌های فقهی و اجتهادی در فقه اسلامی، که از نظر آثار و برکات وجودی با برکت بوده، مرحوم فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) است. ایشان بسیار عابد و زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و بر علم و دانش مداومت داشت. جماعت بسیاری از او بهره بردند. او بر تمام موالین و محبین اهل بیت (علیهم السلام)، فضلا و طلاب حوزه حق دارد؛ زیرا که در قرن خود در علوم و ولای اهل بیت (علیهم السلام) تحولی عظیم ایجاد نمود.

هرگاه در پی شناخت ایشان برآییم، ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مدح و ستایش در معرفی او، ناتوانند. گویا او تندیس علم، دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است.

فقیه هوشیار، محدث پارسا، ثقه‌ی جلیل القدر و سرچشمه‌ی بزرگواری‌ها و فضیلت‌ها، دارای تألیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش می‌آموزند، بلکه مراتب معنوی و کسب کمال را سپری می‌نمایند. مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) همزمان با طی مدارج علمی، و سریع‌تر از آن مدارج معنوی و کمالات روحی را پیمودند تا آنجا که مصداق واقعی عالم ربانی گردیدند. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می‌شود، از

جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم میرزا/قدس سره/می توان به این موارد اشاره کرد:

یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا/قدس سره/ هیچ گاه از یاد خدا غافل نبود و تمام اعمالش را با قصد قربت انجام می داد.

زیارت و توسل: مرحوم میرزا/قدس سره/ به زیارت ائمه ی هدی(علیهم السلام) اهمیت فراوانی می داد و هر جا فرصت می یافت و یا امکان برایشان حاصل می شد، شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه(علیهم السلام) می نمودند.

توجه خاص و توسل به معصومین(علیهم السلام) باعث گردیده بود که مرحوم میرزا/قدس سره/ به تألیف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی در رد شبهات و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد، زهد، پارسایی و ساده زیستی اوست. مرحوم میرزا/قدس سره/ تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه ی اینها، زندگی شخصی مرحوم میرزا/قدس سره/ در نهایت زهد و پارسایی سپری می شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا/قدس سره/ از دیگر خصائص اوست. مرحوم میرزا/قدس سره/ هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر نمی کرد. آن خصائص روحی و کمالات معنوی و آن علم و دانش گسترده، از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه‌ی تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی و بی نقص بودن آثار علمی، تخلق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

تعلیم و تعلم از مهم ترین خدمات ایشان به شمار می آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقیق بودن در مطالب، عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب باعث می شد هر روز گروه بیشتری از افراد علاقه مند و با استعداد به سوی مجلس درس ایشان جذب شوند.

ایشان یکی از اعجوبه های روزگار خود بودند که در زمینه های مختلف علمی از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و... کتاب هایی ارزشمند نوشته که به زیور طبع آراسته شده، و در حدود ده ها کتاب از آثار خطی از ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

تألیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایام روز به روز بر ارزش و اعتبار آنها افزوده می شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته اند و در صدر قفسه ی کتابخانه ها و در سینه ی فقها و دانشمندان جای می گیرند که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب، 7 جلد

2- تنقیح مبانی العروة (طهارة)، 7 جلد

- 3- تنقیح مبانی العروۃ (صلاة)، 6 جلد
- 4- تنقیح مبانی العروۃ والمناسک (الحج)، 3 جلد
- 5- اسس القضاء والشهادات
- 6- اسس الحدود والتعزیرات
- 7- کتاب القصاص
- 8- کتاب الدیات
- 9- کتاب نکاح
- 10- کتاب اجاره
- 11- تعلیقه عروۃ الوثقی
- 12- تعلیقه بر منهاج الصالحین
- 13- طبقات الرجال
- 14- الدروس فی علم الاصول (دوره ی کامل اصول)
- 15- تنقیح مبانی العروۃ (الصلاة)
- 16- تنقیح مبانی العروۃ (کتاب الصوم)
- 17- تنقیح مبانی العروۃ (کتاب الزکاء والخمس)
- 18- صراط النجاء، 12 جلد
- 19- کتاب ظلمات فاطمة الزهراء (علیها السلام) (در حال چاپ)
- 20- کتاب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب: (در حال چاپ)
- 21- فدی
- 22- الشعائر الحسینیة (فارسی - عربی)
- 23- زیارت عاشورا فراتر از یک شبهه

- 24- زیارت عاشوراء فوق الشبهات
25- نفی السهو عن النبی (صلی الله علیه وآله)
26- نصوص الصحیحه علی الائمه (علیهم السلام)
27- الانوار الهیة فی مسائل العقائدیة
28- النکات الرجالیة (مخطوط)
29- ما استفدت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعیة (وسائل
الشیعة مخطوط)
30- النصایح (فارسی - عربی)

و...

فواید ارزشمند نوشته های ایشان همچون ابر بهاری تمام
سرزمین ها را از قطرات حیات بخش بارانش سیراب می سازد.
تألیفات او بر پیشانی روزگار همچون مروارید می درخشد و
کلماتشان در میان سطرها همچون گوهرهایی گرانها کنار هم
چیده می شود.

تمام کسانی که از ایشان یاد کرده اند، جز ستایش و تعریف چیزی
نگفته اند و بنابر شهادت تمام بزرگان، مرحوم میرزا (قدس سره) قله های
رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول، کلام، رجال و... را درنور دیده
است.

وفات

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی میرند؛ بلکه تا ابد در یاد و خاطر
آیندگان زنده اند و برکات آنان در ایام زندگیشان خلاصه نیست؛ بلکه

پس از وفات نیز به واسطه‌ی تألیفات، شاگردان و باقیات و صالحاتی که بر جای گذاشته‌اند منشأ بسیاری از عنایات الهی برای مردم هستند. مرحوم میرزا(قدس سره) هنگام مرگ، خدمات فراوانی از خود بر جای گذاشتند که به لطف پروردگار پس از ایشان شاگردان و فرزندان، ادامه دهندگان این راه پرفروغ، بوده و خدمات ارزشمندی ارائه می‌نمایند، اما جای خالی یک عالم فرزانه را هیچ کس و هیچ چیز پر نمی‌کند.

چراغ عمر مرحوم میرزا پس از 82 سال نورافشانی، در شب 27 شوال سال 1427 هـ ق در شهر مقدس قم خاموش گشت و جهان از فیض وجود این عالم گرانمایه محروم شد و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه(علیها السلام) کنار قطعه‌ی بزرگان و مفاخر مذهب آرامید. راهش پر رهرو و یادش گرامی باد، آمین یا رب العالمین.

وصیت نامه‌ی فقیه مقدس،

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

بسمه تعالی

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه‌م و اهلك اعدائهم

حال که پیکر اینجانب بر دستان شماس‌ست؛ بر دستان شاگردان عزیزم که سال‌ها برای موفقیت آنان تلاش کردم و هیچ‌گاه تعطیلی را احساس نکردم، ویا در قبر آرمیده است، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده‌ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است که با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ‌گاه اجازه ندهند بعضی با القای شبهه، عوام از مؤمنین را فریب دهند، به خصوص در مسائل شعائر حسینی که تشیع به واسطه‌ی آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت (علیهم السلام) حفظ مذهب برحق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسئول هستید. به طلاب عزیز نصیحت می‌کنم که با جدیت و تلاش، تقوای الهی را پیشه خود کنند و در امر تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مد نظر داشته باشند. اینجانب در طول دوران عمرم، طلبه‌ای بیش نبودم و مثل یک طلبه‌ی جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش می‌کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم و اثری از خود بر جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده کنند. عزیزانم! سکان هدایت مردم به دست شماس‌ست. کاری نکنید که دل امام زمان (علیه السلام) به درد آید.

او به اذن خدا ناظر بر اعمال ماست و در همین جا از پیشگاه مبارکشان می‌خواهم که اگر کوتاهی‌ای از سوی اینجانب سر زده، بر من ببخشند، عزیزانم! به دعای خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته‌ام که در ادای وظیفه‌ی خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را یک خادم کوچک حساب می‌کردم و امیدوارم این خدمت ناچیز، مورد رضایت اهل بیت (علیهم السلام) واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می‌کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می‌سپارم. وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

جواد تبریزی

سند تبدیل فاطمیه به عاشورای دوم

با اقدام شجاعانه و به موقع آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، فاطمیه به عاشورای دیگر تبدیل شد. در نیمه‌ی دهه‌ی دوم قرن پانزدهم هجری؛ یعنی در روز سوم جمادی الثانی سال 1414 هـ.ق، برابر با سال 1374 هـ.ش، ایام فاطمیه، به همت فقیه مقدس میرزای تبریزی (قدس سره) به عاشورای دیگر تبدیل شد. ایشان با مشاهده‌ی تشکیکات در خصوص واقعه‌ی هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) مجلس عزاداری روز شهادت حضرت (علیها السلام) را با پای برهنه و بر سروسینه زنان برگزار کردند و در تاریخ تشیع، اولین مرجعی بودند که با اقدام به این کار ضمن تحول در مراسم فاطمیه، آن را به عاشورای دیگر تبدیل کردند و این افتخار تا ابد در پرونده‌ی ایشان (قدس سره) ثبت شد و سال‌های بعد با الگوگیری از آن مرجع فاطمی، آن سنت حسنه ادامه یافت و امروز برگزاری فاطمیه و عظمت آن، مرهون تلاش و مواقف شجاعانه‌ی آن فقید راحل می‌باشد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

آخرین توصیه های فقیه مقدس، آیت الله العظمی

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

رئیس مذهب، حضرت امام صادق (علیه السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام شهادت امام صادق (علیه السلام) در حالی فرا می رسد که من در بستر بیماری هستم؛ پس قلبم از اندوه پر شده و اشک هایم جاری است، از حزن بر مصائبی که بر آن امام بزرگوار (علیه السلام) وارد شده است، از محاصره و دستگیری آن حضرت (علیه السلام) از سوی عمال منصور و بردن آن بزرگوار (علیه السلام) با پای برهنه در حالی که حضرت عمامه بر سر نداشت، همان طور که جد بزرگوارشان، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) را نیز به آن حال دستگیر کرده و به اجبار بردند، تا ترساندن عیالات آن حضرت و رعب و وحشتی که بر اهل بیت حضرت (علیه السلام) مستولی شده بود - همان طور که بر فرزندان امام حسین (علیه السلام) در کربلا مستولی بود - تا قطعه قطعه شدن قلب مبارک حضرت (علیه السلام) در اثر سم مهلک، همان طور که قلب جد مظلومشان امام حسین (علیه السلام) با تیرها قطعه قطعه شده بود. پس از اعماق قلبم آرزو دارم که در احیای مراسم عزاداری جهت این فاجعه‌ی دردناک شریک باشم، و این امر باعث شده تا برادران و فرزندان مؤمنم را مورد خطاب قرار داده و از آنها بخواهم که در احیای مراسم عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) و در ایام شادی و حزن آن بزرگواران و اقامه‌ی مجالس عزاداری برای مصائب اهل بیت (علیهم السلام) تلاش

نمایند و ضمن برگزاری مجالس با عظمت و پر شکوه، آن را با امور موهن، از قبیل کف زدن و استعمال آلات موسیقی و مثل آن اموری که موجب اذیت اهل بیت (علیهم السلام) می شود، هتک ننموده و نیز در ترویج شعائر حسینی، به نحوی که بین طائفه‌ی برحق شیعه معروف است، و زنده نگه داشتن مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ و گذر زمان تلاش نمایند و برای کسانی که در این شعائر تشکیک کرده و در جهت تغییر، تبدیل یا محو آن تلاش می کنند، مجالی باقی نگذارند، که این شعائر، همان چیزی است که سیره‌ی علمای ابرار ما بر آن جاری است و شیعیان مخلص اهل ولاء در طول قرون متمادی بر آن مشی کرده اند و این خود به کار بستن دستورالعملی است که از حضرات معصومین (علیهم السلام) وارد شده است که فرموده اند: من تذکر مصابنا وبکی لما ارتکب منا کان معنا فی درجتنا یوم القيامة، ومن ذکر بمصابنا فبکی وابکی لم تبک عینه یوم تبکی العیون، ومن جلس مجلساً یحیی فیهِ أمرنا لم یمت قلبه یوم تموت فیهِ القلوب^۴، و نیز وارد شده است: کلّ بکاء وجزع مکروه ما خلا البکاء والجزع علی الحسین (علیه السلام) فانه فیهِ ماجور^۵.

۴. امالی صدوق، ص 131؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 264؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 502.

۵. کامل الزیارات، ص 201، ح 286؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 507؛ الفصول المهمه فی اصول الائمه، ج 3، ص 413.

همه‌ی مؤمنین می‌دانند که اینجانب وقتی مشاهده نمودم که بعضی از اشخاص در صدد تشکیک در مسلمات طائفه‌ی برحق امامیه و عقاید برحق آنها هستند و می‌خواهند مظلومیت صدیقه‌ی طاهره، حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را مورد خدشه قرار دهند، به صورتی واضح و صریح و بدون ملاحظه و مجامله با هیچ شخص، هر کس که باشد، در صدد دفاع از مظلومیت بانوی بزرگوار اسلام و شفیع‌ی روز جزا، فاطمه‌ی شهیده‌ی مظلومه (علیها السلام) و دفاع از حریم عقاید مذهب برآمد و مؤمنین را نسبت به خطر این افکار پلید و تشکیکات مخرب آن مطلع ساختم و در این راه مصائب و اذیت‌هایی را از دور و نزدیک متحمل شدم؛ ولیکن اینها ما را از ادامه‌ی راه فداکاری و دفاع از مذهب برحق جعفری باز نداشته و مانع نشده است. به این جهت، به برادران مؤمن، اهل ولایت و باغیرت تأکید می‌کنم که در مسیر دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و عقاید برحق آنها، استقامت داشته باشند و از کید دشمنان مذهب و مکر تشکیک‌کنندگان و یاوه‌سرایان نترسند که شما به کمک حضرت حجت (علیه السلام) پیروز خواهید بود. به تبلیغات مادی و دنیایی آنها که غرضشان برگرداندن شما از وظیفه‌ی دفاع از مذهب حق است، ترتیب اثر نداده و به آن اعتنایی نکنید. همان‌طور که از علما و فضلا انتظار می‌رود که نهایت تلاش خود را در این راه مبارک به کار گیرند؛ هر چند راه سخت و دشواری است که از معصومین (علیهم السلام) وارد شده است: إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَاعْلَى الْعَالِمِ

أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ مِنْهُ نُورُ الْإِيمَانِ^۶. در نهایت به برادران مؤمن خود نسبت به ضرورت احیای این حادثه‌ی عظیم؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت رئیس مذهب، امام صادق (علیه السلام) تأکید می‌کنم و از آنها می‌خواهم که این مراسم را مانند ایام عاشورا و ایام فاطمیه، در این سال و همه‌ی سال‌ها جهت تحکیم ارکان مذهب جعفری و تجلیل از این امام بزرگ که حیات خود را در راه نجات ما از هر گونه گمراهی فدا کرد، زنده نگه دارند. از خداوند متعال مسئلت دارم که همه را برای خدمت به ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) موفق گرداند؛ إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

۶. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳۶؛ عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۰۳.

سؤالاتی در خصوص

نحوه‌ی عزاداری،

سینه زنی و مداحی

* مجالس عزاداری

* ضرر جانی در سوگواری

* چگونگی عزاداری

* سینه زدن شدید

* زنجیر زنی

* شبهه‌ی عزاداری

* درآوردن لباس در عزاداری

* شرکت زنان در دسته جات عزاداری

نظر مبارک حضرت تعالی در مورد عزاداری برای امام بزرگوار، ابا عبدالله

الحسین (علیه السلام) چیست؟

بسمه تعالی: بر همه است که با عزاداری و شرکت در مراسم سالار شهیدان و سایر ائمه (علیهم السلام) اخلاص و ارادت خود را به آن خاندان نشان دهند. بر مؤمنین است که با شرکت در مجالس و عظم، خطابه و عزاداری که شامل مراسم مختلف می باشد، این روزها را زنده نگاه دارند و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را به همه ی مردم نشان دهند که چگونه آنان در راه خدا از همه چیز خود گذشتند و خالصانه از زحمات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دفاع کردند و با اهدای جان خود، این مذهب بر حق را زنده نگاه داشتند. خود و فرزندان در این گونه مجالس شرکت کنید و فرزندان خود را حسینی بار آورید که فردا مسئول هستید و آنان را اهل بیتی بار آورید که سعادت فرزندان در توسل به اهل بیت (علیهم السلام) است.

چه نوع عزاداری در سوگ سیدالشهدا (علیه السلام) بهتر است انجام گیرد؟

بسمه تعالی: هر چه عنوان جزع بر آن منطبق شود، در عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) مستحب است.

نظر مبارک حضرتعالی در مورد نحوه‌ی برگزاری مراسم عزاداری؛ به

خصوص زنجیر زنی چیست؟

بسمه تعالی: هرگونه آه و ناله (عزاداری) برای مصیبت حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) و اهل بیت(علیهم السلام) و یاران او پسندیده است و پاداش دارد و سینه زنی (حتی با زنجیر) که در هیئت‌ها انجام می‌گیرد؛ مانند بر سرزدن یا بر ران‌ها زدن و گریه و شیون، جزئی از مراسم عزاداری به شمار می‌آید.

حکم سینه زدن، خراشیدن و سیلی زدن به صورت در مصائب اهل

بیت(علیهم السلام) چیست؟

بسمه تعالی: هرچه که عنوان جزع بر آن منطبق شود، ثواب و اجر دارد، هرچند که موجب ضرر جانی شود [ولیکن نباید به حد جنایت برسد] و مؤمنین باید با تمام وجود با شرکت در مجالس با گریه و سینه زنی شدید، هرچند که به سیاهی یا خون مردگی دچار شوند، مجالس و فیات اهل بیت(علیهم السلام) را با عظمت برگزار نمایند.

بعضی از مردان با درآوردن لباس های خود و با سینه زنی شدید و زنجیر زنی، عزاداری می کنند با توجه به آنکه زنان در آن مجلس حضور دارند حکم چگونه است؟

بسمه تعالی: بر مردان واجب نیست بیشتر از ستر واجب، ستر کنند، و آن ستر، ما بین ناف و زانو است و اگر به خاطر غرض عقلایی پیراهن خود را درآورند اشکالی ندارد، به خصوص جهت سینه زدن برای حزن به سید الشهداء(علیه السلام) و سایر ائمه(علیهم السلام) و این امر مورد قبول است، هرچند منجر به زخمی شدن سینه شود، ان شاء الله تعالی.

بعضی از عزاداران حسینی به گونه ای سینه می زنند که گاهی مشاهده می شود از محل سینه زدن خون خارج می شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: سینه زدن شدید به دلیل حزن و جزع بر سیدالشهدا و اهل بیت(علیهم السلام) مطلوب است و هرکاری که عنوان جزع بر آن منطبق شود، مطلوب می باشد و اما در مورد سؤال مطرح شده، سینه زنی اگر منجر به ضرر جانی شود مانعی ندارد ولیکن نباید به حد جنایت برسد. در حفظ شعائر تلاش کنید که بهترین ذخیره ی آخرت است و به وسوسه ی مشککین گوش ندهید که القاء شیطان می باشد.

بعضی از جوانان در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص سید الشهداء (علیه السلام) خود را خونی می کنند، هرکدام به نحوی؛ برخی با خراش، دیگری با سر کوبیدن به دیوار و... آیا این گونه کارها جایز است؟
بسمه تعالی: مصائب اهل بیت (علیهم السلام) آن قدر زیاد و دردناک است که انسان گاهی احساس می کند در عزاداری کوتاهی کرده است. شما حدیث زیر را بخوانید:

«عن معاوية بن وهب قال: استأذنت عن أبي عبد الله (عليه السلام) فقل لي: أدخل، فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته فجلست حتى قضى صلاته فسمعتة وهو يناجي ربه ويقول: «يا مَنْ خَصَّنَا بالكرامة؛ وَخَصَّنَا بالوصية؛ ووعدنا بالشفاعة؛ وأعطانا علم ما مضى وعلم ما بقي؛ وجعل أفئدة من الناس تهوى إلينا، اغفر لي ولإخواني ولزوّار قبر أبي [عبدالله]؛ الحسين (عليه السلام)، الذين أنفقوا أموالهم وأشخصوا أبدانهم رغبةً في برّنا، ورجاءً لما عندك في صلتنا، و سروراً أدخلوه على نبيك صلواتك عليه وآله، وإجابةً منهم لأمرنا، وغيظاً أدخلوه على عدوّنا، أرادوا بذلك رضاك، فكافهم عنّا بالرضوان، واكلأهم بالليل والنهار، واخلف على أهاليهم وأولادهم الذين خلّفوا بأحسن الخلف واصحبهم، واكفهم شرّ كلّ جبار عنيد؛ وكلّ ضعيف من خلقك وشديد، وشرّ شياطين الإنس والجنّ، واعطهم أفضل ما أملوا منك في غربتهم عن أوطانهم، وما آثرونا به على أبنائهم وأهاليهم وقراباتهم.

اللّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ، فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشَّخْوَصِ
إِلَيْنَا خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفْنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي قَدْ غَيَّرَتْهَا
الْشَّمْسُ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَى حَفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا،
وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَنَا، وَارْحَمْ الصَّرِخَةَ الَّتِي كَانَتْ
لَنَا، اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَتِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى نُوَافِيَهُمْ عَلَى
الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ [الأَكْبَر].

فَمَا زَالَ (عليه السلام) وَهُوَ سَاجِدٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قُلْتُ:
جَعَلْتُ فِدَاكَ لَوْ أَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ
لَظَنَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً!! وَاللَّهِ لَقَدْ تَمَنَّيْتُ أَنِّي كُنْتُ زَرْتَهُ وَلَمْ
أَحِجَّ، فَقَالَ لِي: مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ؛ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ إِيْتِيَانِهِ؟ ثُمَّ قَالَ: يَا
مَعَاوِيَةَ لَمْ تَدَعْ ذَلِكَ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَمْ أَدْرَ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كَلَّهُ؟
فَقَالَ: يَا مَعَاوِيَةَ [وَأَمِنْ يَدْعُو لَزَوَّارِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرَ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ؛^١

معاویہ بن وہب می گوید: اذن خواستم کہ بر امام صادق (علیه
السلام) داخل شوم، بہ من گفتہ شد کہ داخل شو، پس داخل شدہ و آن
جناب را در محل نمازشان یافتم، پس نشستم تا حضرت نمازشان را
تمام کردند. آن گاہ شنیدم کہ با پروردگارشان مناجات نمودہ و
می گفتند: بار خدایا! ای کسی کہ ما را اختصاص بہ کرامت دادہ و

١. الکافی، ج ٤، ص ٥٨٣؛ وسائل الشیعہ، ج ١٤، ص ٤١١.

مختص به وصیت نمودی! (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) وعده‌ی شفاعت دادی و علم به گذشته و آینده را به ما عطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به سوی ما نمودی. من، برادران و زائرین قبر پدرم، حسین(علیه السلام) را بیمارز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به سختی انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما، و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما، و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت(صلی الله علیه وآله)، و به جهت اجابت کردنشان به فرمان ما و به قصد وارد نمودن خشم بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار، تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از سوی ما این ایثار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان، احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی حفظ فرما، و عطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش، از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه اش ما را بر فرزندان، اهل و نزدیکانشان اختیار کردند. بار خدایا! دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند اما این حرکت دشمنان، ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان، از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو

این صورت هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) می گذارند و برمی دارند، مشمول لطف و رحمتت بگردان و همچنین به چشم هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند نظر عنایت فرما و دل هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند را ترحم فرما. بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس. خداوندا! من این بدن ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند، آنها را سیراب نمایی.

و پیوسته امام (علیه السلام) در سجده این دعا را می خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم! این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عز وجل را نمی شناسد، گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید! به خدا سوگند، آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین (علیه السلام)) را زیارت کرده اما به حج نروم.

امام (علیه السلام) به من فرمودند:

چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی! پس چه چیز تو را از زیارتش باز می دارد؟

سپس فرمودند:

ای معاویه! زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم! نمی دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند:

ای معاویه! کسانی که برای زائرین امام حسین(علیه السلام) در آسمان دعا می کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین برای ایشان دعا و ثنا می نمایند».

دنیای فانی فرصتی است برای ذخیره‌ی اعمال صالح و یکی از اعمالی که می تواند فریادرس انسان در هنگام جان دادن و قبر و قیامت باشد، ابراز ارادت، محبت و مودت به اهل بیت(علیهم السلام) است که از جمله‌ی آن همین عزاداری هاست. والله الموفق.

بعضی جوانان در عزاداری ها خود را خونی می کنند به واسطه خراش یا سر کوبیدن و...، این از کجا به عزاداری ها ملحق شده است؟
بسمه تعالی: منقول است که حضرت زینب(علیها السلام) هنگامی که سر مبارک امام حسین(علیه السلام) را بر روی نیزه دید، سر خود را به چوبه‌ی محمل کوبید.

بعضی از جوانان به گونه ای سینه می زنند که موجب می شود از محل سینه زدن خون خارج می شود و موجب تشویه ی سمعه ی شیعه می شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: جزع بر سیدالشهدا(علیه السلام) مستحب است و ما کاری نداریم که مخالفین انتقاد می کنند یا خیر، اهل بیت(علیهم السلام) ما را امر کردند به جزع و بکاء، و خود اهل بیت(علیهم السلام) در بیوت خود اقامه ی عزا کرده و بر مصائب سیدالشهدا(علیه السلام) گریه می کردند و از طرفی این اعمال شعائر شیعه شده است و حالا که به شعائر شیعه تبدیل شده، بر همگان است که از آن پاسداری کرده و آن را با شکوه برگزار کنند و با این اعمال قلب اهل بیت(علیهم السلام) را از خود راضی نگاه دارند؛ ان شاء الله تعالی.

برخی سینه زنی یا زنجیر زنی را تا حد خون مردگی زیر پوست و یا سیاه شدن آن انجام می دهند که گاهی منجر به خونریزی هم می شود، آیا این امر جایز است؟

بسمه تعالی: هرگاه عنوان جزع (آه، ناله و فغان) بر آن صدق کند، ایرادی ندارد. والله الموفق.

گاهی گفته می شود: سینه زدن برای حضرت امام حسین (علیه السلام) هرگاه منجر به خونین شدن سینه و یا درد زیاد گردد، حرام است به چند جهت: (1) این کار روش متمدنی نیست و می بایست نهضت حسینی را به صورت واقعی و نو مطرح نمود. (2) این کار از پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) او نقل نشده است. (3) هرگونه ضرر رساندن به بدن حرام است؛ گرچه منجر به هلاکت و یا قطع عضوی از اعضای بدن نشود، به طور مثال کسی که بدن خود را در برابر هوای سرد قرار می دهد با اینکه احتمال بیماری در سینه می دهد، کار حرامی مرتکب شده است.

نظر حضرتعالی در این باره چیست؟

بسمه تعالی: سینه زنی گرچه محکم باشد، برای مصیبت سیدالشهدا (علیه السلام) از کارهای پسندیده است؛ چون در عنوان جزع (عزاء، آه، فغان) داخل می شود، که روایت های بسیاری در ستایش این کار وجود دارد اگر چه گاهی باعث خونین شدن (خون ریزی) و سیاه شدن سینه شود. دلیلی وجود ندارد که هرگونه ضرر رساندن به بدن، حرام باشد؛ مگر اینکه به مرز جنایت برسد و تاکنون مشاهده نشده است کسی به خاطر عزاداری کاری کند که جنایت محسوب شود و این یک فرض است که بعضی ها تصور می کنند؛ اما مصداق خارجی ندارد.

بعضی از مردان برای مراسم سینه زنی و زنجیرزنی لخت می شوند؛ در حالی که در دید بانوان هستند، آیا این کار برای مردها جایز است؟
بسمه تعالی: پوشاندن بیش از مقدار واجب (از ناف تا زانو) بر مردان لازم نیست، و هرگاه بیرون آوردن پیراهن برای یک هدف عقلایی باشد، ایرادی ندارد و مورد سؤال هم از این دسته است. بله! برای بانوان نگاه کردن به همراه لذت جنسی، به صورت مطلق جایز نیست.

در این سال های اخیر، حضور مردم در مراسم سینه زنی ماه محرم فزونی یافته اما با کمال تأسف این سینه زنی در مناسبت های دیگر مانند ایام شهادت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و حضرت صدیقه ی طاهره (علیها السلام) و امامان دیگر (علیهم السلام) کمتر است، از حضرت تعالی می خواهیم سخنی به برادران ایمانی بفرمایید که باعث تشویق آنان به حضور بیشتر در مناسبت های دیگر بشود، چون خوشبختانه مشاهده شده است که برخی از جوانان در مراسم عزاداری ایام محرم هدایت شده اند.

بسمه تعالی: رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) نور واحد هستند و چون مصیبت سیدالشهدا (علیه السلام) بیشتر بوده، مردم بیشتر اهمیت می دهند و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) نشان حقانیت مذهب می باشد. بر شیعیان واجب است که با برگزاری مجالس سوگواری، این حوادث دردناک که دل را می سوزاند، را حفظ کرده تا نسل های آینده درک کنند که مذهب شیعه حق است و مذهب دیگران باطل.

اگر جلوه های عزاداری متعارف؛ مانند سینه زنی، منجر به توهین به مذهب شیعه شود، حرام است؟ نظر شما در این باره چیست؟

بسمه تعالی: هر جلوه ای از جلوه های عزاداری، هرگاه مصداق اندوه و فغان برای مصیبت های اهل بیت (علیهم السلام) باشد، از امور مستحب است؛ به ویژه آن حرکت های غیرمتعارفی که شیعیان جهت جلب توجه مردم و تحریک عاطفه ها برای تبلیغ حماسه ی حسینی انجام می دهند و این روش برای تبلیغات، حتی در زمان حاضر انجام می گیرد. چه بسا آنان که جلوه های عاشورا را مورد انتقاد قرار می دهند، اگر این کار از غیر شیعیان صورت می گرفت، سکوت اختیار می کردند.

نقل می کنند که مرحوم آقای خویی (رحمه الله) فرمودند، شعائر نباید منجر به تشویه ی سمعه ی شیعه شود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: نسبت دادن کلامی به بزرگواران، بدون وجود مدرک معتبر نمی باشد، هر چیزی که مظهري از مظاهر عزا باشد و عنوان جزع بر اهل بیت (علیهم السلام) بر آن منطبق شود، امر مستحبی است. به خصوص برخی مظاهر غیر متعارف که بعضی شیعیان آن را انجام می دهند، تا با این عمل، ضمن اعلام عظمت مصیبت بر اهل بیت (علیهم السلام) مردم را نیز متوجه کنند و تبلیغی برای این واقعه ی عظیم باشد.

ما جمعی از طلاب بلاد غرب، سال گذشته مراسم محرم را با شکوه برگزار کردیم که موجب جلب نفوس عده ای از مردم شد و امسال به حول قوهی الهی در نظر داریم این مراسم را برگزار کنیم، نظر مبارک حضرتعالی راهنمای کار ما خواهد بود.

بسمه تعالی: اقامه‌ی مجالس عزا و خطابه‌ی فاطمیه در ایام ماه محرم الحرام شرعاً امر راجحی است، با این کار محبت خود به اهل بیت(علیهم السلام) را ابراز دارید و بر مظلومیت آنها تأکید بنمایید. سیره‌ی مؤمنین بر این بوده است که ایام و فیات را تعطیل کرده و سعی می نمایند این شعائر به نحو احسن برگزار شود، تا ضمن حفظ شعائر الهی، اجر و ثواب کسب نمایند که ذخیره‌ی آخرت گردد. حفظ شعائر، بزرگ ترین ذخیره برای آخرت است، در جهت با عظمت برگزار شدن آن تلاش کنید و کارهایی انجام دهید که نفوس دیگران را جذب کند و تبلیغی باشد بر انتشار مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام).

عزاداری باید به چه صورت انجام گیرد؟

بسمه تعالی: هرچه مصداق اندوه و فغان بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) باشد، به خصوص بر سید الشهداء(علیه السلام) مستحب است و در مجالس گریه و سینه زنی و دسته جات عزاداری، بر زنده نگاه داشتن مظاهر حزن تأکید می شود.

آیا روایاتی در خصوص جزع، بکاء و اقامه‌ی مراسم عزای بر سیدالشهدا(علیه السلام) وجود دارد؟

بسمه تعالی: سینه زنی و گریه هرچه شدید باشد، حزن بر سیدالشهدا(علیه السلام) است و از شعائر محسوب می شود و داخل در عنوان جزع است و در این خصوص روایات فراوانی در رجحان و استحباب جزع وارد شده است.

و جزع موجب تقرب به خداست ولو اینکه سینه زدن به سیاه شدن و اضرار به جسد منجر شود. فقط عمل نباید به حد جنایت و یا وهن بر تشیع برسد، هر عملی که منطبق بر جزع شود، از شعائر محسوب شده و مستحب است، «ومن يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب»، به کتاب «وسائل»، باب 66 از ابواب مزار مراجعه کنید.^۱

آیا هنگام سینه زنی می شود بر ران ها هم زد یا زدن، تنها مخصوص سینه است؟

بسمه تعالی: مانعی در هر دو نوع نیست.

۱. احادیث این بخش از کتاب شریف وسائل الشیعه در مقاطع مختلف حاشیه‌ی کتاب ذکر شده است.

حکم شرعی مردانی که لباس خود را در عزا (به مقدار سینه) در آورده و در خیابان های عمومی عزاداری می کنند، چیست؟
بسمه تعالی: درآوردن آن مقدار از لباس در مراسم عزاداری ایرادی ندارد؛ گرچه در خیابان های عمومی باشد.

برخی در مورد مراسم عزاداری حسینی می گویند، سینه زنی و زنجیر زنی نوعی عقب ماندگی محسوب می شود، نظر شما در این زمینه چیست؟
بسمه تعالی: هرچه مصداق جزع (آه و فغان) بر سیدالشهدا(علیه السلام) باشد، مستحب است؛ چنان که در روایات صحیح آمده است (و همچنین بر امامان دیگر(علیهم السلام)).

الحمد لله روز به روز بر عظمت مجالس سیدالشهدا(علیه السلام) افزوده می شود، ولیکن مجالس سایر ائمه(علیهم السلام) کمرنگ است، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: اهمیت دادن به محرم و صفر، به دلیل عظمت مصیبت است؛ واقعه‌ی کربلا دلیل قاطع بر حقانیت مذهب برحق تشیع است و شیعه باید بر این مجالس اهتمام ورزیده و آنها را هرچه باشکوه‌تر برگزار کنند تا سند حقانیت تشیع همیشه زنده باقی بماند، این مراسم را نسل به نسل منتقل کرده و فرزندان خود را حسینی تربیت کنند.

چه کنیم تا خدای ناکرده مجالس اهل بیت(علیهم السلام) به مرور زمان کمرنگ نشود؟

بسمه تعالی: ان شاء الله هیچ گاه این مجالس کمرنگ نخواهد شد و به حمد الله روز به روز عظمت این مجالس (در مصائب اهل بیت(علیهم السلام)) افزون می گردد. «إِنَّ لِقَتْلَ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) حرارة فی قلوب المؤمنین لا تبرد أبدا»^۱ همانا شهادت امام حسین(علیه السلام) حرارت و شعله‌هایی در قلب‌های مؤمنین ایجاد کرده که هرگز سرد نمی شود. وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که بر عظمت برگزاری این مجالس بیفزاییم و اجازه ندهیم عده‌ای با القاء شبهه، سعی در فریب دادن عوام از مؤمنین نمایند.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵.

نظر حضرت تعالی در مورد روایت معاویه بن وهب در خصوص ناله و گریه

بر حضرت امام حسین (علیه السلام)، از لحاظ سند و دلالت چیست؟

بسمه تعالی: آن روایت از لحاظ دلالت، تام و از لحاظ سند، صحیح است.

«قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): اَللّهُمَّ... وَاَرْحَمْ تِلْكَ الْاَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَاَرْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَنَا وَاَرْحَمْ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا؛^۱ امام صادق (علیه السلام) بر سجاده‌ی خود نشسته و بر زائران و سوگواران اهل بیت (علیهم السلام)، چنین دعا می کرد و می فرمود: خدایا! آن دیدگان را که اشک هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل هایی را که به خاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.»

«قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فِينَا دَمْعَةً لِدِمِّ سُفْكِ لَنَا أَوْ حَقُّ لَنَا نَقِصْنَاهُ أَوْ عَرِضَ انْتِهَكَ لَنَا أَوْ لَاحِدٌ مِنْ شِيعَتِنَا بِوَأْهِ اللَّهِ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ حَقْبًا؛^۲ امام صادق (علیه السلام) فرمود: هرکس که چشمش در راه ما گریان شود، به خاطر خونی که از ما ریخته شده است، یا حقی که از ما گرفته اند، یا آبرویی که از ما یا یکی از شیعیان ما برده و هتک حرمت کرده اند، خدای متعال به همین سبب، او را در بهشت جاودان، برای ابد جای می دهد.»

۱. بحارالانوار، ج 98، ص 8؛ الکافی، ج 4، ص 583؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 321.

۲. امالی شیخ مفید، ص 175؛ بحارالانوار، ج 44، ص 279؛ العوالم، ص 528.

با خروج دسته های عزاداری، زنان در دو طرف خیابان می ایستند و با عزاداری شروع به سینه زدن می کنند، نظر مبارک شما چیست؟
بسمه تعالی: خروج زنان برای شرکت در دسته ی عزاداری مانعی ندارد اما نباید مقترن با حرام باشد.

آیا زنان می توانند در دسته جات عزاداری شرکت کنند؟
بسمه تعالی: خروج زنان با رعایت تمام موازین شرع مقدس، مانعی ندارد، بلکه این حرکت همراه شدن با حزن عقیده ی بنی هاشم(علیها السلام) و حرم اهل بیت(علیهم السلام) است.

شعائر حسینی..... 41

آیا مردان می توانند پیراهن خود را جهت سینه زنی در خیابان ها در
بیاورند؟

بسمه تعالی: اشکالی ندارد هرچند که در خیابان باشد؛ سینه زنی،
خود یکی از موارد تعظیم شعائر است «ومن یعظم شعائر الله فإنها من
تقوی القلوب»^۱.

مشاهده می شود بعضی از خانم ها به صورت ملایم آرایش کرده و در
مجالس عزاداری شرکت می کنند، نظر شما چیست؟
بسمه تعالی: آرایش کردن مناسب با مجالس اهل بیت (علیهم
السلام) نیست، هرچند که نامحرمی در بین نباشد، والا اگر اجنبی در
مجلس باشد آرایش کرده وارد شدن، جایز نیست.

۱. سوره ی حج، آیه ی 32 .

استفاده از علامات خاص، آلات موسیقی

در عزای اهل بیت (علیهم السلام)

- * استعمال پرچم و بعضی علامات
- * استفاده از طبل، سنج و شیپور
- * تعزیه خوانی و شبیه خوانی
- * استفاده از الحان غنائی
- * استفاده از آهنگ غم انگیز
- * کف زدن در مجالس اهل بیت (علیهم السلام)
- * گریه بلند زن
- * استعمال آلات موسیقی
- * خواندن زن

استعمال پرچم و بعضی علامات در عزاداری حسینی چه حکمی دارد، با توجه به اینکه بعضی از اینها نقاشی هستند و یا اشکال آنها مختلف است؟
(مانند صلیب)

بسمه تعالی: اگر منافاتی با عزاداری سیدالشهدا(علیه السلام) نداشته باشد، مانعی ندارد و آنچه که تاکنون دیده ایم، منافاتی نداشته و سبب می شود که قلوب مؤمنین تحت تأثیر قرار گیرد. علمای بزرگی وجود داشته اند که این مراسم را دیده و در مورد آن نظر داده اند، این مراسم نسل به نسل به ما منتقل شده و ممکن است بعضی افراد با مطرح کردن بعضی اشکالات بخواهند عزاداری را منحصر به روضه خوانی کنند، ولیکن جزع بر سیدالشهدا(علیه السلام) سند گویا و دلیل قاطع بر حقانیت مذهب تشیع است و باید زنده نگاه داشته شود.

حکم استفاده از علامت و پرچم در مراسم عزاداری حسینی(علیه السلام) چیست؟ با توجه به این نکته که بر بعضی از آنها نقش های عجیبی وجود دارد؟

بسمه تعالی: ایرادی ندارد و این موارد، شور عزا را در بین مؤمنین بیشتر می کند و علم و علامات در دسته های عزاداری جلوه ی خاصی دارد که چه بسا بر حزن مواکب عزا بیفزاید.

آیا استفاده کردن از طبل و سنج در مراسم عزاداری سیدالشهدا(علیه السلام) جایز است؟

بسمه تعالی: استفاده از آلات لهو در مراسم عزاداری جایز نیست، اما کوبیدن بر طبل، که از آلات لهو محسوب نمی شود، ایرادی ندارد.

آیا استعمال طبل در مراسم سیدالشهدا(علیه السلام) جایز است؟
بسمه تعالی: در عزای اهل بیت(علیهم السلام) استفاده از آلات لهو جایز نیست و طبل زدن به نحو متعارفی که در مراسم موسوم است، اشکالی ندارد و از آلات لهو محسوب نمی شود.

آیا صحیح است که با طبل و شیپور دسته جات عزاداری را از حالت معنوی خارج نماییم؟

بسمه تعالی: زدن طبل باید به نحوی باشد که با آن اعلام عزاداری و استعمال شیپور در صورتی جایز است که جهت اعلام عزاداری و آگاهی مردم باشد به نحوی که مرسوم است بعد از آن لفظ را ندا می دهند والا اگر به نحوی استعمال گردد که خدای ناکرده طوری دیگر الهام شود، به طور قطع جایز نیست.

بعضی از مردم نسبت به غزل‌هایی که در ستایش اهل بیت (علیهم السلام) سروده می‌شود، اعتراض دارند و می‌گویند: این مطالب با عرف منافات دارد و بی ادبی نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) است، نظر شما چیست؟
بسمه تعالی: هرگاه آن اشعار و سروده‌ها (غزل‌ها) دارای مضامین صحیح باشد، ایرادی ندارد.

آیا جایز است در عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) از شبیه درست کردن (تئاتر یا سریالی که ماجرای کربلا را بیان می‌کند) استفاده شود؟
بسمه تعالی: اگر توهین یا سبک شمردن حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، فرزندان و اهل بیت (علیهم السلام) او و اصحاب و یارانش نباشد و اینکه شامل گناه دیگر مانند دروغ یا موسیقی نباشد، ایرادی ندارد.

در بعضی از شبیه خوانی‌ها افرادی را جهت ایفای نقش معصوم (علیه السلام) می‌گمارند که سمعه‌ی خوبی ندارد و در نهایت وهن به مقام اهل بیت (علیهم السلام) است نظر حضرت تعالی چیست؟
بسمه تعالی: در این موارد باید دقت شود، که خدای ناکرده به مقام اهل بیت (علیهم السلام) وهن نشود. برگزار کنندگان این گونه مراسم باید دقت کافی داشته باشند و این گونه مسائل را مراعات کنند.

اگر الحان استعمال شده، غنائی باشد اما به خاطر غم انگیز بودن، بر جوانان اثر بسیار داشته باشد، به طوری که با تمام وجود ابراز احساسات کنند آیا جایز است؟

بسمه تعالی: اگر مناسب با الحان متعارفه در مجالس لهُو باشد، جایز نیست و شرکت در این مجالس حرام است و شخص باید نصیحت کند؛ این گونه سبک ها و خواندن ها، وهن بر مقام اهل بیت(علیهم السلام) محسوب می شود و تحت تأثیر قرار گرفتن، مجوز شرعی نمی شود. کاری نکنید که فردای قیامت ثوابی برای شما ذخیره نشود و حسرت روزهای از دست رفته را بخورید.

گاهی اوقات سرودهایی از صدا و سیما پخش می شود که مصائب اهل بیت(علیهم السلام) با آهنگ خوانده شده و به شکل غم انگیز اجرا گردیده و آلات موسیقی در آن استعمال شده است، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: این عمل، حرام است و وهن بر مقام اهل بیت(علیهم السلام) محسوب می شود و هرکس در این کار شریک باشد، فردای قیامت مسئول است. لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم.

اگر در ذکر مناقب، فضائل یا مصائب اهل بیت (علیهم السلام) آهنگ استعمال شود وظیفه‌ی ما چیست؟ متأسفانه در جامعه این گونه خواندن ها رایج شده و مصائب را به صورت ترانه‌ی غم انگیز همراه با آهنگ اجرا می کنند! بسمه تعالی: باید از مجلس خارج شوید و آنان را نهی از منکر کنید. مقام اهل بیت (علیهم السلام) با آهنگ و موسیقی مناسبت ندارد و وهن بر آنان است و شخص حاضر، شنونده، اجرا کننده و برنامه ریز این مجالس باید فردای قیامت پاسخگو باشند.

کف زدن در موالید اهل بیت (علیهم السلام) چه حکمی دارد؟
بسمه تعالی: کف زدن در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) جایز نیست و وهن بر مقام آنها حساب می شود. مجالس را با صلوات، ذکر مناقب، فضایل و مدح آن بزرگواران، بدون کف زدن و اموری از این قبیل برگزار نمایید تا ثوابی کسب کنید، و بر کف زدن در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) عنوان لهُو منطبق است و جایز نمی باشد.

گاهی از بعضی جاها رد می شویم صدای بلند گریه‌ی زن ها، به گوش می رسد، آیا گوش دادن به این صدا حرام است؟
بسمه تعالی: صدای گریه زن ها در عزای اهل بیت (علیهم السلام) هر چند که به گوش اجنبی برسد، مانعی ندارد.

استعمال آلات موسیقی در عزاداری چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: استعمال آلات موسیقی جایز نیست و وهن بر مقام ائمه(علیهم السلام) حساب می شود و باید ترک شود.

گاهی مشاهده می شود که زن ها در مجالس عزاداری صدای خود را بلند می کنند به طوری که نامحرم صدای آنها را می شنود، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: زن ها باید مراعات کنند که نامحرم صدای آنها را نشنود و اگر مجلس فقط برای زن ها باشد، مانعی ندارد.

آیا گوش دادن به صدای زن در مدایح اهل بیت(علیهم السلام) جایز است؟
بسمه تعالی: اگر به حالت غنا نباشد و نامحرم صدای آن را نشنود و مشتمل بر خواندن باطل نباشد، مانعی ندارد و در خواندن مرد و زن تفاوتی نیست. خواندن به نحو غنا حرام است ولو اینکه مدح اهل بیت(علیهم السلام) باشد.

گاهی در مراسم سینه زنی، لحن غنائی به کار برده می شود و احیاناً از بعضی از ترانه های معروف سبک اخذ می شود، این کار چه حکمی دارد؟
بسمه تعالی: این فعل حرام است و وهن بر مقام اهل بیت(علیهم السلام) محسوب می شود.

آیا زن می تواند برای زن های دیگر مداحی کند و اگر صدای او را اجنبی بشنود چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: اینکه زن بر زن های دیگر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) را بخواند، مانعی ندارد ولیکن باید مراعات کند که صدایش را اجنبی نشنود.

آیا صدای بلند عزاداری زن ها که مخلوط می باشد، مانعی دارد؟
بسمه تعالی: گریه و زاری و نوحه خواندن زن ها در مجالس اهل بیت(علیهم السلام) مانعی ندارد و باید مراعات کنند که صدای تک زن ها به گوش اجنبی نرسد، صدای مخلوط زن ها مانعی ندارد.

در صورتی که یقین داشته باشیم صدای مجلس عزاداری بانوان به گوش مردان نامحرم می رسد، چه حکمی دارد؟
بسمه تعالی: بانوان محترمه باید سعی کنند که صدای آنها را نامحرم نشنود، اگر مجلس ویژه بانوان بوده و صدا مخلوط باشد، ایرادی ندارد.

ردی بر بعضی شبهات

در خصوص مراسم عزاداری

(استفتائات)

نظر شما در مورد مراسم حسینی چیست و در جواب افرادی که می گویند، این مراسم مشروع نیست؛ چون در زمان اهل بیت(علیهم السلام) رایج نبوده است، چه بگوییم؟

بسمه تعالی: شیعیان در دوران امامان(علیهم السلام) در حال تقیه بودند؛ با این وجود، مراسم عزاداری را در حد امکان انجام می دادند و اگر این مراسم در آن زمان مانند امروز انجام نمی گرفت، به علت عدم امکان بوده و این دلیل مشروع نبودن در زمان ما نمی شود. اگر شیعیان در آن زمان می توانستند مراسم را این گونه برگزار کنند، هرآینه همچنان که ما انجام می دهیم، عمل می کردند؛ مانند برافراشتن پرچم های سیاه بر درب حسینیه ها؛ بلکه بر ورودی خانه ها که نشانه ای اندوه باشد. کسی که تاریخ زیارت امام حسین(علیه السلام) توسط شیعیان (در زمان امامان معصوم(علیهم السلام)) را بخواند، این مسئله را درک می کند و جایی برای این تشکیک نمی ماند.

ولیکن ائمه(علیهم السلام) ما را به برگزاری مراسم عزا و گریه بر مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) ترغیب نموده اند.

عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لِي: أُنْشِدْنِي، فَأَنْشَدْتُهُ فَقَالَ: لَا، كَمَا تُنْشِدُونَ وَكَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ...؛ ابو هارون مكفوف می گوید: خدمت حضرت صادق(علیه السلام) رسیدم. امام به من فرمود: برایم شعر بخوان. پس برایش اشعاری خواندم.

فرمود: این طور نه، همان طور که (برای خودتان) شعر خوانی می کنید و همان گونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا مرثیه می خوانی.^۱

قالَ عَلِيُّ (علیه السلام): إِنَّ اللَّهَ... اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛^۲ علی (علیه السلام) فرمود: خداوند برای ما، شیعیان و پیروانی برگزیده است که ما را یاری می کنند، با خوشحالی ما خوشحال می شوند و در اندوه و غم ما، محزون می گردند.

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّجَّادُ (عليهما السلام): أَيُّمَا مُؤْمِنٌ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى يَسِيلَ عَلَى خَدَّيْهِ بَوَّاءُ اللَّهِ فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا...؛^۳ امام سجاد (علیه السلام) فرمود: هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی (علیهما السلام) و همراهانش اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه های بهشتی جای می دهد.

قالَ الصَّادِقُ (علیه السلام) لِلْفُضَيْلِ: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا؛^۴ امام

۱. بحارالانوار، ج 44، ص 287.

۲. تحف العقول، ص 123؛ غرر الحکم، ج 1، ص 235.

۳. ینابیع المودة، ج 3، ص 102؛ کامل الزیارات، ص 207، ج 295.

۴. وسائل الشیعه، ج 10، ص 392.

شعائر حسینی.....57

صادق(علیه السلام) از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث و سخن می گوید؟ گفت: آری! فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که راه ما را احیا کند.

قال الرضا(علیه السلام): مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛^۱ امام رضا(علیه السلام) فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد.

قال الرضا(علیه السلام): يَا بَنَ شَيْبٍ! إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ(علیه السلام) حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيراً كَانَ أَوْ كَبِيراً قَلِيلاً كَانَ أَوْ كَثِيراً؛^۲ امام رضا(علیه السلام) فرمود: ای پسر شیب! اگر بر حسین(علیه السلام)، آن قدر گریه کنی که اشک هایت بر چهره ات جاری شود، خداوند همه ی گناهای را که مرتکب شده ای می آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد.

کوتاه سخن اینکه تمام این مراسم، به نحوی مراسم الهی بوده و اظهار حزن و اندوه به خاطر مصائب وارد بر امام حسین(علیه السلام) و

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 278، ح 1.

۲. امالی صدوق، ص 112.

58.....شعائر حسینی

خاندان و یارانش و یا بر دیگر امامان معصوم(علیهم السلام) می باشد که دلالت بر مشروعیت و استحباب آن دارد و از بهترین راه های تقرب به خدای متعال است. خداوند می فرماید: «و هرکس شعائر الهی را برپا دارد و تعظیم نماید، از پرهیزکاری و تقوای دل ها است»^۱.

۱. سوره ی حج، آیه ی 32.

شعائر حسینی..... 59.

بعضی می گویند این شعائری که امروز وجود دارد، در زمان ائمه (علیهم السلام) نبوده است و یک عادت است، نه عملی که ائمه (علیهم السلام) آن را انجام می دادند؟

بسمه تعالی: شیعیان در زمان ائمه (علیهم السلام) در حال تقيه بودند و به قدر امکان، مظاهر عزا را برگزار می کردند و عدم وجود شعائر به دلیل آن بود که این امکان برای شیعه وجود نداشت که این اعمال را انجام دهد و اگر برای شیعیان ممکن بود، آن را برگزار می کردند. اگر تاریخ را بررسی کنید خواهید یافت که شیعیان چگونه در مشکل بودند، ولیکن به هر شکل ممکن از عقاید خود دفاع می کردند و هر آنچه را که می توانستند در جهت حفظ شعائر انجام دهند، کوتاهی نمی کردند و دلیل آن، رسیدن این مراسم به ماست. هر چیزی که داخل در عنوان جزع باشد مستحب است و عمل به شعائر بهترین عمل جهت تقرب به خداست «وذلك من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب»^۱.

قال الرضا (عليه السلام): مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ
يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛^۲ امام رضا (عليه السلام) فرمود: هرکس در مجلسی

۱. سوره ی حج، آیه ی 32.

۲. بحار الانوار، ج 44، ص 278.

60.....شعائر حسینی

بنشیند که در آن، امر (و خط و مرام ما) احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد.

قال الرضا(عليه السلام): ... فعلى مثل الحسين فليبك الباكون فإن البكاء عليه يحط الذنوب العظام. . . ؛^۱ امام رضا(عليه السلام) فرمود: گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین(عليه السلام) گریه کنند، چرا که گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می ریزد.

مشاهده می شود بعضی از خطبا و سخنرانان، قضایای امام حسین(عليه السلام) را با بعضی قضایا، مانند قضیه ی فلسطین و از این موارد قیاس کرده و سخنرانی می نمایند، نظر مبارک شما در این مورد چیست؟

بسمه تعالی: قضایای اهل بیت(عليهم السلام) و به خصوص قضیه ی سیدالشهدا(عليه السلام) قابل نقل در کنار سایر قضایا، از جمله مسئله ی مذکور نیست، واجب است که مقام آنها حفظ شود. هرکس این عمل را انجام دهد مسئول است. مقام اهل بیت(عليهم السلام) مقام رفیعی است که قداست آن باید حفظ شود و خطیب نباید در ایام مصائب و وفیات اهل بیت(عليهم السلام) مسائل دیگری که مربوط به این واقعه نیستند را مطرح کند. والله الهادی الى سواء السبیل.

شعائر حسینی..... 61

آیا برگزاری شعائر حسینی با عنوان حزبی و قبیله ای جایز است؟

بسمه تعالی: سزاوار است مؤمنین در جهت هرچه با شکوه تر برگزار شدن مجالس اهل بیت (علیهم السلام) بکوشند و در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) اظهار حزن و جزع بنمایند، و برگزاری این مجالس با عنوان حزبی یا قبیله ای جایز نیست و این امر موجب انحراف شعائر و در نهایت تغییر مسیر می شود. مؤمنین با همان حالت سستی خود در مجالس مختلف حاضر شوند و با تمام وجود از شعائر الهی دفاع نمایند و مجالس را همیشه گرم نگاه دارند که این عمل ذخیره ای آخرت است و عزاداران واقعی اهل بیت (علیهم السلام) فردای قیامت در جایگاه خاصی محشور خواهند شد. تا می توانید در دنیا برای آخرت خود، ذخیره کنید و اهل بیت (علیهم السلام) را در تمام لحظات زندگی واسطه قرار دهید که مصداق «وابتغوا الیه الوسيلة»^۱ هستند.

اخیراً مقاله ای به چاپ رسیده، به این مضمون که: «تا زمانی که اندوه و حزن در وجود ما باشد، دیگر نیازی به سینه زدن نیست»، نظر شما در این زمینه چیست؟

بسمه تعالی: در برگزاری مراسم عزاداری برای معصومین (علیهم السلام)، حزن و اندوه قلبی تنها کفایت نمی کند؛ بلکه لازم است اظهار

۱. سوره ی مائده، آیه ی ۳۶.

62.....شعائر حسینی

گریستن و گریانیدن و سینه زنی شود تا توجه مردم به ظلم هایی که به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) شده، جلب گردد.

آیا نزد حضرت تعالی ثابت نشده که برخی از عزاداری ها از چارچوب شرعی، چه به عنوان اولی یا عنوان ثانوی خارج شده است؟ اگر پاسخ مثبت است، آن اعمال خارج از چارچوب شرع مقدس کدام است؟

بسمه تعالی: هر کاری که نشانه‌ی اندوه و عزا در مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) باشد و یا اینکه جهت ابراز مقام و درجات متعالی اهل بیت (علیهم السلام) برای فداکاری و یاری دین باشد، از کارهای با ارزش است؛ و بلکه گاهی در مواردی هم واجب می شود، اما کاری که موجب توهین به مذهب یا سستی ارکان مذهب یا توهین به ساحت مقدس ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام) شود، حرام است.

بعضی می گویند چه فایده‌ای در زیارت فرزندان ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) وجود دارد، با توجه به اینکه بعضی از آنها مثل رقیه (علیها السلام) و علی اصغر (علیه السلام) کوچک بودند؟

بسمه تعالی: فرزندان ائمه (علیهم السلام) چون حضرت علی اکبر (علیه السلام) و حضرت رقیه (علیها السلام) دارای منزلت و مقامی نزد خدا هستند

شعائر حسینی.....63

که به واسطه‌ی زیارت آنها انسان کسب اجر می کند و به حرف های کسانی که هدفشان اغوای عوام از مؤمنین است گوش ندهید. حضرت علی اصغر(علیه السلام) شاهد روز قیامت و حضرت رقیه(علیها السلام) سند مظلومیت و اسارت اهل بیت(علیهم السلام) در کربلا است^۱.

۱. به جا است به مطلبی که استاد الفقهاء، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) در زیارت خود، به حرم مطهر دخت سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام) حضرت رقیه(علیها السلام) در سوریه فرمودند، اشاره شود.

ایشان می فرمودند: یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسائل فقهی از برترین کارهاست، شما می دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه اقامه گردد، اما در پاره ای از امور مجرد، شهرت در ثبوت (موضوعات خارجی) کافی است، و نیازی به اقامه‌ی بینه و یا چیز دیگری ندارد، مثل آنکه، کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است. از امام(علیه السلام) در مورد حکم این مسئله سؤال شد. حضرت(علیه السلام)فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است، خرید آن جایز نیست و باید آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می شود)، و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والان کسی نباشد که دیده باشد فلان شخص در این مکان دفن شده، اما بین مردم مشهور است که این مکان، محل دفن فلان شخص است، این شهرت کافی است.

و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین(علیهما السلام)، که از اول مشهور بود، گویا حضرت امام حسین(علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت(علیهم السلام) و حوادث آن بپردازند، این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در میان اسیران، حتی دختران

گوش دادن مقتل سیدالشهدا(علیه السلام) در طول سال چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: خواندن و گوش دادن به مقتل امام حسین(علیه السلام)، هرچند که در دهم ماه محرم الحرام انجام می شود، ولیکن در طول

خردسال نیز بوده اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه(علیها السلام) در این مکان، شهرت قائم است، حضرت(علیها السلام) در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارتش شتافتیم، و باید احترام او را پاس داشت، (نگوید خردسال است). علی اصغر(علیه السلام) که کودک شیرخواری بود دارای آن مقامی است که روبه روی حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) در کربلا دفن گردید، گفته اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر حضرت(علیه السلام) این کودک (علی اصغر(علیه السلام)) خردسال را به دست خواهد گرفت و نشان خواهد داد. دفن این طفل خردسال (حضرت رقیه(علیها السلام)) در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد، آن ستمی که تمام پیامبران از آدم تا خاتم بر آن گریستند، تا آنجا که خدا، عزای امام حسین(علیه السلام) را بر آدم خواند، از این رو احترام این مکان لازم است، به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطلی که می گویند رقیه(علیها السلام) طفلی خردسال بیش نبود گوش فرا ندهید، مگر علی اصغر(علیه السلام) کودک خردسال نیست که در روز قیامت شاهی خواهد بود، و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد ان شاء الله تعالی.

بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان (محل دفن حضرت رقیه(علیها السلام)) را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده ای که از گمراهی شیاطین است گوش فرا ندهند و اعتنائی نکنند. ما با زیارت دختر امام حسین(علیه السلام)(رقیه(علیها السلام)) به خداوند متعال تقرب می جوئیم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی نیز همه مظلوم بودند. [درس های برگرفته از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره)، ص 159]

شعائر حسینی.....65

سال مستحب است و این عمل عبادت می باشد. این مقتل موجب تأکید بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) می باشد و خواندن مقتل در دهم ماه محرم مطلوب است و این ایام ویژگی خاصی دارد؛ زیرا موجب حفظ شعائر مذهب می شود و بر هرکس واجب است که از آن مراقبت نماید.

به نظر می آید با توجه به مرور زمان و گذشت قرن ها از اجرای مراسم عاشورا، امروز نیازی به برگزاری این گونه مراسم نمی باشد، به خصوص بعضی از اعمالی که موجب تخریب چهره ی تشیع است، نظر مبارک شما چه می باشد؟

بسمه تعالی: هدف و غایت مظاهری که در شهادت سیدالشهدا(علیه السلام) انجام می گیرد، باقی نگه داشتن ذکر آن است، که خود دلیل قاطع بر حقانیت مذهب تشیع و بطلان مذهب مخالفین می باشد و این اعمال جهت توجه دادن مردم به اهمیت موضوع است و باید بر استمرار آن بکوشیم تا دلیل حقانیت اهل بیت(علیهم السلام) زنده بماند و در قلوب شیعه نسل به نسل منتقل شود. ائمه(علیهم السلام) به تعبیر مختلف، بر برگزاری این مراسم ترغیب کرده اند. در روایت صحیح آمده: «إِنَّ الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ، مَا خِلا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام)، فَإِنَّهُ فِيهِ مَأْجُورٌ»^۱ این ترغیب به دلیل آن است که این قضیه فراموش نشده و پایدار باشد، تا سند محکمی بر حقانیت مذهب ما و بطلان مذهب معاندین باشد.

۱. کامل الزیارات، ص 201، ح 286.

شعائر حسینی.....67

حکم عزاداری که برخی مطالب سیاسی در آن مطرح می شود، چیست؟
بسمه تعالی: اجر و ثواب در عزاداری به خاطر مصیبت های
اهل بیت (علیهم السلام) است، اما عزاداری سیاسی یا دیگر امور دنیوی از
مسئله ی عزای اهل بیت (علیهم السلام) خارج است.

گاهی مشاهده می شود که عده ای از اهل سنت می نویسند که شب دهم
محرم، شیعه ها چراغ ها را خاموش می کنند و زن و مرد مختلط می شوند.

نظر مبارک شما در مورد این گونه مقوله ها چیست؟

بسمه تعالی: مظلومیت امام حسین (علیه السلام) سند حقانیت تشیع
است. مخالفین برای آنکه ظلمی که خلفا در حق خاندان اهل بیت (علیهم
السلام) روا داشته اند را مخفی نمایند، به هر افترا و دروغی تمسک
می جویند ولیکن با تمام این تلاش ها نتوانسته اند ذره ای در قلوب
مردم تأثیر نمایند. بعضی شیعیان برای بیان عظمت مصیبت و ایجاد
فضای روحانی در شب های دهه ی محرم، چراغ ها را خاموش
می کنند و برای مظلومیت سرور شهیدان گریه و زاری می کنند،
افتراءات مخالفین زیاد است، شما اهمیت ندهید. حقایق به مرور زمان
روشن می شود، موفق باشید.

در این اواخر گاهی به گوش ما می رسد که در دوران پیشرفت و تمدن، برگزاری مراسم سنتی عزاداری حضرت سیدالشهداء(علیه السلام) توجیهی ندارد و تا زمانی که رابطه‌ی قلبی ما با امام حسین(علیه السلام) هست، نیازی به این مراسم احساس نمی شود. نظر شریفان در این موضوع چیست؟

بسمه تعالی: این مراسم که به اعتقاد برخی، غیر متعارف می باشد، موجب باقی ماندن حماسه‌ی کربلا شده است. این نوع عزاداری ها برای جلب توجه مردم است و باید تلاش کنیم تا برای تمام زمان ها و تمام نسل ها باقی بماند. امامان(علیهم السلام) بر این مسئله (عزاداری) تأکید کرده اند.¹

1. قال الرضا(علیه السلام):... مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَا يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَ سُرُورِهِ...؛ [عیون اخبار الرضا(علیه السلام)، ج 2، ص 267، ح 57] امام رضا(علیه السلام) فرمود: هرکس که عاشورا، روز مصیبت و اندوه و

گریه اش باشد خداوند روز قیامت را برای او روز شادی و سرور قرار می دهد.
قال الرضا(علیه السلام):... كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكَأَبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ، فَإِذَا كَانَ الْيَوْمُ الْعَاشِرُ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ...؛ [بحارالانوار، ج 44، ص 283، ح 17] امام رضا(علیه السلام) فرمود: هرگاه ماه محرم فرا می رسید، پدرم (موسی بن جعفر(علیهما السلام)) دیگر خندان دیده نمی شد و غم و افسردگی بر او غلبه می یافت تا آن که ده روز از محرم می گذشت، روز دهم محرم که می شد، آن روز، روز مصیبت، اندوه و گریه پدرم بود.

شعائر حسینی..... 69.

قال الصادق (عليه السلام):...الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَقْدِرُ إِلَيْنَا وَيَمْدَحُنَا
بعضی می نویسند: داعی نیست که مراسم عاشورا این گونه بر پا شود، به
مجلس روضه اکتفا کنید که اعمال شما امروزی می باشد!
بسمه تعالی: گریه ی شدید و مؤثر، از مستحبات است که روایات،
دلالت بر رجحان آن دارند. به کتاب وسائل باب 66 از ابواب المزار
مراجعه نمایید تا بر عظمت این کار و استحباب آن مطلع گردید.

➔ وَيَرْتِي لَنَا... [کامل الزیارات، ص 539، ح 829] امام صادق (عليه السلام) فرمود: خدا را
سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند و بر ما وارد می شوند
و ما را مدح و مرثیه می گویند.
قال الرضا (عليه السلام): يا دُعْبِلُ! أَحِبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ
عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (عليه السلام)...؛ [بحارالانوار، ج 45، ص 257، ح 15] امام رضا (عليه
السلام) به دعبیل (شاعر اهل بیت) فرمود: ای دعبیل! دوست دارم که برایم شعری بسرایي و
بخوانی، چرا که این روزها (ایام عاشورا) روز اندوه و غمی است که بر ما خاندان رفته است.
قال الرضا (عليه السلام):... يا دُعْبِلُ! إِرْثِ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا
دُمْتَ حَيًّا فَلَا تَقْصُرْ عَنْ نَصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ...؛ [بحارالانوار، ج 45، ص 257، ح 15] امام
رضا (عليه السلام) فرمود: ای دعبیل! برای حسین بن علی (علیهما السلام) مرثیه بگو، تو تا
زنده ای، یاور و ستایشگر مایی، پس تا می توانی، از یاری ما کوتاهی مکن.
قال عَلِيُّ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ... اخْتَارَ لَنَا شِيعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ
لِحُزْنِنَا؛ [غررالحکم، ج 1، ص 235] علی (عليه السلام) فرمود: خداوند برای ما، شیعیان و
پیروانی برگزیده است که ما را یاری می کنند، با خوشحالی ما خوشحال می شوند و در
اندوه و غم ما، محزون می گردند.

آیه‌ی قرآن می‌فرماید: (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)^۱، پس چرا ما شیعیان در محرم و صفر این همه بی‌تابی، گریه و سینه زنی می‌کنیم؟

بسمه تعالی: آنچه که در روز عاشورا بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشته، مصیبت مذهب و دین است و جزع بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) از جمله گریه، عبادت است و آیه‌ی قرآنی که ذکر کردید، ناظر به مصیبت شخصی است، مانند کسی که عزیزی را از دست دهد نه آنکه مصیبت دینی باشد؛ مصیبت امام حسین (علیه السلام) ارتباط مستقیم با دین دارد و هر آنچه که مرتبط با دین است باید آن را زنده نگاه داشت؛ زیرا که دین به برکت آن استمرار پیدا کرده است و آنچه انجام می‌گیرد به توصیه‌ی خود ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) است.

قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَام) لِلْفُضَيْلِ: تَجْلِسُونَ وَتَتَحَدَّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْيُوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَى أَمْرَنَا؛^۲

امام صادق (علیه السلام) از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می‌نشینید و حدیث و سخن می‌گویید؟ گفت: آری! فرمود: این گونه مجالس را

۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

شعائر حسینی.....71

دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کند.

قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): ... كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ (عليه السلام)؛ امام صادق (عليه السلام) فرمود: هر نالیدن و گریه ای مکروه است، مگر ناله و گریه بر حسین (عليه السلام).^۱

قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ امام رضا (عليه السلام) فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (راه و مرام ما) احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد.^۲

آیا اهدای خون به نام حضرت سیدالشهداء (عليه السلام) داخل در عنوان عزاداری است؟ نظر شما درباره ی برخی کارها که بهانه ای دست مخالفان می دهد، چیست؟

بسمه تعالی: اهدای خون ربطی به عزاداری سیدالشهداء (عليه السلام) و اندوه بر مصیبت او نداشته و آنچه که مخالفان می گویند، اهمیتی ندارد. تهمت های آنان بسیار است، مؤمنین می باید بر اندوه و زاری بر امام

۱. بحار الانوار، ج 45، ص 313.

۲. بحار الانوار، ج 44، ص 278.

حسین(علیه السلام)، فرزندان و یارانش مواظبت کنند. اندیشه کردن در این قضایا راه صحیح و مستقیمی برای رسیدن به حقیقت مذهب شیعه خواهد بود، که خداوند آنان را از شر و نقشه های دشمنان محافظت نماید؛ همان گونه که در طول زمان تا به امروز آنها را حفظ کرده است.

والحمد لله رب العالمین.

بعضی از اشخاص در روز دهم محرم (روز عاشورا) سعی می کنند مردم

را به اهدای خون ترغیب کنند، آیا این عمل ثواب دارد؟

بسمه تعالی: این عمل خارج از شعائر است و ربطی به عزاداری امام حسین(علیه السلام) ندارد و اگر بعضی سعی می کنند آن را به شعائر مرتبط سازند، مسئول هستند و فردای قیامت باید جوابگو باشند. نباید شعائر را با بعضی کارهایی که مربوط به شعائر نیست؛ از جمله مورد مذکور منحرف کنند. و واجب است بر مؤمنین که بر شعائر تحفظ نمایند، و تلاش در جهت بیان مصائب سیدالشهدا(علیه السلام)، اهل بیت(علیهم السلام) و اصحاب راستین او، امری است ممدوح و مورد قبول پروردگار که موجب پاداش اخروی است.

سؤالاتی در خصوص

خطبہ، شعرا و مداحان

اہل بیت (علیہم السلام)

بعضی از خطبا در ایام شهادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) موضوعات

اجتماعی را مطرح می کنند، نظر مبارک شما چیست؟

سزاوار است که خطیب، در ایام مصائب اهل بیت (علیهم السلام) امور مرتبط با مصائب ایشان را ذکر کند. مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بسیار است و در ایام حزن، ذکر آن وقایع مطلوب می باشد و حزن بر آنان؛ از جمله گریه کردن و روضه خواندن از شعائر است و خطیب باید مطالبی را در منبر مطرح کند که شامل مناقب، فضایل و مصائبی باشد که بر آنان گذشته است، والا فردای قیامت مسئول خواهد بود. منبر نباید با مطالبی که مرتبط با سیره ی اهل بیت (علیهم السلام)، فضایل، مناقب و مصائب آنها نیست، بگذرد.

نصیحتی برای شعرای اهل بیت (علیهم السلام) بفرمایید.

بسمه تعالی: از شعرا و خطبا توقع می رود که جهت بیان مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و نشر فضائل و مناقب آنان، بر نصوص معتبر اعتماد کنند که در این صورت اجر و ثواب فراوانی کسب خواهند کرد، و سبک آنان باید از حالت طرب دور باشد و همچنین از سبک های غنایی تقلید نکنند که حرام است.

بعضی از مداحان شعرهایی درست کرده و می خوانند که به نظر می آید
با مقام شامخ سید الشهدا (علیه السلام) مناسبت ندارد، چه نصیحتی
می فرمایید؟

بسمه تعالی: گفتن شعر در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) ثواب دارد
و مداحان و شاعران برای کسب اجر اخروی و نائل شدن به ثواب باید
اشعاری را ذکر کنند که مناسب با مقام و منزلت اهل بیت (علیهم السلام)
باشد و خدای ناکرده و هن بر مقام آنها نباشد، خداوند به همه ی ما
توفیق دهد که خادم دستگاه سیدالشهدا (علیه السلام) و اهل بیت (علیهم
السلام) باشیم.¹

¹. عن أبي هارون المكنوف، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): يا أبا هارون أنشدني
في الحسين (عليه السلام)، قال: فأنشدته فبكي، فقال: أنشدني كما تتشدون - يعني
بالرقة - قال: فأنشدته:

امرر على جدث الحسين *** فقل لأعظمه الزكية

قال: فبكي، ثم قال: زدني، قال: فأنشدته القصيدة الأخرى، قال: فبكي، وسمعت البكاء
من خلف الستر، قال: فلما فرغت قال لي: يا أبا هارون من أنشد في الحسين (عليه
السلام) شعرا فبكي وأبكي عشرا كتبت له الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فبكي
وأبكي خمسة كتبت له الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فبكي وأبكي واحداً كتبت
لهما الجنة، ومن ذكر الحسين (عليه السلام) عنده فخرج من عينه من الدُموع مقدار

جناح ذباب کان ثوابه علی الله ولم یرض له بدون الجنة؛ [کامل الزیارات، ص 208، ح

[297

از ابی هارون مکفوف نقل شده است که گفت، حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند:
ای ابا هارون! آیا شعری در مصیبت امام حسین (علیه السلام) برایم می خوانی؟
ابا هارون می گوید: پس برای آن حضرت شعری خواندم و آن جناب گریست.
سپس فرمودند: همان طوری که پیش خود شعر و مرثیه می خوانید، برایم بخوان - یعنی با
رقت و لطافت - ابا هارون می گوید:
پس این بیت را برای آن جناب با رقت و لطافت خواندم:
یعنی: گذر کن بر قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام)، پس به استخوان های پاک و
مطهرش بگو.
ابا هارون می گوید: امام (علیه السلام) گریست، سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان.
پس قصیده ی دیگر برای حضرتش خواندم.
ابا هارون می گوید: امام (علیه السلام) گریستند و صدای گریه ی اهل منزل را از پشت پرده
شنیدم.
سپس ابا هارون می گوید، وقتی از خواندن فارغ شدم حضرت به من فرمودند: ای ابا هارون!
کسی که در مرثیه حسین بن علی (علیهما السلام) شعری خوانده و خود گریه کرده و ده نفر
دیگر را بگریاند بهشت بر ایشان واجب می گردد. و کسی که در مرثیه ی حسین (علیه
السلام) شعری خوانده و خود گریه کرده و یک نفر دیگر را بگریاند، بهشت برای هر دو
واجب می شود.
و کسی که امام حسین (علیه السلام) را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگس
اشک بیاید، ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت اجر و ثواب
نمی دهد.

عن أبي عمارة المنشد، عن أبي عبدالله (عليه السلام)، قال: قال لي: يا أبا عمارة أنشدني في الحسين (عليه السلام)، قال: فأنشدته، فبكي، ثم أنشدته فبكي، ثم أنشدته فبكي، قال: فوالله ما زلت أنشده ويبكي حتى سمعت البكاء من الدار، فقال لي: يا أبا عمارة من أنشد في الحسين (عليه السلام) شعراً فأبكي خمسين فله الجنة ومن أنشد في الحسين شعراً فأبكي أربعين فله الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فأبكي ثلاثين فله الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فأبكي عشرين فله الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فأبكي عشرة فله الجنة، ومن أنشد في الحسين (عليه السلام) شعراً فأبكي واحداً فله الجنة، ومن أنشد في الحسين (عليه السلام) شعراً فبكي فله الجنة، ومن أنشد في الحسين شعراً فتباكي فله الجنة؛ [كامل الزيارات، ص 209، ح 298؛ الامالي للشيخ الصدوق، ص 205، ح 222]

ابی عماره منشد گفت، حضرت صادق (عليه السلام) به من فرمودند: ای ابو عماره! شعری در مرثیه حسین (عليه السلام) برایم بخوان.

ابوعمارہ می گوید: برای آن حضرت شعر خواندم پس آن حضرت گریست، سپس خواندم، باز آن حضرت گریه کرده و بعد از آن باز خواندم و آن حضرت گریستند. ابوعمارہ می گوید: به خدا قسم، شعر می خواندم و آن جناب گریه می کردند تا جایی که صدای گریه از منزل و خانه به گوشم رسید، پس حضرت به من فرمودند:

ای ابوعمارہ! کسی که در مصیبت حسین (عليه السلام) شعری بخواند سپس پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه ی حسین (عليه السلام) شعری خوانده و چهل نفر را بگریاند، بهشت برای اوست.

و کسی که در مصیبت حسین (عليه السلام) شعری خوانده و سی نفر را بگریاند، بهشت برای او است.

و کسی که در مرثیه‌ی حسین(علیه السلام) شعری خوانده و بیست نفر را بگریاند، بهشت برای او است.
و کسی که در مصیبت حسین(علیه السلام) شعری خوانده و ده نفر را بگریاند، بهشت برای او است.
و کسی که در مصیبت حسین(علیه السلام) شعری خوانده و خودش بگرید، بهشت برای او است.
و کسی که در مرثیه‌ی حسین(علیه السلام) شعری خوانده و یک نفر را بگریاند، بهشت برای او است.
و کسی که در مرثیه‌ی حسین(علیه السلام) شعری خوانده و به هیئت گریه کن درآید، بهشت برای او است.
عن عبدالله بن غالب، قال: دخلت علی أبی عبدالله(علیه السلام) فأنشدته مرثیة الحسین(علیه السلام)، فلما انتهیت إلی هذا الموضع:

لبلیة تسقو حسینا *** بمسقاة الثری غیر التراب

فصاحت باکیه من وراء الستر: وا أبتاه؛ [کامل الزیارات، ص 209، ح 299؛ بحارالانوار، ج 44، ص 286، ح 24]

عبدالله بن غالب گفت:

بر حضرت صادق(علیه السلام) داخل شده پس شعری در مرثیه‌ی حضرت امام حسین(علیه السلام) خواندم و وقتی به این بیت منتهی شدم:

به خدا قسم مصیبتی بود که آن مصیبت حسین(علیه السلام) را در آب خورگاه زمینی مرطوب و نه خشک سیراب نمود.

پس مخدره ای که در پشت پرده می گریست، با صدای بلند فریاد زد: وا أبتاه!

عن صالح بن عقبة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أنشد في الحسين (عليه السلام) بيت شعر فبكي وأبكي عشرة فله ولهم الجنة، ومن أنشد في الحسين بيتاً فبكي وأبكي تسعة فله ولهم الجنة، فلم يزل حتى قال: من أنشد في الحسين بيتاً فبكي - وأظنه قال: أو تباكي - فله الجنة؛ [كامل الزيارات، ص 210، ح 300]

صالح بن عقبة از حضرت صادق (عليه السلام) نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که در مرثیه‌ی حضرت امام حسین (عليه السلام) یک بیت شعر خوانده و گریه کند و ده نفر را بگریاند، بهشت برای او و آن ده نفر می باشد. و کسی که یک بیت شعر در مصیبت امام حسین (عليه السلام) خوانده پس گریه کند و نه نفر را بگریاند، بهشت برای او و آن نه نفر می باشد. و پیوسته امام (عليه السلام) این فقره را با کاهش دادن نفرات تکرار نموده تا در نهایت فرمودند:

و کسی که یک بیت شعر در مصیبت امام حسین (عليه السلام) خوانده و خود بگیرد (راوی می گوید گمان می کنم امام (عليه السلام) فرمود: یا تباکی کرده و خود را به صورت گریه کن درآورد) بهشت برای او می باشد.

شعائر حسینی.....81

امروز سبک های مداحی فرق کرده و بعضی واقعاً طریقه ی خواندنشان

مانند مجالس لهُو و لعب است، وظیفه ی ما چیست؟

بسمه تعالی: باید از این گونه مجالس خارج شود و به آنان نصیحت کند. طریقه ی خواندن باید به نحوی باشد که علاوه بر محزون بودن، وهن به مقام اهل بیت(علیهم السلام) نباشد و تقلید از سبک های لهُوی در مداحی جایز نیست و کسی که چنین کاری بکند، فردای قیامت مسئول خواهد بود.

وظیفه ی ما در مقابل مداحانی که به لحن اهل فسوق می خوانند، چیست؟

بسمه تعالی: باید از مجلس خارج شوید و به دیگران بفهمانید که این خواندن ها، وهن بر مقام اهل بیت(علیهم السلام) است و باید ترک شود و هرکس در آن شریک باشد، فردای قیامت مسئول خواهد بود.

اگر مداحان در بین خواندن، بعضی مطالب را داخل در اشعاری می کنند که خود سروده اند و ربطی به عزاداری ندارد، حکم آن چیست؟

بسمه تعالی: این کار مطلوب نمی باشد و اشعار باید در فضائل، مناقب و مصائب اهل بیت (علیهم السلام) باشد و اگر هم خواست مطالبی غیر از موارد ذکر شده را تذکر دهد، باید خارج از قصیده یا شعری که در حق اهل بیت (علیهم السلام) سروده شده است، ذکر کند. و اگر شخص زحمت کشیده و شعری گفته باید طوری آن را انشاد کند که شعر در رثای امام حسین (علیه السلام) یا اهل بیت (علیهم السلام) باشد به طوری که موجب شود برای آخرتش ذخیره ای باشد و احادیث استحباب انشاد شعر شامل آن شود.¹

1. «عن زید الشَّحَام - فی حدیث - إنَّ أبا عبد الله (علیه السلام) قال لجعفر بن عقیان الطائی: بلغنی أنَّک تقول الشعر فی الحسین (علیه السلام) وتجید؟ قال: نعم. فأُنشده فبکی ومن حوله حتّی سالت الدموع علی وجهه ولحیته ثم قال: یا جعفر والله لقد شهدک ملائکة الله المقربون ههنا یسمعون قولک فی الحسین (علیه السلام) ولقد بکوا کما بکینا وأكثر، ولقد أوجب الله لک یا جعفر فی ساعتک الجنّة بأسرها وغفر لک، فقال: ألا أزیدک؟ قال نعم یا سیدی، قال: ما من أحد قال فی الحسین (علیه السلام) شعراً فبکی وأبکی به إلّا أوجب الله له الجنّة وغفر له؛ [اختیار معرفة الرجال، ج 2، ص 575؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 464، ح 1]

زید شحام در ضمن روایتی گفت، امام صادق (علیه السلام) به جعفر بن عفان طائی فرمودند: بگو ببینم در حق امام حسین (علیه السلام) شعر می گویی؟ گفتم: بله! پس برای امام صادق (علیه السلام) شعر خواندم ایشان گریه کردند و کسانی که در نزد بودند شروع به گریه کردند و اشک های امام بر صورت و محاسنش جاری شد. سپس امام (علیه السلام) فرمودند: ای جعفر! به خدا قسم ملائکه تو را مشاهده کردند و صدای تو را در حق امام حسین (علیه السلام) شنیدند و گریه کردند چنان که ما گریه کردیم؛ بلکه بیشتر از ما. و در این وقت امام فرمود: ای جعفر! بهشت را، خدا بر تو واجب کرد و گناهان تو را بخشید، سپس امام (علیه السلام) فرمود: بیشتر بگویم؟ گفتم: بله ای مولای من! امام (علیه السلام) فرمودند: هرکس در مورد امام حسین (علیه السلام) شعری بگوید و گریه کند و بگریاند بهشت بر او واجب شده و گناهانش بخشیده می شود.

عن عبدالله بن الفضل الهاشمی قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام) من قال فينا بيت شعر بنى الله تعالى له بيتاً في الجنة؛ [بحار الانوار، ج 26، ص 231، ح 3]

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که در حق ما یک بیت شعر بگوید، خداوند در ازای آن یک بیت شعر خانه ای در بهشت برای او بنا می کند.

عن علي بن سالم، عن أبيه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: ما قال فينا قائل بيت شعر حتى يؤيد بروح القدس؛ [بحار الانوار، ج 26، ص 231، ح 4]

امام صادق (علیه السلام) فرمود: نگفت در حق ما گوینده ای یک بیت شعر، مگر اینکه به وسیله روح القدس تأیید شده باشد.

عن الحسن بن الجهم قال: سمعت الرضا (عليه السلام) يقول: ما قال فينا مؤمن شعراً يمدحنا به إلا بنى الله له مدينة في الجنة أوسع من الدنيا سبع مرّات يزوره فيها كل ملك مقرب وكل نبي مرسل؛ [بحار الانوار، ج 26، ص 231، ح 5]

خطبا در نقل روایات در خبر حسینی به چه احادیث و قضایایی اعتماد

نمایند؟

بسمه تعالی: آنچه بر اهل بیت (علیهم السلام) از واقعه‌ی طف واقع شد از طریق اخبار اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است و امام علی بن حسین (علیهما السلام)، زینب (علیها السلام) و بعضی علویات، شاهد و ناظر واقعه بودند و اخبار آنها از طریق اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده است و اگر روایات را در کنار یکدیگر قرار دهیم به عمق فاجعه‌ی کربلا پی خواهیم برد. روایت شده است امام حسین (علیه السلام)

حسن بن جهم می گوید، شنیدم امام رضا (علیه السلام) فرمود: مؤمنی ما را به واسطه‌ی شعر مدح نکرد، مگر آنکه خداوند برای او در بهشت شهری بنا می کند که هفت مرتبه وسیع تر از دنیا است و در آن خانه ملائک و انبیا، به زیارت او می آیند.

«عن عبید بن زرارۃ، عن أبیه قال: دخل الکمیت ابن زید علی أبی جعفر (علیه السلام) وأنا عنده فأنشده: من لقلب متیم مستهام؛ فلما فرغ منها قال للکمیت: لا تزال مؤیداً بروح القدس ما دمت تقول فینا؛ [بحارالانوار، ج 47، ص 324، ح 20]

عبید بن زرارہ از پدرش نقل می کند که گفت: کمیت بن زید بر امام باقر (علیه السلام) داخل شد در حالی که من نزدش بودم، پس کمیت شعر خود را خواند: من لقلب متیم مستهام... هنوز کمیت از گفتن شعر فارغ نشده بود که امام باقر (علیه السلام) فرمود: برای کمیت که تأیید روح القدس از بین نرود (روح القدس شما را تأیید کند) تا زمانی که تو در حق ما و درباره‌ی ما شعری می گویی».

شعائر حسینی.....85

برای طفل شیرخوار خود آب خواست در حالی که آب در خیام نبود و مادر رضیع شیر نداشت، می گویند وقتی که مادر طفل بعد از واقعه‌ی طف آب خورد، شیر در پستانش جمع شد، و صدا زد: یا ولدی! این عاطفه‌ی مادری نسبت به فرزندش است، نظیر این مصائب زیاد است و انسان منصف نمی تواند آن را تحمل کند.

بله! ممکن است سند بعضی از روایات معتبر نباشد، ولیکن نقل آنها به صورتی که سایر روایات در کتاب نقل شده است، مانعی ندارد.

پوشیدن لباس سیاه

در ایام حزن بر اهل بیت (علیهم السلام)

نظر شما در مورد پوشیدن لباس سیاه در ماه محرم و صفر و ایام وفیات

ائمہ (علیہم السلام) چیست؟

بسمه تعالی: لباس سیاه به تن کردن در ایام وفیات ائمہ (علیہم السلام) و محرم و صفر دال بر محبت به اهل بیت (علیہم السلام) می باشد و روایت شده از ائمہ (علیہم السلام) که «رحم الله من احيا أمرنا»^۱، خدا رحمت کند کسی که نام ما را زنده نگاه دارد. به درستی که پوشیدن لباس سیاه موجب می شود شخص غریب متنبه شده و سؤال کند چه شده است که ایشان سیاه به تن کرده، دیروز خبری از پوشیدن لباس سیاه نبود ولیکن امروز همه لباس سیاه به تن کرده اند. هنگامی که بفهمد این امر برای حزن بر اهل بیت (علیہم السلام) است و گفته شود که این روز، روز حزن و مصیبت فرزند رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، حضرت حسین بن علی (علیہما السلام) است این نقل خودش، فی حد نفسه احیای امر است، از این رو مشهور شده است که محرم و صفر سبب بقای اسلام است؛ زیرا حقیقت اسلام و ایمان، به واسطه‌ی واقع‌ی کربلا احیا شد و این مراسم باید با جدیت برگزار شود تا این حماسه زنده بماند و نباید به شبهاتی که منشأ آن از کم توفیقی است، گوش داد. توسل به اهل بیت (علیہم السلام) و گریه بر آنان خود محافظت از دین است و امام حسین (علیه السلام) دلیل محکمی است بر حقانیت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰.

90.....شعائر حسینی

مذهب شیعه، پس توسل کنید به این واقعه‌ی عظیم و گریه کنید بر او، و اقامه کنید شعار حزن در ایام مصیبت را و به درستی که زمین و آسمان گریه کرد بر امام حسین(علیه السلام) و ملائکه گریه کرده و می کنند بر امام حسین(علیه السلام) تا روز قیامت و خدا اراده کرده است که این نور باقی بماند.

پوشیدن لباس سیاه و سینه زدن برای سیدالشهدا(علیه السلام) چه حکمی

دارد؟

بسمه تعالی: بین شیعه‌ی اثنی عشری خلافی نیست که سینه زدن و پوشیدن لباس سیاه در وفیات ائمه(علیهم السلام) از شعائر است و از مصادیق آیه‌ی شریفه‌ی: «ذلک من یعظم شعائر الله فإنها من تقوی القلوب»¹ می باشد. و نصوص کثیری دال بر استحباب جزع بر سیدالشهدا(علیه السلام) می باشد. هر کس در جهت تضعیف شعائر تلاش نماید و یا از اهمیت آن کم کند، از گناهکاران است و فردای قیامت مسئول خواهد بود. خداوند ما را ثابت قدم نگاه دارد تا خادم اهل

1. سوره‌ی حج، آیه‌ی 32

شعائر حسینی.....91

بیت(علیهم السلام)باشیم و به وظیفه‌ی خود، آن گونه که سزاوار است
عمل نماییم.¹

1. معاویه بن وهب می گوید: اذن خواستم که بر امام صادق(علیه السلام) داخل شوم، به من گفته شد که داخل شو. پس داخل شده و آن جناب را در نمازخانه‌ی منزلشان یافتم، پس نشستیم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، آن گاه شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می‌گفتند: بار خدایا! ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و وعده‌ی شفاعت دادی و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) و علم به گذشته و آینده را به ما اعطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به سوی ما نمودی، من، برادران و زائرین قبر پدرم حسین(علیه السلام) را بیمارز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدان‌شان را به تعب انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردن فرمان ما و به قصد وارد نمودن غیظ بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیتشان از این ایثار، تحصیل رضا و خشنودی توست، پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان احسانشان را جوابگو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی محفوظ فرما و اعطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا! دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان، آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند اما این حرکت، اعداء ایشان را از تمایل به ما باز نداشت و

این ثبات آنان از باب مخالفتشان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) می گذارند و برمی دارند، مشمول لطف و رحمتت قرار ده و همچنین به چشم هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند، نظر عنایت فرما و دل هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند را ترحم فرما. بار خدایا! به فریادهایی که به خاطر ما بلند شده برس، خداوندا! من این ابدان و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند، آنها را سیراب نمایی.

و امام (علیه السلام) در سجده پیوسته این دعا را می خواندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم:

فدایت شوم! این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عز وجل را نمی شناسد، گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیابد! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین (علیه السلام)) را زیارت کرده اما به حج نروم.

امام (علیه السلام) به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی! پس چه چیز تو را از زیارتش باز می دارد؟

سپس فرمودند: ای معاویه! زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم! نمی دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است. حضرت فرمودند: ای معاویه! کسانی که برای زائرین امام حسین (علیه السلام) در آسمان دعا می کنند به مراتب بیشتر هستند از آنان که در زمین برای ایشان دعا و ثنا می نمایند.

[کامل الزیارات، ص 228، ح 336]

شعائر حسینی.....93

آیا شما قائل به قول صاحب حدائق هستید که می فرمود، پوشیدن لباس سیاه در عزای سیدالشهدا(علیه السلام) و یا بقیه‌ی ائمه(علیهم السلام) راجح شرعی است؟

بسمه تعالی: آنچه که صاحب حدائق فرموده، صحیح است؛ به درستی که پوشیدن لباس سیاه از مظاهر حزن بر سیدالشهدا(علیه السلام)، اهل بیت(علیهم السلام) و اصحاب راستین او می باشد، و اظهار حزن بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) شرعاً مستحب بوده و نصوص زیادی دال بر آن است.

در ایام محرم مشاهده می شود که کودکان لباس مشکی به تن می کنند، که بر آن اسم امامان(علیهم السلام) نوشته شده است؛ در حالی که کودکان در معرض آلودگی ها قرار دارند، لطفاً حکم آن را بیان کنید؟

بسمه تعالی: مانعی ندارد که کودکان از آن لباس ها استفاده کنند.

آیا لباس سیاه پوشیدن در محرم و صفر ثواب دارد؟

بسمه تعالی: لباس سیاه به تن کردن در ایام وفیات ائمه(علیهم السلام) از مصادیق شعائر بوده و دارای اجر و پاداش است، اظهار حزن بر مصائب اهل بیت(علیهم السلام) از مستحبات می باشد.

- * کدام زیارت افضل است؟
- * زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)، اعظم زیارات
- * اعظم بقاع ارض
- * پیاده رفتن برای زیارت مشاهد مشرفه
- * کمترین مدتی که می باید سیدالشهدا (علیه السلام) را زیارت کرد
- * من زار قبر الحسین عارفاً بحقه
- * زیارت کربلا مقدم بر عمره
- * زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) سبب غفران ذنوب
- * ناشرات الشعور و علی الخدود لاطمات
- * گریه کردن بر سیدالشهدا (علیه السلام)
- * عدم توانایی مالی بر زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)
- * لعن بر ظالمین اهل بیت هنگام نوشیدن آب
- * گریه امام زین العابدین (علیه السلام)
- * نوشیدن آب با ذکر نام سیدالشهدا (علیه السلام)

زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) از اعظم زیارات می باشد، خداوند متعال در

قبال این زیارت برای زائرین چه چیزی قرار داده است؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام) علاوه بر داشتن ثواب فراوان، منشأ برکات و نعمات الهی در دنیا و موجب سعادت اخروی است، خداوند بر زائرین امام حسین(علیه السلام) تفضل فراوانی نموده است، به کتاب وسائل الشیعه، ج 10، بخش مزار مراجعه شود، والله الموفق.¹

1. عن أبي الصامت، قال: سمعت أبا عبد الله(عليه السلام)وهو يقول: من أتى قبر الحسين(عليه السلام) ماشياً كتب الله له بكل خطوة ألف حسنة ومحى عنه ألف سيئة ورفع له ألف درجة. فإذا أتيت الفرات فاغتسل وعلّق نعليك وامش حافياً، وامش مشى العبد الذليل، فإذا أتيت باب الحائر فكبر أربعاً، ثم امش قليلاً ثم كبر أربعاً، ثم أت رأسه فقف عليه فكبر أربعاً وصلّ عنده، واسأل الله حاجتك؛ [كامل الزيارات، ص 255، ح 381 و ص 392، ح 636]

ابی الصامت می گوید، از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که پیاده به زیارت قبر حضرت امام حسین(علیه السلام) برود خداوند متعال به هر قدمی که بر می دارد، هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را بالا می برد، سپس فرمودند: وقتی به فرات وارد شدی، ابتدا غسل کن و کفش هایت را آویزان نما و پای برهنه راه برو و مانند بنده‌ی ذلیل راه برو و وقتی به درب حائر رسیدی، چهار مرتبه تکبیر بگو، سپس اندکی حرکت کن، باز چهار بار تکبیر گفته بعد به طرف

بالای سر حضرت برو و در آنجا بایست و سپس چهار مرتبه تکبیر بگو و نزد قبر نماز بخوان و از خداوند متعال حاجت خود را بخواه.

عن عبدالله بن هلال، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: قلت له: جعلت فداك ما أدنى ما لزائر قبر الحسين (عليه السلام) فقال لي: يا عبدالله إن أدنى ما يكون له إن الله يحفظه في نفسه وأهله حتى يرده إلى أهله، فإذا كان يوم القيامة كان الله الحافظ له؛ [كامل الزيارات، ص 255، ح 382]

عبدالله بن هلال گفت، محضر امام صادق (عليه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر امام حسین (عليه السلام) می باشد، چیست؟ حضرت فرمودند: ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای اوست این است که: خداوند متعال خود و اهلش را حفظ کرده تا به خویشانش باز گردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود.

عن سدير الصيرفي، قال: كنّا عند أبي جعفر (عليه السلام) فذكر فتى قبر الحسين (عليه السلام)، فقال له أبو جعفر (عليه السلام): ما أتاه عبد فخطا خطوة إلا كتب الله له حسنة وحط عنه سيئة؛ [كامل الزيارات، ص 256، ح 384]

سدير صيرفی می گوید: محضر ابی جعفر (عليه السلام) بودیم، پس جوانی قبر حضرت امام حسین (عليه السلام) را متذکر شد، حضرت ابو جعفر (عليه السلام) به وی فرمود: بنده ای به زیارت حضرت نرفته و قدمی بر نداشته مگر آنکه حق تعالی برای او یک حسنه نوشته و یک گناه از او پاک می کند.

عن عبدالله بن مسكان، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: من زار الحسين (عليه السلام) من شيعتنا لم يرجع حتى يغفر له كل ذنب، ويكتب له بكل خطوة خطاها وكل يد

رفعتها دابته ألف حسنة ومحى عنه ألف سيئة وترفع له ألف درجة؛ [کامل الزیارات، ص 257، ح 385]

عبدالله بن مسکان گفت، حضرت ابی عبدالله(علیه السلام) فرمودند: کسی که از شیعیان ما بوده و حسین(علیه السلام) را زیارت کند از زیارت برنگشته، مگر آنکه تمام گناهانش آمرزیده می شود و برای هر قدمی که بر می دارد و هر دستی که بالا می برد و اسبش را حرکت داده و می راند، هزار حسنه ثبت شده و هزار گناه محو گشته و هزار درجه مرتبه اش بالا می رود.

عن عبدالله الطحان، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال سمعته وهو يقول: ما من أحد يوم القيامة إلا وهو يتمنى أنه من زوّار الحسين(عليه السلام)، لما يرى ممّا يصنع بزوّار الحسين(عليه السلام) من كرامتهم على الله تعالى؛ [کامل الزیارات، ص 258، ح 388]

عبدالله طحان گفت، شنیدم از امام صادق(علیه السلام) که می فرمودند: احدی نیست در روز قیامت مگر آنکه آرزو می کند از زوار امام حسین(علیه السلام) باشد؛ زیرا مشاهده می کند با ایشان چه معامله ای شده و چه کرامتی حق تبارک و تعالی در مورد آنها منظور می فرماید.

عن الهيثم ابن عبد الله الرماني، عن أبي الحسن الرضا(عليه السلام)، عن أبيه(عليه السلام)، قال: قال أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق(عليهما السلام): إن أيام زائري الحسين(عليه السلام) لا تحسب من أعمارهم ولا تعدّ من آجالهم؛ [کامل الزیارات، ص 260، ح 391]

هیشم بن عبدالله رمانی از حضرت رضا(علیه السلام) نقل نموده و آن جناب از پدر بزرگوارشان حکایت کرده اند که حضرت صادق(علیه السلام) فرمودند: ایام زیارت حضرت امام حسین(علیه السلام) جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلشان محسوب نمی گردد.

عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبدالله(عليه السلام) أو أبا جعفر(عليه السلام) يقول: من أحب أن يكون مسكنه الجنة ومأواه الجنة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو، قال: الحسين بن علي(عليهما السلام) صاحب كربلا من أتاه شوقاً إليه وحباً لرسول الله(صلى الله عليه وآله) وحباً لفاطمة وحباً لأمير المؤمنين(عليهم السلام)، أقعده الله على موائد الجنة يأكل معهم والناس في الحساب؛ [كامل الزيارات، ص 261، ح 393]

ابی بصیر می گوید، از حضرت صادق(علیه السلام) یا باقر(علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که دوست دارد محل سکنا و منزلش بهشت باشد، پس زیارت مظلوم (مظلوم کربلا) را ترک نکند. عرض کردم: مظلوم کیست؟ حضرت فرمودند: مظلوم، حسین بن علی(علیهما السلام)، صاحب کربلا است، کسی که به خاطر شوق به آن حضرت و محبت به رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و فاطمه(علیها السلام) و حب به امیرالمؤمنین(علیه السلام) حضرتش را زیارت کند، خداوند او را بر سر سفره های بهشتی نشاند که با آن سروران هم غذا باشد، در حالی که مردم در حساب می باشند.

عن أبي أسامة زيد الشَّحَام، قال: سمعت أبا عبدالله(عليه السلام) يقول: من أتى قبر الحسين(عليه السلام) تشوقاً إليه كتبه الله من الآمنين يوم القيامة وأعطى كتابه بيمينه، وكان تحت لواء الحسين(عليه السلام) حتى يدخل الجنة فيسكنه في درجته إن الله عزيز حكيم؛ [كامل الزيارات، ص 270، ح 418]

زید شحام می گوید، از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) برود روز قیامت خداوند متعال او را از جمله ی آمنین نوشته و محسوب می فرماید و کتابش (نامه اعمال او) را به دست راستش دهد و در زیر پرچم حسین (علیه السلام) بوده تا داخل بهشت شود، پس حق تعالی او را در درجه و مرتبه ی خودش مکان می دهد، به درستی که خداوند متعال عزیز و حکیم می باشد.

عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: لو يعلم الناس ما في زيارة الحسين (عليه السلام) من الفضل لماتوا شوقاً وتقطعت أنفسهم عليه حشرات، قلت: وما فيه؟ قال: من أتاه تشوقاً كتب الله له ألف حجة متقبلة وألف عمرة مبرورة وأجر ألف شهيد من شهداء بدر وأجر ألف صائم، وثواب ألف صدقة مقبولة وثواب ألف نسمة أريد بها وجه الله، ولم يزل محفوظاً سنته من كل آفة أهونها الشيطان، ووكل به ملك كريم يحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله، ومن فوق رأسه ومن تحت قدمه. فإن مات سنته حضرته ملائكة الرحمة يحضرون غسله وأكفانه والإستغفار له، ويشيعونه إلى قبره بالإستغفار له، ويفسح له في قبره مدّ بصره، ويؤمنه الله من ضغطة القبر ومن منكر ونكير أن يروعانه، ويفتح له باب إلى الجنة، ويعطى كتابه بيمينه، ويعطى له يوم القيامة نوراً يضيء لنوره ما بين المشرق والمغرب، وينادي مناد: هذا من زوّار الحسين شوقاً إليه، فلا يبقى أحد يوم القيامة إلاّ تمنى يومئذ إنّه كان من زوّار الحسين (عليه السلام)؛ [كامل الزيارات، ص 271، ح 420]

محمد بن مسلم می گوید، حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند:

اگر مردم می دانستند که در زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) چه فضل و ثوابی است، حتماً از شوق و ذوق قالب تهی می کردند و به خاطر حسرت ها نفس هایشان به شماره افتاده و قطع می شد.

راوی می گوید، عرض کردم: در زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی می باشد؟
حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت آن حضرت رود، خداوند متعال هزار حج و هزار عمره ی قبول شده برایش می نویسد و اجر و ثواب هزار شهید از شهدای بدر و اجر هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه ی قبول شده و ثواب آزاد نمودن هزار بنده که در راه خدا آزاد شده باشند، برایش منظور می شود و پیوسته در طول ایام سال از هر آفتی که کمترین آن شیطان باشد، محفوظ مانده و خداوند متعال فرشته ی کریمی را بر او موکل کرده و وی را از جلو، پشت سر، راست، چپ، بالا و زیر قدم نگهدار باشد و اگر در اثناء همان سال فوت کرد، فرشتگان رحمت الهی بر سرش حاضر شده و او را غسل داده و کفن نموده و برایش استغفار و طلب آمرزش کرده و تا قبرش مشایعتش نموده و به مقدار طول شعاع چشم در قبرش وسعت و گشایش ایجاد کرده و از فشار قبر در امانش قرار داده و از خوف و ترس دو فرشته ی منکر و نکیر بر حذرش می دارند و برایش دربی به بهشت می گشایند و کتابش را به دست راستش می دهند و در روز قیامت نوری به وی اعطا می شود که بین مغرب و مشرق از پرتو آن روشن می گردد و منادی ندا می کند: این کسی است که از روی شوق و ذوق، حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کرده و پس از این ندا احدی در قیامت باقی نمی ماند مگر آنکه تمنا و آرزو می کند که کاش از زوار حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) می بود.

عن محمد بن مسلم، قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): ما لمن أتى قبر الحسين (عليه السلام)؟ قال: من أتاه شوقاً إليه كان من عباد الله المكرمين، وكان تحت لواء الحسين بن علي (عليهما السلام) حتى يدخلهما الله الجنة؛ [كامل الزيارات، ص 271، ح 421]

محمد بن مسلم می گوید، محضر مبارک امام صادق (عليه السلام) عرض کردم: چه اجر و ثوابی هست برای کسی که حسین (عليه السلام) را زیارت کند؟ حضرت فرمودند: کسی که از روی شوق و ذوق به زیارت امام حسین (عليه السلام) رود از بندگان مکرم خداوند منان محسوب می شود و در روز قیامت زیر لوا و پرچم حضرت حسین بن علی (عليهما السلام) بوده تا وقتی که این دو بزرگوار داخل بهشت شوند.

عن عبدالله بن مسكان، قال: شهدت أبا عبدالله (عليه السلام) وقد أتاه قوم من أهل خراسان فسألوه عن إتيان قبر الحسين (عليه السلام) وما فيه من الفضل؟ قال: حدثني أبي عن جدّي أنّه كان يقول: من زاره يريده وجه الله أخرجه الله من ذنوبه كمولود ولدته أمّه، وشيعته الملائكة في مسيره، فرفرفت على رأسه قد صفوا بأجنحتهم عليه حتى يرجع إلى أهله وسألت الملائكة المغفرة له من ربّه وغشيته الرحمة من أعنان السماء، ونادته الملائكة: طبت وطاب من زرت، وحفظ في أهله؛ [كامل الزيارات، ص 275، ح 428]

عبدالله بن مسكان می گوید: محضر مبارک حضرت صادق (عليه السلام) بودم در حالی که گروهی از اهل خراسان به محضرش مشرف بودند، آنان راجع به زیارت قبر حسین بن علی (عليهما السلام) و فضل و ثواب آن از حضرت سؤال کردند، حضرت فرمودند: پدرم از جدم نقل فرمود که آن بزرگوار می فرمودند: کسی که امام حسین (عليه السلام) را زیارت کند و نیتش فقط خدا باشد، حق تعالی گناهانش را محو نموده و او را از ذنوب بیرون

زیارت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) افضل است یا زیارت امام حسین (علیه السلام)؟

بسمه تعالی: اگر امر بر ترویج مذهب حق و شعائر اهل بیت (علیهم السلام) موقوف باشد، زیارت کربلا بر زیارت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) مقدم است.

کدام زیارت افضل است؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهداء (علیه السلام)، افضل اعمال است و این افضلیت به دلیل روایات اهل بیت (علیهم السلام) است و تمام روایات دال بر فضیلت زیارت کربلا است و بر زیارت سایر ائمه (علیهم السلام) مقدم می باشد، هرچند که زیارت سایر ائمه (علیهم السلام) ثواب

آورده، همانند مولودی که مادرش او را زاییده باشد و فرشتگان او را در سیر و سفرش مشایعت می کنند؛ یعنی بالای سرش بال زده و گاهی بال هایشان را بر سرش پهن نموده بدون اینکه حرکت دهند و به همین کیفیت او را مشایعت نموده تا وی به منزل و اهلش برسد. فرشتگان از پروردگار متعال برای او طلب آمرزش نموده و از اطراف و اکناف آسمان رحمت او را احاطه کرده و فرشتگان او را ندا داده و می گویند: پاکی و پاک است آن کسی که تو زیارتش نمودی (یا خوشا بر تو و خوشا بر کسی که زیارتش نموده ای) و او را در میان اهل و عیالش حفظ و نگهداری می کنند».

شعائر حسینی.....105
فراوان دارد، ولیکن زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) بر سایر زیارات مقدم است.

آیا زیارت امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) افضل است یا زیارت سیدالشهداء(علیه السلام)؟
بسمه تعالی: برای هر کدام از آن بزرگواران مقام والایی است و بعید نیست که زیارت سیدالشهداء(علیه السلام) بر طبق بعضی روایات، افضل باشد.

بعضی روایات می گوید: مکه، محبوب ترین سرزمین ها در نزد خداست، شما چه می فرمایید؟
بسمه تعالی: مجاورت در کوفه ی قدیمه، که شامل کربلا، نجف و کاظمین است، از مجاورت در مکه ی مکرمه افضل است. این کلام از بعضی از روایات ائمه(علیهم السلام) استفاده می شود.

شهید اول (رحمه الله) می گوید: مکه، اشرف بقاع روی زمین است، اما سید بحر العلوم (رحمه الله) می گوید: «و من حدیث کربلاء و الکعبة - لکربلاء بأنّ علوّ الرتبة»^۱ که معنای آن افضل بودن کربلا از مکه است. چگونه این دو کلام قابل جمع است؟

بسمه تعالی: اگر غرض شما اشرف بودن مکان از جهت زندگی است، نجف و کربلا افضل است و از جهت زیارت نیز، کربلا افضل می باشد^۲ ولیکن نسبت به اینکه اولین جایی که خلق شد و افضل

۱. بلاغة الامام علی بن الحسین (علیه السلام)، ص 71.

۲. در قسمت های مختلف کتاب روایات ذکر شده است.

عن الإمام الصادق (علیه السلام): إنّ أرض الکعبة قالت: من مثلی وقد بنی بیت الله علی ظهري، ویأتینی الناس من کلّ فجّ عمیق، وجعلت حرم الله وآمنه، فأوحی الله تعالی إليها: أن کفی وقری، فوعزتی وجلالی ما فضل ما فضلت به فیما اعطیت به أرض کربلاء إلا بمنزلة الإبرة غمست فی البحر فحملت من ماء البحر، ولو لا تربة کربلاء ما فضلتک ولو لا ما تضمنته أرض کربلاء ما خلقتک ولا خلقت البیت الّذی به افتخرت به. (کامل الزیارات، ص 450، ح 675)

حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) فرمودند، زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه اش را بر پشت من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجه من می شوند، و حرم خدا و مأمن قرار داده شده ام؟! خداوند متعال به سویش وحی کرد و فرمود:

مکان ها بود، مکه افضل است و امام عصر(علیه السلام) از آن ظاهر می شود اما مجاورت مدینه، افضل از مکه است.^۱

بس کن و آرام بگیر! به عزت و جلال خودم قسم آنچه را که تو برای خدا فضیلت می دانی، در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلا اعطا نموده ام همچون قطره ای است نسبت به آب دریا که سوزنی را در آن فرو برند و آن قطره را با خود بر دارد، و اساساً اگر خاک کربلا نبود این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بردارد تو را نمی آفریدم و بیتی را که تو به آن افتخار می کنی خلق نمی کردم. بنابراین آرام بگیر و ساکت باش و متواضع و خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا استنکاف، استکبار و طغیانی از خود نشان مده، والا تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می دهم.

ولمّا مرّ امیر المؤمنین(علیه السلام) بکربلاء فی مسیرہ إلى صفّین نزل فیها وأوماً بیده إلى موضع منها قائلاً: «ههنا موضع رحالهم و مناخ رکابهم»، ثمّ أشار الی موضع آخر وقال: «ههنا مهراق دمائهم، ثقل لآل محمّد»، ثمّ قال: «واهاً لک یا تربة لیحشرنّ منک أقوام یدخلون الجنّة بغير حساب»، وأرسل عبرته وبکی من معه لبکائه، وأعلم الخواص من صحبه بأنّ ولده الحسین(علیه السلام) یقتل ههنا فی عصابة من أهل بیتة وصحبہ هم سادة الشّهداء، لا یسبقهم سابق ولا یلحقهم لاحق. (ترجمه الامام الحسین(علیه السلام) ابن عساکر، ص 273; بحار الانوار، ج 41، ص 339)

حضرت علی بن ابی طالب(علیه السلام) وقتی که هنگام عزیمت به صفین، از کربلا می گذشتند، در کربلا درنگی کرده و با اشاره به نقطه ای فرمودند: در اینجا فرود خواهند آمد و مرکب های خود را بر زمین خواهند نشاند. سپس به منطقه ای دیگری اشاره نمودند و فرمودند: در اینجا خون های آنها ریخته خواهد شد و مصیبتی بر آل محمد(صلی الله علیه وآله) خواهد بود و فرمودند: از این سرزمین افرادی بدون حساب به بهشت خواهند رفت،

پیاده رفتن برای زیارت مشاهد مشرفه، چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: زیارت ائمه (علیهم السلام) و زیارت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، مستحب است و روایات فراوانی در این خصوص وارد شده و پای پیاده رفتن برای زیارت مستحب می باشد. در زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده: کسی که راه برود، در هر قدمی که بر می دارد ثواب یک حج و یک عمره برای او ثبت می گردد و اگر در هنگام برگشتن، پیاده برگشت، در هر قدم ثواب دو حج و دو عمره برای او می نویسند. و روایات وارد در مشی برای زیارت سیدالشهدا، ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) بسیار است؛ در وسائل الشیعه یک باب مستقل در فضایل مشی برای زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) وارد شده، از جمله: روایت صحیحی حسن بن وشاء که شیخ صدوق در کتاب ثواب الاعمال نقل کرده است.

قال: قلت للرضا (علیه السلام): ما لِمَن أتى قبر أحد من الأئمة (علیهم السلام)؟

السلام؟

قال: له مثل ما لِمَن أتى قبر أبی عبدالله (علیه السلام).

سپس گریه کردند و یاران هم با حضرت شروع به گریستن نمودند و یاران خاص حضرت دانستند که فرزندش امام حسین (علیه السلام) و یاران و اهل بیتش در این مکان به شهادت خواهند رسید، که هیچ کس به مرتبه آنها نخواهد رسید....

قال فقلت: ما لِمَن زار قبر أبي الحسن (عليه السلام)؟

قال: له مثل ما لِمَن زار قبر أبي عبدالله و...^۱.

ظاهر این روایت که قریب به تصریح است، به ثواب اتیان به زیارت بر می گردد؛ پس اتیان زیارت ائمه (علیهم السلام) چه مشیاً و چه راکباً مانند اتیان زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) است و این خود دال بر ثواب زیارت مشیاً بر مشاهد ائمه (علیهم السلام) است. ممکن است عده ای بخواهند در خصوص زیارت مشاهد مشرفه در حال پیاده، اشکال کنند و این شبهه به دلیل غفلت آنها از مدارک احکام و عبادات مستحبه و استفاده از روایات است، شما به مستحبات عمل کرده و به مشککین اعتنا نکنید، دیری نخواهد پایید که حسرت برای آنان باقی خواهد ماند.

به زیارت کربلا برویم و یا به عمره سفر کنیم تا موفق شویم در مدینه زائر رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) و فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه ی بقیع (علیهم السلام) باشیم؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) از افضل اعمال است و احادیثی در این خصوص از امامان معصوم (علیهم السلام)

۱. ثواب الاعمال، ص 98؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 546.

وارد شده است. زیارت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) مقدم بر سایر زیارات است، والله العالم.

پیاده رفتن برای زیارت ائمه (علیهم السلام) چه اجر و ثوابی دارد؟

بسمه تعالی: امام صادق (علیه السلام) فرمود: فارحم تلك الوجوه التي غيرتها الشمس، وارحم تلك الخدود التي تتقلب على حفرة أبي عبدالله الحسين (عليه السلام)، وارحم تلك الأعين التي جرت دموعها رحمة لنا، وارحم تلك القلوب التي جزعت واحترقت لنا، وارحم تلك الصرخة التي كانت لنا...^۱ یعنی این صورت هایی که حرارت آفتاب آنها را در راه مکتب ما تغییر داده، مورد ترحم خودت قرار بده و نیز صورت هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) می گذارند و برمی دارند، مشمول لطف و رحمت گردان و همچنین به چشم هایی که از باب ترحم بر ما اشک ریخته اند، نظر فرما و دل هایی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند را ترحم فرما و... از این روایت شریفه عظمت تلاش برای زیارت ائمه (علیهم السلام) (از جمله سیدالشهداء (علیه السلام)) روشن می شود، که پیاده رفتن از مصادیق آن است.

۱. کامل الزیارات، ص 228، ح 336.

شعائر حسینی.....111

با توجه به اینکه قبلاً مردم قصد پیاده‌ی مشاهد، به خصوص سیدالشهدا(علیه السلام) را می‌کردند و با زحمات فراوان خود را به مرقد مطهر می‌رساندند حالا که این زمان این کار ممکن نیست چگونه چنین ثواب فراوانی را کسب کنیم؟

بسمه تعالی: اگر کسی از منزلش خارج شود و قصد زیارت قبر سیدالشهدا(علیه السلام) را داشته باشد، خداوند متعال در هر قدمی که بر می‌دارد برای او حسنات می‌نویسد، شخص چه سواره و چه پیاده به زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) برود، اجر و ثواب عظیمی کسب خواهد کرد.^۱

1. عن بشير الدّهان، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: إنّ الرّجل ليخرج إلى قبر الحسين(عليه السلام) فله إذا خرج من أهله بأوّل خطوة مغفرة ذنوبه، ثمّ لم يزل يقدّس بكلّ خطوة حتّى يأتيه، فإذا أتاه نجاه الله تعالى فقال: عبدی سلنی أعطک، أدعنی أجبک، أطلب منی أعطک، سلنی حاجةً أقضها لك، قال: وقال أبو عبدالله(عليه السلام): وحقّ علی الله أن يعطى ما بذل؛ [کامل الزیارات، ص 253، ح 379] بشیر دهان می‌گوید، حضرت صادق(علیه السلام) فرمودند: شخصی که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی(علیه السلام) می‌رود، زمانی که از اهلش جدا شد با اولین گامی که بر می‌دارد تمام گناهانش آمرزیده می‌شود، سپس با هر قدمی که بر می‌دارد پیوسته تقدیس و تنزیه شده تا به قبر برسد و هنگامی که به آنجا رسید حق تعالی او را خوانده و می‌گوید: بنده‌ی من! درخواست کن تا اجابتت نمایم، از من طلب کن به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا

حداکثر مدتی که در آن حضرت امام حسین(علیه السلام) را می باید زیارت

کرد، چه مدتی است؟

بسمه تعالی: زیارت سیدالشهدا(علیه السلام)، افضل اعمال است و هرکس می تواند نباید در طول سال کوتاهی کند، هرکس در راه زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) رنج و سختی را تحمل کند خداوند متعال او را مورد لطف و محبت خویش قرار خواهد داد و اجر و پاداش فراوانی برای او خواهد بود، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.^۱

برایت روا سازم. راوی می گوید، امام(علیه السلام) فرمودند: و بر خداوند متعال حق و ثابت است آنچه را که بذل نموده اعطا فرماید.

1. عن أبي أيوب، عن أبي عبد الله(عليه السلام)، قال: **حَقَّ عَلَى الْغَنَى أَنْ يَأْتِيَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ(عليه السلام) فِي السَّنَةِ مَرَّتَيْنِ، وَحَقَّ عَلَى الْفَقِيرِ أَنْ يَأْتِيَهُ فِي السَّنَةِ مَرَّةً؛** [کامل الزیارات، ص 490، ح 751]

ابو آیوب گفت، حضرت صادق(علیه السلام) فرمودند: بر عهده‌ی غنی است که در سال دو مرتبه، و بر فقیر است که در سال، یک مرتبه به زیارت قبر حضرت امام حسین(علیه السلام) بروند.

عن الحلبي، عن أبي عبد الله(عليه السلام)، قال: **سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ(عليه السلام)، قَالَ: فِي السَّنَةِ مَرَّةً، إِنِّي أَخَافُ الشُّهْرَةَ؛** [کامل الزیارات، ص 492، ح 758]

حلبی می گوید، از حضرت صادق (علیه السلام) در مورد زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) پرسیدم، حضرت فرمودند: سالی یک مرتبه به زیارتش بروند؛ زیرا در بیشتر از آن، خوف شهرت دارم.

سعید الأعرج، عن أبي عبدالله (عليه السلام)، قال: ائتوا قبر الحسين (عليه السلام) في كل سنة مرة؛ [كامل الزيارات، ص 492، ح 759]

سعید الأعرج می گوید، حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: در سال، یک مرتبه به زیارت قبر حسین (علیه السلام) بروید.

عن عليّ، عن صفوان بن مهران الجمال، عن أبي عبدالله (عليه السلام) في حديث طويل، قلت له: من يأتيه زائراً ثمّ ينصرف متى يعود إليه وفي كم يؤتي وكم يسع الناس تركه، قال: لا يسع أكثر من شهر، وأما بعيد الدار ففي كل ثلاث سنين، فما جاز ثلاث سنين فلم يأت به فقد عاق رسول الله (صلى الله عليه وآله) وقطع حرمة إلا من علة؛ [كامل الزيارات، ص 494، ح 763]

صفوان بن مهران جمال از حضرت صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی طولانی چنین نقل کرده که محضر مبارکش عرض کردم: کسی که به زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) برود و سپس برگردد چند وقت بعد، دو مرتبه به زیارت عود کنند؟ و در چند روز دیگر به زیارت رود و مردم تا چه مدت می توانند زیارت حضرت را ترک کنند؟

حضرت فرمود: بیش از یک ماه نمی توانند آن را ترک کنند و اما کسانی که منزلشان دور است، در هر سه سال یک مرتبه باید به زیارتش بروند و اگر سه سال تجاوز نمود و به زیارت آن حضرت نروند، عاق رسول خدا (صلی الله علیه وآله) واقع شده و حرمت آن جناب را قطع و هتک نموده، مگر آنکه علت و سببی داشته باشد.

عن عبيدالله الحلبيّ عن أبي عبدالله (عليه السلام)، قال: قلت: إنّنا نزور قبر الحسين (عليه السلام) في السنّة مرتّين أو ثلاث، فقال أبو عبدالله (عليه السلام): أكره إن تكثرُوا القصد إلّى، زوروه في السنّة مرّة، قلت: كيف أصلّي عليه، قال: تقوم خلفه عند كتفيه ثمّ تصلّي على النّبيّ (صلّى الله عليه وآله) وتصلّي على الحسين (عليه السلام)؛ [كامل الزيارات، ص 494، ح 764]

عبيدالله حلبی می گوید، محضر امام صادق (عليه السلام) عرض کردم: ما در سال دو یا سه مرتبه قبر امام حسین (عليه السلام) را زیارت می کنیم، این عمل چطور است؟ حضرت فرمودند: من کراهت دارم که زیاد آن قبر مطهر را قصد کنید، در سال یک مرتبه به زیارت آن بروید. عرض کردم: چگونه بر آن حضرت صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمودند: پشت قبر در جنب کتفین و شانه های آن حضرت بایست، سپس صلواتی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بفرست و بعد از آن بر حسین (عليه السلام) صلوات بفرست.

العمرکی بإسناده، قال: قال أبو عبدالله (عليه السلام): إنّهُ يصلّي عند قبر الحسين (عليه السلام) أربعة آلاف ملك من طلوع الفجر إلى أن تغيب الشمس ثمّ يصعدون وينزل مثلهم فيصلّون إلى طلوع الفجر، فلا ينبغي للمسلم أن يتخلّف عن زيارة قبره أكثر من أربع سنين؛ [كامل الزيارات، ص 494، ح 765]

عمرکی می گوید، حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: چهار هزار فرشته از طلوع صبح تا غروب آفتاب نزدیک قبر حضرت امام حسین (عليه السلام) دعا و طلب رحمت کرده و سپس بالا رفته و چهار هزار فرشته دیگر به جای ایشان قرار گرفته و تا طلوع صبح دعا و طلب رحمت می کنند. پس بر مسلمان سزاوار نیست که بیش از چهار سال به زیارت قبر آن حضرت نرفته و از آن تخلف کند.

عن صفوان الجمال، قال: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) ونحن في طريق المدينة نريد مكة، فقلت له: يا بن رسول الله (صلى الله عليه وآله) مالي أراك كئيباً حزيناً منكسراً، فقال لي: لو تسمع ما أسمع لشغلک عن مسألتی، قلت: وما الذي تسمع، قال: ابتهاج الملائكة إلى الله على قتلة أمير المؤمنين (عليه السلام) وعلى قتلة الحسين (عليه السلام)، ونوح الجنّ عليهما، وبكاء الملائكة الذين حولهم وشدة حزنهم، فمن يتهنأ مع هذا بطعام أو شراب أو نوم. قلت له: فمن يأتيه زائراً ثمّ ينصرف فمتى يعود إليه وفي كم يؤتى وفي كم يسع الناس تركه، قال: أما القريب فلا أقلّ من شهر، وأما بعيد الدار ففي كلّ ثلاث سنين، فما جاز الثلاث سنين فقد عرق رسول الله (صلى الله عليه وآله) وقطع رحمه إلّا من علّة، ولو يعلم زائر الحسين (عليه السلام) ما يدخل على رسول الله (صلى الله عليه وآله) وما يصلّ إليه من الفرح وإلى أمير المؤمنين وإلى فاطمة والأئمة والشهداء منّا أهل البيت (عليهم السلام) وما ينقلب به من دعائهم له وما له في ذلك من الثواب في العاجل والآجل والمذخور له عند الله، لأحبّ أن يكون ماثمّ داره ما بقي. وإنّ زائره ليخرج من رحله فما يقع فيؤه على شيء إلّا دعا له، فإذا وقعت الشمس عليه أكلت ذنوبه كما تأكل النار الحطب، وما تبقى الشمس عليه من ذنوبه شيئاً فينصرف وما عليه ذنب وقد رفع له من الدرجات ما لا يناله المتشخطّ بدمه في سبيل الله ويوكل به ملك يقوم مقامه و يستغفر له حتّى يرجع إلى الزيارة أو يمضي ثلاث سنين أو يموت - وذكر الحديث بطوله؛ [كامل الزيارات، ص 496، ح 767]

صفوان جمال گفت: در راه مدینه، قصد مکه داشتیم. از حضرت صادق (عليه السلام) پرسیدم: ای فرزند رسول خدا (صلى الله عليه وآله)! سبب چیست که شما را اندوهگین،

محزون و شکسته خاطر می بینم؟ حضرت فرمودند: آنچه را من می شنوم اگر تو می شنیدی، این سؤال را از من نمی کردی. عرض کردم: چه چیز می شنوید؟ حضرت فرمودند: زاری کردن فرشتگان به درگاه خداوند عز وجل و اظهار بغض نمودن از کشدگان امیرالمؤمنین و حضرت امام حسین(علیهما السلام)، و نوحه نمودن جن و گریستن فرشتگانی که در اطراف قبر آن حضرت هستند و شدت حزن ایشان، پس بر چه کسی با این حال، طعام یا شراب یا خواب گوارا خواهد بود؟! عرضه داشتیم: کسی که به زیارت آن حضرت بیاید و بعد برگردد، چه زمانی باز برای زیارت بیاید؟ و ظرف چند روز بعد، دوباره به محضر امام(علیه السلام) برگردد و اساساً مردم تا چند وقت می توانند زیارت حضرتش را ترک کنند؟

حضرت فرمودند: اما کسانی که قریب و نزدیک قبر مطهر هستند، لا اقل ماهی یک بار به زیارت روند و آنان که دور می باشند، در هر سه سال یک مرتبه، و اگر سه سال گذشت و به زیارت آن جناب نرفتند عاق رسول خدا(صلی الله علیه وآله) شده و قطع رحم آن حضرت را نموده اند مگر آنکه علت و سببی داشته باشد.

و اساساً زائر حسین(علیه السلام) اگر بداند که با زیارتش چه سرور و فرحی به رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین(علیه السلام)، فاطمه(علیها السلام)، ائمه(علیهم السلام) و شهدای ما اهل بیت وارد شده و او نیز مطلع باشد که از ناحیهی دعای ایشان برایش چه حاصل گشته و همچنین واقف باشد بر اجر و ثواب دنیوی و اخروی و آنچه برای وی نزد خدا ذخیره گردیده، پس هر آینه دوست می دارد که منزلش نزد آن جناب بوده و از آنجا هیچ گاه مفارقت نکرده و پیوسته در حال زیارت حضرتش باشد.

و زائر حسین(علیه السلام) وقتی به قصد زیارت از خانه اش خارج شد، سایه اش به چیزی نمی افتد مگر آن چیز برایش دعا می نماید، و هنگامی که آفتاب بر او تابید گناهانش را

شعائر حسینی.....117

ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات، روایت کرده است که امام صادق(علیه السلام) خطاب به بشیر دهان فرمود:

یا بشیر، من زار قبر الحسین(علیه السلام) عارفاً بحقه کان کمن زار الله فی عرشه؛ ای بشیر! هرکس زیارت کند قبر سیدالشهدا(علیه السلام) را در حالی که عارف به حق آن امام(علیه السلام) باشد، مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت کند، آیا این روایت صحیح است یا ضعیف، و آیا در این روایت غلو وجود دارد؟

بسمه تعالی: در روایت غلو نیست؛ بلکه ظاهر روایاتی که می گوید کسی که حضرت امام حسین(علیه السلام) را زیارت کند مثل کسی است که در عرش، خدا را زیارت کرده و او را در اعلی علین قرار می دهد،

می خورد، همان طوری که آتش هیزم را می خورد، و آفتاب هیچ گناهی را بر او باقی نمی گذارد، بنابراین از زیارت بر می گردد در حالی که هیچ گناهی بر او نیست و حق تعالی درجه اش را آن قدر مرتفع و عالی می گرداند که آنان که در راه خدا به خون خویش آغشته شده اند به آن دسترسی نداشته و مقام و منزلتشان در حد او نمی باشد و خداوند منان فرشته ای را قائم مقام وی نموده که برایش طلب آمرزش کند تا بار دیگر وی به زیارت حضرت بیاید، یا سه سال از این زیارت بگذرد یا فوت شود.

1. عن زید الشَّحَّام قال: قلت لأبي عبد الله(علیه السلام): ما لمن زار قبر الحسین(علیه السلام)؟ قال: کان کمن زار الله فی عرشه، قال: قلت: ما لمن زار أحداً منکم؟ قال:

کمن زار رسول الله(صلی الله علیه وآله)؛ [کامل الزیارات، ص 278، ح 437]

تشبیه به اعتبار اثرش است. چگونه اگر انسان فرضاً عرش خدا را

زید شحام گفت، محضر امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: کسی که قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) را زیارت کند ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: مثل کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده. راوی گفت، عرضه داشتیم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که یکی از شما اهل بیت (علیهم السلام) را زیارت کند؟ حضرت فرمودند: مثل کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را زیارت نموده است. عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قال من أتى قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين؛ [کامل الزیارات، ص 279، ح 440]

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) برود، در حالی که به حق آن جناب عارف و آگاه باشد، خداوند متعال او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

عن عبدالله بن مسكان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين؛ [کامل الزیارات، ص 280، ح 441]

عبدالله بن مسكان گفت، حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) فرمودند:

کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) برود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد حق تعالی او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

هارون بن خارجه قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول: من أتى قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه كتبه الله في أعلى عليين؛ [کامل الزیارات، ص 280، ح 442]

هارون بن خارجه گفت، از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برود در حالی که به حق آن جناب عارف و آگاه باشد، حق تعالی او را در اعلیٰ علیین قرار می دهد.

شعائر حسینی.....119

زیارت کرد از تمام گناهان پاک می شود و خداوند او را می بخشد و مانند روزی می شود که متولد شده است، زیارت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) نیز همان گونه است؛ اگر شخصی در حالی که عارف به حق امام (علیه السلام) باشد و او را زیارت کند، گناهانش بخشیده می شود به طوری که گویی تازه از مادر متولد شده است. والله الموفق.

چگونه ممکن است اهل بیت (علیهم السلام) با این خصوصیات موجود در زیارت ناحیه از خیام حرم (در حالی که موهای خود را پریشان کرده بودند و...) خارج شده و به طرف مقتل حرکت کرده باشند؟

بسمه تعالی: اول اینکه، «خرجن» که در زیارت ناحیه آمده، مستلزم آن نیست که عیالات اهل بیت (علیهم السلام) مخالف تکلیف شرعی را عمداً مرتکب شده باشند.

دوم اینکه، اهل بیت (علیهم السلام) به خاطر شدت مصیبت و دیدن سر بریده‌ی امام حسین (علیه السلام) در زیر حجاب، موهای خود را پریشان کردند و بر سر و صورت زدند و در همان حال به سوی قتلگاه حرکت کردند.

سوم اینکه، اگر خروج اهل بیت (علیهم السلام) از خیام با آن حالت گیسوان پریشان کرده در حالی که حجاب نداشته بودند واقع می شد، دشمنان آن را ماده‌ی تاریخ می کردند و این واقعه را نقل کرده و بهانه قرار می دادند و می گفتند: ببینید خاندان اهل بیت (علیهم السلام) این گونه عمل کردند، بلکه آنان در حالی که زیر حجاب، موها را پریشان کرده بودند خارج شدند.

شعائر حسینی.....121

چهارم اینکه، این گونه تعبیر در این زیارت مقدسه، حاکی از عظمت ظلمی است که در حق اهل بیت (علیهم السلام) روا شد و حاصل ما وقع، در زیارت ناحیهی مقدسه نقل شده است.

پنجم اینکه، خروج زنان در اطراف خیام، هنگامی واقع شد که اسب بی صاحب سیدالشهدا (علیه السلام) کنار خیام آمد و با دیدن اسب خونی، عیالات حضرت (علیه السلام) در خیام و اطراف آن شروع به شیون کردند که این پریشانی و زدن به صورت در اطراف خیام صورت گرفت و این عمل از دید دیگران پنهان بود؛ زیرا سیدالشهدا (علیه السلام)، خیام حرم را طوری قرار داده بود که حرم اهل بیت (علیهم السلام) در معرض دید نباشد.

ششم اینکه، در مقتل، بدین نحو نقل شده است: هنگامی که خواهران و دختران اهل بیت (علیهم السلام) اسب بی صاحب امام (علیه السلام) را دیدند، فریاد، شیون و زاری برآوردند و /م کلثوم دست بر سر نهاد، فریاد زد: وامحمداه واجداه و... و فریاد زد، این حسین است که بر زمین افتاده، سرش از قفا بریده شده و عمامه و ردایش به یغما رفته است... و همچنین آمده است: دختران رسول (صلی الله علیه وآله) از حریم خیمه ها بیرون آمدند و گریستند و در فراق حامیان و عزیزان خود شیون کردند، آن گاه است: «خرجن من الخدور ناشرات الشعور علی

122.....شعائر حسینی

الحدود لا طمات و...»^۱ که نشر شعر (در حالی که در زیر حجاب انجام داده بودند) بر سر و صورت می زدند و به اطراف قتلگاه حرکت کردند.

۱. زیارة الناحیة المقدسة .

شعائر حسینی.....123.

در خصوص زیارات معروف، از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می اندازند و می گویند سند این زیارات معلوم نمی باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهمات به خصوص در نسل جوان می شود؟

بسمه تعالی: مضامین زیارت های معروف، در بعضی از روایات صحیحه وارد شده است و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه ی عالی رسیدند و در اعتبار آن زیارات همین مقدار کافی است.

چگونه ممکن است با زیارت امام حسین(علیه السلام) و یا گریه بر مظلومیت آن امام(علیه السلام) خداوند متعال تمام گناهان ما را ببخشد؟

بسمه تعالی: سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام) هرچه داشت در راه خداوند متعال اهدا نمود و پروردگار در مقابل آن همه ایثار، که بقای دین و احیای سنت رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) مرهون اوست، به زائرین، عزاداران و گریه کنندگان بر سیدالشهدا (علیه السلام) عنایتی فرموده است.

آیا روایاتی که درباره‌ی گریستن و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) آمده، شکل و کیفیت خاصی را سفارش کرده یا اینکه به مردم واگذار شده که به دلخواه خود مراسم عزاداری را برگزار کنند؟

بسمه تعالی: سینه زنی و گریستن، گرچه شدید باشد، به خاطر سیدالشهداء (علیه السلام) از نشانه های دینی است و داخل عنوان حزن و اندوه است و روایات معتبر برای پسندیده بودن این کار و مستحب بودن آن و اینکه باعث تقرب به خداست، وارد شده؛ بنابراین حتی اگر این سینه زنی منجر به سیاه شدن سینه و ضرر به بدن بشود، ایرادی ندارد.

قال الصادق (علیه السلام): اَللّٰهُمَّ... وَاَرْحَمْ تِلْكَ الْاَعْيْنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَّنَا وَاَرْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَّنَا وَاَرْحَمْ الصَّرْخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَّنَا؛^۱ امام صادق (علیه السلام) بر سجاده‌ی خود نشسته و بر زائران و سوگواران اهل بیت، چنین دعا می کرد و می فرمود: خدایا! آن دیدگان را که اشک هایش در راه ترحم و عاطفه بر ما جاری شده و دل هایی را که به خاطر ما نالان گشته و سوخته و آن فریادها و ناله هایی را که در راه ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.

۱. بحارالانوار، ج 98، ص 8، الکافی، ج 4، ص 583، ح 11.

شعائر حسینی.....125.

قال الرضا(عليه السلام): يا ابن شبيب! إن كنت باكياً لشيء فأبك
للحسين بن علي بن أبي طالب(عليه السلام) فإنه ذبح كما يُذبح الكبش؛^۱ امام
رضا(عليه السلام) به ریان بن شبيب فرمود: ای پسر شبيب! اگر بر چیزی
گریه می کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب(علیهما السلام) گریه کن،
چرا که او را مانند گوسفند سر بریدند.

قال الرضا(عليه السلام):... فعلى مثل الحسين فليبك الباكون فإن
البكاء عليه يحط الذنوب العظام...؛^۲ امام رضا(عليه السلام) فرمود: گریه
کنندگان باید بر کسی همچون حسین(عليه السلام) گریه کنند، چرا که
گریستن برای او، گناهان بزرگ را فرو می ریزد.

قال الرضا(عليه السلام):... يا ابن شبيب! إن بكيت على الحسين(عليه السلام)
حتى تصير دموعك على خديك غفر الله لك كل ذنب أذنبته صغيراً كان
أو كبيراً قليلاً كان أو كثيراً...؛^۳ امام رضا(عليه السلام) فرمود: ای پسر
شبيب! اگر بر حسین(عليه السلام)، آن قدر گریه کنی که اشک هایت بر
چهره ات جاری شود، خداوند همه ی گناهانی را که مرتکب شده ای
می آمرزد، کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد.

۱. بحارالانوار، ج 44، ص 286.

۲. بحارالانوار، ج 44، ص 284، ح 17.

۳. امالی صدوق، ص 112، بحارالانوار، ج 44، ص 286، ح 23.

در شب عاشورا، بلکه در شب های محرم برخی امور صورت می گیرد، می خواستم از جنابعالی حکم آنها را بپرسم؛ مانند گریه با صدای بلند. با اینکه برخی آیات قرآن و احادیث وارد شده که فرد مسلمان را دعوت به خویشتن داری به هنگام مصیبت کرده و فریاد، شیون و زاری را حرام می کند (مانند آیات شریفه‌ی 156 و 157 سوره‌ی بقره).

بسمه تعالی: آنچه بر اهل بیت (علیه السلام) در روز عاشورا گذشت، مصیبتی است در دین و مذهب. پس آه و فریاد، گذشته از گریه بر اهل بیت (علیهم السلام)، عبادت محسوب می شود و آیه‌ی شریفه‌ی مذکور ناظر به مصیبت شخصی (مانند مرگ فردی) است، نه مصیبت دینی. و در روایات فراوانی، استحباب گریه بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است.

قَالَ الصَّادِقُ (علیه السلام): ... رَحِمَ اللَّهُ دَمْعَتَكَ، أَمَا إِنَّكَ مِنَ الَّذِينَ يُعْدُونَ مِنْ أَهْلِ الْجَزَعِ لَنَا وَالَّذِينَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا، وَيَخَافُونَ لَخُوفِنَا وَيَأْمَنُونَ إِذَا أَمَّنَا أَمَا إِنَّكَ سَتَرَى عِنْدَ مَوْتِكَ حُضُورَ آبَائِي لَكَ...^۱

امام صادق (علیه السلام) به مسمع، که از سوگواران و گریه کنندگان در عزای حسینی بود، فرمود: خدا، اشک تو را مورد رحمت قرار دهد. آگاه باش! تو از آنانی که از دلسوختگان ما به شمار می آیند، و از آنانی

۱. کامل الزیارات، ص 203، ح 291.

شعائر حسینی.....127

که با شادی ما شاد می شوند و با اندوه ما غمگین می گردند. آگاه باش! تو هنگام مرگ، شاهد حضور پدرانم بر بالین خویش خواهی بود. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَا فَاطِمَةُ! كُلُّ عَيْنٍ بَاكِیَةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا عَيْنُ بَكْتٍ عَلَى مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ؛^۱ پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) فرمود: فاطمه جان! روز قیامت هر چشمی گریان است، مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین گریسته باشد، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمت های بهشتی مژده داده می شود.

قَالَ الرِّضَا (عليه السلام): يَا ابْنَ شَبِيبٍ! إِنَّ كُنْتَ بَاكِیًّا لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ؛^۲ امام رضا (عليه السلام) به ریان بن شبیب فرمود: ای پسر شبیب! اگر بر چیزی گریه می کنی، بر حسین بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) گریه کن، چرا که او را مانند گوسفند سر بریدند.

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 293، ح 37.

۲. بحار الانوار، ج 44، ص 286.

با توجه به دشواریِ راه و عدم توانایی مالی، ما که توفیق زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) را نداریم، به چه کسی پناه ببریم؟

بسمه تعالی: از خود حضرت(علیه السلام) بخواهید، بر شما آسان خواهد کرد. اهل بیت(علیهم السلام) وسیله‌ی استجابت دعا هستند، به آنان متوسل شوید ان شاء الله امکانات سفر و زیارت فراهم خواهد شد و هرچه در این راه مشکلات را تحمل کنید مأجورید. امامان(علیهم السلام) ما را امر به این سفر نموده اند ان شاء الله از این اجر عظیم محروم نمی شوید¹.

1. عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر(عليه السلام)، قال مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين(عليه السلام)، فإن إتيانه مفترض على كل مؤمن يقرّ للحسين(عليه السلام) بالإمامة من الله عزّ وجلّ؛ [كامل الزيارات، ص 236، ح 351] محمد بن مسلم از حضرت باقر(علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند: شیعیان ما را امر کنید که به زیارت قبر حضرت حسین بن علی(علیهما السلام) بروند؛ زیرا زیارت آن حضرت بر هر مؤمنی که اقرار به امامتش از جانب خداوند عز وجل دارد، فرض و واجب می باشد.

عن الوشاء، قال سمعت الرضا(عليه السلام) يقول: إنّ لكلّ إمام عهداً في عنق أوليائه وشيعته، وإنّ من تمام الوفاء بالعهد وحسن الأداء زيارة قبورهم، فمن زارهم رغبة في زيارتهم وتصديقاً بما رغبوا فيه كان أئمتهم شفعاءهم يوم القيامة؛ [الكافي، ج 4، ص

شعائر حسینی.....129

چگونه ممکن است که بگوییم امام زین العابدین(علیه السلام) تا چهل سال بعد از واقعه‌ی کربلا، هرگاه آبی را مشاهده می کرد گریه می کرد و می فرمود: پدرم با لب تشنه شهید شد. حال آنکه اهل بیت(علیهم السلام) اسوه‌ی صبر و شکیبایی هستند؟

بسمه تعالی: گریه‌ی زین العابدین(علیه السلام) هدف عظیمی به دنبال داشت و می خواستند با این عمل رسالتی را به مردم برسانند. مردم هنگامی که گریه‌ی امام سجاد(علیه السلام) را مشاهده می کردند به یاد ظلم بنی امیه می افتادند و واقعه‌ی طف (کربلا) در اذهان زنده می شد همان گونه که حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) بعد از رحلت رسول

و شاء گفت، شنیدم از امام رضا(علیه السلام) که می فرمودند: هر امامی به گردن دوستان و شیعیانش عهده‌ی دارد و زیارت قبورشان از مصادیق وفای به عهد و حسن ادای وظیفه محسوب می شود، از این رو کسی که از روی رغبت و میل به زیارتشان رود ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.

عن أمّ سعید الأحمسیّة، عن أبي عبد الله(علیه السلام) قالت: قال لی: یا أمّ سعید تزورین قبر الحسین، قالت: قلت: نعم، فقال لی: زوریه فإنّ زیارة قبر الحسین واجبة علی الرجال والنساء؛ [کامل الزیارات، ص 237، ح 354]

ام سعید احمسیه می گوید، امام(علیه السلام) به من فرمودند: ای ام سعید! آیا قبر حسین(علیه السلام) را زیارت می کنی؟ عرض کردم: بلی! فرمودند: به زیارت آن قبر مطهر برو؛ زیرا زیارت قبر حسین(علیه السلام) بر مردان و زنان واجب است.

130.....شعائر حسینی

گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) برای بیان و آگاه نمودن مردم، شب و روز گریه می کردند تا مظلومیت شوهر خود، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) و ظلمی که در حق آنها از طرف خلفا را شد بیان نمایند.

مشاهده می شود مؤمنین بعد از نوشیدن آب، سیدالشهدا (علیه السلام) را یاد

می کنند، آیا اگر کسی این حرکت را فراموش کند، معصیت کرده است؟
بسمه تعالی: خیر! معصیت نکرده، اما سزاوار است مؤمن و محب
سیدالشهدا (علیه السلام) در هنگام آب خوردن از عطش سیدالشهدا (علیه
السلام) و خاندان اهل بیت (علیهم السلام) یاد نماید و بر ظالمین آنها لعنت
بفرستد، و هر کس یاد کند سیدالشهدا (علیه السلام) را در هنگام نوشیدن
آب، خداوند متعال به او عنایت خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.¹

1. عن داود الرقي، قال: كنت عند أبي عبد الله (عليه السلام) إذا استسقى الماء، فلما شربه رأيت قد استعبر واغرو رقت عيناه بدموعه، ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين (عليه السلام) فما من عبد شرب الماء فذكر الحسين (عليه السلام) ولعن قاتله إلا كتب الله له مائة ألف حسنة، وحط عنه مائة ألف سيئة، ورفع له مائة ألف درجة، وكأنما أعتق مائة ألف نسمة، وحشره الله تعالى يوم القيامة ثلج الفؤاد؛ [كامل الزيارات، ص 212، ح 304] از داود رقی روایت شده که می گوید: در محضر مبارک امام صادق (علیه السلام) بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند، دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد، سپس به من فرمودند: ای داود! خدا قاتل حسین (علیه السلام) را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین (علیه السلام) را یاد نموده و کشنده اش را لعنت کند، مگر آنکه خداوند منان صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه، مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشور می کند. محمد بن یعقوب از علی بن محمد، از سهل بن زیاد، از

سؤالاتی در خصوص

سیر واقعه‌ی کربلا و حضور اهل بیت (علیهم السلام)

در سرزمین کربلا

حرکت امام حسین (علیه السلام) از مدینه به مکه در چه تاریخی بوده است؟
بسمه تعالی: حرکت امام حسین (علیه السلام) از مدینه به مکه در روز یکشنبه، بیست و هشتم ماه رجب سال شصت هجری بوده و شب جمعه، سوم شعبان وارد مکه شدند و ماه شعبان، رمضان، شوال و ذی القعدة را در مکه به سر برد و آن گاه روز سه شنبه هشتم ذی الحجه (روز ترویج) از مکه به سوی عراق (کربلا) حرکت کردند.

والی مدینه در زمان یزید چه کسی بود و چگونه از امام حسین (علیه السلام) بیعت خواست؟
بسمه تعالی: بعد از مرگ معاویه، یزید نامه ای به والی مدینه، ولید بن عقبه نوشت که از سه نفر بیعت بگیر، امام حسین (علیه السلام)، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر (عبد الرحمن بن ابی بکر) و اگر تخلف کردند سر آنها را جدا کن و برای من بفرست.

آیا امام حسین(علیه السلام) بیعت را پذیرفتند؟

بسمه تعالی: امام حسین(علیه السلام) ضمن رد بیعت فرمود: «...مثلی
لا یبایع مثله؛^۱ یعنی مثل من (امام حسین(علیه السلام)) با مثل یزید بیعت
نمی کند».

۱. کتاب الفتوح، احمد بن اعثم الکوفی، ج 5، ص 14؛ الفصول المهمة فی معرفة الائمة، ج
2، ص 780.

امام حسین (علیه السلام) چگونه تصمیم گرفتند به عراق حرکت کنند؟

بسمه تعالی: چند پیشنهاد به امام حسین (علیه السلام) شد:

1. برگشت به مدینه 2. ماندن در مکه 3. رفتن به یمن 4. رفتن به

عراق (تصمیم خود امام حسین (علیه السلام)).

به مدینه برگشتند؛ چون مردم تصور می کردند که او بیعت را قبول کرده. در مکه نماندند؛ چون گفتند بیت الله الحرام را هتک می کنند و بعد آن فعل را به امام حسین (علیه السلام) نسبت می دادند، و به یمن نرفتند؛ چون بعداً امام حسین (علیه السلام) را به ترسیدن متهم می کردند. ایشان (علیه السلام) عراقی را به دلیل نامه های زیادی که از مردم کوفه دریافت کردند قبول کرده بود و می فرمودند: من رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را در خواب دیدم که فرمود: «یا حسین إن شاء الله أن یراک قتیلاً وإن الله قد شاء أن یراهن سبایا»^۱ خدا اراده کرده است تو را کشته ببیند و عیال تو را در حالی که اسیر هستند مشاهده نماید. و همچنین: «یا حسین إن لک فی الجنة درجات لا تنالها إلا بالشهادة»^۲ ای حسین! درجه ای بر تو در بهشت نزد خداست که به آن نمی رسی، مگر به واسطه ی شهادت».

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 364؛ العوالم، ص 214.

۲. امالی صدوق، ص 217.

آیا امام حسین(علیه السلام) برای طلب قدرت و مقام به سوی کربلا حرکت کردند؟

بسمه تعالی: امام حسین(علیه السلام) هیچ گاه به خاطر قدرت و طلب سلطه خارج نشد و این گفته‌ی افراد غافل و منحرف از ولای اهل بیت(علیهم السلام) است. سید الشهداء(علیه السلام) در مواطن مختلف، هدف از حرکت خود را بیان نموده است و در وصیت خود به برادرش، محمد حنفیه هدف از حرکت خود را اصلاح جامعه بیان نموده است:

«باسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما أوصى به الحسين بن علي بن أبي طالب إلى أخيه محمد المعروف بابن الحنفية: إنَّ الحسين يشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له، وأنَّ محمدًا عبده ورسوله، جاء بالحق من عند الحق، وأنَّ الجنة والنار حقَّ، وأنَّ الساعة آتية لا ريب فيها، وأنَّ الله يبعث من في القبور. وإنِّي لم أخرج أشراً ولا بطراً، ولا مُفسداً ولا ظالماً، وإنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدِّي(صلى الله عليه وآله) أريد أن آمر بالمعروف وأنهى عن المنكر، وأسير بسيرة جدِّي وأبي علي بن أبي طالب، فمن قبلني بقبول الحق فالله أولى بالحق، ومن ردَّ عليَّ هذا أصبر حتَّى يقضى الله بيني وبين القوم بالحق، وهو خير الحاكمين.

شعائر حسینی.....139

وهذه وصيتي - يا أخي - إليك وما توفيقى إلا بالله عليه توكلت،
وإليه أنيب؛^١ ... به قصد اصلاح امت جدم خارج شدم و می خواهم به
معروف فرمان دهم و از منکر باز دارم...».

آیا امام حسین(علیه السلام) مخیر بودند بین خروج به کربلا یا خیر؟
بسمه تعالی: امام حسین(علیه السلام) مخیر بود، بین بیعت و تسلیم، و
اختیار شهادت؛ جدش، رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) و پدرش،
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) به او وعده داده بودند که
مقامی را با شهادت کسب خواهد کرد و کسی به آن مقام نمی رسد؛ یا
حسین إنَّ لك فی الجنة درجة عند الله لم تنالها إلا بالشهادة؛^٢ و همچنین
رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) فرمودند: یا حسین إنَّ الله شاء أن یراک قتيلاً
وإنَّ الله شاء أن یراهن سبایا؛^٣ از این رو ایشان شهادت را انتخاب کرد و
به سوی کربلا حرکت کرد. ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) می خواست
دین را زنده کرده و از زحمات رسول خدا(صلی الله علیه وآله) دفاع کند و

١. مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 88؛ بحارالانوار، ج 44، ص 329.

٢. امالی صدوق، ص 217.

٣. بحارالانوار، ج 44، ص 364.

140.....شعائر حسینی

با اهدای خون خود، دین را بیمه نماید و اگر خون امام حسین(علیه السلام) نبود چیزی از دین باقی نمی ماند.

مراد از «ثار الله» که بر امام حسین (علیه السلام) اطلاق می شود چیست؟
 بسمه تعالی: «ثار» از ریشه ی «ثار» و «ثورة»، به معنای انتقام و خونخواهی و نیز به معنای خون آمده است. برای «ثار الله» بودن امام حسین (علیه السلام)، معانی و وجوه مختلفی ذکر شده که در مجموع به این معنا است که خداوند، ولی دم آن حضرت است و خود او خون آن بزرگوار را از دشمنانش طلب می کند؛ چرا که ریختن خون سیدالشهدا (علیه السلام) در کربلا، تجاوز به حریم و حرمت الهی و طرف شدن با خداوند است و چون اهل بیت (علیهم السلام) «آل الله» هستند، شهادت این امامان، ریخته شدن خونی است که متعلق به خداوند است.

اولین نامه را چه کسی از کوفه برای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) نوشت و مضمون آن چه بود؟
 بسمه تعالی: اولین نامه را سلیمان بن صرد، مسیب بن نجبه، رفاعه بن شداد و حبيب بن مظاهر نوشتند و آن نامه از این قرار بود:
 «بسم الله الرحمن الرحيم، للحسين بن علي (عليهما السلام) من سليمان بن صرد، والمسيب بن نجبة ورفاعة بن شداد البجلي، وحبيب بن مظاهر، وعبدالله بن وال، وشيعته من المؤمنين والمسلمين من أهل الكوفة:

أَمَّا بَعْدُ، فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَمَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّ أَبِيكَ الْجَبَّارِ الْعَنِيدِ
الْغَشُومِ الظُّلُومِ الَّذِي انْتَزَى عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ، فَابْتَزَّهَا أَمْرَهَا، وَغَضِبَهَا فِيْهَا،
وَتَأَمَّرَ عَلَيْهَا بِغَيْرِ رِضَا مِنْهَا، ثُمَّ قَتَلَ خِيَارَهَا، وَاسْتَبَقَى شَرَارَهَا، وَجَعَلَ مَالِ
اللَّهِ دَوْلَةً بَيْنَ جَبَابِرَتِهَا وَعُتَاقِهَا، فَبُعْدًا لَهُ كَمَا بَعْدَتْ ثُمُودُ.

ثم إنَّه ليس علينا إمامٌ غيرُكَ، فأقبلْ لعلَّ الله أن يجمعنا بك على الحقِّ،
والنُّعمان بن بشير في (قصر الإمارة) ولسنا نجتمع معه في جُمعة ولا
جماعة، ولا نخرج معه في عيد، ولو قد بلغنا أنَّكَ أقبَلْتَ إلينا أخرجناه
حتَّى نلحقه بالشام إن شاء الله، والسلام عليك ورحمة الله وبركاته؛^١

... ما خدای را سپاسگزاریم که معاویه، آن دشمن ستمکار و کینه
توز تو را که به ناحق برگردهی این امت سوار شد و اموال آن را به
چپاول برد و خوبان را کشته و بدان را میدان داد، نابود ساخت. ما
اینک امامی نداریم. به سوی ما بیا که شاید خداوند ما را گرد حق آورد.
و نعمان بن بشیر در دارالاماره است و ما را با او کاری نیست و اعتنایی
به او نداریم، و اگر به ما خبر برسد که به سوی ما حرکت کرده ای او
را از شهر بیرون خواهیم کرد تا به شام ملحقش سازیم...».

١. اعیان الشیعه، ج ١، ص ٥٨٩؛ الفتوح، ج ٥، ص ٣٣.

شعائر حسینی.....143.

و نامه را به واسطه‌ی عبدالله بن سبیع همدانی و عبدالله بن وال
تمیمی^۱ ارسال نمودند.

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۲؛ الفتوح، ج ۵، ص ۴۴؛ ارشاد مفید، ص ۲۰۹.

افراد مشهوری که برای امام حسین (علیه السلام) نامه نوشته و حضرت را به عراق دعوت کردند، چه کسانی بودند؟

بسمه تعالی: نامه های فراوانی از عراق برای حضرت ارسال شد، به طوری که تعداد آنها بالغ بر 12 هزار نامه بود، در بعضی از آنها حاوی بیش از 500 امضا بودند و می توان از جمله ی آن افراد به حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، سلیمان بن صرد، رفاعه بن شداد، مسیب بن نجبه، شیبث بن ربیع، حجار بن أبجر، یزید بن حارث بن رویم، عروه بن قیس، عمرو بن حجاج، محمد بن عمیر و... اشاره کرد.

امام حسین (علیه السلام) که در مکه بودند، قصد حرکت به عراق و شهادت را داشته یا اینکه مجبور شدند به عراق بروند؟

بسمه تعالی: سید الشهداء (علیه السلام) در موطن مختلف از بیعت با یزیدیان سرباز زدند و می فرمودند: «مثلی لایباع مثله»^۱ مثل من با مثل یزید بیعت نمی کند» و همچنین می فرمودند: «علی الاسلام السلام إذا ابتلیت الأمة براع مثل یزید»^۲ باید فاتحه ی اسلام را خواند، اگر بخواهد کسی مثل یزید رهبر باشد» و همچنین هنگامی که در مکه بودند، قبل

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 325؛ اللهوف، ص 17.

۲. مثیر الاحزان، ص 14؛ لواعج الاشجان، ص 26.

شعائر حسینی.....145

از خروج خطبه ای خواندند. در آن خطبه حقایق را آشکار کردند و مرگ را تشبیه به گردنبندی کردند که در سینه‌ی دختری جلوه می‌کند. «الحمد لله، وما شاء الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله، وصلى الله على رسوله وسلم خط الموت على ولد آدم مخط القلادة على جيد الفتاة، وما أولهني إلى أسلافى اشتياق يعقوب إلى يوسف، وخير لى مصرع أنا لآقيه. كأنى بأوصالى تقطعها غسلان الفلوات بين النواويس وكرلاء، فيملأن منى أكراشاً جوفاً، وأجربة سغباً، لا محيص عن يوم خط بالقلم، رضى الله رضانا أهل البيت، نصبر على بلائه، ويوفينا أجور الصابرين، لن تشذ عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) لحمته، بل هى مجموعة له فى حضيرة القدس، تقر بهم عينه، ويُنجز لهم وعده.

من كان فينا باذلاً مهجته، وموطناً على لقاء الله نفسه، فليرحل معنا، فإننى راحلٌ مصباحاً إن شاء الله تعالى؛^۱

حمد و سپاس خدای را که هرچه بخواهد همان است، و هرچه قدرت و توانایی است از اوست. و سلام و درود خدا بر رسولش باد.

۱. العوالم، الامام الحسين (عليه السلام)، ص 216؛ مقتل خوارزمی، ج 1، ص 186؛ شرح الاخبار، ج 3، ص 146.

آن گونه که گردنبند بر گردن دختران جوان خط می اندازد، مرگ نیز بر گردن فرزندان آدم حلقه بسته است. (کنایه از اینکه زیبایی فرزندان آدم به مرگ است، همچون زیبایی گلوبند بر گردن دوشیزگان، و از مرگ فراری نیست) واله و شیدای دیدار پدران و نیاکانم هستم، همانند اشتیاق یعقوب به یوسف. برای من شهادتگاهی فراهم شده که باید به سوی آن بروم. و گویا می بینم گرگ های بیابان بین نو/ویس و کربلا بندبند بدن مرا از هم جدا کرده و شکم خالی و گرسنه‌ی خود را از پیکر من سیر می سازند. روش ما خاندان رسالت، رضای خدا را جستن و رضای ما اهل بیت، رضای خداست؛ در بلاها استقامت می‌ورزیم و شکیبایی داریم و پاداش صابرین به ما خواهد رسید، که به یقین پاره‌ی تن رسول خدا هرگز از او جدا نخواهد شد.

بلکه برای روشنی چشم پیامبر و تحقق وعده‌ی الهی همگی در بهشت گردهم می آیند؛ پس هرکس بخواهد جان خود را در راه ما فدا کند و جویای دیدار خدا باشد با ما بیاید، که همانا من، ان شاء الله صبحگاه عازم هستم».

و در نامه‌ی خود به بعضی از اشراف بصره نوشتند:

«... أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ، وَأَكْرَمَهُ بِنَبُوَّتِهِ، وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادَةِ وَبَلَّغَ

شعائر حسینی 147

ما أرسل به (صلی الله علیه وآله)، وكنّا أهله وأولیاءه وأوصیاءه وورثته، وأحقّ الناس بمقامه فی الناس، فاستأثر علينا قومنا بذلك فرضينا وكرهنا الفرقة، وأحببنا العافية، ونحن نعلم أنّا أحقّ بذلك الحقّ المستحقّ علينا ممّن تولّاه.

وقد أحسنوا وأصلحوا وتحروا الحقّ فرحمهم الله وغفر لنا ولهم وقد بعثتُ رسولی إلیکم بهذا الكتاب، وأنا أدعوکم إلى کتاب الله وسنّة نبیّه (صلی الله علیه وآله)، فإنّ السنّة قد أمیتت، وإنّ البدعة قد أحييت، وإنّ تسمعوا قولی، وتطیعوا أمری أهدکم إلى سبیل الرشاد، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»¹.

... من شما را به کتاب خدا و سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) دعوت می کنم، سنت، از بین رفته و بدعت، جایگزین آن شده. اگر به قول من توجه کنید و از آن تبعیت نمایید شما را به راه نجات هدایت می کنم.

و این خود گواهی است آشکار بر این واقعیت که حرکت امام حسین (علیه السلام) فقط جهت اصلاح و هدایت مردم بوده است.

۱. تاریخ طبری، ج 4، ص 266؛ البدایة والنهایة، ج 8، ص 170؛ اعیان الشیعه، ج 1، ص 590؛ مقتل الحسین (علیه السلام)، ابو مخنف، ص 25.

آیا امام حسین (علیه السلام) برای طلب سلطه خارج شدند؟

بسمه تعالی: سیدالشهداء (علیه السلام) در مواطن مختلف هدف خود از حرکت به عراق را بیان کردند: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ إِصْلَاحِ أُمَّةٍ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱ و امام حسین (علیه السلام) برای اصلاح جامعه و دفاع از زحماتی که رسول خدا (صلى الله عليه وآله)، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)، حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام حسن (علیه السلام) برای دین کشیده بودند، حرکت کردند. و کسانی که مقوله ای غیر از این را قائل اند باید استغفار کرده و هرچه سریع تر توبه کنند. والله الهادی الی سواء السبیل.

آیا امام حسین (علیه السلام) در طول حرکت خود از مدینه به مکه و از مکه به

عراق، قصد سازش نداشتند؟

بسمه تعالی: امام حسین (علیه السلام) در طول حرکت خود هیچ گاه کلام یا حرکتی را انجام ندادند که دال بر آن باشد؛ بلکه آنچه که فرمودند، دال بر آن بود که ایشان برای احیای دین و سنت رسول

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

شعائر حسینی.....149

خدا(صلی الله علیه وآله) و نجات بشر از ظلمت به پا خاسته اند. امام حسین(علیه السلام)در پاسخ ولید بن عقبه، والی مدینه فرمودند:

«إِنَّا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَبَنَّا يَخْتَمُ، وَيَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ وَقَاتِلُ النَّفْسِ الْمَحْرَمَةِ، مُعَلَّنٌ بِالْفَسَقِ، وَمِثْلِي لَا يَبَايِعُ مِثْلَهُ وَلَكِنْ نَصَبُحُ وَتَصْبَحُونَ وَنَنْظُرُ وَتَنْظُرُونَ أَئِنَّا أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ؟^۱ ما اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآله) و ارکان رسالت هستیم، منزل ما فرودگاه فرشتگان است. خداوند از ما آغاز کرده و به ما ختم می کند. و یزید مردی است میخوار، قاتل نفس محترمه (بی گناهیانی که خدا قتلشان را حرام دانسته)، و تبهکار آشکار، و شخصی مانند من هرگز با شخصی مانند او بیعت نمی کند».

و در پاسخ مروان حکم فرمود:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بَرَاعَ مِثْلَ يَزِيدٍ وَلَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ(صلی الله علیه وآله) يَقُولُ: الْخِلَافَةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى آلِ أَبِي سَفْيَانَ^۲؛ بر اسلام، سلام باد، باید فاتحه اسلام را خواند و با اسلام خداحافظی کرد، آن گاه که والی مسلمانان کسی

۱. بحارالانوار، ج 44، ص 325؛ اعیان الشیعه، ج 1، ص 581؛ الفتوح، ج 5، ص 14؛
اللهوف، ص 17.

۲. مقتل الخواریزمی، ج 1، ص 185؛ لهوف، ص 20؛ مثير الاحزان، ص 15.

همچون یزید باشد. از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: خلافت بر آل ابو سفیان حرام است».

یک روز قبل حرکت از مکه فرمودند:

«خطّ الموت علی ولد آدم مخطّ القلادة علی جید الفتاة، وما أولهنی
إلی أسلافی اشتیاق یعقوب إلی یوسف، وخیر لی مصرع أنا لاقیه، کأنّی
بأوصالی تقطعها عسلان فلواة بین النواویس وکربلا فیملان منّی أکراشا
جوفاً وأجربة سغباً، لا محیص عن یوم خطّ بالقلم، رضا الله رضانا أهل
البيت، نصبر علی بلائه ویوفینا أجور الصابرين... إلّا من کان فینا باذلاً
مهجته موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، فإنّی راحل مصباحاً إن شاء
الله تعالی؛^۱

مرگ بر فرزندان آدم، لازم و حتمی گردیده، همانند گردنبند که
لازمه‌ی گردن دختران جوان است و اشتیاق من به دیدار نیاکانم مانند
اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف است و برای من قتلگاهی معین شده
که به آنجا خواهم رسید و گویا می بینم که درندگان بیابان ها (لشکر
کوفه) در سرزمین میان نو/ویس و کربلا، اعضای بدن مرا قطعه قطعه
کرده و شکم های گرسنه‌ی خود را با آنها سیر و انبان های خالی خود

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 366؛ العوالم الامام حسین (علیه السلام)، ص 216.

شعائر حسینی.....151

را پر می کنند، از پیشامدی که با قلم قضا و قدر نوشته شده است، گریزی نیست، خشنودی خداوند خشنودی ما اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه و آله) است، در بلاها استقامت می‌ورزیم و شکیبایی داریم تا پاداش صابرين به ما رسد... پس هر که می خواهد در راه لقای خداوند نثار کند، آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم نمود، ان شاء الله تعالی».

حضرتش در علت حرکتش به سوی کوفه فرمود:

«إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسَدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي (صلی الله علیه و آله)، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (إِلَّا وَأَتَى أَحَقَّ مِنْ غَيْرِي)؛^۱

من به جهت خودخواهی، گردنکشی، فتنه انگیزی و ستمگری خارج نشدم؛ بلکه به قصد اصلاح امت جدم خروج کردم. می خواهم به معروف فرمان دهم و از منکر باز دارم و بر سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب(علیه السلام) رفتار کنم (در چنین شرایطی من از همه سزاوارترم)».

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 329.

در منزلگاه بیضه، در مسیر کوفه، خطاب به سپاه حر می فرماید: «من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله، ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله يعمل في عباد الله بالإثم والعدوان فلم يغير عليه بفعل ولا قول كان حقاً على الله أن يدخله مدخله».^۱

او از زندگی با ستمکاران خسته شده و خطاب به یارانش در کربلا می فرماید: «إني لا أرى الموت إلا سعادة والحياة مع الظالمين إلا برماً؛^۲ مرگ برای من خوشبختی است و زندگی با ستمکاران را جز ملال و خستگی نمی بینم».

و در جمع ستمکاران کلماتی را می فرمودند که معنای آن این بود: «إن كان دين محمد (صلى الله عليه وآله) لم يستقم إلا بقتلى يا سيوف خذيني؛^۳ اگر دین رسول خدا جز با شهادت من قوام نمی گیرد، پس ای شمشیرها! مرا در برگیرید». والله المسدد

۱. بحارالانوار، ج 44، ص 382؛ تاریخ الطبری، ج 5، ص 403.

۲. مناقب ابن شهر آشوب، ج 3، ص 224؛ العوالم، ص 67.

۳. الصحيح من سيرة النبي الاعظم (صلى الله عليه وآله)، ج 3، ص 112؛ اعيان الشيعة، ج

1، ص 303.

شعائر حسینی.....153.

آیا جمله‌ی «إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) لَمْ يَسْتَقِم إِلَّا بِقَتْلِ يَاسُوفٍ خُذِينِي» حدیث است؟
بسمه تعالی: خیر! حدیث نیست؛ بلکه زبان حال امام (علیه السلام) است و جملاتی را که حضرت می فرمودند این معنا را می رساند.

آیا امام حسین (علیه السلام) مخیر بین قیام و سکوت بود و یا اینکه بر حضرت (علیه السلام) واجب بود که قیام کند؟
بسمه تعالی: امام حسین (علیه السلام) در قیام و انتخاب شهادت؛ حتی پس از رسیدن به کربلا مخیر بود؛ اما عهد و پیمانی از جد بزرگوار و پدرش وجود داشت مبنی بر اینکه سیدالشهدا (علیه السلام) را مقامی است که جز با شهادت به آن دست نمی یابد:
یا حسین لک فی الجنة درجة لم تنالها إلا بالشهادة.^۱

۱. امالی صدوق، ص 130 .

ناقلین واقعی کربلا چه کسانی هستند؟

بسمه تعالی: بر طبق منقولات موجود در کتب متعدد به خصوص مقاتل، ناقلین واقعی طف عبارت اند از: 1- امام سجاد(علیه السلام)، 2- امام باقر(علیه السلام)، 3- زینب کبری(علیه السلام)، 4- فاطمه بنت الحسین(علیها السلام)، 5- حمید بن مسلم، 6- عقبه بن سمعان (غلام رباب)، 7- ضحاک بن عبدالله، 8- قره بن قیس حنظلی، و ... می باشند.

روایتی که می گوید: امام حسین(علیه السلام) به یاران خود اجازه‌ی بازگشت دادند و از آنان خواستند تا از تاریکی شب استفاده کنند و بروند، تا چه اندازه ای صحیح است و اگر روایت صحیح است، آیا با این فرمایش، تکلیف به یاری حضرت، برداشته شد؟

بسمه تعالی: بر فرض صادر شدن این فرمایش از امام حسین(علیه السلام)، منظور این بود که وجوب یاری آن حضرت که در نتیجه‌ی بیعت، واجب شده بود، رفع گردد، و گرنه یاری پیامبر یا امام(علیه السلام) حکم شرعی الهی است، که قابل رفع نمی باشد. نکته‌ی دیگر اینکه بعدها گفته نشود که امام(علیه السلام) اصحابش را مجبور به جنگ و مرگ کرد و خلاصه اینکه امام(علیه السلام) دانایتر به گفته‌ی خویش است و آنچه فرمودند، مصلحت بوده و فرمایش امام این بود: فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً

شعائر حسینی.....155

أَوْفَى وَأَبْرَّ مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَوْفَى وَأَبْرَّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمُ اللَّهُ
عَنِّي خَيْرَ الْجَزَاءِ عَلَيَّ وَأَنِّي لِأُظِنُّ يَوْمًا مِنْ هَوْلَاءِ إِنَّ هَذَا اللَّيْلَ قَدْ غَشِيَكُمْ
فَاتَّخَذُوهُ جَمَلًا، وَلِيَاخُذْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِيَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَتَفَرَّقُوا فِي
سَوَادِ هَذَا اللَّيْلِ إِنَّ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ لَا يُرِيدُونَ غَيْرِي؛^۱ من اصحابی وفادارتر و
اهل بيتی وفادارتر از شما نیافتم... از تاریکی شب استفاده کنید و
هر کدام یکی از اهل بیت مرا با خود ببرد و از منطقه دور شود، کسی با
شما کاری ندارد، دشمن مرا می خواهد.

آیا صحیح است که امام حسین(علیه السلام) در شب عاشورا بیعت خود را
از اصحاب و اهل بیتش برداشت و از آنان خواست با استفاده از تاریکی شب
از منطقه‌ی کربلا دور شوند؟

بسمه تعالی: به نقل از امام سجاد(علیه السلام)، امام حسین(علیه السلام)
شب عاشورا، تمام اصحاب خود را جمع کرد و خطبه ای برای آنها
خواند:

۱. الکامل فی التاریخ (ابن الاثیر)، ج ۱، ص ۵۵۹.

«أثنى على الله تعالى أحسن الثناء، وأحمده على السراء، اللهم إني أحمدك على أن أكرمتنا بالنبوة وعلمتنا القرآن، وفقهتنا في الدين، وجعلت لنا أسماعاً وأبصاراً وأفئدة، فاجعلنا لك من الشاكرين.

أما بعد: فإنني لا أعلم أصحاباً أوفى ولا خيراً من أصحابي، ولا أهل بيت أبرّ ولا أوصل من أهل بيتي، فجزاكم الله جميعاً عنّي خيراً. ألا، وإنني لأظنّ يومنا من هؤلاء الأعداء غداً، ألا وإنني قد أذنتُ لكم جميعاً، فانطلقوا في حلّ، ليس عليكم منّي حرجٌ ولا ذمام.

وهذا الليل قد غشيكم فاتخذوه جملاً، ثم ليأخذ كلّ رجل منكم بيد رجل من أهل بيتي، وتفرّقوا في سواد هذا الليل، وذروني وهؤلاء القوم، فإنّهم لا يريدون غيري، ولو أصابوني لذهلوا عن طلب غيري»^۱.

... بعد از حمد و ثنای خداوند و تمجید از اصحاب و اهل بیت خود، از اصحاب خود خواست که از تاریکی شب استفاده کنند و هر کدام یکی از اهل بیت را با خود برده و از منطقه دور شوند و فرمود: کسی با شما کاری ندارد دشمن مرا می خواهد، ولیکن اصحاب باقی ماندند و وفای خود را به حضرت (علیه السلام) نشان دادند.

۱. ارشاد شیخ مفید، ج 2، ص 91.

آیا امام حسین (علیه السلام) از شهادت خود خبر داشت؟

بسمه تعالی: امام حسین (علیه السلام) هنگامی که اراده کرد از مدینه خارج شود، ام سلمه نزد او آمد و گفت: فرزندم! مرا با رفتن به عراق اندوهگین مساز؛ چرا که من از جدت شنیدم که فرمود: فرزندم حسین (علیه السلام) در سرزمین عراق، در جایی که به آن کربلا گویند، کشته می شود. امام حسین (علیه السلام) فرمود: ای مادر! به خدا سوگند روزی را که در آن کشته می شوم، می دانم و آن مکانی را که در آن دفن می شوم را می شناسم و کسانی که از اهل بیت (علیهم السلام) من و شیعه ام کشته می شوند را می شناسم. ای مادر! اگر بخواهی، جایی که در آن کشته و به خاک سپرده خواهم شد را به تو نشان می دهم.^۱

و فرمود: «کأني بأوصالي تقطعها عسلان الفلوات بين نوایس و کربلاء؛ می بینم که گرگ های بیابان بدنم را تکه تکه می کنند، بین نوایس^۲ و کربلا»^۳ و فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به من فرمود: «يا حسين إن لك في الجنة درجة عند الله لم لا تنالها إلا بشهادة؛ ای

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 331.

۲. منطقه ای در کربلا که به احتمال زیاد همان منطقه ای می باشد که حر بن یزید ریاحی دفن شده است.

۳. مقتل خوارزمی، ج 1، ص 186؛ شرح الاخبار، ج 3، ص 146.

۴. امالی صدوق، ص 93.

158 شعائر حسینی

حسین! برای تو مرتبه ای است در بهشت نزد خداوند متعال که به آن نمی رسی مگر با شهادت» و فرمود: «یا حسین إنّ الله شاء أن یراک قتیلاً وإنّ الله، شاء أن یراهنّ سبايا؛^۱ ای حسین! خداوند متعال اراده کرده است که تو را ببیند در حالی که کشته شده ای و اهل بیت را اسیر ببیند».

۱. بحارالانوار، ج 44، ص 364.

شعائر حسینی.....159

چگونه امام حسین(علیه السلام) که در معرض خطر بود، اقدام به نهضت، قیام و جنگ کرد؛ در حالی که اسلام به ما دستور می دهد که اگر ضرری در کار بود، اقدام به تبلیغ دین نکنیم؟

بسمه تعالی: هرگاه حفظ دین و بقای آن متوقف بر فداکاری و از خود گذشتگی باشد، از خود گذشتگی وظیفه‌ی شرعی می گردد و ماجرای سیدالشهدا(علیه السلام) از این باب است.

چه کسی جسد مطهر امام حسین(علیه السلام) را دفن کرد؟ اگر حضرت امام زین العابدین(علیه السلام) باشد، چگونه امکان دارد؛ در حالی که او و اهل بیتش اسیر بودند و دفن سه روز پس از تاریخ شهادت انجام گرفته است؟

بسمه تعالی: امامان معصوم(علیهم السلام) قدرت بر کارهای خارق العاده دارند (هرگاه در این کار رضای خدا باشد) و تاریخ، گویای قضایای متعددی از این قبیل است؛ مانند حاضر شدن امیرالمؤمنین(علیه السلام) بر بالین سلمان(علیها السلام) در مدائن، با اینکه مسافت میان این دو شهر بسیار طولانی است که این «طی الارض» است و امامان معصوم(علیهم السلام) قادر بر این کارها هستند.

چگونه ممکن است سیدالشهدا(علیه السلام) بدانند که در کربلا شهید

می شوند اما باز به سوی عراق حرکت کنند؟

بسمه تعالی: سیدالشهدا(علیه السلام) در طول حرکت خود و در
مواطن مختلف، هدف خود را از حرکت به سوی عراق بیان کردند و
اگر حفظ دین موقوف بر شهادت شخصی باشد، حفظ دین مقدم بر
همه‌ی امور دیگر است.

دشمن به امام حسین(علیه السلام) بعد از آنکه آنها را نصیحت کردند چه

جواب دادند؟

بسمه تعالی: دشمن به ساحت مقدس امام حسین(علیه السلام)
جسارت کردند و این گونه جواب دادند: «قالوا: قد علمنا ذلک کله،
ونحن غیر تارکیک حتّی تذوق الموت عطشا؛^۱ می دانیم تمام آنچه را که
می گویی، ولیکن تو را ترک نمی کنیم تا لب تشنه جان دهی».

۱. الامالی شیخ صدوق، ص 223؛ روضة الواعظین، ص 186؛ بحارالانوار، ج 44، ص 318.
لما منعوا الحسین من الماء قال له رجل: انظر إلیه کأنّه کبد السماء لا تذوق منه قطرة
حتّی تموت عطشا!! فقال الحسین: اللهم اقتله عطشا، فلم یرو مع کثرة شربه للماء حتّی
مات عطشا. (الصواعق المحرقة، ص 195؛ احقاق الحق، ج 11، ص 520)

منشأ ناهمخوانی برخی روایات در مورد واقعه‌ی کربلا چیست؟

چرا بعضی از افراد معروف، مانند عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر و

محمد بن حنفیه همراه کاروان سیدالشهدا(علیه السلام) حرکت نکردند؟

بسمه تعالی: حادثه‌ی کربلا مانند دیگر حوادث تاریخی است که کتاب‌های سیره و تاریخ شیعی آن را نقل کردند؛ همان گونه که کتاب‌های اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند.

روایات در این زمینه دو دسته اند: آنچه که با سند ارزشمند (معتبر) از خاندان اهل بیت(علیهم السلام) به ما رسیده، ما به آنها اخذ می کنیم؛ و دوم آنچه که دیگران (غیر شیعه) نقل کرده و یا با سند غیر معتبر از راویان شیعه به ما رسیده است، می توان آنها را به قصد رجاء نقل کرد (بدون نسبت دادن آنها به خاندان مطهر عصمت و طهارت)، و آن هم در صورتی که با مسلمات تاریخی شیعه مغایرت نداشته باشد، والا از نقل آنها باید اجتناب کرد.

و اما موضوع همراه نشدن برخی افراد با امام حسین(علیه السلام)، به طور مثال در مورد عبدالله بن عباس، گفته شده که او در آن زمان نابینا بود و یا محمد بن حنفیه بیمار بوده است.

امام حسین(علیه السلام) در پاسخ دشمنان نسبت به عاقبت کار آنها چه فرمودند؟

بسمه تعالی: امام(علیه السلام) فرمود: «یلتقی بأسکم بینکم ویسفک دمائکم ثمّ یصب علیکم العذاب الالیم»^۱ بین شما فتنه می شود و خون هایتان می ریزد و عذاب الهی شما را فرا می گیرد».

و بعد فرمودند: مدت زیادی نخواهید ماند «... والله لا تلبثون بعدها إلاّ کریث ما یرکب الفرس حتّی تدور بکم دور الریحی وتعلّق بکم قلق المحور عهد عهده إلیّ أبی عن جدّی ...»^۲ ... خیلی درنگ نمی کنید؛ بلکه به اندازه‌ی آنکه پای خود را بر رکاب اسب بگذارید خواهید ماند. آن زمان است که چرخ گردون زمانه، شما را لِه خواهد کرد و این عهدی است که جدم به پدرم داده است...».

بر بدن مبارک امام حسین(علیه السلام) چند تیر، نیزه و شمشیر اصابت کرد؟

بسمه تعالی: بنابر نقل مقاتل، بیش از یکصد و ده زخم بر بدن امام(علیه السلام) وارد آمد و امام صادق(علیه السلام) می فرماید: تعداد سی

۱. بحارالانوار، ج 45، ص 52؛ العوالم، ص 295.

۲. لهوف فی مقتل الطفوف، ص 59.

شعائر حسینی.....163.

و سه زخم از نیزه و سی و چهار زخم از شمشیر بر پیکر امام(علیه السلام) بوده است.

معلوم است که جسد امام حسین(علیه السلام) در دشت کربلا سه روز بر زمین باقی ماند، آیا جسد مطهر امام حسین(علیه السلام) در این زمان که بر زمین بود تغییر کرد؟

بسمه تعالی: زمین و هوا بیشتر از آتشی نیستند که ابراهیم(علیه السلام) را در درون خود نسوزاند و بیشتر از چاقویی نبود که حلقوم اسماعیل(علیه السلام) را نبرید و مواردی از این قبیل، و زمین، اجساد اولیای خدا را از بین نمی برد؛ بلکه به دلیل مقام والای آنها جسدشان باقی می ماند. امام حسین(علیه السلام) مقام و منزلتی دارند که کسی به آن مکان نمی رسد و جسد مطهر ایشان در مدتی که در سرزمین کربلا بر روی زمین بود، هیچ گونه تغییری نکرد.

اهل بیت(علیهم السلام) و لشکر کفر تا چه زمان در کربلا باقی ماندند؟

بسمه تعالی: عمر بن سعد لعنه الله علیه و بقیه تا روز یازدهم هنگام ظهر در کربلا بودند و سایر شهدا را سر بردند و هفتاد و دو سر همراه با شمر بن ذی الجوشن لعنه الله علیه روانه ی کوفه کرد تا سرها را به عبیدالله لعنه الله علیه بدهد و سپس حمد بن بکیر را دستور داد که سایرین، از جمله خاندان گرامی رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را روانه ی کوفه نمایند.

شعائر حسینی 165.

آیا امام باقر (علیه السلام) در واقعه‌ی کربلا حضور داشت؟

بسمه تعالی: بله! امام باقر (علیه السلام) در واقعه‌ی کربلا حضور داشت و عمر شریف ایشان چهار سال بود.

نظر حضرت تعالی در خصوص اینکه اهل بیت (علیهم السلام) در اربعین اول به

کربلا بازگشتند، چیست؟

بسمه تعالی: اهل بیت امام حسین (علیه السلام) در سال 61 هجری از شام برگشته و در بیستم صفر همان سال در کربلا با جابر بن عبد الله /نصاری ملاقات کردند و همگان برای امام عزاداری نمودند. مرحوم ابن طاووس (رحمه الله) می نویسد:

«راوی گفت: چون زنان و عیالات حسین (علیه السلام) از شام بازگشتند و به کشور عراق رسیدند، به راهنمای قافله گفتند، ما را از راه کربلا ببر! چون به قتلگاه رسیدند، دیدند که جابر بن عبد الله /نصاری و جمعی از بنی هاشم و مردانی از اولاد پیامبر (صلی الله علیه وآله) برای زیارت قبر حسین (علیه السلام) آمده اند، پس همگی به یک هنگام در آن سرزمین گرد آمدند و با گریه، اندوه و سینه زنی با هم ملاقات کردند و مجلس عزایی که دل ها را جریحه دار می کرد، بر پا نمودند و زنانی

که در آن نواحی بودند، جمع شدند و چند روزی به همین منوال گذشت.^۱

و به نظر ما و بنابر شواهد تاریخی هیچ گونه شبهه ای وجود ندارد که بازگشت اهل بیت (علیهم السلام) در اربعین اول به کربلا بوده است.

مگر حضرت زینب (علیها السلام) در مقابل یزید چه گفت که غضب آن ملعون را برانگیخت و دستور داد حضرت را شهید کنند؟

بسمه تعالی: حضرت زینب (علیها السلام) بعد از شهادت سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) در موطن مختلف با بیان حقایق، مردم را آگاه کرده و بطلان دستگاه یزید را اعلام می کرد، به خصوص در مجلس یزید با آن خطبه‌ی آتشین که فرمود:

«... یزید! این چنین شتاب مکن و آرام باش و آهسته تر! آیا فراموش کرده ای فرمایش خدای عزوجل را که می فرماید:

آنان که کفر ورزیدند، گمان نکنند که مهلت دادن ما به آنها، به سود و نفع آنهاست، ما به آنان فرصت می دهیم تا بر گناهانشان بیفزایند، که عذابی دردناک و ذلت اخروی در انتظار آنهاست.

۱. لهوف، ابن طاووس، ص 37.

شعائر حسینی.....167

... و چگونه در عداوت و دشمنی ما شتاب نکند، کسی که به ما خاندان رسالت به چشم بغض و کینه و خشم و دشمنی می نگرد؟ این جنایت بزرگ را انجام دادی و بی هیچ حیا و پروایی از این گناه بزرگ، می گویی، ای کاش پدرانم می بودند و می دیدند و شادمانی می کردند و می گفتند، ای یزید! از خود ضعف و سستی نشان مده.

این جملات را می گویی در حالی که بی شرمانه، چوب بر لب و دندان ابی عبدالله(علیه السلام)، سید جوانان اهل بهشت می کوبی!

قسم به خدا، ای یزید! جز پوست پیکر خود را ندریدی، و جز گوشت بدنت را پاره نکردی! به زودی با بار سنگینی که از ریختن خون فرزندان رسول خدا و با هتک حرمت خاندان، و پاره های تن او که به گردن گرفته ای بر رسول خدا(صلی الله علیه وآله) وارد می شوی، و در آنجا خدای تعالی آشفته گی آنان را سامان می بخشد، و خاطر پریشانیشان را جمع می کند، و حق آنان را از دشمنانشان باز می ستاند. (وگمان مبری آنان که در راه خدا کشته شدند، [مرده اند] آنان زنده اند و در نزد خداوندشان متنعم می باشند و روزی می خورند).

یزید! اکنون که کشتن و اسارت ما را غنیمت خود می شماری، و به آن می بالی، به زودی غرامت تو خواهیم شد، آن هنگام که هیچ چیز جز اعمال خویش را که از قبل فرستاده ای با خود نخواهی یافت، و

خدایت به بندگانش ستم نمی کند. ملجأ و پناه من، خداست و شکوه گاه من اوست.

پس هر مکاری که می توانی به کار بگیر و هر تلاشی که می توانی بکن، اما به خدا سوگند هرگز نمی توانی نام نیک ما را از بین ببری و نمی توانی وحی ما را بمیرانی، دوره‌ی ما را به سر برسانی، و ننگ و عار این حادثه را از دامن خود پاک کنی.

یزید! عقلت منحرف و ضعیف است، و ایام حکومت کوتاه و معدود، و جمعیت پراکنده و مطرود است، روزی خواهد رسید که منادی ندا دهد: لعنت خدا بر ظالمان و ستمگران باد!¹.

آن گونه این خطبه مؤثر واقع شد که یزید با بزرگان شام مشورت کرد که با اسرا چه کند. مضمون جواب آنها این بود که همه‌ی اسرا را به قتل برسان، اما نعمان بن بشیر گفت: بنگر و ببین رسول خدا با اسرا چگونه رفتار می کرد، تو هم با اینها این گونه رفتار کن!² از این رو زینب کبری (علیها السلام) را رها نمودند.

قاسم بن حسن (علیه السلام) در واقعه‌ی کربلا چند سال داشت؟

۱. لهوف سید بن طاووس، ص ۱۴۵.

۲. لهوف سید بن طاووس، ص ۱۴۵.

شعائر حسینی.....169

بسمه تعالی: بنابر نقل بعضی مقاتل، چهارده سال داشت که شهید شد.^۱

چه زمانی آب را بر روی امام حسین(علیه السلام)، اهل بیت و یاران باوفایش

بستند؟

بسمه تعالی: روز سه شنبه، هفتم ماه محرم نامه ای از عبیدالله بن زیاد لعنه الله علیه به عمر بن سعد لعنه الله علیه رسید که نوشته شده بود: میان امام حسین(علیه السلام) و یارانش و آب فرات حائل شو و نگذار قطره ای از آب فرات بنوشند. عمر بن سعد لعنه الله علیه پانصد سوار در کنار نهر فرات قرار داد که آل رسول(صلی الله علیه وآله) و یارانش نتوانند از آب استفاده کنند، و این واقعه سه روز قبل از شهادت امام(علیه السلام) اتفاق افتاد.

آیا سر مقدس و شریف امام حسین(علیه السلام) در مصر به خاک سپرده

شده است؟

بسمه تعالی: آنچه معروف و مشهور است چنین است که آن سر مقدس به کربلا بازگردانده شد.

۱. مقتل ابی مخنف.

محل دفن سر مبارک سیدالشهدا(علیه السلام) کجاست؟

بسمه تعالی: معروف است که سر مبارک سیدالشهدا(علیه السلام) به
کربلا برگردانده شده و کنار جسد مطهرش به خاک سپرده شد.

شعائر حسینی.....171

آخرین کسی که از اهل بیت امام حسین (علیه السلام) شهید شد چه کسی بود؟

بسمه تعالی: آخرین شخصی که شهید شد، علی اصغر رضیع، طفل شش ماهه‌ی امام حسین (علیه السلام) است.^۱

شهدای کربلا چند نفر هستند، آیا 72 تن می باشند؟

بسمه تعالی: آنچه که معروف است تعداد شهدای کربلا 72 تن^۱ می باشد و شاید مراد آن است که تا سیدالشهدا (علیه السلام) زنده بود

۱. «... آن حضرت با دل پر از حسرت، به سوی خیمه رجعت نمود و زینب خاتون (علیها السلام) را فرمود که فرزند دل‌بند صغیر مرا (علی اصغر) (علیه السلام) بیاور تا با او وداع نمایم و چون او را آورد، امام مظلوم (علیه السلام) طفل معصوم را گرفت و همین که خواست از راه رافت و کمال مرحمت خم شده او را ببوسد (و حجت را بر دشمنان تمام کند و بر تشنگی کودک معصوم طلب آب نماید)، حرمه بن کاهل اسدی پلید لعنه الله از خدا حیا ننمود و تیری به جانب آن نوگل بوستان احمدی انداخت که تیر به گلوی نازک آن طفل معصوم اصابت نمود به طوری که گویا گلو را ذبح نمایند، گوش تا گوش پاره نمود. پس آن حضرت با کمال غم و حسرت، به زینب خاتون، فرمود: این طفل را بگیر؛ پس امام (علیه السلام) هر دو دست را در زیر گلوی طفل گرفت چون پر از خون شد به سوی آسمان پاشید، آن گاه فرمود: آنچه که بر من این مصائب را آسان می نماید آن است که این مصیبت بزرگ در حضور پروردگار عادل نازل می گردد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: از آن خون طفل معصوم که امام (علیه السلام) به آسمان پاشید، حتی یک قطره هم روی زمین نیفتاد! (لہوف سید بن طاووس)

۱. معروف از شهدا عبارت اند از:

«اسلم التركي، انس بن الحارث الكاهلي، انيس بن معقل الاصبحي، ام وهب، برير بن خضير، بشير بن عمر الحضرمي، جابر بن الحارث السلماني، جبلة بن علي الشيباني، جنادة بن الحارث الانصاري، جندب بن حجير الخولاني، جون مولى أبي ذر الغفاري، جوين بن مالك الضبيعي، حبيب بن مظاهر، الحجاج ابن مسروق، الحر بن يزيد الرياحي، حلال بن عمرو الراسبي، حنظلة بن اسعد الشبامي، خالد بن عمرو بن خالد، زاهد مولى عمرو بن الحمق الخزاعي، زهير بن بشر الخثعمي، زهير بن القين البجلي، زيد بن معقل الجعفي، سالم مولى بنى المدينة الكلبي، سالم مولى عامر بن مسلم العبدی، سعد بن حنظلة التميمي، سعد بن عبدالله، سعيد بن عبدالله، سوار بن منعم بن حابس، سويد بن عمرو الخثعمي، سيف بن حارث بن سريع الجابري، سيف بن مالك العبدی، حبيب بن عبدالله النهشلي، شوذب مولى شاکر، عامر بن مسلم، عبدالرحمن بن عبدالرحمن بن عبدالله الارحبي، عبدالرحمن بن عبد ربه الانصاري، عبدالرحمن بن عبدالله بن يزيد العبدی، عبدالله بن يزيد العبدی، عمران بن كعب، عمار بن أبي سلامة، عمار بن الصيداوي، عمرو بن عبدالله الجندعي، عمرو بن ضبيعة، عمرو بن قرظة، عمر بن قرظة، عمر بن عبدالله أبو ثمامة الصائدي، عمرو بن مطاع، عمير بن عبدالله المذحجي، قارب مولى الحسين، قاسط بن زهير، قاسم بن حبيب، قرّة بن أبي قرّة الغفاري، قعنب بن عمر، كردوس بن زهير، كنانه بن عتيق، مالك بن عبد بن سريع، مجمع بن عبدالله العائذي، مسعود بن الحجاج وابنه، مسلم بن عوسجة، مسلم بن كثير، منجج مولى الحسين، نافع بن هلال، نعمان بن عمرو، نعيم بن عجلان، وهب ابن عبدالله، يحيى بن سليم، يزيد بن حصين الهمداني، يزيد بن زياد الكندي، يزيد ابن نبیط.

بعضی از شهداء كه بعضی كتب متأخر از قبیل زیارة الرجبية، ومناقب ابن شهر آشوب، ومثیر الاحزان، واللهوف ذکر کرده است عبارتند از:

ابراهيم بن الحصين، ابو عمرو النهشلي، حماد بن حماد، حنظلة بن عمر الشيباني، رميت بن عمرو، زائد بن مهاجر، زهير بن السائب، زهير بن سليمان، زهير بن سليم الازدي، سلمان بن مضارب، سليمان بن سليمان الازدي، سليمان ابن عون، سليمان بن كثير، عامر بن جليلة

اینان به شهادت نایل شدند؛ چون بعضی از یاران به خاطر جراحت، مثل سويد بن ابی مطاع و یا تنبه و پشیمانی مثل ابو الحتوف بن حرث و سعد بن حرث بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیدند، آنها ابتدا در لشکر عمر بن سعد بودند و بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) به لشکر سیدالشهدا (علیه السلام) ملحق شدند.

در مقتل است که صبح عاشورا بعد از آنکه عمر بن سعد به طرف خیمه گاه امام حسین (علیه السلام) تیر زد بقیه‌ی لشکر به طرف خیمه گاه سیدالشهدا (علیه السلام) تیر زدند و در همان حمله چند نفر از یاران سیدالشهدا (علیه السلام) به شهادت رسیدند؟

بسمه تعالی: طبق نقل بعضی مقاتل و کتب تاریخی حدود 40 تا 43 نفر در همان حمله‌ی اول به شهادت رسیدند.^۱

(خلیده)، عامر بن مالک، عبدالرحمن ابن یزید، عثمان بن فروة، عمر بن کناد، عبدالله بن ابی بکر، عبدالله بن عروة، غیلان بن عبدالرحمن، قاسم بن الحارث، قیس بن عبدالله، مالک بن دودان، مسلم بن کناد، مسلم مولی عامر بن مسلم، منیع بن زیاد، نعمان بن عمرو، یزید ابن مهاجر الجعفی. (قصه کربلاء، عربی، ص 427).

۱. ادهم بن امیه، امیه بن سعد، بشیر (بشر) بن عمرو، جابر بن الحجاج، جبله بن علی الشیبانی، جناده بن کعب، جندب بن حجیر، جوین بن مالک، الحارث بن امریء القیس، الحارث بن النبهان، حباب بن الحارث، الحجاج بن زید، الحلاس بن عمر، زاهر بن عمرو، زهیر بن سلیم الازدی، زهیر بن بشر، سالم (مولی عامر بن مسلم)، سالم بن عمرو، سوار بن

شعائر حسینی.....175

می گویند که حضرت زینب(علیها السلام) از خیام خارج نشد مگر هنگامی که حضرت علی اکبر(علیه السلام) به میدان رفت. نظر مبارک شما چیست؟
بسمه تعالی: آنچه که در واقعه‌ی کربلا رخ داده، بعضی از آن موارد از مسلمات می باشد، اینکه حضرت زینب(علیها السلام) در بعضی از مواطن خارج شد و خطبه خواند، از مسلمات می باشد. و می توان به خطبه‌ی حضرت زینب(علیها السلام) در مجلس /بن زیاد لعنه الله علیه و مجلس یزید لعنه الله علیه اشاره کرد و حضرت زینب(علیها السلام) هرجا صلاح می دید خارج می شد و بطلان راه دشمنان را نمایان می کرد و آنان را به افتضاح می کشید. نقل وقایع موجود در کتب با نسبت دادن آن مقوله به کتاب مانعی ندارد.

آیا قرائت مجلس قاسم بن حسن(علیهما السلام) جایز است؟

ابی حمیر، شبیب بن عبدالله، عائذ بن مجمع، عامر بن مسلم، عبدالله بن بشیر، عبدالله بن یزید، تبیط العبدی، عبیدالله بن یزید، تبیط العبدی، عبدالرحمن بن عبد ربه الانصاری، عبدالرحمن بن مسعود، عمار بن حسان، عمار بن ابی سلام، عمر بن ضبیعه (عمرو بن ضبعه)، عمران بن کعب، عمرو بن خالد، قاسم بن حبیب، قاسط ابن زهیر، قعیف بن عمرو، کروس بن زهیر، کنانه بن عتیق، مجمع بن عبدالله مسلم بن کثیر، مسعود بن الحجاج، نصر بن ابی تیزر، النعمان بن عمرو، نعیم بن عجلان. (قصه کربلاء، عربی، ص 280)

بسمه تعالی: خواندن این مجلس اشکالی ندارد و باید در اذهان اشخاص حاضر این گونه رسوخ کند که این یک واقعه‌ی تاریخی است که نقل شده و به نحو حتم نیست، و این مجلس برای جوانان تأثیرگذار خواهد بود، در هر حال برگزاری مجلس قاسم بن حسن (علیهما السلام) مانعی ندارد.

تعداد شهدای اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا چند نفر بودند؟

بسمه تعالی: عدد اهل بیت امام حسین (علیه السلام) که به شهادت رسیدند، بنابر نقل مشهور بین مورخین و روایات مقاتل، 17 نفر بوده اند و نام آنها در زیارت ناحیه ذکر شده است و حسب تتبع در بعضی کتب تاریخی شهدای اهل بیت (علیهم السلام) در واقعه‌ی طف به جز امام حسین (علیه السلام) عبارت اند از:

العباس بن علی بن ابی طالب، علی بن الحسین الأكبر، عبدالله بن علی بن ابی طالب، محمد بن علی بن ابی طالب، ابوبکر بن الحسن بن علی، عبدالله بن الحسین بن علی، جعفر بن علی بن ابی طالب، عثمان بن علی بن ابی طالب، عون بن عبدالله بن جعفر، محمد بن ابی سعید بن عقیل، عبدالرحمن بن عقیل، القاسم بن الحسن بن علی،

شعائر حسینی.....177

محمد بن عبدالله بن جعفر، عبدالله بن الحسن بن علی، عبدالله بن
مسلم بن عقیل، جعفر بن عقیل، عبدالله بن عقیل^۱.

۱. و بعضی دیگر از شهدای خاندان اهل بیت (علیهم السلام) در بعضی مقاتل وجود دارد که
یقینی نیست: أبوبکر بن علی بن ابی طالب، عبیدالله بن عبدالله بن جعفر، محمد بن
مسلم بن عقیل، عبدالله بن علی بن ابی طالب، عمر بن علی بن ابی طالب، ابراهیم بن
علی بن ابی طالب، عمر بن الحسن بن علی، محمد بن عقیل، و جعفر بن محمد بن عقیل.
(قصه کربلاء، عربی، ص 425)

اولین کسی که بعد از واقعه‌ی طف، کربلای معلی را زیارت کرد چه کسی بوده است؟

بسمه تعالی: بنابر نقل مقاتل اولین کسی که موفق به زیارت کربلا شد، جابر بن عبد‌الله انصاری^۱ و عطیه^۲ و جماعتی از بنی هاشم بودند که همزمان با ورود خاندان نبوت، در اربعین وارد کربلا شدند.

اسرایی که از آل بنی هاشم و غیر آن، از کربلا به سوی شام حرکت کردند چه کسانی بودند؟

بسمه تعالی: در این خصوص نمی توان با یقین جواب داد ولیکن حسب تتبع تاریخی می توان به بعضی از عیالات آل بنی هاشم و غیر آنها اشاره کرد:

۱. جابر بن عبد‌الله انصاری، یکی از اصحاب بزرگ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) بود و از ایشان روایات زیادی نقل فرمود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به جابر بن عبد‌الله انصاری بشارت داده بود که تا زمانی که پسر محمد باقر (علیه السلام) را ببینی زنده خواهی ماند. جابر بن عبد‌الله نزد اهل بیت (علیهم السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) جایگاه خاصی داشت.

۲. عطیه عوفی، چهره‌ی درخشانی است که نامش را امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگزید، خطبه‌ی فدک و زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را روایت کرد و در شمار مبارزان شجاع جای گرفت و از تابعین حساب می شود و از اصحاب امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

1. عقيله ی بنی هاشم، زینب کبری، دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام).
2. ام کلثوم یا زینب صغری، دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام).
3. رباب بنت امرؤ القیس، زن امام حسین (علیه السلام).
4. سکینه، دختر امام حسین (علیه السلام).
5. فاطمه، دختر امام حسین (علیه السلام).
6. رقیه، دختر امام حسین (علیه السلام).
7. رقیه، همسر مسلم بن عقیل.^۱

۱. و نام بعضی از اسرای کربلا در کتب مختلف ذکر شده است از جمله:

بنت مسلم بن عقیل. الخوصاء، معروف به «ام الثغر»، زن عقیل و مادر جعفر بن عقیل، همراه با فرزندش در کربلا بود. ام کلثوم صغری، دختر عبدالله بن جعفر وزینب کبری، با همسرش قاسم بن محمد بن جعفر در کربلا بود و شوهرش در روز عاشورا شهید شد. رمله، مادر قاسم فرزند امام حسین (علیه السلام).

شهربانو، مادر بچه ی شیرخواری که هانی بن ثبیت با تیر او را شهید کرد و او غیر از شهربانو مادر امام سجاد (علیه السلام) است (مادر امام سجاد (علیه السلام) شهربانو در بدو ولادت امام سجاد (علیه السلام) فوت کرده بود). لیلی دختر مسعود بن خالد تمیمی، مادر عبدالله الاصر، از زنان امیرالمؤمنین، و آن غیر لیلی مادر علی اکبر است. فاطمه دختر امام حسن مجتبی (علیه السلام) و مادر محمد باقر (علیه السلام) همراه با زین العابدین (علیه السلام) بود. حسنیه، خادمه ی زین العابدین (علیه السلام) همراه با فرزندش در کربلا بود. زن عبدالله بن عمیر کلبی همراه با شوهرش در کربلا بود. فکیه، مادر قارب بن عبدالله بن اریقط، که قارب در مرحله اول شهید شد. بحریه، دختر مسعود خزر جی همراه با شوهرش جناده بن کعب و فرزندش عمرو بن جناده به کربلا آمد و فرزند و شوهرش هر دو در کربلا

گفته می شود که حضرت زینب (علیها السلام) هنگامی که حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) زنده بودند، هیچ گاه از خیمه خارج نشد؛ مگر زمانی که حضرت علی اکبر (علیه السلام) به شهادت رسید و آنچه گفته می شود که «وقتی اسب حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) را بی صاحب دید، به قتلگاه رفت و شمر را دید که بر سینه ی آن حضرت نشست و شمر با تازیانه بر حضرت زینب (علیها السلام) زد که حضرت زینب (علیها السلام) غش کرد» صحیح نیست که آنها به روایتی استدلال کرده اند که نام آن را «روایت گمراه کردن» نامیده اند، نظر شما چیست؟

برخی از قضایا و ماجراهای کربلا جطء مسلمات است که در مورد آنها روایات معتبری از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده. از جمله ی این قضایای قطعی و صحیح، خطبه خواندن حضرت زینب (علیها السلام) در مجلس ابن زیاد لعنه الله علیه و مجلس یزید لعنه الله علیه در شام است که با این سخنرانی، دروغ آنها را آشکار ساخت و آنان را رسوا نمود و توده ی مردم را علیه آنان تحریک کرد، و نقل وقایع و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) با ذکر منبع مانعی ندارد.

شهید شدند. جاریه مسلم بن عوسجه اسدی. (بعضی می گویند مراد ام خلف، زن مسلم بن عوسجه است). بعضی ذکر کرده اند که تعداد اسرای مرد در کربلا 8 نفر بودند و بعضی نقل کرده اند 12 نفر بودند. (قصه کربلاء، عربی، ص 430)

چگونه شد که امام زین العابدین (علیه السلام) در کربلا زنده ماندند؟
 مصلحت الهی این بود که امام زین العابدین (علیه السلام) در واقعه‌ی کربلا مریض باشد تا آنکه زمین از حجت آل محمد (علیهم السلام) خالی نباشد و زین العابدین (علیه السلام) وارث رسالت بزرگ امامت و ولایت گردد. همان گونه که امام حسین (علیه السلام) به خواهر خود، ام کلثوم فرمود: «یا ام کلثوم خذیه لئلا تبقى الأرض خالية من نسل آل محمد (صلی الله علیه وآله)»^۱ بگیر او را، مگذار که به میدان آید تا روی زمین از نسل آل محمد خالی نماند»^۲ و دشمن حتی قصد به شهادت رساندن امام زین العابدین (علیه السلام) را داشت، اما حضرت زینب (علیها السلام) مانع شد و فرمود: نمی گذارم او را به شهادت برسانید، مگر آنکه اول مرا بکشید.

۱. بحارالانوار، ج 45، ص 46؛ العوالم، ص 289.

۲. هنگامی که حضرت امام حسین (علیه السلام) به چپ و راست نگاه کرد و کسی از اصحابش را ندید، علی بن حسین، زین العابدین (علیه السلام) خارج شد و از شدت بیماری قدرت نداشت شمشیر خود را حمل کند و ام کلثوم از پشت سر او را صدا زد: فرزندم! برگرد. حضرت هم می فرمودند: «عمه جان، مرا بگذار تا در جلوی فرزند رسول خدا جنگ کنم.» در آن حال امام حسین (علیه السلام) فرمودند: ای ام کلثوم! او را بگیر تا زمین از نسل آل محمد (صلی الله علیه وآله) خالی نماند. (معالی السبطين، ج 2، ص 22؛ بحارالانوار، ج 45، ص 46)

منقول است که حضرت زینب(علیها السلام) وقتی سر مبارک برادر را بر روی زمین دید سر خود را به چوبه‌ی محمل کوبید و خون جاری شد، نظر مبارک شما چیست؟

بسمه تعالی: اینکه حضرت زینب(علیها السلام) سر مبارک خود را به هنگام مشاهده‌ی شهدا و سر مبارک سیدالشهدا(علیه السلام) به چوبه‌ی محمل کوبید، منقول است مانند سایر مطالب وارده در حق مصائب اهل بیت(علیهم السلام) و نقل آن با ذکر منبع مانعی ندارد؛ تا کذب واقع‌ای که دال بر مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) است محرز نشود، نقل آن واقع‌ه و نسبت دادن به آن کتاب ناقل، مانعی ندارد.

183.....شعائر حسینی

موثق ترین مدارک نقل وقایع کربلا کدام است؟

بسمه تعالی: ثبوت واقعه‌ی کربلا به نحو اجمال به واسطه‌ی تواتر و اخباری که از سوی اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، حاصل است و تفصیل واقعه را می‌توانید به کتب متعدده؛ از جمله بحارالانوار، قسمت سیدالشهدا (علیه السلام) و کتاب کافی و کتب مزار (علمای ابرار (قدس سرهما)) مراجعه کنید و کتبی مانند لهورف بن طاووس و کتاب اُبی مخنف، کتاب مقتل الحسین (علیه السلام) مرحوم مقرر و قسمت مقتل الحسین (علیه السلام)، کتاب اکسیر العبادات فی اُسرار الشهادات فاضل دربندی (رحمه الله)، و ریاض المصابی مرحوم تنکابنی (رحمه الله) و مقتل امام الحسین (علیه السلام) و سیر السبایا مرحوم عبدالزهر کعبی (رحمه الله) وقایع را با استفاده از متون معتبر موجود نقل کرده اند.^۱

کدام کتاب از نظر مقتل سیدالشهدا معتبر می باشد؟

بسمه تعالی: از کتب معتبره، کتاب اللهورف فی قتلی الصفوف سید بن طاووس، مقتل اُبی مخنف (رحمه الله) و مقتل الحسین (علیه السلام)

۱. حجت الاسلام والمسلمین، شیخ علی نظری منفرد، سلسله کتبی را با عنوان قصه‌ی هجرت، قصه‌ی مدینه، کوفه، کربلا و... تألیف نموده اند که کتب مفید و جامعی می باشد.

شعائر حسینی.....185.

مرحوم مقرر و کتاب المجالس السنّیه سید محسن امین (رحمه الله)، اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات فاضل دربندی (رحمه الله) و ریاض المصائب مرحوم تنکابنی (رحمه الله) و مقتل الحسین (علیه السلام) و سیر السبایا الشیخ عبدالزهره کعبی (رحمه الله) و کتاب بحار الانوار، قسمت سیدالشهدا و کتاب کافی و کتب مزار علمای ابرار و... به دست آورید.

گاهی گفته می شود که معتبرترین مصدر در حادثه ی کربلا، کتاب اللهوف

فی قتلی الطفوف، سید ابن طاووس است، نظر شما چیست؟

حادثه ی کربلا اجمالا به تواتر و روایات معتبره ای که از اهل بیت (علیهم السلام) آمده ثابت است؛ ولیکن جهت اطلاع از آن حادثه به صورت مفصل، می توان به کتاب های متعدد مراجعه کرد؛ از جمله، کتاب کافی، کتب ابواب مزار (علماء) و بحار الانوار. اما کتاب اللهوف و کتاب ابو مخنف همانند دیگر کتاب های تاریخی است که با معیارهای علمی سنجیده می شود. والله العالم.

شعائر حسینی	186
-------------------	-----

187.....شعائر حسینی

زیارت عاشورا

- * تشکیک در زیارت عاشورا
- * تشکیک در زیارات
- * اعتبار زیارت عاشورا
- * زیارت عاشورا در مجامع حدیثی
- * زیارت عاشورا در کتب
- * بررسی سندی زیارت عاشورا
- * لعن بر بنی امیه
- * زیارت عاشورا و میرزای تبریزی (قدس سره)

شعائر حسینی 189

شعائر حسینی	190
-------------------	-----

شعائر حسینی 191

بعضی در خصوص زیارت عاشورا تشکیک راه می اندازد و می گویند در

زیارت لعن نبوده است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره و مجرب می باشد، زیارت عاشورا را شیخ طوسی (رحمه الله) در مصباح المتهجد صغیر و کبیر نقل کرده است (به همین شکل موجود در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است). نسخ خطی فراوانی وجود دارد که از سه حال خارج نیست؛ یا تمام زیارت به شکل موجود در مفاتیح الجنان نقل شده است و یا اینکه قسمت لعن، به دلیل تقیه حذف شده است که محل حذف در نسخ خطی مشهود می باشد و به دلیل فشار بر تشیع، حفظ تقیه و تسهیل در رد و بدل نمودن آن، فرازهای لعن را حذف کرده اند و یا آنکه در بعضی از نسخ کپی شده، قسمت لعن در حاشیه ذکر شده که به دلیل تقیه ابتدا در نسخه ذکر نشده بود، ولیکن بعد از آنکه نسخه به شخصی خاص تعلق گرفته یا تشدید بر تشیع کمی برطرف شده است، آن را در حاشیه ذکر کرده اند تا مطابق با نسخه‌ی اصلی شود. در خصوص زیارت عاشورای موجود، با تمام فرازهایی که در مفاتیح الجنان ذکر شده است، شبهه‌ای وجود ندارد و معتبر می باشد.

شعائر حسینی.....193.

در خصوص زیارات معروف از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می اندازند و می گویند: سند این زیارات معلوم نمی باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهمات به خصوص در نسل جوان می شود.

مضمون زیارات معروف، در بعضی از روایات وارد شده است و با مراجعه به روایات، مضامین فقراتی از ادعیه شریفه موجود می باشد و همچنین این زیارات مجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه‌ی عالی رسیدند و این گونه ادعیه که مضامین آن در روایات وارد شده، مجرب است، نیاز به سند ندارد و هر کس آنها را بخواند، خداوند متعال ضمن قبول این عمل، به آنها پاداشی خواهد داد (ان شاء الله تعالی) و مسئله‌ی تشکیک از ابتدا از بعضی افراد بی اطلاع و منحرف سر می زده و می زند و نباید به گفتار آنان گوش داد. بعضی از لذت عبادت دور هستند و فکر می کنند با مطرح کردن این مسائل می توانند دنیای خود را آباد کنند. حال آنکه این حرف ها ضمن قطع توفیق الهی، عاقبت خوشی برای این گونه افراد نخواهد داشت. خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که با وسیله بردن (وابتغوا إلیه الوسيلة...) به درگاه خداوند متعال، به خواندن این ادعیه موفق شویم.

شما در خصوص سؤالات زیر، چه می فرمایید؟

1. کسی که می گوید زیارت عاشورای اصلی این نیست؛ بلکه این زیارت تحریف شده است!
2. ما بر علما اشکال کردیم، به ما جواب درست ندادند!
3. و در ملاء عام، حتی در نماز جمعه این اشکالات را مطرح می کند!
4. می توان به آنها خمس داد؟!
5. آیا خواندن نماز پشت سر آنها جایز است؟
بسمه تعالی:

1. هیچ گونه تزویری در زیارت عاشورا نیست و فقط بین نسخ اختلاف وجود دارد که به آن تزویر نمی گویند؛ بلکه اختلاف نسخ به دلیل تقیه اتفاق افتاده است و نسخی که در نزد ما است شامل تمام فقرات زیارت عاشورا، به شکلی که در مفاتیح الجنان است، می باشد و طبق اجازات موجود در بعضی نسخ، نسخه‌ی موجود به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد و تمام فقرات دعا در آن وجود دارد.
2. علما و بزرگان جواب مسئله را مناسب با مقام می گویند.
3. حاضر شدن و گوش دادن به خطبه‌ی این شخص جایز نیست.
4. دادن وجوه به این شخص جایز نیست.
5. نماز پشت سر این شخص جایز نمی باشد.

والله الهادی الی سواء السبیل.

از شما کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق الشبهات صادر شد و

بسیار مفید بود، نظر نهایی شما در خصوص زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالی: همان گونه که در کتاب به آن تأکید کردیم، زیارت عاشورا از حیث سند صحیح است. بعضی از نسخ مصباح المتهجد که به شکل نسخه‌ی خطی می باشد در دسترس است و بعضی از این نسخه ها با توجه به اجازات موجود بر آن، تاریخش به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) می رسد و علمای بزرگ طایفه، این زیارت را با تمام فرازهای آن ذکر کرده اند، از جمله محمد بن مشهدی (رحمه الله) در مزار، ابن طاووس (رحمه الله) در مصباح و شهید اول (رحمه الله) در مزارش و....

زیارت عاشورا مجرب است و علمای بسیاری به برکت این زیارت شریف، توفیقاتی کسب کرده اند و همین شهرت زیارت، در اثبات آن کافی است و مؤمنین در آن زمان تقیه، با آن مشکلات موجود به روش های مختلف از ادعیه حفاظت کرده اند تا به دست ما برسد و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، از حیث سند معتبر می باشد و جای هیچ شبهه ای در آن نیست و خواندن آن اجر و ثوابی دارد که اهلش آن را درک می کنند.

آیا زیارت عاشورا معتبر است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره می باشد و این زیارت مبارکه در کتب متعدد علمای ابرار ذکر شده است و مضمونش صحیح می باشد، زیارت عاشورا مجرب است و خداوند به همه توفیق خواندن آن را عنایت فرماید. به وسوسه‌ی افرادی که از علم حظی نبرده اند گوش ندهید و هر آنچه را که در راه زنده نگاه داشتن مصائب اهل بیت (علیهم السلام) انجام می دهید، مأجور هستید و زیارت عاشورا بیان مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و عمق فاجعه‌ی کربلا و موارد ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) است، بخوانید که ان شاء الله فردای قیامت ذخیره‌ی خوبی خواهید داشت، موفق باشید.

در زیارت عاشورا آمده: «إِنَّ هَذَا يَوْمَ تَبْرُكُتُ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةٍ...» در حالی که زیارت عاشورا در طول سال خوانده می شود، آیا می توان عبارت را تغییر داد؟

بسمه تعالی: کلمه‌ی «هذا» به روز عاشورا اشاره دارد؛ یعنی به درستی که روز عاشورا؛ و از این رو در طول سال، چه شب و چه روز خوانده می شود.

شعائر حسینی.....197

آیا روایت وارده در خصوص زیارت عاشورا از امام باقر(علیه السلام) صحیح است و آیا می توان بر آن اعتماد کرد؟
بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیاراتی است که علمای بزرگ آن را می خواندند و این زیارت نزد شیعه مشهور است و قرائت آن موجب ثواب می باشد و همان گونه که در روایت وارده آمده، قابل اعتماد است، از جهت سند صحیح می باشد، شبهه ای در آن نیست و در کتب معتبر علما نیز ذکر شده است.

ماهیت زیارت عاشورا چیست؟

ضمن بیان ظلم هایی که بر اهل بیت(علیها السلام) گذشته، ابراز لعن و نفرین بر ظالمین آنها است و از طرفی ارسال سلام و تجدید پیمان با خاندان اهل بیت(علیهم السلام) می باشد، بر خواندن این زیارت مداومت کنید که آثار عجیبی دارد.

زیارت عاشورا را چگونه باید خواند؟

به همان صورتی که در مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی(رحمه الله) ذکر شده است.

چرا زیارت عاشورا در مجامع حدیثی شیعی ذکر نشده است؟

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه‌ی کلیه‌ی افراد، حتی عامه بوده است و مبنای محدثان، بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقیه سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده) از این رو مشاهده می شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه که فقط مورد مراجعه شیعه بوده اکتفا نموده اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه‌ی شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلاً نبوده و بعداً پدیدار گشته است؛ بلکه دستگاه ظلم بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با تکیه بر اریکه‌ی قدرت، قرن ها نگذاشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و کتابخانه های شیعی بارها به واسطه‌ی مخالفین مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. به همین جهت علمای بزرگ با تلاش بی وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقیه را پیشه‌ی کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند، که اولین آنها 400 اثری بود که به اصول/اربعمائه معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه (علیهم السلام) تدوین شد و حاوی کلمات ائمه (علیهم السلام) در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و

شعائر حسینی.....199

هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته اند، و آنچه که امروزه از اصول/اربعمائه باقی مانده است بیش از 16 اصل نمی باشد، که مرحوم محدث نوری (رحمه الله) در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده اند. سپس با تلاش بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب؛ یعنی الکافی، تهذیب، استبصار، من لا یحضره الفقیه منبع مراجعه‌ی علمای بزرگ می باشد.

از زمان غصب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، خانه نشین کردن امام شیعیان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت (علیهم السلام) به واسطه‌ی مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند. در شام که دورترین نقطه‌ی خلافت اسلامی بود بنی امیه لعنه الله علیهم ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و علی بن ابی طالب (علیه السلام)، وصی برحق رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) هرآنچه که توانستند بر سر اسلام آوردند. به طوری که دو ریحانه‌ی رسول

خدا(صلی الله علیه وآله)، امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) را با بدترین آزارها به شهادت رساندند.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

ذلت و خواری شیعه، بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن(علیه السلام) و در زمان معاویه اتفاق افتاد. در هر شهری شیعیان ما را می کشتند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می کردند. هرکسی به ما اظهار محبت می نمود، به زندان می رفت. اموالش را غارت، و خانه اش را خراب می کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آنکه زمان /بن زیاد و قاتل امام حسین(علیه السلام) فرا رسید^۱.

پس از بنی امیه، بنی عباس لعنه الله علیهم با شعار دروغین و با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند بر سر شیعیان آوردند؛ زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه ی اطهار(علیهم السلام) را با بهانه های پوچ و بی اساس مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند. این روش خصمانه در قرون متمادی ادامه داشت و حکام جور هرچه از آثار شیعی به دستشان می رسید، از بین می بردند. ولیکن این مذهب با

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 3، ص 15.

شعائر حسینی.....201

فداکاری علمای بزرگ و حامیان دین، توانست پا برجا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علمای طائفه سعی کرده اند طوری حرکت کنند که بهانه ای به دست مخالفین ندهند و عدم ذکر زیارتی مانند زیارت عاشورا، که با تقیه سازگاری ندارد از همین رو است، به همین دلیل زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه ای که به کتب مزار علما معروف است، ذکر شده است.

زیارت عاشورا در کدام کتب آمده است؟

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم.
2. مصباح المتعجل، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم.
3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم.
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.

202.....شعائر حسینی

5. فرحہ الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمہ اللہ)، قرن ہفتم.

6. منهاج الصلاح، علامہ یحییٰ حلی (رحمہ اللہ)، قرن ہشتم.

7. کتاب مزار، شہید اول، سید محمد بن مکی (رحمہ اللہ)، قرن نہم.

8. البلد الامین، علامہ تقی الدین ابراہیم کفعمی (رحمہ اللہ)، قرن دہم.

9. بحار الانوار و تحفہ الزائر و زاد المعاد، علامہ مجلسی (رحمہ اللہ)،

قرن یازدہم و.....

چرا زیاراتی مانند زیارت عاشورا نیاز به بررسی سندی ندارند؟

زیارتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسل، کساء، ناحیه مقدسه و...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علمای بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم هایی که بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، لعن بر ظالمین اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهداء (علیه السلام) و احیای واقعه‌ی طف است و باید بر آن محافظت کرد؛ زیرا زنده نگاه داشتن واقعه‌ی کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب برحق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص هجوم به خانه‌ی وصی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و دخت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همان گونه که بسیاری از افراد به واسطه‌ی آگاهی بر این ظلم ها، حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده اند. همان گونه که شهادت بر مولای ما امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه

السلام) (شهادت ثالثه) در اذان، شعار شیعه شده و ترک آن جایز نمی باشد و کوتاهی در مثل این موارد، گناهی نابخشودنی به دنبال دارد؛ زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) است.

در فرازی از زیارت عاشورا می خوانیم: «و لعن الله بنی امیه قاطبة؛ و خدا همه ی افراد بنی امیه را لعنت کند»، سؤال این است که بعضی از بنی امیه شیعه بودند و بعضی مانند معاویه بن یزید (معروف به معاویه صغیر) خود را از خلافت خلع کرده و اظهار پشیمانی می نمود و بعضی مانند عمر بن عبدالعزیز (هشتمین خلیفه ی اموی) نسبت به آل محمد (صلی الله علیه و آله) محبت فراوانی کرد و بخشی از حق آنها را ادا نمود و... پس چرا همه ی بنی امیه مورد لعن قرار گرفته اند؟

بسمه تعالی: مراد از بنی امیه در زیارت شریفه ی عاشورا کسانی هستند که در غصب خلافت و ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) به هر شکلی نقش داشتند. والله العالم.

۱. کلیه ی فرازاها از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبهه و مجموعه ی استفتائات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) اخذ شده است.

شعائر حسینی.....205

زیارت عاشورا دارای صد لعن و سلام است ولیکن گاهی انسان نمی تواند صد بار ذکر کند، تکلیف چیست؟
بسمه تعالی: می توان به یک بار اکتفا کند و افضل آن است که صد مرتبه ذکر نماید و در هر حال اختصار لعن در زیارت عاشورا به یک بار جایز است، والله الموفق.

چرا در ذکر سجده ی زیارت عاشورا گفته می شود: «اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك علی مصابهم، الحمد لله علی عظیم رذیلتی؛ پروردگار بر تو سپاس باد، همچون سپاس کسانی که برای مصائب شهیدان کربلا به سپاس و شکر تو پرداخته اند؟

بسمه تعالی: قضیه ی سیدالشهدا(علیه السلام) موجب نجات بشر و حفظ مذهب برحق تشیع است و از جهتی موجب تنبه و بیداری بسیاری از افراد، به خصوص جوانان است که بتوانند به واسطه ی این واقعه ی عظیم راه حق را تشخیص دهند و این واقعه موجب سازندگی و نجات است و چه بسیار افرادی که به واسطه ی تأمل در قضایای سیدالشهدا(علیه السلام) طریق صحیح را تشخیص داده و نجات یافتند.

آیا در زیارت عاشورا هنگام سجده‌ی آخر دعا «اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ...» باید رو به کعبه سجده کند؟
بسمه تعالی: سجده برای خداست و به هر طرف باشد مانعی ندارد، ولیکن به طرف قبله باشد اولی است.

اهمیت دادن مرحوم میرزا (قدس سره) به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) گاهی در روزهای زیارتی امام حسین (علیه السلام) به پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می فرمودند: بسیاری از علما به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند، و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیه و بنی العباس است و روشنگر ظلم هایی است که بر خاندان نبوت (علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سید الشهداء - امام حسین (علیه السلام) - سفینه‌ی نجات است. متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهداء در آخرت در بهترین مکان ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا

توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید (علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا/قدس سره که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بودم»، همیشه در ذهن‌ها زنده است که این پیرمرد ولا چگونه به این خاندان عشق می‌ورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

زیارت عاشورا دارای سند صحیح بوده

و شبهه ای در آن نیست،

میرزای تبریزی (قدس سره) و زیارت عاشورا

روزی در محضر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) چنین مطرح شد که یک شیخ منحرف در احساء، تشکیکاتی در خصوص زیارت عاشورای موجود مطرح کرده و به طور کلی این شیخ کذایی حرف های امروزی دارد و به نظرش آمده که به مسائلی رسیده که کسی تا کنون به آن نرسیده است. فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) فرمودند: «زیارت عاشورا از نظر سند، صحیح می باشد و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته و اگر کسی می گوید که تحریف شده، باید دلیل اقامه کند، که از اقامه ی دلیل عاجز است و فقط انکار می کند تا مشهور شود. (خالف تعرف) نباید به حرف چنین اشخاصی گوش داد، نسخه ی مصباح المتعجد موجود است و در آن زیارت عاشورا به شکل معروف موجود می باشد. نسخه ای که من مشاهده کردم به زمان شیخ طوسی (قدس سره) بر می گردد، اصلاً این گونه زیارات به سند احتیاج ندارند؛ بلکه زیارت عاشورا مجرب است، هرچند که بعضی به همین شکل معروف نقل کرده اند، مانند محمد بن المشهدی (قدس سره) در المزار،

ابن طاووس (قدس سره) در مصباح و شهید اول (قدس سره) در کتاب مزار و . . . و چه بسیار افرادی که از برکت زیارت عاشورا به حوائج خود رسیدند و چه بسیار علمایی که آن را تجربه کردند و به درجه‌ی معنوی نائل شدند. اصلاً این گونه زیاراتی که مجرب هستند و آثار آن بر همه ظاهر شده است، احتیاج به سند ندارند و با همه‌ی این احوال، زیارت عاشورا به همین شکل موجود، محکم است و جای تردیدی در آن نیست. بخوانید و مرا دعا کنید که به دعای خیر شما احتیاج دارم. خداوند آنان را که در جهت دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می‌کنند، موفق گرداند، ان شاء الله تعالی.

زیارت عاشورا همراه با لعن، ثابت است

و شبهه ای در آن نیست

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) و لعن در زیارت عاشورا

در سال های پایانی عمر شریف فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بعضی از افراد مدعی، ولیکن بی سواد و منحرف، در خصوص زیارت عاشورا شبهاتی در جامعه به راه انداختند که مرحوم میرزا (قدس سره) با قاطعیت مقابل آنان ایستاد و با نوشتن استفتائات متفاوت، ضمن رد شبهات، جواب محکمی به مشککین دادند.

ایشان می فرمودند: «اینان که شبهه به راه می اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده اند و توانایی درک فواید توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند، دست به القا می زنند. علمای بزرگ به واسطه توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند». مرحوم میرزا (قدس سره) می فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب مفاتیح الجنان آمده، ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند، اثر خواندن این دعا را دیده و می بینند. برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفین جاهل گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند. زیارت عاشورا، یادآور مصائبی است که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشته و هرکس به واسطه

این زیارت به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهایش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد دید، این دعای شریف مجرب است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولایت بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعا‌های دیگر شبهه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی سوادى آنهاست حرف‌هایی بزنند، اما بدانید که ادعیه‌ی مشهور از جمله زیارت جامعه، و دعای توسل، و حدیث کساء و... مجرب هستند و وسیله‌ای برای ارتباط با پروردگار به شمار می‌روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید. ان شاء الله تعالی.»

خواندن زیارت عاشورا در جوار بارگاه ملکوتی

سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام)،

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) و خواندن زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه ی نجف / شرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم و به واسطه ی این توسل، از سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستیم. در این جهت مولا (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه ی این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه ی توسلات بوده، که از جمله ی آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید و به حرف افراد منحرف که لذت عبادت، توسل و دعا را نچشیده اند و فقط کارشان شبهه افکنی است، توجه نکنید. خداوند به

214.....شعائر حسینی

واسطه‌ی این توسلات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما
را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالی.

عاشورا، عاشورا

میرزا جواد تبریزی (قدس سره) و زیارت عاشورا

حجت الاسلام، شیخ غلامرضا توکلی می گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می کرد که با مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) صحبت نماید، به ایشان گفتم: میرزا (قدس سره) فعلاً مکالمه‌ی تلفنی ندارند، اگر مطلبی دارید بفرمایید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتم زیاد به مسجد جمکران می رفتم چهل شب تمام شد اما مشکلم حل نشد، تا اینکه شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر (علیه السلام) در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت (علیه السلام) به آن مکان رفتم اما کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت (علیه السلام) برسم با این حال دیدم که مردم دور یک پیرمرد روحانی را گرفته اند و مسائلی را با او مطرح می کنند، به من گفتند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم اما قبل از آنکه مسئله ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم، اسم او را سؤال نمودم، گفتند: میرزا جواد تبریزی است. من مشکل خود را به ایشان گفتم، ایشان جوابی داده و دستوری فرمودند، اما بعد از بلند شدن از خواب جواب را فراموش نمودم و بسیار ناراحت شدم. از بعضی از

روحانیون تهران سؤال کردم، شما شخصی به نام جواد تبریزی می شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقلید در قم می باشند. شماره‌ی دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید شما چه می فرمایید. شیخ توکلی می گوید: خدمت آقا آمدم و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا(قدس سره) بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد، فرمودند: به آن خانم بگویید زیارت عاشورا بخواند مشکلش ان شاء الله حل خواهد شد.

زیارت عاشورا پلی به سوی استجابت دعا

نماز پشت سر کسانی که زیارت عاشورا

را منکر می شوند، جایز نیست

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سم پاشی در بین متدینین می کنند و می گویند، فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی باشد؛ از جمله عده ای در خصوص زیارات و ادعیه می گویند، ما برای آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، تحریف شده است. از مرحوم میرزا/قدس سره سؤال شد: آیا می شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟ اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که در زیارت عاشورا تشکیک کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی/قدس سره ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می برید که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند.

زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی شود. نسخه ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی (قدس سره) برمی گردد و شامل تمام فقرات زیارت می باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا، پلی است به سوی استجاب دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعدای اهل بیت (علیهم السلام)، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارک را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى**.

طعم شیرین عبادت

اهمیت دادن مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزای تبریزی(قدس سره) گاهی در روزهای زیارتی امام حسین(علیه السلام) به پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای رد شبهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شبهات تدوین کردند و می فرمودند: بسیاری از علما به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیه و بنی العباس است و بیانگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت(علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا(قدس سره) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتائات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دوراند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام)، سفینه‌ی نجات است. متوسلین و عزاداران واقعی سیدالشهداء در

آخرت، در بهترین مکان ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالی، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید(علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا(قدس سره) که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) بودم»، همیشه در ذهن ها زنده است، که این پیرمرد ولایی چگونه به این خاندان عشق می‌ورزید و میدان دار دفع شبهات و دفاع از حریم ولایت بود.

شعائر حسینی.....221

- * حسین منی و انا من حسین و...
- * لا یوم کیومک یا ابا عبدالله
- * خورشید گرفتن در روز عاشورا
- * یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً
- * تعطیلی مدارس در تاسوعا و عاشورا
- * تکلیف مردم در محرم و صفر
- * اگر امام حسین (علیه السلام) با یزید بیعت می کرد
- * عزا یا نماز
- * مسائل متفرقه‌ی دیگر

شعائر حسینی 223.

شعائر حسينی	224
-------------------	-----

شعائر حسینی.....225

با توجه به مقوله‌ی رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) در حق سیدالشهدا [حسین منّی وأنا من حسین] و قول امام حسن(علیه السلام) [لا یوم کیومک یا ابا عبدالله] و قول زینب کبری(علیها السلام) [الیوم مات جدّی محمّد المصطفی الیوم مات أبی علی المرتضی، الیوم ماتت أمّی فاطمة الزّهراء الیوم مات أخی حسن المجتبی...] آیا می توان گفت کاری که امام حسین(علیه السلام) کرد هیچ نبی و امامی انجام نداده است؟

بسمه تعالی: اینکه رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: حسین منّی وأنا من حسین، ناظر به آن است که حرکت امام حسین(علیه السلام) دین خدا را کامل کرد؛ زیرا حرکت امام حسین(علیه السلام) ضامن استمرار و حفظ دین شد و از اینکه امام حسن(علیه السلام) فرمود: لا یوم کیومک یا ابا عبدالله، مراد آن است که مصائبی را که سیدالشهداء(علیه السلام) تحمل کرد، هیچ امامی آن را تحمل نکرد، هرچند که همه‌ی ائمه(علیهم السلام) مظلوم هستند ولیکن مصائبی که بر سیدالشهدا(علیه السلام) جاری شد بسیار عظیم است و اینکه حضرت زینب(علیها السلام) فرمودند: الیوم مات جدّی... اشاره به این است که آخرین انوار خیمه، امام حسین(علیه السلام) است و بعد از شهادت حضرت، کسی از آن انوار خیمه باقی نماند، فقدان امام حسین(علیه السلام) فقدان جمیع پنج تن آل عبا بود و در هر حال آنچه را که ائمه(علیهم السلام) فرمودند، اعلم به آن هستند.

چگونه باور کنیم که هنگام شهادت سیدالشهدا (علیه السلام)، خورشید کسوف پیدا کرد؟ با توجه به اینکه روایت شده کسوف، نشانه است و بر مرگ احدی واقع نمی شود؟

بسمه تعالی: آنچه در روایت وارد شده است که: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَانِ لَا تَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ»^۱ خورشید و ماه دو نشانه هستند و به خاطر مرگ شخصی کسوف واقع نمی شود؛ ناظر به موت متعارف می باشد، چنانچه پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مرگ فرزندش /براهیم فرمود: «لَا تَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَحَيَاةِ أَحَدٍ لَا بِالْقَتْلِ وَالشَّهَادَةِ»؛ خورشید و ماه نمی گیرند برای مرگ و یا به دنیا آمدن شخصی، چه آن مرگ به قتل باشد یا شهادت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) این سخن را فرمود چون می خواست باب ادعا را ببندد. ولیکن قضیه‌ی سیدالشهدا (علیه السلام) و سایر ائمه (علیهم السلام)، قضیه‌ی عامه و مصیبت تمام اسلام است و تمام مؤمنین را عزادار کرد و از این رو احیای ذکر ائمه (علیهم السلام) از شعائر مذهب محسوب می شود و مظلومیت آنان بر تمام عالم اثر می گذارد و از این طریق خداوند متعال اراده کرده که مظلومیت آنان را آشکار کند و مانند همین مورد برای یحیی نبی (علیه السلام) رخ داد که در روایت دارد، آسمان گریه کرد بر کشته شدن یحیی نبی (علیه السلام). در

۱. الانتصار، ص ۱۷۳؛ الخلاف، ج ۱، ص ۶۷۸؛ المعتمر، ج ۲، ص ۳۲۸.

شعائر حسینی.....227.

شهادت امام حسین(علیه السلام) فقط کسوف واقع نشد؛ بلکه نشانه های دیگری نیز واقع گردید که بعد از شهادت حضرت(علیه السلام) نمایان شد، از جمله هر سنگی از روی زمین برداشته شد زیر آن خون مشاهده گردید و بعضی از سنگ ها در روز عاشورا رنگشان تغییر پیدا کرد که تا زمان ما ادامه دارد و موارد دیگری که دال بر عظمت مصیبت سیدالشهدا(علیه السلام) است.

آیا روایتی از اهل بیت(علیهم السلام) داریم که دلالت کند بر اینکه ائمه ی ما(علیهم السلام) مسموم شده و یا به شهادت رسیده اند؟

بسمه تعالی: در کتاب فقیه از /بی صلت هروی از امام رضا(علیه السلام) منقول است: «ما منّا إلّا مقتول أو شهید».^۱

با توجه به انتشار فساد در کشورهای غربی آیا بر امر تزکیه ی نفس بر فرزندان خود بپردازیم یا در حسینیه به برگزاری مجالس عزّا و غیره مشغول شویم؟

۱. کفایة الاثر، ص ۱۶۲؛ مختصر البصائر، ص ۲۷۷؛ الفصول المهمّة فی معرفّة الائمّة، ج ۲، ص ۱۰۹۳.

بسمه تعالی: اقامه‌ی مجالس حسینی و حفظ شعائر مهم تر است؛ زیرا همین مجالس موجب می شوند فرزندانمان به حقایق برسند و خود این مجالس، آنان را متنبه می کند و غرض شما که تربیت آنهاست محقق می شود. وقتی فرزندان شما ببینند چه افرادی در راه خدا فداکاری کردند تا دین زنده بماند، آنها خود متنبه می شوند و خود همین مجالس، عامل نشر عقاید حقه و ترغیب فرزندان شما به یادگیری احکام شرعی خواهند بود. شما به این مجالس اهمیت دهید و از آن دفاع کنید، نتیجه‌ی خوبی در فرزندان خود خواهید دید، ان شاء الله تعالی.

به علت تعهد و ارادت به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) عادت کرده ایم که مراسم مذهبی به پا داریم؛ چه مراسم جشن و شادی و چه مراسم عزاداری بر ارواح پاک آن بزرگواران. دیده می شود که سخنرانان مذهبی سخن خود را این گونه شروع می کنند: «یا لَیْتَنَّا کُنَّا مَعَكُمْ فَتَفُوزَ وَاللهِ فَوْزاً عَظِیماً؛ ای کاش ما با شما بودیم پس رستگار می شدیم - قسم به خدا - رستگاری بزرگی....»، و چنان که معلوم است از کلمه‌ی «لیت» برای آرزو کردن استفاده می شود، بنابراین سؤال ما این است که آیا فاصله‌ی زمانی طولانی ما و زمان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، دلیل کافی برای کمک نکردن به آن حضرت

شعائر حسینی..... 229.

است یا اینکه ما هنوز تکلیف به کمک کردن داریم، و در این برهه از زمان چگونه می توانیم این تکلیف را ادا کنیم؟

بسمه تعالی: همگی و در هر زمانی تکلیف به یاری کردن داریم، ولیکن یاری در زمان امام حسین(علیه السلام) با یاری در این زمان متفاوت است. یاری آن بزرگوار اکنون عبارت است از یادآوری جهاد و مظلومیت او با هر وسیله‌ی ممکن؛ زیرا دین از همه چیز عزیزتر است و انبیا و امامان(علیهم السلام) وجود پاک و مطهر خود را در راه بقای دین تقدیم نمودند. بلی! ما هیچ گاه به مقام افرادی که در رکاب حضرت(علیه السلام) به شهادت رسیدند، نمی رسیم، از این رو آرزو می کنیم و امیدواریم که با آنان باشیم تا به مقداری از ثواب اعمال آنان دست پیدا کنیم. خداوند شما را به درک این یاری موفق بفرماید، که او شنوا و اجابت کننده است.

در منطقه‌ی ما، در ایام محرم و شهادت بعضی از ائمه(علیهم السلام) مدارس تعطیل می شوند، با توجه به آنکه ما در اقلیت هستیم [در کشور عربستان - قطیف] این عمل چگونه است؟

بسمه تعالی: اگر عدم رفتن به مدرسه ضرری متوجه شما نمی کند، مدرسه نروید، و اجر شما در نزد خداوند متعال محفوظ است و

230.....شعائر حسینی

مؤمنین اگر ممکن باشد، باید در جهت تعطیل کردن این ایام تلاش کنند، به خصوص در ایام مصائب سیدالشهداء(علیه السلام)، تا مردم بدانند که بر اهل بیت(علیهم السلام) چه گذشته است و این واقعه زنده بماند و فرزندان شما نیز آگاهی کامل پیدا کنند.

تکلیف ما مردم در ایام محرم و صفر که در نقاط مختلف جهان زندگی می کنیم چیست؟

بسمه تعالی: اظهار حزن و جزع بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) شرعاً امر راجحی است و اگر حفظ مذهب، موقوف بر اقامه‌ی شعائر باشد، در این صورت اقامه‌ی آن واجب می شود. بله! انجام بعضی اعمال که موجب جنایت بر نفس و یا تشویه‌ی سمعه‌ی تشیع شود، اشکال دارد ولیکن هر چیزی که در عنوان جزع وارد شود، اگر چه به اضرار بر نفس منجر شود، مستحب است و همچنین بعضی از اعمال اگر در بعضی مناطق داخل در عنوان جزع باشد، مستحب شرعی می شود.

در یکی از مجالس عزاداری مسابقه‌ی داستانی با این موضوع برگزار شد که بر فرض محال، اگر امام حسین (علیه السلام) با یزید بیعت می کرد، عواقب هولناک این مطلب (بیعت فرضی) در جامعه‌ی اسلامی چه می شد و آثار آن بر جامعه‌ی امروزی و آینده چه می بود؟

ما از علمای بزرگوار تقاضا می کنیم به سؤال های ذیل پاسخ دهند:

الف) آیا مطرح کردن این گونه فرضیه ها صحیح است، با اینکه هدف این مسابقه این است که هم صحیح بودن تصمیم امام (علیه السلام) را بیان کند و هم دورانیشی حضرت را معرفی نماید؟

ب) آیا این کار جسارتی به عصمت امام (علیه السلام) نیست (برخی برادران می گویند: عصمت امام اقتضا می کرد که هیچ گاه با یزید بیعت نکند)؛ از این رو طرح این گونه مسائل با اینکه فقط فرض و تصور است، نمی بایست جایز باشد.

بسمه تعالی: اگر هدف از طرح این فرضیه و درخواست پاسخ از افراد، بیان این باشد که چرا سیدالشهداء (علیه السلام) به همراه یاران و اهل بیت (علیهم السلام) خود به سمت عراق حرکت کرد و در آن واقعه‌ی بزرگ به شهادت رسیدند و چه حوادث دردناکی برای اهل بیت (علیهم السلام) پیش آمد تا عظمت این واقعه برای افراد روشن گردد و برای آنها آشکار شود که کار حضرت (علیه السلام) برای نجات دین، حفظ آئین و بقای احکام دینی بود، همچنان که در این مورد خود حضرت سیدالشهدا و دیگر معصومین (علیهم السلام) فرموده اند، ایرادی ندارد.

اما این فرضیه ها و احتمالات را نباید به گونه ای نقل کرد که این گونه برداشت شود که امام (علیه السلام) مانند دیگر مردم عمل می کند و امام حسین (علیه السلام) نهضت و حرکت را فقط به خاطر

شعائر حسینی..... 233.

حدس و گمان آغاز نمود؛ چنان که مردم در این گونه حوادث تصمیم می گیرند، که این نه صحیح است و نه متناسب با مقام امام (علیه السلام) می باشد؛ بلکه آنچه سیدالشهدا (علیه السلام) انجام داد، چیزی جز تکلیف الهی نبود و او می دانست چه بر سر خود و اهل بیتش (علیهم السلام) خواهد آمد و با این همه چون مأمور بر این کار بود اقدام کرد و غرض نهایی از این تکلیف، حفظ دین، اصلاح امت و امر به معروف و نهی از منکر بود، همچنان که در فرمایشات آن حضرت در مکان های مختلف بیان شده است، «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)؛^۱ همانا من برای اصلاح در امت جدم خارج شدم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش جدم و پدرم، علی بن ابی طالب رفتار کنم»، همچنین فرمایش آن حضرت که: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِيتِ الْأُمَّةُ بِرَاعِ مِثْلِ يَزِيدٍ؛^۲ اکنون که امت اسلامی به رهبری مثل یزید گرفتار شد، باید فاتحه ی اسلام را خواند».

۱. بحار الانوار، ج 44، ص 329.

۲. بحار الانوار، ج 44، ص 326؛ العوالم، ص 175.

نظر شما درباره‌ی داخل شدن در هیئت‌های عزاداری با کفش یا دمپایی

چیست؟

آنچه با هیئت عزاداری سیدالشهدا(علیه السلام) مناسبت دارد، این است که انسان پابرهنه داخل شود.

در محرم و صفر وقوع ازدواج چه اشکالی دارد؟

بسمه تعالی: مصائب اهل بیت(علیهم السلام)، به خصوص سیدالشهدا(علیه السلام) به قدری است که اظهار حزن، اهم از ازدواج است؛ زیرا امام حسین(علیه السلام) با اهدای خون خود، مذهب را بیمه نمود و خط بطلان بر سایرین کشید. محرم و صفر باید با اظهار حزن و اخلاص به سیدالشهدا(علیه السلام) به پایان برسد و ازدواج در این دو ماه برکتی ندارد و کسی که محب اهل بیت(علیهم السلام) است، کاری نمی‌کند که خوشی او در ایام مصائب اهل بیت(علیهم السلام) باشد.

ازدواج در ایام وفیات ائمه(علیهم السلام) چه حکمی دارد؟

بسمه تعالی: ازدواج اگر صورت گیرد برکتی نخواهد داشت و این معنا و تفسیر از کلام معصومین(علیهم السلام) برداشت شده است، چه بسا

شعائر حسینی.....235

اختلافاتی که واقع می شود بر اثر عدم دقت در مواردی از همین قبیل است.

نذری که برای مجلس امام حسین(علیه السلام) می شود چگونه باید مصرف شود؟

بسمه تعالی: در اقامه‌ی مجلس عزاداری برای سیدالشهدا(علیه السلام) صرف شود، ولو با مشارکت در مجلسی که برای همین غرض اقامه شده است.

اگر شخصی بر امامی نذر کرده باشد در این صورت در چه موردی باید صرف شود؟

بسمه تعالی: در مجلس عزای آنان صرف شود و اگر در مجلس عزاداری صرف نشد، بر زوار آن امام(علیه السلام) مصرف شود.

شعائر حسینی.....237

سیره‌ی استاد الفقهاء والمجتهدين

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

در حفظ شعائر حسینی

شعائر حسینی.....239

فانی بودن در ولای اهل بیت (علیهم السلام)

مرحوم میرزا (قدس سره) فانی در ولای اهل بیت (علیهم السلام)

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) فانی در ولای اهل بیت (علیهم السلام) بودند؛ به نحوی که حتی اگر فقط کلمه‌ی «اهل بیت (علیهم السلام)» را هم می‌شنیدند، خود به خود چهره‌شان دگرگون می‌شد، آهی می‌کشیدند و اشک در چشم مبارکشان حلقه می‌زد. شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) بارها مشاهده می‌کردند هنگامی که مرحوم میرزا (قدس سره) در درس به روایتی می‌رسیدند که شمه‌ای از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) در آن بود، بغض گلوی ایشان را می‌گرفت و اشک در چشمشان حلقه می‌زد. گریه‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در مجالس روضه، زبان زد بود، به طوری که هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد. دفاع مرحوم میرزا (قدس سره) از شعائر و رد شبهات تا آنجا پیش رفت که در قرن خود تحولی عظیم ایجاد نمود. ایشان مکرراً می‌فرمودند: «وظیفه‌ی ماست که در مقابل شبهات ایستادگی نماییم.» مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس درس یا مجالس استفتاء و یا در زمانی که با مردم یا شخصیت‌ها دیدار داشتند به صورت کتبی یا شفاهی، شبهه را شجاعانه مطرح و رد می‌کردند و با تمام قدرت در مقابل تشکیکات ایستادگی می‌نمودند. بارها مشاهده

شعائر حسینی.....241

شد که ایشان می فرمودند: «قلم و کاغذ بیاورید تا به وظیفه‌ی خود عمل کنم!» و فقط به دلیل حب و اخلاص به اهل بیت (علیهم السلام) بدون هیچ ملاحظه‌ای می نوشتند، دفاع می کردند و آتش فتنه را خاموش می کردند و دائماً می فرمودند: «ما موظفیم که در عصر غیبت به هر شکل ممکن از مبانی حقه دفاع کنیم و اجازه ندهیم عده‌ای با القای شبهات، عوام از مؤمنین را فریب دهند و من تا زنده هستم اجازه نمی دهم عده‌ای بی سواد و سرسپرده، عوام از مؤمنین را فریب دهند. اگر کسی کوتاهی کند فردای قیامت مسئول است و در آخرت حسرت خواهد خورد».

اخلاص و محبت به مقام شامخ اهل بیت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و ادب در مقابل مقام شامخ اهل بیت (علیهم

السلام)

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در ابراز محبت و اخلاص به مقام شامخ اهل بیت زبانزد بوده و این اظهار ارادت در هنگام تدریس بسیار محسوس تر بود. در هر مجلسی که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) به میان می آمد، چشمانشان پر از اشک می شد و با اخلاص عرض ادب می کردند. اگر کسی در محضر ایشان می گفت، «امام علی (علیه السلام)»، ناراحت می شدند و می گفتند: «مثل سنی ها صحبت نکنید! بگویید، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام)».

مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، این پاسبان مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)، غرق در مهر و محبت ایشان بود و این عشق درونی خویش را به انحاء مختلف بروز می دادند، تا درسی باشد برای دیگران که راه و رسم مهرورزی به مقام و منزلت ائمه (علیهم السلام) را فرا گیرند.

نمونه‌ی بارز این ارادت خالصانه در اثنا درس بسیار مشهود بود، اگر به روایتی می رسیدند که بیان کننده‌ی شمه‌ای از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) بود بغض سنگینی در تمام وجود خود احساس کرده و

شعائر حسینی.....243.

ناخودآگاه اشک از دیدگان‌شان می‌تراوید. دیدن چنین صحنه‌های غم‌انگیز، اما در عین حال سرشار از معنویت و اظهار مودت به خاندان عصمت و طهارت، تأثیر بسیار عجیبی بر روح و روان شاگردانش می‌گذاشت.

گاهی طلاب را نصیحت می‌کردند و طریقه‌ی عرض ادب را عملاً به آنها یاد می‌دادند و این برخورد آن قدر جذاب بود که تأثیر عملی بر شاگردان می‌گذاشت. ایشان دوست داشتند طلاب در مقابل نام اهل بیت(علیهم السلام) با تواضع و فروتنی کامل، بهترین الفاظ و القاب را به کار ببرند و با عرض ادب و اخلاص، ارادت خود را به آن خاندان ابراز دارند و در مقابل آن بزرگواران خود را هیچ حساب نکنند و درصدد آن باشند که همواره از مقام شامخ اهل بیت(علیهم السلام) دفاع کنند و به مردم یاد دهند که شأن و منزلت اهل بیت(علیهم السلام) به حدی است که رضای خدا تحقق نمی‌یابد مگر به رضایت آنان و همواره دعا می‌کردند که اهل بیت(علیهم السلام) تفضل کرده و عنایتی نمایند.

مقام اهل بیت (علیهم السلام) با کسی قابل قیاس نیست

میرزا (قدس سره) و عظمت مجلس اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از مواردی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به آن بسیار حساس بود و اجازه نمی داد کسی عمداً در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) یا مجالس عام آن را ذکر کند، نام خود مرحوم میرزا (قدس سره) بود. ایشان می فرمود: «مقام اهل بیت (علیهم السلام) با کسی قابل قیاس نیستند از این رو نباید در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) نام اشخاص با نام مقدس ائمه (علیهم السلام) ذکر شود.» ایشان اگر می دید شخصی منبری از اشخاصی تمجید کرده و از آنها نام می برد به شدت ناراحت می شدند و می گفتند: «به این منبری تذکر دهید که فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را بگوید. علما هم اگر کاری کرده اند به عشق و علاقه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) است و اجرای نمی خواهند مگر رضای آنها.» بارها و بارها پیش آمد که وقتی در مجلسی نام ایشان را می بردند، ایشان با حالتی غضبناک با دست خود ناراحتی خویش را ابراز کرده و می فرمودند: «به این خطیب تذکر دهید!»

خطیب شهیر، حجت الاسلام، شیخ مصطفی منصوری می گوید: خدمت مرحوم میرزا (قدس سره) رسیدم و گفتم می خواهم بر بالای منبر برای شما دعا کنم. ایشان فرمودند: «خیر! نیاز نیست، در منبر از

شعائر حسینی..... 245.

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و سیدا شباب اهل الجنة (علیهما السلام)، امام حسین (علیه السلام) که هرچه داشت در راه خدا داد و دین را زنده کرد و... از فضایل آنان بگو.» از این رو در زمان حیات مرحوم میرزا (قدس سره) هنگامی که مجلس عزا در محضر ایشان بر پا می شد، خطبا می دانستند ایشان (قدس سره) راضی نیست نامشان در منبر برده شود.

می فرمودند: «سیدالشهداء (علیه السلام) هر آنچه داشت با خدا معامله کرد و با شهادت خود و خاندانش بقای اسلام راستین را بیمه کرد و توانست از زحمات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) و برادر مظلومش امام حسن (علیه السلام) دفاع کند و خون سیدالشهدا (علیه السلام) ضامن بقای اسلام واقعی شد¹.

1. عن حنان قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام): زوروا الحُسَيْن (علیه السلام) ولا تجفوه، فإنه سيد شباب أهل الجنة من الخلق وسيد الشهداء؛ [کامل الزیارات، ص 216؛ ح 316؛ ثواب الاعمال، ص 97] حنان گفت، حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند:

حضرت امام حسین(علیه السلام) را زیارت کرده و به آن جناب جفا نکنید؛ زیرا آن وجود مبارک سرور جوانان بهشت و آقا و سید شهدا می باشند.

عن ربیع ابن عبد الله، قال: قلت لأبي عبد الله(علیه السلام) بالمدينة: أين قبور الشهداء؟ قال: أليس أفضل الشهداء عندك الحسين (عليه السلام)، والذي نفسي بيده أن حول قبره أربعة آلاف ملك شعثاً غبراً ييكونه إلى يوم القيامة؛[ثواب الاعمال، ص 97؛

وسائل الشیعه، ج 14، ص 422، ح 19505]

ربعی بن عبدالله گفت، محضر امام صادق(علیه السلام) در مدینه عرض کردم: قبور شهدا کجاست؟

.

حضرت فرمودند: آیا افضل و برترین شهدا نزد شما حسین(علیه السلام) نیست؟ قسم به کسی که جانم در دست اوست اطراف آن حضرت چهار هزار فرشته که جملگی ژولیده، اندوهگین و گرفته می باشند، حضور داشته و پیوسته تا روز قیامت برای آن حضرت گریه می کنند.

عن عبدالله بن سنان، عن أمّ سعيد الأحمسيّة، قالت: دخلت المدينة فأكرت البغل أو البغلة لأدور عليه قبور الشهداء، قالت: قلت: ما أحقّ أن أبدأ به من جعفر بن محمد(عليهما السلام)، قالت: فدخلت عليه فأبطأت، فصاح بي المكارى: حبستينا عافاك الله، فقال لي أبو عبدالله: كأنّ إنساناً يستعجلك يا أمّ سعيد، قلت: نعم جعلتُ فداك إنّني أكرت بغلاً لأدور عليه قبور الشهداء فقلت: ما أتى أحداً أحقّ من جعفر بن محمد(عليهما السلام)، قالت: فقال: يا أمّ سعيد فما يمنعك من أن تأتي قبر سيّد

شعائر حسینی..... 247.

الشَّهَدَاءُ؟ قَالَتْ: فَطَمَعْتُ أَنْ يَدُلَّنِي عَلَى قَبْرِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، فَقُلْتُ: بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَمَنْ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ؟ قَالَ: الْحُسَيْنُ بْنُ فَاطِمَةَ (عليهما السلام) يَا أُمَّ سَعِيدٍ، مَنْ أَتَاهُ بِبَصِيرَةٍ وَرَغْبَةٍ فِيهِ كَانَ لَهُ حِجَّةٌ وَعُمْرَةٌ مَبْرُورَةٌ، وَكَانَ لَهُ مِنَ الْفَضْلِ هَكَذَا وَهَكَذَا؛ [كامل الزيارات، ص 220]

عبدالله بن سنان از ام سعید احمسیّه نقل کرده اند که وی گفت:
داخل مدینه شده پس قاطری کرایه کردم تا بر آن سوار شده و به زیارت قبور شهدا روم.
وی می گوید: پیش خود گفتم: احدى شایسته تر از جعفر بن محمد(عليهما السلام) به این نیست که ابتدا زیارتش کرده و سپس به زیارت اهل قبور بروم؛ از این رو بر آن جناب داخل شدم پس چون توقف کردم و ماندنم نزد آن حضرت طول کشید، مکاری فریاد زد و گفت:
خدا سلامتت بدارد، ما را اینجا حبس کردی و نگاه داشتی!
امام صادق(عليه السلام) به من فرمودند: ای ام سعید! گویا کسی انتظار تو را می کشد؟
عرض کردم: بلی، فدایت شوم! من قاطری را کرایه کرده تا بر آن سوار شده و به
.....

زیارت قبور شهدا روم منتها به خودم گفتم: ابتدا نزد کسی شایسته تر از جعفر محمد(عليهما السلام) نمی روم.

ام سعید می گوید، امام(عليه السلام) فرمودند:

ای ام سعید! چه چیز تو را از زیارت قبر حضرت سیدالشهدا بازداشت؟!
ام سعید می گوید، انتظار داشتم آن حضرت من را بر قبر علی بن ابی طالب(عليه السلام) راهنمایی کنند، پس محضرشان عرض کردم: پدر و مادرم فدایت باد! سیدالشهداء کیست؟

248.....شعائر حسینی

حضرت فرمودند: حسین بن فاطمه (علیهما السلام)، ای ام سعید! کسی که با بصیرت، رغبت و میل به زیارتش رود برای او یک حج و یک عمره‌ی قبول شده منظور می‌کنند و فلان و فلان فضیلت برایش می‌باشد.

عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: ما من شهيد إلاّ ويحبّ أن يكون مع الحسين (عليه السلام) حتّى يدخلون الجنّة معه؛ [كامل الزيارات، ص 220، باب 38، ح 322]

ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: شهیدی نیست مگر آنکه دوست دارد که با حضرت امام حسین (علیه السلام) بوده تا در معیت آن جناب داخل بهشت شوند.

ارادت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)

مرحوم میرزا (قدس سره) و اخلاص به درگاه اهل بیت (علیهم السلام)
فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در مقابل تشکیکات و انحراف عقایدی به شدت ایستادگی می کردند و در طول اقامت در قم و تصدی مرجعیت، هیچ گاه اجازه ندادند عده ای، عوام از مؤمنین را فریب دهند و هرگاه می گفتند: فلان حرف انحرافی در حوزه مطرح شده است، می فرمودند: «اینها چه لقمه ای خورده اند که این قدر بی تقوا شده اند!» ایشان با تمام وجود در عشق دفاع از اهل بیت (علیهم السلام) می سوخت و در مقابل تشکیکات مذهب شجاعانه می ایستاد و بدون ملاحظه‌ی هر مصلحتی، در مقابل این انحراف ایستادگی می کرد تا به حدی که حاضر بود تمام هستی خود را در این راه فدا نماید.
بعضی از شاگردان مرحوم میرزا (قدس سره) می گویند: ما سال ها از محضر ایشان استفاده کردیم، مجلس ایشان مملو از ارادت و اخلاص به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) بود و هرگاه در مجلس ایشان حاضر می شدیم، روح ولا را حس می کردیم؛ در مجلسشان یا مسائل علمی مطرح می شد و یا سخن از فضایل، مناقب و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و دفاع از کیان تشیع بود.

به حبیل المتین اهل بیت (علیهم السلام) چنگ بزید

علاقه‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) به مجلس روضه

معروف بود که وقتی فقیه اهل بیت، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند به شدت گریه می کردند؛ به طوری که تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان غرق در چهره‌ی نورانی این فقیه می شدند که چگونه در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) همچون ابر بهاری اشک می ریزند. مرحوم میرزا (قدس سره) همیشه به فرزند خود می فرمودند: «به منبری‌ها بگویید بیشتر روضه بخوانند.» ایشان عاشق روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بود در قبر همراهشان دفن شود، اشک‌های خود را پاک می کردند و با آن حالت ملکوتی، فانی در حب اهل بیت (علیهم السلام) می شدند و در مظلومیت آنان به شدت اشک می ریختند و علاوه بر آنکه خود گریه‌ی شدید می کردند، توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می کردند کسی بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می دادند یا به دیگران اشاره می کردند که تذکر دهید. ایشان دوست داشتند مجلس روضه به طول انجامد و هر پنج شنبه، صبح‌ها در دفترشان مجلس عزاداری اقامه می کردند و خود

شعائر حسینی.....251

عاشقانه در آن شرکت می کردند و به مقام والای اهل بیت(علیهم السلام)عرض ادب داشتند. ایشان نسبت به عزاداری و حفظ شعائر دائماً توصیه می کردند و به جوانان می گفتند: «به حبل المتین اهل بیت(علیهم السلام) چنگ بزنید که «سفینه النجاة» هستند». هرکس در خصوص شعائر و معتقدات مسلم، شبهه ای القا می کرد پاسخگوی او می شدند و اجازه نمی دادند کسی به خود جرئت دهد که حرف های شبهه ناک بزند و معتقدات را زیر سؤال ببرد.

شعائر حسینی	252
-------------------	-----

تمام وقت خود را صرف ترویج مذهب اهل بیت (علیهم السلام) نمایید

مرحوم میرزا (قدس سره) و اهتمام به نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام)
حجت الاسلام والمسلمین، شیخ سعید سواری می گوید: علاقه‌ی خاصی بین من و مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) ایجاد شده بود و سال‌ها با ذوق و شوق در درس مرحوم میرزا (قدس سره) حاضر شده و استفاده‌ی فراوان می کردم، و گاهی بعد از درس خدمت ایشان رسیده و اشکالات خود را مطرح می نمودم و ایشان با بزرگواری پاسخگوی مشکلاتم بودند. شیفتگی بنده به این مرد الهی روز به روز در حال فزونی بود تا آنکه تصمیم گرفتم یک روز بعد از درس از ایشان طلب دعا کنم و بگویم آقا! من به شما خیلی علاقه دارم. یک روز بعد از درس خدمتشان رسیدم و ضمن طلب دعا گفتم: «آقا! من به شما خیلی علاقه دارم.» ایشان لبخندی زد و گفت: «شیخنا! من هم تو را دوست دارم، خدا تو را موفق کند.» قبل از رفتن به تبلیغ تصمیم گرفتم خدمت مرحوم میرزا (قدس سره) برسم تا مرا نصیحت کند، خدمت ایشان رسیدم و گفتم: «آقا! من در حال سفر به تبلیغ هستم چه می فرمایید؟» استاد بزرگوار (قدس سره) دست مرا گرفت و با حالتی بسیار معنوی که حاکی از ولای سرشار مرحوم میرزا (قدس سره) بود گفت: «شیخنا! تمام توان خود را در جهت نشر معارف، فضایل و

مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به کار ببر و فقط در این موارد مردم را ارشاد نما و ضمن تذکر نکات اخلاقی، از طرح مطالب دیگر خودداری کن و با طرح اخلاق، کردار و معارف اهل بیت (علیهم السلام) ضمن راهنمایی مردم، از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) به آنان بگو. «شیخ سواری می گوید: آن قدر مرحوم میرزا/ (قدس سره) این کلمات را با اخلاص و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) تذکر می داد که من مبهوت در کلماتی بودم که از اعماق وجودشان ادا می شد، واقعاً مرحوم میرزا/ (قدس سره) استادی بود به تمام معنا، فقدان ایشان ضایعه‌ی بزرگی برای جهان تشیع بود که علی رغم گذشت دو سال از رحلت آن بزرگوار هنوز شاگردان ایشان/ (قدس سره) در حسرت غم فراقش می سوزند.

اقامه‌ی مجلس عزاداری برای خاندان اهل بیت (علیهم السلام)

علاقه‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) به مجلس روضه

معروف بود که وقتی فقیه اهل بیت، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند، به شدت گریه می کردند؛ به طوری که گریه ایشان تأثیر عجیبی بر حاضرین در آن مجلس می گذاشت و طلاب، به خصوص طلاب جوان، غرق در چهره‌ی نورانی این فقیه می شدند که چگونه در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) همچون ابر بهاری اشک می ریزند. ایشان عاشق روضه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) بودند. علاوه بر آنکه خود گریه‌ی شدید می کردند، توجه داشتند که حاضرین هم حالت بکاء به خود بگیرند و اگر مشاهده می کردند کسی بی تفاوت نشسته است، یا خود تذکر می دادند یا به دیگران اشاره می کردند که تذکر دهید. ایشان دوست داشتند مجلس روضه به طول انجامد و هر پنج شنبه، صبح‌ها در دفترشان مجلس عزاداری اقامه می کردند و خود عاشقانه در آن شرکت می کردند و به مقام والای اهل بیت (علیهم السلام) عرض ادب داشتند.

حزن در مصائب اهل بیت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی (علیه السلام) و عنایت خاص به روضه

یکی از ویژگی های بارز مرحوم فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بی تاب و فزع در مجلس روضه بود، به طوری که طلاب جوان با مشاهده ی چنین حالاتی از شخصیتی چون فقیه مقدس، مرحوم میرزا (قدس سره) سخت تحت تأثیر قرار گرفته و درصدد تأسی به رفتار و حالات آن مرد الهی بر می آمدند.

ایشان همیشه به افراد می فرمودند: به منبری ها بگویید زیاد روضه بخوانند و گاهی خود تذکر می دادند که ذکر اهل بیت (علیهم السلام) در مجالس زیاد شود. ایشان عاشق روضه خواندن بر اهل بیت (علیهم السلام) بودند و با کمال تواضع با آن دستمال سیاهی که وصیت کرده بودند در قبر همراهشان دفن شود، اشک های خود را پاک می کرد. ایشان با آن حالت ملکوتی، در مجلس روضه حاضر می شدند و فانی در حب اهل بیت (علیهم السلام) می گردیدند و هر کسی ایشان را مشاهده می کرد، تحت تأثیر سیمای ملکوتی وی قرار می گرفت و نورانیت خاصی در چهره ی مبارکشان نمایان می شد. ایشان نسبت به عزاداری و حفظ شعائر دائماً توصیه می کردند و به جوانان می گفتند: به حبل متین اهل بیت (علیهم السلام) چنگ بزنید که «سفینه النجاة» هستند.

اقامه‌ی مجلس اهل بیت (علیهم السلام) حفظ شعائر است

میرزای تبریزی (قدس سره) و حضور در مجلس عزای اهل بیت (علیهم السلام) لحظات حضور فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در مجالس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) برای دیگران بسیار آموزنده بود. مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از بیماری^۱ اگر در مجلس روضه حاضر می شدند، اجازه نمی دادند کسی پشتی یا متکا برای ایشان بیاورد و دوست داشتند متناسب مجلس عزاداری بنشینند و می گفتند: «در مجلس اهل بیت (علیهم السلام) باید طوری حاضر شد که احساس نشود جلسه‌ی استراحت است. مجلس اهل بیت (علیهم السلام) ضمن اینکه موجب حفظ شعائر است و بهره‌رکس لازم است به هر نحو ممکن در آن شرکت کند، مجلس احترام به آن خاندان و ذکر فضائل و مناقب آنها (علیهم السلام) نیز هست؛ از این رو شخص باید با هیئتی حاضر شود که خود را ناچیز حساب کند؛ هر چند که مرجع تقلید باشد، بنابراین جای مرا طوری قرار ندهید که احساس شود خود را چیزی حساب کرده‌ام. من به دلیل ابراز ارادت، عمل به تکلیف و عشق، علاقه و

۱. بعد از بیماری به دلیل اینکه سرماخوردگی برای ایشان خطرناک بود، بنابر توصیه‌ی دکترها، برای ایشان پشتی قرار می دادند تا به واسطه‌ی برخورد بدن ایشان با سنگ های سرد سرما نخورند.

محبت به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) حاضر می شوم و امیدوارم این حضور ذخیره ای باشد برای روزی که: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۱. ایشان به تمام معنا عزادار اهل بیت (علیهم السلام) بود و در هر مناسبت مجلس عزاداری به پا می کردند، خود در آن مجلس شرکت کرده و مثل باران گریه می کردند و واقعاً مجالس عزاداری مرحوم میرزا (قدس سره) منحصر به خودشان بود و نگاه به ایشان، در انسان انقلاب ایجاد می کرد. ایشان هرگاه کسی را می دیدند که عازم عتبات مقدسه است و یا از سفر عتبات مقدسه برگشته است، سخت تحت تأثیر قرار می گرفتند و می فرمودند: خوشا به حال شما که مؤمن سیدالشهدا هستید! امام حسین (علیه السلام) را زیارت کنید، زیارتی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) و ائمه بر زائر آن دعا کردند و همچنین ملائک حافین حول مرقد مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) دعاگوی زوار هستند.^۲

1. سوره‌ی شعراء، آیه‌ی 88.

شعائر حسینی..... 259.

2. عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال لي: يا معاوية! لا تدع زيارة الحسين (عليه السلام) لخوف، فإن من تركه رأى من الحسرة ما يتمنى إن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك وسوادك فيمن يدعو له رسول الله (صلى الله عليه وآله) وعليّ و فاطمةُ والائمةُ (عليهم السلام)؟ أما تحب أن تكون ممن ينقلب بالمغفرة لما مضى ويغفر لك ذنوب سبعين سنة؟! أما تحب أن تكون ممن يخرج من الدنيا وليس عليه ذنب تتبع به؟! أما تحب أن تكون غداً ممن يصفحُ رسول الله (صلى الله عليه وآله)؛ [كامل الزيارات، ص 230، باب 40، ح 338، بحارالانوار، ج 98، ص 53] معاوية بن وهب گفت، امام صادق (عليه السلام) به من فرمودند:

.

ای معاویه! به خاطر ترس و خوف، زیارت امام حسین (عليه السلام) را ترک مکن؛ زیرا کسی که آن را ترک کند چنان حسرتی بخورد که آرزو کند قبر آن حضرت نزدش باشد و بتواند زیاد به زیارتش برود. آیا دوست داری که خدا تو را در زمره‌ی کسانی ببیند که حضرت رسول (صلى الله عليه وآله) و حضرات علی، فاطمه و ائمه (عليهم السلام) در حقشان دعا فرموده اند؟!

آیا دوست داری از کسانی باشی که به واسطه‌ی آمرزش لغزش های گذشته، طومار اعمال تغییر یابد و گناهان هفتاد سال از تو آمرزیده شود؟!

آیا دوست داری از کسانی باشی که از دنیا رفته بدون اینکه گناه قابل مؤاخذه داشته باشی؟!

آیا دوست داری از کسانی باشی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با آنها مصافحه می فرمایند؟!

حدَّثنی حکیم بن داود، عن سلمة بن الخطاب، عن الحسن بن علی الوشاء - عمّن ذکره - عن داود بن کثیر، عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: إِنَّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) بنت محمد (صلی الله علیه وآله) تحضر لزوار قبر ابنها الحسين (علیه السلام) فتستغفر لهم ذنوبهم؛ [کامل الزیارات، ص 231، باب 41، ح 343؛ جامع الاحادیث الشیعة، ج 12، ص 370، ح 4567] داود بن کثیر، از حضرت صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: حضرت فاطمه (علیها السلام) دخت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) برای زوار قبر فرزندش، حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) حاضر شده، پس طلب آمرزش برای گناهان ایشان می نماید.

عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام)، أربعة آلاف ملك عند قبر الحسين (علیه السلام) شُعْتُ غِبْرٌ يَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، رُئِيسُهُمْ مَلِكٌ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ، فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ، وَلَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلَّا شَبَّعُوهُ، وَلَا يَمْرُضُ إِلَّا عَادُوهُ، وَلَا يَمُوتُ إِلَّا صَلَّوْا عَلَيْهِ [و] عَلَى جَنَازَتِهِ، وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ؛ [الكافي، ج 4، ص 581؛ کامل الزیارات، ص 232، ح 344]

ابان بن تغلب گفت، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چهار هزار فرشته در اطراف قبر حضرت

.

حسین بن علی (علیهما السلام) بوده که جملگی ژولیده، گرفته و حزین می باشند و تا روز

شعائر حسینی.....261

قیامت بر آن جناب می‌گیرند، رئیس ایشان فرشته‌ای است که به او منصور گفته می‌شود، هیچ زائری به زیارت آن حضرت نمی‌رود، مگر آنکه این فرشتگان به استقبالش می‌روند و هیچ وداع‌کننده‌ای با قبر آن حضرت وداع نکرده، مگر آنکه این فرشتگان مشایعتش می‌کنند و مریض نمی‌شود، مگر آنکه عیادتش کرده و نمی‌میرد مگر آنکه ایشان بر جنازه‌اش نماز خوانده و از خدا طلب آمرزش برایش می‌کنند.

علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: وکل الله تبارک و تعالی بالحسین (علیه السلام) سبعین ألف ملک یصلون علیه کلّ یوم شُعثاً غُبراً، و یدعون لمن زاره و یقولون: یا ربّ هؤلاء زوّار الحسین (علیه السلام)؛ افعَل بهم و افعَل بهم - کذا و کذا -؛ [کامل‌الزیارات، ص 232، باب 41، ح 345؛ ثواب‌الاعمال، ص 87، من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 581] ابی بصیر، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر امام حسین (علیه السلام) موکل ساخته که همگی ژولیده و غمگین بوده و هر روز بر آن حضرت صلوات فرستاده و زائرینش را دعا کرده و می‌گویند: پروردگارا! این جماعت، زائرین حسین (علیه السلام) هستند با ایشان چنین و چنان نما.

عن معاویة بن وهب، عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: لا تدع زیارة الحسین (علیه السلام)، أما تحبّ أن تكون فیمن تدعو له الملائكة؛ [کامل‌الزیارات، ص 233، باب 41، ح 346؛ بحارالانوار، ج 98، ص 54، ح 11] معاویة بن وهب از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند: زیارت امام حسین (علیه السلام) را ترک مکن! آیا دوست نداری در زمره‌ی کسانی باشی که فرشتگان برای آنها دعا می‌کنند.

عن أبي بصير، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: وكلُّ الله تعالى بقر الحسين (عليه السلام)

.....

سبعين ألف ملك يصلون عليه كل يوم شعناً غبراً من يوم قُتل إلى ما شاء الله - يعني بذلك قيام القائم (عليه السلام) - و يدعون لمن زاره و يقولون: يا ربّ هؤلاء زوّار الحسين (عليه السلام) افعل بهم و افعل بهم؛ [من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 581، ح 3173؛ وسائل الشيعه، ج 14، ص 415، ح 19487؛ بحار الانوار، ج 98، ص 54، ح 9] ابی بصیر، از امام صادق (عليه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند: خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) موکل ساخته که هر روز بر او صلوات فرستاده و از روزی که آن حضرت شهید شدند تا زمانی که خدا می خواهد؛ یعنی زمان قیام قائم (عليه السلام) ایشان ژولیده و غمگین می باشند، برای زائرین حضرت دعا کرده و می گویند: پروردگارا! ایشان زائرین حسین (عليه السلام) بوده، با آنها چنین و چنان نما.

عن أبان بن تغلب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: كأني بالقائم (عليه السلام) على نجف الكوفة وقد لبس درع رسول الله (صلى الله عليه وآله) فينتفض هويها فتستدير عليه، فيغشيها بخداجة من استبرق، ويركب فرساً أدهم بين عينيه شِمَراخ فينتفض به انتفاضة، لا يبقى أهل بلد إلاّ وهم يرون أنّه معهم في بلادهم، فينتشر راية رسول الله (صلى الله عليه وآله) عمودها من عمود العرش وسائرهما من نصر الله، لا يهوى بها إلى شيء أبداً إلاّ أهتكه الله. فإذا هزّها لم يبق مؤمن إلاّ صار قلبه كزبر الحديد، ويعطى المؤمن قوّة أربعين رجلاً، ولا يبقى مؤمن إلاّ دخلت عليه تلك الفرحة في قبره، وذلك

شعائر حسینی 263.

حين يتزاورون في قبورهم ويتباشرون بقيام القائم، فينحطّ عليه ثلاث عشر ألف ملك وثلاثمائة وثلاث عشر ملكاً. قلت: كلُّ هؤلاء الملائكة؟ قال: نعم الَّذِينَ كانوا مع نوح في السّفينة، وَالَّذِينَ كانوا مع إبراهيم حين ألقي في النَّار، وَالَّذِينَ كانوا مع موسى حين فلق البحر لبنى إسرائيل، وَالَّذِينَ كانوا مع عيسى حين رفعه الله إليه، وأربعة آلاف ملك مع النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله)

.

مسوّمين وألف مردفين وثلاثمائة وثلاثة عشر ملائكة بدرّيين، وأربعة آلاف ملك هبطوا يريدون القتال مع الحسين (عليه السلام) فلم يؤذن لهم في القتال. فهم عند قبره شُعْتُ غُبُرٍ يبيكونه إلى يوم القيامة، ورئيسهم ملك يقال له: منصور، فلا يزوره زائرٌ إلّا استقبلوه ولا يودّعه مودّعٌ إلّا شيعوه، ولا يمرض مريضٌ إلّا عيادوه، ولا يموت ميّتٌ إلّا صلّوا على جنازته، واستغفروا له بعد موته، وكلُّ هؤلاء في الأرض ينتظرون قيام القائم (عليه السلام) إلى وقت خروجه (عليه السلام)؛ [كامل الزيارات، ص 235، باب 41، ح 348، بحارالانوار، ج 52، ص 328] ابان بن تغلب از امام صادق (عليه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: گویا می بینم حضرت قائم (عليه السلام) را که بر بلندی شهر کوفه بوده و زره رسول الله (صلى الله عليه وآله) را به تن نموده، پس زره را به تن خود حرکت داده تا بر بدن احاطه کرده و آن را بپوشاند. آن حضرت در زیر هودجی از استبرق قرار داشته و بر اسبی خاکستری که بین دو چشمانش سفیدی می باشد سوار می باشند، پس اسب حرکتی به خود داده و اهل هر شهری می بیند که راکب و مرکب با ایشان در شهرشان می باشد و بدین ترتیب پرچم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) را در تمام بلاد منتشر

می فرماید. عمود این پرچم از عمود عرش بوده و بر بقیه‌ی آن نقش نصر من الله می باشد. آن پرچم بر چیزی فرود نمی آید مگر آنکه حق تعالی آن چیز را نابود می فرماید. هنگامی که پرچم به اهتزاز و حرکت در می آید هیچ مؤمنی باقی نمی ماند، مگر آنکه قلبش همچون آهنی سخت می باشد. به هر مؤمنی نیروی چهل مرد داده می شود و نیز هیچ مؤمن مرده ای باقی نمی ماند، مگر آنکه این فرج و سرور در قبرش داخل می شود و این در وقتی است که اهل قبور یکدیگر را در قبرها زیارت می کنند و به آنها بشارت به قیام قائم داده می شود، سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته به دنبال آن حضرت بانگ برآورند. راوی عرض می کند: تمام این جمعیت فرشتگانند؟

.....

حضرت می فرماید: بلی! آنها عبارت اند از: الف) فرشتگانی که با حضرت نوح(علیه السلام) در سفینه بودند. ب) فرشتگانی که با حضرت ابراهیم(علیه السلام) بودند، وقتی آن حضرت را در آتش انداختند. ج) فرشتگانی که با حضرت موسی(علیه السلام) بودند، زمانی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت. د) فرشتگانی که با حضرت عیسی(علیه السلام) بودند وقتی که حق تعالی او را از زمین به آسمان برد. هـ) چهار هزار فرشته مسومین (نشانه گذارنده) و هزار فرشته مردفین (بعضی تابع برخی دیگر می باشند). و) سیصد و سیزده فرشته که در جنگ بدر حاضر گشتند. ز) چهار هزار فرشته که از آسمان به قصد قتال در رکاب حضرت امام حسین(علیه السلام) از آسمان نازل شده پس به آنها اذن قتال داده نشد، بنابراین کنار قبر آن حضرت با هیئتی ژولیده و حالی حزین و غمگین باقی مانده و از آن روز تا قیامت برای حضرت گریان می باشند، رئیس ایشان فرشته ای است که به آن منصور گفته می شود، زائری نیست که به زیارت آن حضرت رود مگر آنکه این فرشتگان به

شعائر حسینی.....265.

استقبالش رفته و آن جناب را وداع نمی کند، مگر آنکه آنها به مشایعتش رفته و بیمار نشده، مگر آنکه ایشان عیادتش می نمایند و میتی از دنیا نرفته، مگر آنکه بر جنازه اش نماز خوانده و پس از مرگش برای او طلب آمرزش می کنند و تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم (علیه السلام) بوده که در وقتش خروج فرماید، صلوات الله علیه.

عن عنبسة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: وكل الله بقبر الحسين بن علي (عليهما السلام) سبعين ألف ملك يعبدون الله عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، يكون ثواب صلاتهم لزوار قبر الحسين بن علي (عليهما السلام) و على قاتله لعنة الله والملائكة والناس أجمعين أبد الآبدين؛ [كامل الزيارات، ص 235، باب 42، ح 349؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 244، ح 11936؛ بحار الانوار، ج 98، ص 55] عنبسة، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که شنیدم می فرمودند: خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) موکل

.

ساخته که او را نزد قبر عبادت کنند، یک نماز از یک نفر آنها معادل با هزار نماز آدمیان می باشد و ثواب نمازشان برای زوار قبر امام حسین (علیه السلام) و وزر و وبال برای قاتل

آن حضرت، که لعنت خدا، ملائکه و مردم اجمعین بر او باد، محسوب می گردد.

عن بكر بن محمد الأزدي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: وكل الله تعالى بقبر الحسين (عليه السلام) سبعين ألف ملك شعثاً غبراً يبيكونه إلى يوم القيامة، يصلون عنده، الصلاة الواحدة من صلاة أحدهم تعدل ألف صلاة من صلاة الآدميين، يكون

266.....شعائر حسینی

ثواب صلاتهم وأجر ذلک لمن زار قبره(علیه السلام)؛[کامل الزیارات، ص 176، باب 27،
ح 237 و ص 235، ح 350؛ بحارالانوار، ج 98، ص 56] بکر بن محمد ازدی، از امام
صادق(علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمودند:

خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را بر قبر حضرت حسین بن علی(علیهما السلام) موکل
ساخته که جملگی زولیده و غمگین بوده و تا روز قیامت بر آن جناب گریه می کنند، نزد
قبر نماز می خوانند و یک نماز از یک نفر آنها معادل هزار نماز آدمیان بوده و ثواب نماز
ایشان و اجر آن برای زوار قبر آن حضرت(علیه السلام) محسوب می گردد.

هر آنچه در عزاداری سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام)

انجام دهیم کم است

میرزای تبریزی (قدس سره) و عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام)

نحوه‌ی عزاداری و عرض ادب خالصانه به ساحت مقدس حضرت ابا عبدالله (علیه السلام)، از جمله سؤالاتی بود که مکرراً از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) سؤال می شد. ایشان در حالی که اشک از دیدگانشان می تراوید، می فرمودند: امام حسین (علیه السلام) هر آنچه را که داشت در راه خدا فدا کرد و با فداکاری خود، دین را زنده نگاه داشت، او با اهدای خون خود از زحمات رسول اکرم (صلی الله علیه وآله)، صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام)، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امام حسن مجتبی (علیه السلام) دفاع کرد و از هیچ چیز در راه خدا دریغ ننمود و حتی از اهل و عیال خود گذشت؛ حال وظیفه‌ی ماست که هر آنچه در توان داریم برای عزاداری سیدالشهدا (علیه السلام) به کار گیریم تا این واقعه تا ابد (ان شاء الله) زنده نگاه داشته شود. هر کس بخواهد در آخرت خشنود باشد و حسرت نخورد، باید به معنای واقعی حسینی باشد و در ایام وفیات اهل بیت (علیهم السلام) در مجالس حزن شرکت کند، به خصوص عزاداری صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) و سالار شهیدان، حسین بن علی (علیهما السلام)، انسان باید هر آنچه در توان دارد

268.....شعائر حسینی

به هر نحو ممکن، ولو با شرکت در مجالس کمک کند، که ان شاء الله
تمامی اعمال در میزان ثبت خواهد شد.

لحظات شیرین و معنوی

میرزای تبریزی (قدس سره) و بهترین لحظات زندگی

از فرزند فقیه مقدس، میرزا/جواد تبریزی (قدس سره) سؤال شد که بهترین لحظه‌ی زندگی آقا (قدس سره) در چه زمانی و در کدام مکان بوده است؟

فرزند مرحوم میرزا/ (قدس سره) می گوید: لحظه ای که آقا (قدس سره) در مجلس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) نشسته و در حال گوش دادن به روضه باشند و حلاوت معنویت آن، لحظه ای است که منبری با لحنی حزین مشغول به ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) می شود، و مورد دیگر که برای مرحوم میرزا/ (قدس سره) حلاوت معنوی داشت، آن لحظه ای بود که ایشان در حال مطالعه یا درس دادن بودند. ایشان به درس و بحث عشق می ورزیدند و با تمام وجود تلاش می کردند که شاگردانی فاضل و آتیه دار تربیت کنند و آثاری مفید بر جای بگذارند. مرحوم میرزا/ (قدس سره) در مجلس عزاداری واقعاً بی تاب می شد و بارها و بارها به اطرافیان می فرمودند: «به منبری بگویند زیاد مصیبت بخواند». و خود مرحوم میرزا/ (قدس سره) مانند ابر بهاری اشک می ریخت و با دستمال سیاهی که مختص پاک کردن اشک هایشان بود، صورت نورانی خود را پاک می کردند؛ به خصوص در مجلس

بی بی، حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) بی تاب می شدند و آن گونه ابراز ارادت می کرد که هر بیننده‌ای را شیفته می نمود، از این رو آن مرحوم (قدس سره) می فرمودند: «بهترین لحظات من آن وقتی است که منبری مشغول به ذکر مصیبت می شود». ایشان در زمان حیاتشان هر پنجشنبه مجلس روضه منعقد می کردند و خود نیز مانند سایر مردم می نشستند و اشک می ریختند و بعد از روضه مشاهده می شد آن قدر اشک ریخته اند که چشم هایشان از شدت گریه سرخ شده است.¹

1. عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: كان علي بن الحسين (عليهما السلام) يقول: أَيْمًا مَوْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَّهِ بَوَّاءُ اللَّهِ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا، وَأَيْمًا مَوْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَّهِ فِينَا لِأَذَى مَسْنَا مِنْ عَدَوْنَا فِي الدُّنْيَا بَوَّاءُ اللَّهِ بِهَا فِي الْجَنَّةِ مَبْوًى صَدَقَ، وَأَيْمًا مَوْمِنٍ مَسَّهُ أَذَى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدَّهِ مِنْ مَضَاضَةِ مَا أُودِيَ فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَذَى وَأَمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَالنَّارِ؛ [كامل الزيارات، ص 201، باب 32، ح 285؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 501، ح 19692] محمد بن مسلم از حضرت باقر (علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند:

شعائر حسینی.....271

حضرت سجاد(علیهما السلام) می فرمودند: هر مؤمنی که به خاطر شهادت حسین بن علی(علیهما السلام) گریه کند، تا اشک بر گونه هایش جاری گردد خداوند منان غرفه ای در بهشت به او دهد که مدت ها در آن ساکن گردد و هر مؤمنی به خاطر ایذاء و آزاری که از دشمنان ما در دنیا به ما رسیده گریه کند، تا اشک بر گونه هایش جاری شود خداوند متعال در بهشت به او جایگاه شایسته ای دهد و هر مؤمنی در راه ما اذیت و آزاری به او رسد و بگرید، تا اشک بر گونه هایش جاری گردد خداوند متعال آزار و ناراحتی را از او بگرداند و در روز قیامت از غضب و آتش دوزخ در امانش قرار دهد.

.

عن سعد بن عبدالله، عن أبي عبدالله الجاموراني، عن الحسن بن علي بن أبي حمزة، عن أبيه، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: سمعته يقول: إن البكاء والجزع مكروه للعبد في كل ما جزع ما خلا البكاء والجزع على الحسين بن علي(عليهما السلام) فإنه فيه مأجور؛[كامل الزيارات، ص 201، باب 32، ح 286؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 507، ح

[19702]

حسن بن علی بن ابی حمزه، به نقل از پدرش گفت، از حضرت امام صادق(علیه السلام) شنیدم که می فرمودند:

برای بنده، جزع نمودن و گریستن در تمام امور مکروه و ناپسند است، مگر گریستن و جزع کردن بر حسین بن علی(علیهما السلام)؛ زیرا شخص در این گریستن دارای اجر و ثواب می باشد.

عن أبي هارون المكفوف قال: قال أبو عبدالله(عليه السلام) - في حديث طويل له - : ومن ذكر الحسين(عليه السلام) عنده فخرج من عينه من الدموع مقدار جناح ذباب كان

272.....شعائر حسینی

ثوابه علی الله عزوجلّ ولم یرض له بدون الجنة؛[کامل الزیارات، ص 208، باب 33، ح 297؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 507، ح 19703]

ابو هارون مکفوف گفت، امام صادق(علیه السلام) در ضمن حدیثی طولانی فرمودند: کسی که یادی از حضرت حسین بن علی(علیهما السلام)نزدش بشود و به مقدار بال مگسی از چشمش اشک خارج شود، اجر او بر خداست و حق تعالی به کمتر از بهشت برای او راضی نیست.

عن الربیع بن منذر عن أبیه قال: سمعت علی بن الحُسَین(علیهما السلام) یقول: من قطرت عیناه فینا قطرة ودمعت عیناه فینا دمعة بَوَّأَهُ اللهُ بها فی الجنة عُرفاً یسکنها أحقاباً؛ [کامل الزیارات، ص 202، باب 32، ح 288؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 507؛ بحارالانوار، ج 44، ص 292]

ربیع بن منذر به نقل از پدرش گفت، از حضرت زین العابدین(علیه السلام) شنیدم که می فرمودند:

.

کسی که در راه ما از دو چشمش قطره ای اشک بیاید، خداوند متعال در بهشت غرفه ای به او عطا فرماید که روزگارها در آن سکنا گزینند.

عن مِسمَع بن عبدالمَلک کَرْدِین البَصْرَیّ قال: قال لی ابو عبدالله(علیه السلام): یا مِسمَع أنت من أهل العراق؛ أما تأتي قبر الحُسَین(علیه السلام)؟ قلت: لا؛ أنا رجلٌ مشهورٌ عند أهل البصرة، وعندنا مَنْ یَتَّبِعُ هوی هذا الخلیفة، و عدونا کثیر من أهل القبائل من النُّصَاب وغيرهم، ولیست آمنهم أن یرفعوا حالی عند ولد سلیمان فیمثلون

شعائر حسيني.....273

بي، قال لي: أفما تذكر ما صنع به؟ قلت: نعم، قال: فتجزع؟ قلت: إى والله وأستعبر
لذلك حتى يرى أهلى أثر ذلك على فامتنع من الطعام حتى يستبين ذلك فى وجهي،
قال: رحم الله دمعك، أما إنك من الذين يعدون من أهل الجزع لنا، والذين يفرحون
لفرحنا ويحزنون لحزننا ويخافون لخوفنا ويأمنون إذا أمنا، أما إنك ستري عند موتك
حضور آبائي لك و وصيتهم ملك الموت بك، و ما يلقونك به من البشارة أفضل،
ولملك الموت أرق عليك وأشد رحمة لك من الأم الشفيقة على ولدها، قال: ثم
استعبروا استعبرت معه، قال: الحمد لله الذى فضلنا على خلقه بالرحمة وخصنا أهل البيت
بالرحمة، يا مسمع إن الأرض والسماء لتبكي منذ قتل أمير المؤمنين (عليه السلام) رحمة
لنا، وما بكى لنا من الملائكة، أكثر ومارقات دموع الملائكة منذ قتلنا، وما بكى أحد
رحمة لنا و لما لقينا إلا رحمة الله قبل أن تخرج الدمعة من عينه، فإذا سألت دموعه
على خده، فلو أن قطرة من دموعه سقطت فى جهنم لأطفئت حرها حتى لا يوجد لها حر،
وإن الموضع لنا قلبه ليفرح يوم يرانا عند موته فرحة لا تزال تلك الفرحة فى قلبه حتى
يرد علينا الحوض، وإن الكوثر ليفرح بمحبنا اذا ورد عليه حتى أنه ليذيقه من ضروب
الطعام ما لا يشتهي أن يصدر عنه، يا

.....

مسمع من شرب منه شربة لم يظما بعدها أبداً، ولم يستق بعدها أبداً، وهو فى برد
الكافور و ريح المسك وطعم الزنجبيل، أحلى من العسل، وألين من الزبد، وأصفى من
الدمع، وأذكى من العنبر يخرج من تسنيم، ويمر بأنهار الجنان يجرى على رصراض

الدُّرُّ والياقوت، فيه من القدحان أكثر من عدد نجوم السماء، يوجد ريحه من مسيرة ألف عام، قدحانه من الذهب والفضة وألوان الجوهر، يفوح في وجه الشارب منه كلُّ فائحة حتَّى يقول الشارب منه: يا ليتني تركت ههنا لا أبغى بهذا بدلاً ولا عنه تحويلاً، أما إنك يا [بن] كَرْدِين مَمَّن تروى منه، و ما من عَيْن بَكَت لنا إِلَّا نَعِمَت بالنَّظَرِ إلى الكوثر وسُقِّيت منه من أحَبِّنا، وأنَّ الشَّارِبَ منه لِيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْطَاهُ مِنْهُ هُوَ دُونَهُ فِي حُبِّنا.

وإنَّ على الكوثر أمير المؤمنين (عليه السلام) وفي يده عصاً من عَوْسَجٍ يحطم بها أعداءنا، فيقول الرَّجُلُ منهم: إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ، فيقول: انطلق إلى إمامك فلان فاسأله أن يشفع لك، فيقول: تبرأ منِّي إمامي الَّذِي تذكِّره، فيقول: إرجع إلى ورائك فقل للَّذِي كُنتَ تَتَوَلَّاهُ تَقَدُّمَهُ عَلَى الْخَلْقِ فاسأله إِذْ كَانَ خَيْرَ الْخَلْقِ عِنْدَكَ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ، فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ حَقِيقٌ أَنْ لَا يَرَادَ شَفْعُ، فيقول: إِنِّي أَهْلَكَ عَطَشًا، فيقول له: زادكَ اللهُ ظَمًا وزادَكَ اللهُ عَطَشًا.

قلت: جُعِلَتْ فِدَاكَ وكيف يقدر على الدُّيُوءِ من الحوض ولم يقدر عليه غيره؟ فقال: ورع عن أشياء قبيحة، وكفَّ عن شتمنا [أهل البيت] إِذَا ذَكَّرْنَا، وترك أشياء اجتري عليها غيره، وليس ذلك لِحُبِّنا ولا لِهَوَى مِنْهُ لَنَا، ولكن ذلك لشدَّةِ اجتهاده في عبادته وتَدَبُّيِّهْهُ وَلَمَّا قَدْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِهِ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَدِينُهُ النَّصَبُ بِاتِّبَاعِ أَهْلِ النَّصَبِ

وولاية الماضين وتقدُّمه لهما

.....

شعائر حسینی..... 275.

علی کلّ احد؛ [کامل الزیارات، ص 206، باب 32، ح 291؛ بحارالانوار، ج 44، ص 289

[مسمع بن عبدالملک کردین بصری گفت، امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند:

ای مسمع! تو از اهل عراق هستی، آیا به زیارت قبر حسین (علیه السلام) می روی؟

عرض کردم: خیر! من نزد اهل بصره، مردی مشهور هستم و نزد ما کسانی هستند که خواسته‌ی این خلیفه را طالب بوده و دشمنان ما از گروه ناصبی‌ها و غیر ایشان بسیار بوده و من در امان نیستم از اینکه حال من را نزد پسر سلیمان گزارش کنند. در نتیجه او با من کاری کند که عبرت دیگران گردد از این رو احتیاط کرده و به زیارت آن حضرت نمی روم. حضرت به من فرمودند: آیا یاد می کنی مصائبی را که برای آن جناب وارد کردند و آزار و اذیت‌هایی که به حضرتش روا داشتند؟

عرض کردم: بلی!

حضرت فرمودند: آیا به جزع و فزع می آیی؟

عرض کردم: به خدا قسم بلی! و به خاطر یاد کردن مصائب آن بزرگوار چنان غمگین و حزین می شوم که اهل و عیالم اثر آن را در من مشاهده می کنند و چنان حالم دگرگون می شود که از خوردن طعام و غذا امتناع نموده و به وضوح علائم حزن و اندوه در صورتم نمایان می گردد.

حضرت فرمودند: خدا رحمت کند اشک‌های تو را (یعنی خدا به واسطه‌ی این اشک‌ها تو را رحمت نماید)، بدان قطعاً تو از کسانی محسوب می شوی که به خاطر ما جزع نموده، به واسطه‌ی سرور و فرح ما مسرور گشته، به خاطر حزن ما محزون گردیده، به جهت خوف ما خائف بوده و هنگام مأمون بودن ما در امان هستند. توجه داشته باش حتماً و به زودی هنگام مرگ، اجداد ما را بالای سرت خواهی دید که ملک الموت سفارش تو را خواهند نمود و بشارتی که به تو خواهند داد برتر و بالاتر از هر چیزی است و خواهی دید که ملک الموت

مادرِ مهربان به فرزندش، به تو مهربان تر و رحیم تر خواهد بود.

مِسمع می گوید: سپس حضرت گریستند و اشک های مبارکشان جاری شد و من نیز با آن جناب اشک ریختم، پس از آن حضرت فرمودند:

الحمد لله الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى خَلْقِهِ بِالرَّحْمَةِ وَخَصَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِالرَّحْمَةِ. [کامل الزیارات، ص

204، باب 32، باب 291؛ بحارالانوار، ج 44، ص 290]

ای مِسمع! از هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) شهید شدند، زمین و آسمان بر ما ترحم نموده و می گریند و موجودی بیشتر از فرشتگان بر ما گریه نکرده است، ایشان اشک هایشان پیوسته جاری بوده و هرگز قطع نمی شود.

توجه داشته باش احدی به خاطر ترحم به ما و به جهت مصائبی که بر ما وارد شده گریه نمی کند، مگر آنکه قبل از آمدن اشک از چشمش، حق تعالی او را رحمت خواهد نمود و وقتی اشک ها بر گونه هایش جاری گشت در صورتی که یک قطره از آنها در جهنم بیفتد حرارت و آتش آن را خاموش و آرام می کند به طوری که دیگر برای آن حرارتی پیدا نمی شود.

دانسته باش کسی که به خاطر ما قلبش دردناک شود، در روزی که موت و مرگش فرا برسد و ما را مشاهده نماید، سرور و نشاطی برایش پیدا شود که پیوسته این سرور در او بوده تا در کنار حوض بر ما وارد گردد و هنگامی که محب و دوستدار ما اهل بیت بر حوض کوثر وارد شود، سرور و فرح خاصی در کوثر پیدا شود، به حدی که انواع و اقسام اطعمه ای به او چشاندن می شود که وی مایل نیست طعم آن غذاها زایل گردد.

شعائر حسینی.....277

ای مسمع! کسی که از آن حوض یک جرعه بیاشامد، هرگز بعد از آن تشنه نشده و ابداً طلب آب نکند.

سپس حضرت آب کوثر را چنین توصیف فرمودند:

....

1- طبع آن در سردی و خنکی مانند کافور می باشد.

2- بوی آن همچون بوی مشک می باشد.

3- طعمش نظیر طعم زنجبیل می باشد.

4- شیرین تر از عسل می باشد.

5- نرم تر و لطیف تر از سر شیر می باشد.

6- صاف تر از اشک چشم می باشد.

7- پاک تر از عنبر می باشد.

8- از تسنیم که چشمه ای است در بهشت، خارج می گردد.

9- در جوی های بهشت عبور می کند.

10- به روی ریگ های بهشتی که در و یاقوت هستند جاری می باشد.

11- کاسه هایی در آن است که عدد آنها از ستارگان آسمان بیشتر می باشد.

12- بوی خوش آن از مسافتی که باید آن را ظرف هزار سال پیمود، به مشام می رسد.

13- کاسه های درون آن از زر و سیم و انواع و اقسام جواهرات قیمتی است.

14- از آن هر بوی خوش و نسیم معطری به صورت شارب می‌وزد تا جایی که شارب

می گوید: کاش من را در همین جا به حال خود بگذارند، حاضر نیستم اینجا را به جای

دیگری تبدیل کرده و آن را تغییر دهم.

پس از آن حضرت به مسمع بن عبدالملک کردین بصری فرمودند:
ای کردین! توجه داشته باش تو از کسانی هستی که از آب آن حوض می آشامی و نیست
چشمی که برای ما بگرید، مگر آنکه از نعمت نظر نمودن به آب کوثر بهره مند شده و از آن
سیراب می گردد.
دوستان ما که از آب کوثر می آشامند پس از نوشیدن از آن لذتی که برده، طعمی که
.....

چشیده و شهوتی که در آنها پدید آمده به مراتب بیشتر از لذت، طعم و شهوتی است که به
دیگران؛ یعنی کسانی که در مرتبه ای پایین تر از حب ما هستند اعطا می گردد.
بر بالای حوض کوثر، امیرالمؤمنین (علیه السلام) ایستاده و در دست مبارکش عصایی از
گیاه عوسج بوده که با آن دشمنان ما را منکوب و مضروب می سازند، یکی از آن دشمنان
محضر مبارکش عرض می کند: من شهادتین می گویم.
حضرت فرمود: نزد امام خود «فلانی» برو و از او بخواه که تو را شفاعت کند.
آن شخص می گوید: امام من که نامش را بردید از من تبری می جوید.
حضرت می فرمایند: به پشت خود برگرد و از کسی که دوستش می داشتی و بر خلائق،
مقدمش می نمودی طلب شفاعت کن؛ زیرا بهترین خلق نزد تو باید شفاعتت را بکند، چه
آنکه بهترین مخلوقات کسی است که شفیع دیگران باشد.
آن شخص می گوید: از تشنگی مردم.
حضرت به او می فرمایند: خداوند تو را تشنه تر کرده و عطش را زیاده تر کند.

شعائر حسینی..... 279.

مِسمع می گوید، به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! این شخص چگونه نزدیک حوض می رود در حالی که غیر از امیرالمؤمنین(علیه السلام) احدی بر آن قادر نیست؟

حضرت فرمودند: این شخص از اعمال زشتی چند اجتناب نموده و وقتی ما را نام می بُرد از ناسزا گفتن و فحش دادن خودداری می کرد و کارهایی را که دیگران جرئت نموده و انجام می دادند، وی آنها را ترک می کرد، اما این نه به خاطر حب و دوستی با ما بوده؛ بلکه منشأ آن زیاد عبادت نمودن، تدین و منصرف بودنش از ذکر مردم می باشد اما در قلبش نفاق بوده و دین و آئینش مذهب نصب و تبعیت اهل آن بوده و ولایت و دوستی خلفای ماضی را داشته و آن دو نفر را بر هر کسی مقدم می کند.

عبدالله بن بکیر قال: حَجَجْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) - فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ - فَقُلْتُ:

.....

یابن رسول الله (صلی الله علیه وآله) لو نُبِشَ قَبْرُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَام) هَلْ كَانَ يُصَابُ فِي قَبْرِهِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: يَا ابْنَ بَكِيرٍ مَا اعْظُمُ مَسَائِلُكَ، إِنَّ الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَعَ أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَمَعَهُ يَرْزُقُونَ وَيَحْبِرُونَ وَإِنَّهُ لَعَلَى يَمِينِ الْعَرْشِ مُتَعَلِّقٌ بِهِ يَقُولُ: يَا رَبِّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى زُورَاهُ وَإِنَّهُ أَعْرَفُ بِهِمْ وَأَسْمَاءَهُمْ وَأَبَائَهُمْ وَ مَا فِي رِحَالِهِمْ مِنْ أَحَدِهِمْ بَوْلْدَةٍ، وَإِنَّهُ لَيَنْظُرُ إِلَى مَنْ يَبْكِيهِ فَيَسْتَغْفِرُ لَهُ وَيَسْأَلُ أَبَاهُ الْاسْتِغْفَارَ لَهُ، وَيَقُولُ: أَيُّهَا الْبَاكِيُّ لَوْ عَلِمْتَ مَا أَعَدَّ اللَّهُ لَكَ لَفَرَحْتَ أَكْثَرَ مِمَّا حَزَنْتَ، وَإِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ؛ [كامل]

الزيارات، ص 207؛ جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص 555]

280.....شعائر حسینی

عبدالله بن بکیر گفت: با امام صادق (علیه السلام) حج به جا آوردم... (حدیث طولانی است و در یکی از فقرات آن راوی می گوید):
محضر امام (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله)! اگر قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) را نبش کنند، در قبر به چیزی برخورد و اصابت می کنند؟

حضرت در جواب فرمودند:
چقدر سؤال بزرگی کردی! حضرت حسین (علیه السلام) با پدر، مادر و برادر بزرگوارشان در منزل رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بوده و جملگی با آن حضرت از روزی خدا بهره مند می شوند و در خصوص آن جناب باید بگویم که حضرتش بر سمت راست عرش چنگ زده و به درگاه الهی عرض می کند: یا ربّ انجز لی ما وعدتني (آنچه را به من وعده دادی روا نما).

و آن حضرت به زوار خود نگریسته و به آنها و به اسماء ایشان و اسماء پدرانشان و آنچه در خورجین و بارشان می باشد اعراف و آگاه تر از ایشان به فرزندشان می باشد و نیز آن جناب به گریه کننده گانش نظر فرموده و برای آنها طلب آمرزش نموده و از پدر بزرگوارش برای ایشان درخواست استغفار می نماید و خطاب به کسانی که برایش گریه می کنند می فرماید:

.....

ای کسی که گریه می کنی! اگر بدانی خدا برایت چه آماده نموده مسلماً سرور و شادی تو بیشتر از حزن و اندوهت می گردد و این حتمی است که حق تعالی تمام گناهان و لغزش های تو را به واسطه ی این اشکی که ریخته ای می آمرزد.

شعائر حسینی..... 281.

عن فضیل بن یسار، عن أبی عبدالله(علیه السلام) قال: من ذُکِرنا عنده ففاضت عیناه ولو مثل جناح بَعُوضَةٍ غُفِرَ له ذنوبه ولو كانت مثل زبد البحر؛ [المحاسن، ج 1، ص 63، ح 110؛ کامل الزیارات، ص 207، باب 32، ح 293؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 501] فضیل بن یسار از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

کسی که نام ما نزد او برده شود و از چشمانش اشک بیاید، اگرچه به قدر بال پشه باشد، گناهانش آمرزیده شود، ولو به اندازه‌ی روی دریاها باشد.

عن محمد بن مسلم، عن أبی جعفر(علیه السلام) قال: أیما مؤمن ذمعت عیناه لقتل الحُسَین(علیه السلام) دمعَةً حتّی تسيل علی خَدَّه بَوَّاه الله بها غُرفاً فی الجَنَّة یسکنها أحقاباً؛ [کامل الزیارات، ص 201، باب 32، ح 285؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 501، ح 19692] محمد بن مسلم، از امام باقر(علیه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند: هر مؤمنی که به خاطر شهادت حضرت حسین(علیه السلام) از چشمانش اشک ریخته به طوری که اشک‌ها بر گونه‌هایش جاری گردد، خداوند منان در بهشت غرفه‌هایی به او عنایت فرماید که وی برای روزگارها در آن سکنا گزیند.

فضیل بن فضّالة، عن أبی عبدالله(علیه السلام) قال: من ذُکِرنا عنده ففاضت عیناه حَرَمَ الله وَجْهَهُ علی النَّار؛ [کامل الزیارات، ص 207، باب 32، ح 296؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 509، ح 19708؛ بحارالانوار، ج 44، ص 285] فضیل بن فضّاله، از امام صادق(علیه السلام) نقل کرد که آن جناب فرمودند: کسی که ما را نزد او یاد کنند، پس از چشمانش اشک بیاید خداوند متعال صورتش را بر آتش حرام می‌نماید.

گریه بر مظلومیت سیدالشهدا (علیه السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و گریه‌ی شدید بر مظلومیت امام حسین (علیه

السلام)

با فرا رسیدن ماه حزن و اندوه، ماه محرم، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) ضمن برگزاری مراسم عزاداری، جامه‌ی سیاه به تن می کردند و هیئت عزا به خود می گرفتند، به نحوی که با نگاه به مرحوم میرزا (قدس سره) می توانستیم متوجه ایام حزن شویم. ایشان ماه محرم را با غم و اندوه شروع می کردند و وقت روضه خوانی مانند باران اشک می ریختند و به منبری ها می گفتند: «زیاد روضه بخوانید!» مرحوم میرزا (قدس سره) در مجلس عزاداری و در هنگام روضه از خود بیخود می شدند و با شدت شروع به گریه می کردند؛ به طوری که اطرافیان خود را تحت تأثیر قرار می دادند و هر کسی ایشان را با این هیئت می دید، عاشقانه می سوخت و هرگاه به ایشان می گفتند: آقا! کمی مواظب خود باشید، این قدر بی تابی نکنید، برای حالتان مناسب نیست! می فرمود: «این اشک ها برای قبر و قیامت است، می خواهم اسمم جزء عزاداران اهل بیت (علیهم السلام) و سیدالشهداء (امام حسین (علیه السلام)) ثبت شود.» و او علاوه بر اینکه تلاش می کرد که آخرت خودش مملو از حسنات باشد، دیگران را نیز آموزش می داد که

شعائر حسینی.....283.

چگونه به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) ابراز ارادت کنند. هرکس به آن صورت نورانی نظر می کرد، نایافته های خود را می یافت و می فهمید که چگونه باید محبت و علاقه ی خود را به اهل بیت (علیهم السلام) ابراز کند.^۱

1. عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: نظر أمير المؤمنين (عليه السلام) إلى الحسين فقال: يا عبدة كل مؤمن، فقال: أنا يا أبتاه، قال: نعم يا بني؛ [جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص

[557]

از امام صادق (عليه السلام) نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند:

اميرالمؤمنين (عليه السلام) به حضرت حسين (عليه السلام) نظر نموده پس فرمودند: ای اشک هر مؤمنی!

حضرت حسين (عليه السلام) عرض نمود: ای پدر! من اشک هر مؤمنی هستم؟

اميرالمؤمنين (عليه السلام) فرمود: بلی، پسر!

عن أبي عمارة المُنشد، قال: ما ذكر الحسين (عليه السلام) عند أبي عبد الله (عليه السلام) في يوم قطّ فرثي أبو عبد الله (عليه السلام) متبسماً في ذلك اليوم إلى الليل، وكان (عليه السلام) يقول: الحسين (عليه السلام) عبدة كل مؤمن؛ [كامل الزيارات، ص 214، باب 36، ح 309، مستدرک الوسائل الشيعة، ج 10، ص 312، ح 12073] از ابی عماره منشد نقل کرده اند که گفت:

284.....شعائر حسینی

نام امام حسین(علیه السلام) هرگز نزد امام صادق(علیه السلام) برده نشد که در آن روز تا شب ایشان متبسم و خندان باشند و می فرمودند:

حسین(علیه السلام)، اشک هر مؤمنی می باشد؛ یعنی یاد امام حسین(علیه السلام) سبب اشک هر مؤمنی می باشد.

عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر، قال: قال أبو عبدالله(علیه السلام): قال الحُسن بن علی(علیهما السلام): أنا قتیل العبرة لا یذکرنی مؤمنٌ إلاّ استعبر؛[کامل الزیارات، ص 215، باب 36، ح 310] علی بن ابی حمزه از ابی بصیر نقل کرده که وی گفت:

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: حضرت حسین بن علی(علیهما السلام) فرمود: من کشته‌ی اشک هستم، هیچ مؤمنی من را یاد نمی کند مگر آنکه با یاد من اشک می ریزد. عن إسماعیل بن جابر، عن أبی عبدالله(علیه السلام)، قال: قال الحُسن بن علی(علیه السلام): أنا قتیل

.

العبرة؛[بحارالانوار، ج 44، ص 279؛ العوالم، ص 536] اسماعیل بن جابر، از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین(علیه السلام) فرمود که: من کشته‌ی اشک هستم. عن هارون بن خارجة، عن أبی عبدالله(علیه السلام)، قال: کُنّا عنده فذکرنا الحُسن(علیه السلام)وعلى قاتله لعنة الله، فبکی أبو عبدالله(علیه السلام)وبکینا، قال: ثمّ رفع رأسه، فقال: قال الحُسن(علیه السلام): أنا قتیل العبرة، لا یذکرنی مؤمنٌ إلاّ بکی -

شعائر حسینی.....285.

وذكر الحديث؛[بحارالانوار، ج 44، ص 279] هارون بن خارجه، از امام صادق(علیه السلام)

نقل کرده که وی گفت:

محضر مبارک امام صادق(علیه السلام) بودیم، پس نام امام حسین(علیه السلام) و علی

قاتله لعنة الله را بردیم، حضرت گریستند و ما نیز گریستیم.

راوی می گوید، امام(علیه السلام) سر مبارکشان را بلند کرده و فرمودند:

حضرت امام حسین(علیه السلام) فرمود: من کشته‌ی اشک هستم، یاد نمی کند من را هیچ

مؤمنی مگر آنکه می گرید.... .

عن هارون بن خارجه، عن أبي عبد الله(علیه السلام) قال: قال الحسين(علیه السلام): أنا

قتيل العبرة قُتِلْتُ مَكْرُوباً و حقيق على الله أن لا يأتيني مكروب قطّ إلا ردّه الله وقلبه

إلى أهله مسروراً؛[کامل زیارات، ص 216، ح 314؛ بحارالانوار، ج 44، ص 279؛ العوالم،

ص 536] هارون بن خارجه، از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمودند:

حضرت امام حسین(علیه السلام) فرمود:

من کشته‌ی اشک هستم، من در حالی که غمگین و اندوهگین بودم، کشته شدم و سزاوار

است بر خدا که هر مکروب و اندوهگینی که به زیارت من می آید را با قلبی مسرور و شاد

به اهلش برگرداند.

بکاء بودن در مصائب اهل بیت (علیهم السلام)

میرزای تبریزی بزرگ (قدس سره) و صدای گریه

فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) افرادی که با صدا و با احساسات بر اهل بیت (علیهم السلام) گریه می کردند را بسیار دوست داشتند. اگر فردی می آمد که معروف بود که این آقا در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) «بکاء» است، بسیار خشنود می شد و از او طلب می کرد که به او نزدیک شود و ضمن لبخند می فرمود: «التماس دعا داریم.» خود مرحوم میرزا (قدس سره) در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) مانند باران اشک می ریخت و به خطبا سفارش می کرد که زیاد روضه بخوانند. گاهی به خاطر شدت گریه چندین بار خود را در مجلس جابه جا می کردند، تحمل ذکر مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) برایشان سخت بود و نمی توانستند آرام بنشینند. مرحوم میرزا (قدس سره) بارها و بارها در موطن مختلف به ثواب گریه بر سید الشهداء (علیه السلام) اشاره کرده و می فرمودند: «انسان در طول زندگی همواره لغزش دارد و شیطان در کمین است و ممکن است اشتباه هم بکند، پس باید از شر شیطان به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) پناه برد و یکی از راه های نجات از شر شیطان، گریه در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) و کمک خواستن از آنهاست. علاوه بر آن گریه بر مصائب سید الشهداء (علیه السلام) و اهل

شعائر حسینی.....287

بیت (علیهم السلام) ثواب فراوانی دارد که بهترین ذخیره برای قبر و قیامت است. اگر ایشان مشاهده می کردند که کسی در مجلس روضه بی تفاوت نشسته است یا خود تذکر می دادند یا با نگاه طرف را متوجه می کردند که باید حالت گریه داشته باشد.¹

1. عبدالله بن جعفر فی (قرب الإسناد) عن أحمد بن إسحاق، عن بکر بن محمد، عن أبي عبدالله (عليه السلام) أنه قال للفضيل: تجلسون وتحدثون؟ فقال نعم، فقال: إن تلك المجالس أحبها، فأحيوا أمرنا يا فضيل، فرحم الله من أحیی أمرنا، يا فضيل من ذكّرنا أو ذكّرنا عنده فخرج من عينه مثل جناح الذباب غفر الله له ذنوبه ولو كانت أكثر من زبد البحر؛ [قرب الاسناد، ص 36، ح 117؛ بحارالانوار، ج 44، ص 282، ح 14؛

العوالم الامام الحسين (عليه السلام)، ص 527؛ لواعج الاشجان، ص 4]

بکر بن محمد می گوید، امام صادق (علیه السلام) به فضیل فرمود: ای فضیل! آیا در مجالس تان از ما سخن می گوئید؟ فضیل گفت: بله! امام (علیه السلام) فرمود: من این گونه مجالس را دوست دارم، پس خداوند مورد رحمت خویش قرار دهد کسی را که زنده کننده ی امر ما باشد. ای فضیل! کسی که متذکر مظلومیت ما شود، و اشک از چشمانش خارج گردد، حتی به اندازه ی بال مگسی، خداوند متعال می بخشد گناهانش را، اگرچه به اندازه ی کف دریا باشد.

288.....شعائر حسینی

عن علی بن الحسن بن علی ابن فضال، عن أبيه، قال: قال الرضا(عليه السلام): من تذكّر مصابنا فبكى وأبكى لم تبك عينه يوم تبكى العيون، ومن جلس مجلساً يحيى فيه أمرنا لم يمت قلبه يوم يموت القلوب... الحديث؛[الامالی الصدوق، ص 131؛ عيون اخبار الرضا، ج 2، ص 264]

امام رضا(عليه السلام) فرمود: هرکس که مصیبت ما را یادآوری کند پس بگرید و بگریاند، چشم او در روزی که همه‌ی چشم‌ها گریان است، گریان نخواهد شد و هرکس که بنشیند در مجلسی که امر ما را در آن مجلس زنده نگه می‌دارند، روزی که قلب‌ها می‌میرد قلب او نمی‌میرد.

عن الريان بن شبيب، عن الرضا(عليه السلام) (فی حدیث) أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا بْن شَبِيبٍ إِنَّ كُنْتَ بَاكِياً لَشَيْءٍ فَابْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَإِنَّهُ ذَبَحَ كَمَا يَذِبحُ الْكَبْشَ وَقَتْلَ

.

معه من أهل بيته ثمانية عشر رجلاً ما لهم في الأرض شبيهون، ولقد بكت السماوات السبع والأرضون لقتله - إلى أن قال: - يا بن شبيب إن بكيت علي الحسين(عليه السلام) حتى تصير دموعك على خديك غفر الله لك كل ذنب أذنبته صغيراً كان أو كبيراً قليلاً كان أو كثيراً يا بن شبيب إن سرّك أن تلقى الله عز وجل ولا ذنب عليك فزر الحسين(عليه السلام). يا بن شبيب إن سرّك أن تسكن الغرف المبيّنة في الجنّة مع النبي وآله صلى الله عليهم فاعن قتلة الحسين. يا بن شبيب إن سرّك أن يكون لك من الثواب مثل ما لمن استشهد مع الحسين فقل متى ما ذكرته: يا ليتني كنت معهم فأفوز

شعائر حسینی..... 289.

فوزاً عظيماً. يابن شبيب إن سرگ أن تكون معنا في الدرجات العلى من الجنان فاحزن
لحزننا، وافرح لفرحنا، وعليك بولايتنا، فلو أن رجلاً أحبّ حجراً لحشره الله معه يوم
القيامة؛ [عيون اخبار الرضا(عليه السلام)، ج 1، ص 299، ح 58؛ موسوعة احاديث اهل البيت، ج
2، ص 78]

امام رضا(عليه السلام) فرمود: ای پسر شبيب! اگر برای چیزی گريان بودی پس بر حسين
بن علی(عليه السلام) گريه کن؛ زیرا که او را ذبح کردند به مانند ذبح گوسفند (کبش) و
همراه او کشتند هيچده مرد از اهل بيتش را که در روی زمین برای آنها مثل و مانند و
شبيهی نبود - و آسمان های هفت گانه و زمین ها به خاطر قتل او گريه کردند - تا آنجا که
فرمود: ای پسر شبيب! پدرم از پدرش، از جدش(عليهم السلام) به من خبر داد که: وقتی
جدم حسين(عليه السلام) شهيد شد از آسمان خون و خاک قرمز بارید. ای پسر شبيب! اگر
به گونه ای بر حسين گريه کنی که اشک هایت بر گونه هایت جاری شود، خداوند هر
گناهی که مرتکب شده باشی - چه کوچک و چه بزرگ - چه کم و چه زیاد خواهد بخشید.
ای پسر شبيب! اگر دوست داری پاک و بدون گناه به ملاقات خدا بروی، به زیارت
حسين(عليه السلام) برو . - ای پسر شبيب! اگر دوست داری با پیامبر اکرم(صلی الله علیه
وآله) در غرفه های بهشت همراه باشی، قاتلان حسين را لعنت کن. ای پسر

.

شبيب! اگر دوست داری ثوابی مانند ثواب کسانی که همراه حسين بن علی(عليهما
السلام) شهيد شدند داشته باشی، هرگاه به یاد او افتادی بگو «يا ليتني كنت معهم فأفوز
فوزاً عظيماً؛ ای کاش با آنان می بودم و به فوز عظیم می رسیدم». ای پسر شبيب! اگر
دوست داری همراه ما در درجات عالی بهشت باشی، در اندوه ما اندوهگین و در خوشحالی

ما، خوشحال باش و بر تو باد به ولایت ما؛ زیرا اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد خداوند در روز قیامت او را با آن سنگ محشور خواهد کرد.

عن عبدالله بن الفضل الهاشمی قال: قلت لأبی عبدالله (علیه السلام) یا بن رسول الله کیف صار یوم عاشورا یوم مصیبة و غم و حزن و بکاء دون الیوم الذی قبض فیہ رسول الله (صلی الله علیه وآله)، والیوم الذی ماتت فیہ فاطمة (علیها السلام)، والیوم الذی قتل فیہ أمیر المؤمنین (علیه السلام)، والیوم الذی قتل فیہ الحسن (علیه السلام) بالسم؟ فقال: إن یوم الحسین أعظم مصیبة من جمیع سائر الأيام، وذلك أن أصحاب الکساء الذین كانوا أکرم الخلق علی الله عزّ وجلّ كانوا خمسة، فلما مضی عنهم النبی (صلی الله علیه وآله) بقی أمیر المؤمنین و فاطمة والحسن والحسین، فكان فیهم للناس عزاء وسلوة، فلما مضت فاطمة کان فی أمیر المؤمنین والحسن والحسین للناس عزاء وسلوة، فلما مضی أمیر المؤمنین (علیه السلام) کان للناس فی الحسن والحسین عزاء وسلوة فلما مضی الحسن کان للناس فی الحسین عزاء وسلوة، فلما قتل الحسین لم یکن بقی من أصحاب الکساء أحد للناس فیہ بعده عزاء وسلوة، فكان ذهابه کذهاب جمیعهم کما کان بقاؤه کبقاء جمیعهم، فلذلك صار یومه أعظم الأيام مصیبة... الحديث؛ [وسائل الشیعة، ج 14، ص 504؛ بحار الانوار، ج 44، ص 269]

عبدالله بن فضل هاشمی گفت، محضر امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: ای فرزند رسول خدا!

.

چگونه روز عاشورا، روز مصیبت، حزن، جزع و گریه گردید، نه روزی که در آن رسول

شعائر حسینی 291

خدا(صلی الله علیه وآله) قبض روح شده یا روزی که فاطمه(علیها السلام) در آن از دنیا رحلت کرده، یا روزی که در آن امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) به شهادت رسیده و یا روزی که امام حسن(علیه السلام) در آن به وسیله ی سم شهید گردیدند؟

امام(علیه السلام) فرمودند: روز امام حسین(علیه السلام) از تمام ایام مصیبتش بزرگ تر می باشد؛ زیرا اصحاب کساء که کریم ترین مخلوقات و شریف ترین آنها نزد خدا هستند، پنج تن می باشند پس وقتی نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) از بین ایشان رحلت کردند، امیرالمؤمنین، فاطمه، حسن و حسین(علیهم السلام) باقی ماندند، پس مردم ایشان را تسلیت می دادند و وقتی فاطمه(علیها السلام)از بینشان رفتند، مردم امیرالمؤمنین، حسن و حسین(علیهم السلام)را امر به صبر می نمودند و وقتی امیرالمؤمنین(علیه السلام) رفتند مردم حسنین(علیهم السلام) را تسلیت می دادند و وقتی امام حسن(علیه السلام) از دنیا رفتند، مردم امام حسین(علیه السلام) را تسلیت می گفتند و وقتی ایشان شهید شدند از اصحاب کساء احدی باقی نمانده بود که مردم به او تسلیت بگویند؛ پس رفتن امام حسین(علیه السلام) از دنیا به مثابه این بود که تمام اصحاب کساء از دنیا رفته اند، چنانچه بقای آن حضرت همچون بقای جمیع آنها بود بنابراین روز شهادت آن حضرت از نظر مصیبت از تمام ایام بزرگ تر می باشد.

عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا(عليه السلام) قال: من ترك السعي في حوائج يوم عاشوراء قضی الله له حوائج الدنيا والآخرة، ومن كان يوم عاشوراء يوم مصيبتة وحزنه وبكائه يجعل الله عز وجل يوم القيامة يوم فرحه وسروره وقرت بنا في الجنان عینه، ومن سمى يوم عاشوراء يوم بركة وادّخر لمنزله فيه شيئاً لم يبارك له فيما ادّخر، وحشر يوم القيامة مع يزيد وعبيدالله بن زياد وعمر بن سعد لعنهم الله إلى أسفل درك

اخبار الرضا(علیه السلام)، ج 2، ص 267]

امام رضا(علیه السلام) فرمود: کسی که در روز عاشورا به دنبال نیازمندی های خود نرود، حق تعالی نیازمندی های دنیا و آخرتش را برطرف می کند، و کسی که روز عاشورا، روز مصیبت، حزن و گریه ی او باشد، خداوند عزوجل روز قیامت را روز شادی و سرور او قرار داده و در بهشت چشمش را به ما روشن می کند و کسی که روز عاشورا را روز برکت خواند و در منزلش از خوردنی ها و نوشیدنی ها چیزی ذخیره کند، برایش مبارک نبوده و روز قیامت با یزید، ذعبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد لعنه الله علیهم در اسفل درک جهنم محشور خواهند شد.

عن إبراهيم بن أبي محمود قال: قال الرضا(علیه السلام) (فی حدیث): فعلی مثل الحسين فلیبک الباكون، فإن البكاء علیه یحطّ الذنوب العظام. ثم قال(علیه السلام): کان أبی(علیه السلام) إذا دخل شهر المحرم لا یری ضاحکا، وکانت الکآبة تغلب علیه حتی تمضی عشرة أيام، فإذا کان یوم العاشر کان ذلک الیوم یوم مصیبتیه وحزنه وبکائه ویقول: هو الیوم الذی قتل فیهِ الحسین(علیه السلام)؛ [وسائل الشیعه، ج 14، ص 504؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 238؛ اقبال الاعمال، ج 3، ص 28] امام رضا(علیه السلام) فرمود: پس گریه کنندگان بر کسی مثل حسین(علیه السلام) گریه کنند که به تحقیق گریه بر حسین، گناهان بزرگ را می شوید و می برد. سپس حضرت فرمود: زمانی که ماه محرم داخل می شد، پدرم (امام موسی بن جعفر(علیه السلام)) خندان دیده نمی شدند و

شعائر حسینی.....293.

اندوه و غم بر حضرتش غلبه می کرد تا ده روز بگذرد، پس زمانی که در روز دهم بود، آن روز برای حضرتش روز مصیبت، حزن و گریه بود و می فرمود: آن روزی است که حسین(علیه السلام) در آن روز کشته شده است.

محمّد بن محمد المفید فی (مسارّ الشیعة) قال: وفي العاشر من المحرم قتل الحسين(عليه السلام) وجاءت الرواية عن الصادق(عليه السلام) باجتناّب الملاذ فيه وإقامة سنن

.

المصائب، والامساك عن الطعام والشراب إلى أن تزول الشمس، والتغذّي بعد ذلك بما يتغذّي به أصحاب المصائب كالألبان وما أشبهها دون اللذيذ من الطعام والشراب؛ [وسائل الشيعة، ج 14، ص 505؛ مسار الشيعة، ص 43] در مسارّ الشيعة آمده: روایت شده از امام صادق(علیه السلام) به دوری جستن از لذت در روز عاشورا (دهم محرم) و اقامه‌ی سنت های عزاداری و مصائب و امساك و خودداری کردن از غذا و نوشیدن تا زوال خورشید - و خوردن غذا بعد از زوال خورشید - به آن چیزی که اصحاب مصائب و صاحبان عزا می خورند مانند شیرها و چیزهایی مشابه آن و طعام و نوشیدنی که لذیذ نباشد.

عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله(عليه السلام) (في حديث) أنّه قال لشيخ أين أنت عن قبر جدّي المظلوم الحسين؟ قال: إنّی لقريب منه، قال: كيف إتيانك له؟ قال: إنّی لآتيه وأكثر، قال: ذاك دم يطلب الله تعالى به. ثمّ قال: كلّ الجزع والبكاء مكروه ما خلا الجزع والبكاء لقتل الحسين(عليه السلام)؛ [صراط النجاة، ج 3، ص 443؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 505] معاوية بن وهب می گوید، امام صادق(علیه السلام) به شیخی فرمود:

کجایی و در چه فاصله ای از قبر جدم حسین مظلوم هستی؟ شیخ گفت: من نزدیک هستم به قبر آن حضرت. امام صادق(علیه السلام) فرمود: چگونه است آمدن تو به نزد قبر مطهرش؟

شیخ گفت: بیشتر اوقات می آیم. حضرت فرمود: آن خونی است که خداوند آن خون را طلب می کند. سپس امام صادق(علیه السلام) فرمود: هر جزع و بی تابی و هر گریه ای مکروه است غیر از جزع، بی تابی و گریه به خاطر قتل و کشتن حضرت حسین(علیه السلام).

عن حسین الأشقر، عن محمد بن أبي عمارة، عن جعفر بن محمد(عليه السلام) قال: من دمعت عيناه فينا دمعاً لدم سفك لنا أو حقّ لنا نقصناه أو عرض انتهك لنا أو لأحد من شيعتنا بوأه الله تعالى بها في الجنة حقّاً؛ [وسائل الشيعة، ج 14، ص 506:

العمدة ابن البطريق، ص 396، ح 794] ابی عماره کوفی می گوید، از امام صادق(علیه السلام) شنیدم که می فرمود: هرکس در راه ما به خاطر خونی که از ما ریخته شده، یا حقی که از ما به تاراج رفته، یا پرده ی آبرو و حیثیتی که از ما یا یکی از شیعیان ما دریده گشته، قطره ی اشکی بریزد، بدین سبب خداوند متعال او را یک حقیبی (که هشتاد سال است) در بهشت جای می دهد.

عن الحسين بن ثوير، عن الصادق(عليه السلام) قال: (في حديث:) إن أبا عبد الله الحسين(عليه السلام) لمّا قضى بكت عليه السماوات السبع والأرضون السبع وما فيهنّ وما بينهنّ، ومن يتقلب في الجنة والنار، من خلق ربّنا وما يرى وما لا يرى، بكي على

شعائر حسینی.....295.

أبی عبدالله الحسین(علیه السلام) إلا ثلاثة أشياء لم تبک علیه، قلت: وما هذه الثلاثة الأشياء؟ قال: لم تبک علیه البصرة ولا دمشق ولا آل عثمان علیهم لعنة الله. [الكافی، ج

4، ص 575؛ وسائل الشیعة، ج 14، ص 506]

امام صادق(علیه السلام) فرمود: به خاطر شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه که ما بین آنهاست و هرکس روی زمین آنها قرار می گیرد در بهشت و آتش و هرکس که خداوند ما آن را خلق کرد و هر آنچه که دیده می شود و هر آنچه که دیده نمی شود، گریه کردند بر حضرت ابی عبدالله الحسین(علیه السلام)، الا سه چیز که بر حسین و مصیبت آن حضرت گریه نکردند. راوی می گوید، از حضرت پرسیدم: این سه چیز کدام اند؟ حضرت فرمود: گریه نکرد بر حضرتش نه بصره، نه دمشق و نه آل عثمان - پیروان عثمان - که لعنت خداوند بر آنان باد.

عن فضیل وفضالة عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: من ذکرنا عنده ففاضت عیناه

حرّم الله وجهه علی النار؛ [کامل زیارات، ص 207؛ وسائل الشیعة، ج 14، ص 509]

امام صادق(علیه السلام) فرمود: کسی که با شنیدن مظلومیت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) از اشک

.....

دیدگانش فرو ریزد، خداوند آتش جهنم را بر وی حرام می نماید.

عن علقمة، عن أبی جعفر(علیه السلام) فی حدیث زیارة الحسین(علیه السلام) یوم

عاشوراء من قرب وبعد - قال: ثم لیندب الحسین(علیه السلام) ویبکیه، ویأمر من فی

داره مَن لا یَتَّقِیْهِ بالبِکاءِ علیه، و یَقِیْمُ فی داره المصِیْبِیَّة باظهار الجزع علیه، ولیعزَّ بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسین (علیه السلام)، وأنا ضامن لهم إذا فعلوا ذلك علی الله عزَّ وجلَّ جمیع ذلك یعنی ثواب ألفی حجة، وألفی عمرة، وألفی غزوة - قلت: أنت الضامن لهم ذلك - والزعیم؟ قال: أنا الضامن والزعیم لمن فعل ذلك. قلت: وكيف یعزّی بعضنا بعضاً؟ قال: تقول عظم الله أجورنا بمصابنا بالحسین (علیه السلام)، وجعلنا وإیاکم من الطالبین بثأره مع ولیه والإمام المهدي من آل محمد، وإن استطعت أن لا تنشر یومک فی حاجة فافعل، فإنّه یوم نحس لا تقضى فیهِ حاجة مؤمن، وإن قضیت لم یبارک له فیها، ولا یرى فیها رشداً، ولا یدخرن أحدکم لمنزله فیهِ شیئاً، فمن اذخر فی ذلك الیوم شیئاً لم یبارک له فیما اذخر، ولم یبارک له فی أهله فإذا فعلوا ذلك كتب الله لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة مع رسول الله (صلی الله علیه وآله)، وكان له كثواب کلّ نبیّ ورسول وصدیق وشهید مات أو قتل منذ خلق الله الدنیا إلى أن تقوم الساعة... الحديث؛ [المصباح المتهجد، ص 713؛ موسوعة احادیث اهل

البيت، ج 2، ص 80]

علقمه از امام محمد باقر (علیه السلام) (در خصوص زیارت حضرت سید الشهداء در روز عاشورا از راه نزدیک و دور) چنین نقل کرد که حضرت فرمودند: برای امام حسین (علیه السلام) ندبه و گریه کند و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و به اقامه ی جزع و فزع بر آن حضرت (علیه السلام) پردازند، و بعضی، بعض دیگر را تعزیت و تسلیت گویند. در این صورت من در پیشگاه الهی ضامن کسانی هستم که آن گونه عمل کنند و ثواب دو هزار حج،

.

دو هزار عمره و دو هزار غزوه به آنها اعطا شود.

علقمه می گوید، عرض کردم: چگونه یکدیگر را تعزیت گوییم؟ حضرت فرمود، بگویند: عَظَّمَ اللهُ أَجُورَنَا بِمَصَابِنَا الْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ وَالْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)؛

و اگر قدرت و توانایی این را داشتی که آن روز (عاشورا) را به دنبال نیازمندی هایت نروی، البته نرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت برآورده شود برای شخص حاجتمند مبارک نبوده و وی خیر نخواهد دید، و توجه داشته باش در آن روز در منزلت آذوقه ای را ذخیره نکنی چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند، برایش مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت. بنابراین کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام داده باشد برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء، رسل، صدیقین و شهدایی که فوت کرده یا کشته شده اند رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او عطا می فرماید.

گریه بر سیدالشهدا (علیه السلام) فریضه‌ی الهی

میرزای تبریزی (قدس سره) معتقد به گریه بر امام حسین (علیه السلام) حجت الاسلام، سید محمد موسوی می گوید: در حرم مطهر ثامن الحجج، امام رضا (علیه السلام) خدمت خطیب شهیر، حجت الاسلام والمسلمین، شیخ عبدالحسین خراسانی (رحمه الله) رسیدم. به مناسبت، ذکری از مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به میان آمد. ایشان ضمن آه کشیدن و ذکر بعضی از مناقب میرزا جواد تبریزی (قدس سره) گفتند: خدایش بیامرزد و به ایشان علو درجه دهد! ایشان فانی در ولای اهل بیت (علیهم السلام) بود و در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) به شدت اشک می ریخت و ابراز ارادت می کرد و گریه بر امام حسین (علیه السلام) را واجب می دانست، که این خود دال بر ولای سرشار و علاقه‌ی فراوان آن مرجع راحل به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) است. ایشان در مجالس اهل بیت، به خصوص سالار شهیدان و صدیقه‌ی شهیده (علیها السلام) مانند باران اشک می ریخت و به منبری‌ها سفارش می کردند که زیاد روضه بخوانید. ایشان (قدس سره) می فرمود: «بهترین لحظه‌ی حیات من همان زیارت عتبات مقدسه و حضور در مجلس روضه می باشد.» و وقتی این واقعه برای فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) نقل شد، ایشان اضافه کرد: «اگر کسی در روضه‌ی اهل

شعائر حسینی.....299

بیت(علیهم السلام)، به خصوص سالار شهیدان(علیه السلام) حالت گریه به خود نمی گرفت، مرحوم میرزا(قدس سره) سخت ناراحت می شدند و تذکر می دادند و یا به من اشاره می کردند، به فلانی بگو این طور در مجلس روضه ننشیند، لا اقل جلوی صورت خود را به حالت گریه بگیرد. ایشان در روضه واقعاً از خود بیخود می شدند و مانند باران اشک می ریختند و می گفتند: به منبری ها بگویید روضه زیاد بخوانند».

شعائر حسينی	300
-------------------	-----

اگر کسی با معرفت اشک بریزد از بهشتیان است

میرزای تبریزی (قدس سره) و گریه بر مظلومیت سیدالشهدا (علیه السلام) هنگامی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در مجلس روضه حاضر می شدند، سخت بی تاب می کردند و مانند باران اشک می ریختند و حاضرین را عجیب تحت تأثیر قرار می دادند. روزی فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) خطاب به والد (قدس سره) خود گفتند: «آقا! چرا در روضه این قدر بی تاب می کنی، با وضعیتی که دارید، (چهار سال آخر عمر مرحوم میرزا (قدس سره) که به بیماری گذشت) به شما فشار می آید!» مرحوم میرزا (قدس سره) فرمودند: «فرزندم! گریه من، ان شاء الله اگر مورد قبول واقع شود، عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) است. من از این گریه دو چیز را دنبال می کنم: یکی به خاطر قبر و قیامت، که ثواب این اشک ها برای روزی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» است، گریه در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) حلال مشکلات است و علاوه بر تأثیر دنیوی، ذخیره ای برای آخرت می باشد. اگر کسی با معرفت به عظمت مصائب اهل بیت (علیهم السلام) اشک بریزد از بهشتیان است.

مورد دوم اینکه: می خواهم به مؤمنین، به خصوص طلاب جوانی که در آینده، هدایت مردم در دست آنهاست، طریقه‌ی ابراز ارادت و

محبت به اهل بیت (علیهم السلام) و برگزاری مجالس عزاداری برای آنان را آموزش دهم تا بفهمند که در مقابل مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) باید ابراز احساسات کرده و نباید خود را در مقابل مقام والای آنان چیزی حساب کنند؛ بلکه باید بر سر و سینه زده و گریه کنند. گریه، علاوه بر اینکه در مقابل مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) ادای وظیفه است، ذخیره ای نیز بسیار گرانبها برای قبر و قیامت می باشد؛ زیرا چشمی که بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) گریه کند، در آخرت گریان محشور نخواهد شد. ما تا در دنیا فرصت داریم باید برای آخرت توشه ای ذخیره کنیم و از جمله ی بهترین ذخیره ها، اشک ریختن در مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) می باشد و امید است که به برکت این اشک ها خداوند رحیمی نموده و از سر تقصیراتمان بگذرد و توفیق دهد آن باشیم که او دوست دارد.»

دستمالی که با آن اشک بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)

را پاک کردم، در کفنم قرار دهید

مرحوم میرزا (قدس سره) و دستمال اشک هایشان

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، به شرکت در مراسم روضه خوانی اهل بیت (علیهم السلام) عشق می‌ورزید، و حضور چشمگیری در مجالس روضه داشتند و دو دستمال مخصوص روضه خوانی همیشه همراه خود داشتند که هنگام ذکر مصیبت، اشک هایشان را با آن دستمال‌ها از رخساره‌ی نورانی خویش می‌زدودند و بعد از تمام شدن مراسم، آن دستمال‌ها را در جای مخصوصی قرار می‌دادند و به شدت از آنها مراقبت می‌نمودند. این فقیه محب اهل بیت (علیهم السلام)، بارها به فرزندان خود سفارش می‌کرد که وقتی من از دنیا رفتم، این دستمال‌ها را در کفنم قرار دهید. بعد از ارتحال ملکوتی ایشان، فرزندان آن عالم فرزانه هرچه آن دستمال‌ها را جستجو کردند، آنها را نیافتند، با غم و اندوه از عدم یافتن دستمال‌ها و عمل به آخرین وصیت پدر، لاجرم شروع به تکفین نمودند، همین که کفن را باز کردند، با کمال تعجب آن دو دستمال را میان کفن مشاهده کردند، از اینجا معلوم شد که مرحوم میرزا (قدس سره) قبل از رفتن به بیمارستان (که آخرین بستری ایشان بود و در همان بیمارستان از دنیا رفتند)

دستمال ها را در کفن خود قرار داده اند که مبدا در آن لحظات سخت، گم یا فراموش شود. یکی از دستمال ها را در دست راست مرحوم میرزا(قدس سره) و دیگری را بر سینه ی مبارکشان قرار دادند و دستمالی که مرحوم میرزا(قدس سره) سال ها اشک هایشان را با آن پاک می کردند، و مکرراً می گفتند: اگر چیزی داشته باشم که در آخرت به درد من بخورد، همین دو دستمال است که سال ها به عشق اهل بیت(علیهم السلام) اشک ریخته ام، همراه ایشان به خاک سپرده شد تا به گفته ی مرحوم میرزا(قدس سره)، این دستمال ها شاهد و فریادرسی در قبر و قیامت باشد؛ زیرا که ایشان سال های متمادی با این دستمال چشمان پر اشک خود در مصائب اهل بیت(علیهم السلام) را پاک می کردند و معتقد بودند که این دستمال ها دادرس ایشان خواهند بود و بدین وسیله این پیام را به همگان دادند که باید در دنیا تا می توان بر مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) ابراز احساسات کرد، تا این عرض ارادت ها فریادرسی باشد در قبر و قیامت.

مصائب اهل بیت (علیهم السلام) از آنچه ثبت شده عظیم تر است

عرض ارادت میرزای تبریزی (قدس سره) به سید الشهداء (علیه السلام)

یکی از سؤال هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) پرسیده می شد و به صورت شبهه درآمده بود در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصائب اهل بیت (علیهم السلام) نقل می کنند و به اصطلاح با طرح آن مقاطع، گریه از مردم می گیرند. مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که اشک می ریختند در جواب می فرمودند: مصائب اهل بیت (علیهم السلام) از آنچه که ثبت شده عظیم تر است، به خصوص مصیبت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام). اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه شد و مردم را به واقعه‌ی کربلا نزدیک کرد مانعی ندارد و در همان جا اشاره به مصدر کند و بگوید: در فلان کتاب دیدم، همین مقدار کافی است. خطبا گاهی در مصائب نقل حال می کنند و این امر مردم را منقلب می کند، طبیعی است وقتی علی اکبر (علیه السلام) به میدان می رود، وصف حالی با سیدالشهدا (علیه السلام) وجود دارد و همچنین وقتی علی اصغر (علیه السلام) بر دستان سیدالشهدا ذبح می شود عرض حال دارد و خروج سیدالشهدا (علیه السلام) به میدان و وداع آخر و ملاقات با زینب (علیها

306.....شعائر حسینی

السلام) در آخرین لحظات خود مناظر بسیار دردناکی است که خطیب
آن را به شکل گفتگو به عنوان مصیبت می خواند.

بهترین ذخیره‌ی قبر و قیامت

مرحوم میرزا (قدس سره) و دستمال در مجالس روضه اهل بیت (علیهم السلام) فقیه مقدّس، میرزا/ جواد تبریزی (قدس سره) مقید بودند که دستمال سیاهی را که مخصوص گریه بر اهل بیت (علیهم السلام) بود، در روضه‌ها با خود حمل کنند و به ندرت این کار را فراموش می‌کردند. گاهی اتفاق می‌افتاد که مرحوم میرزا/ (قدس سره) بدون برنامه ریزی قبلی در مجلس روضه شرکت می‌کردند و به همین سبب دستمال همراهشان نبود، ولیکن ایشان در مجالسی که خبر داشتند روضه برگزار خواهد شد، دو دستمال حمل می‌کردند: یکی سیاه که مخصوص گریه بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) بود و اشک‌های خود را با آن پارچه‌ی مخصوص سیاه پاک می‌کردند و دیگری دستمال سفیدی بود که مخصوص پاک کردن بینی و دهان مبارکشان بود. ایشان مقید بودند که اشک خود را با آن دستمال سیاه پاک کنند و همیشه می‌فرمودند: «من این دستمال‌ها را برای قبرم می‌خواهم و وصیت کرده‌ام که دستمال‌ها را در قبر من جای دهند تا امانی باشد برای قبر و قیامت». خدا را شکر، فرزندان مرحوم میرزا/ (قدس سره) موفق شدند که دو دستمال سیاه را یکی در دست مبارک و دیگری را بر روی سینه‌ی ایشان جای

دهند و مرحوم میرزا/قدس سره) با این کار خود، به دیگران درس دادند که با تمسک بر این روش، خود را از عذاب قبر در امان دارند و گریه های خود را با دستمالی خاص خشک کنند که فریاد رسی باشد در قبر و قیامت و راه گشایی باشد در محشر، هنیئاً له عاش سعیداً و مات سعیداً.

مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)

انحراف چشم مرحوم میرزا (قدس سره) به دلیل گریه‌ی فراوان

فقیه مقدس، میرزا/ جواد تبریزی (قدس سره) در ایام سوگواری اهل بیت (علیهم السلام) به شدت اشک می ریختند، به طوری که چشم مبارک ایشان ساعت ها قرمز بود و آثار گریه بر آن نمایان بود. ایشان (قدس سره) در ایام شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) (ایام فاطمیّه سال 1427 هـ. ق) سخت بی تاب می شدند و به شدت گریه می کردند و چون ایشان کسالت داشتند، اطرافیان برای حال ایشان بسیار نگران بودند و می گفتند: «آقا! کمتر بی تابی کنید؛ برای حالتان خوب نیست!» ولیکن ایشان می فرمود: «نمی توانم! مصائب حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) به قدری جانسوز است که انسان نمی تواند خود را کنترل کند.» مرحوم میرزا/ (قدس سره) آن قدر بی تابی می کرد که سرانجام چشم چپ ایشان از شدت فشار منحرف شد و اطرافیان، به خصوص اعضای شورای استفتاء به وضوح مشاهده می کردند که مرحوم میرزا/ (قدس سره) اختیار یکی از چشمان خود را از دست داده است. برای علاج چشم مرحوم میرزا/ (قدس سره) به پزشکان مختلف مراجعه شد و بعد از بررسی و معاینه، نظر اطباء این بود که چشم هیچ عیبی ندارد، ولیکن به آن فشار آمده و زیاد خسته شده است؛ از جمله

دکتر تالشان که ایشان بعد از معاینه و بررسی کامل چشم مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: چشم سالم است؛ اما بسیار خسته شده و به آن فشار آمده است. ولیکن نگران نباشید، بگویید، آقا کمی استراحت کنند و از چشم خود کار نکشند.

بعضی از پزشک ها سؤال می کردند: مگر آقا چه کار می کند که آن قدر به چشم هایشان فشار آمده است! وقتی قضیه ی بی تابى در ایام شهادت ائمه (علیهم السلام) به خصوص سیدالشهدا (علیه السلام)، خاندان اهل بیت (علیهم السلام) و حضرت فاطمه ی زهرا (علیها السلام) را دلیل خستگی چشم آقا بیان می کردیم، تحت تأثیر قرار می گرفتند که از چهره ی آنها می شد فهمید و می گفتند: این پیر ولاء چقدر نسبت به این خاندان مخلص است. مرحوم میرزا (قدس سره) هنگامی که شروع به گریه می کردند، بسیار اشک می ریختند. بارها مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمودند: نمی دانید بر خاندان اهل بیت (علیهم السلام)، حضرت فاطمه ی زهرا (علیها السلام) و سیدالشهدا (علیه السلام) چه گذشت. مگر خاندان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مرتکب چه گناهی شده بودند که باید این همه مصائب را تحمل کنند، سپس شروع به گریه می کردند و می فرمودند: بعد از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حضرت فاطمه ی زهرا (علیها السلام) چه مصائبی را تحمل کرد، ولیکن ضمن دفاع از حریم

شعائر حسینی.....311

ولایت، مانند همسر خود صبر کرد تا زحمات رسول خدا(صلی الله علیه و آله)از بین نرود و در کنار مولا علی بن ابی طالب(علیه السلام)چه مصائبی را تحمل نمود؛ سرانجام غاصبان حرمت او را نگاه نداشتند و به درب خانه‌ی وی هجوم برده و آن را سوزاندند. حضرت بین در و دیوار قرار گرفت و آن چنان ضربه‌ای به جسم مقدسشان وارد شد که بر اثر آن به شهادت رسیدند.

کربلای معلی برترین سرزمین

مرحوم میرزا (قدس سره) و علاقه به زیارت کربلا

بعد از سقوط طاغوت عراق و باز شدن راه کربلا، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) آرزو داشتند که به جهت زیارت مرقد مطهر اهل بیت (علیهم السلام) به عراق سفر کنند. و حتی گذرنامه‌ی خود را جهت سفر به عتبات آماده کردند و لحظه شماری می کردند که اوضاع کمی آرام تر شود تا عازم گردند. هر روز از وضعیت موجود سؤال می کردند و همواره در حسرت زیارت کربلا می سوختند و به یاد زیارت عتبات اشک می ریختند و می پرسیدند: اوضاع چگونه است، آیا توفیق برای ما حاصل می شود؟ بعضی از مقلدین وقتی از موضوع خبردار شدند پیشنهاد سفر عمره دادند و مبالغی را جهت سفر مرحوم میرزا (قدس سره) به عمره فرستادند؛ ولیکن مرحوم میرزا (قدس سره) قبول نکرده و فرمود: «من تا کربلا را زیارت نکنم جای دیگر نمی روم. زیارت کربلا افضل اعمال است. وقتی مردم ببینند من سفر عمره رفته ام، فکر می کنند که عمره افضل از سفر به کربلا است. من وظیفه دارم اگر موفق شدم اول به کربلا بروم تا اگر دیگران از سفر من مطلع شدند، بدانند که سفر کربلا افضل است.» از این رو علی رغم اصرار شدید مقلدین برای سفر به عمره، ایشان تا آخر عمر قبول نکردند و

شعائر حسینی..... 313.

می فرمودند: تا کربلا نروم سفر عمره را قبول نمی کنم و تا اسم کربلا بر زبان کسی جاری می شد اشک می ریختند و اگر شخصی می گفت: می خواهم به کربلا سفر نمایم، اشک می ریختند و می گفتند: «خوشا به حالت که موفق می شوی افضل اعمال را انجام دهی!» سرانجام به دلیل عدم امنیت، سفر مرحوم میرزا(قدس سره) به کربلا صورت نگرفت. هرچند که ایشان در دنیا در حسرت زیارت کربلا سوخت اما عاقبت آن چنان مقرب درگاه ایزد منان گردید که یقیناً روح پاکش آزادانه به زیارت مشغول است.

1. عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: سألته عن زيارة قبر الحسين(عليه السلام)، قال: إنه أفضل ما يكون من الأعمال؛ [كامل الزيارات، ص 276، ح 431 و 432؛ جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص 354] ابی خدیجه از امام صادق(عليه السلام)، روایت کرده و گفته: از آن حضرت راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی(علیهما السلام) پرسیدم، حضرت فرمودند: زیارت آن جناب، افضل اعمال می باشد.

عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: من أحبَّ الأعمال إلى الله تعالى زيارة قبر الحسين(عليه السلام)، وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن، وأقرب ما يكون العبد إلى الله تعالى هو ساجد باك؛ [كامل الزيارات، ص 277، ح 434؛ موسوعة احاديث اهل بيت، ج 4، ص 410]

314.....شعائر حسینی

حضرت ابی عبدالله(علیه السلام) فرمودند: محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی زیارت قبر حضرت حسین(علیه السلام) بوده و برترین اعمال نزد او، ادخال سرور و شادی بر مؤمن است و نزدیک ترین بنده به خدای تعالی، بنده ای است که در حال سجود به درگاه الهی گریان باشد.

زیارت کربلا یا حج و عمره

میرزای تبریزی (قدس سره) و زیارت کربلا

یکی از مواردی که بعد از سقوط دیکتاتور عراق در ایام حج از فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) سؤال می شد، مسئله‌ی سفر به حج یا عمره یا به کربلای معلی بود. ایشان می فرمودند: قبلاً که راه باز بود، اصلاً سفر به عمره رسم نبود، مردم به سوی کربلا حرکت می کردند و سفر حج بر هر شخص با تمکن، یک بار واجب می شود اما سفر به کربلا افضل اعمال است و ثواب چندین حج و عمره را برای زائر کربلا در نظر می گیرند و خداوند متعال به زائر امام حسین (علیه السلام) نظر خاصی دارد و اجر و پاداشی متفاوت در میزان اعمال او ثبت می کند. سفر به کربلا و زیارت سالار شهیدان (علیه السلام) علاوه بر اینکه به انسان آرامش خاص و صفای باطن می دهد، نوعی حفظ شعائر الهی نیز هست که موجب زنده ماندن دین می شود و انسان تا حسرت نخورده، هر وقت برایش تمکن حاصل شد به کربلا برود که ان شاء الله در آخرت جزء زائرین آن حضرت باشد، در هر صورت سفر به کربلا و زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) بر رفتن به حج و عمره مقدم است. لازم به تذکر است عده ای از مقلدین مرحوم میرزا (قدس سره) در خارج کشور پیشنهاد کردند که ایشان جهت مناسک

عمره مفرده به مکه سفر کند اما ایشان قبول نکردند و گفتند: «تا کربلا نروم جای دیگر نمی روم. اگر عمره بروم مردم خیال می کنند عمره مقدم بر کربلا است از این رو من به عمره سفر نمی کنم»^۱.

1. عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) (في حديث) قال: ومن زار قبر الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه كتب الله له ثواب ألف حجة مقبولة، وغفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر؛ [وسائل الشيعة، ج 14، ص 445؛ امالي طوسي، ص 215] امام صادق (عليه السلام) فرمود: و هرکس که زیارت کند قبر حضرت امام حسین (عليه السلام) را در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، خداوند متعال می نویسد برای او ثواب هزار حج مقبوله، و گناهان گذشته و آینده ی او را می بخشد.

عن قدامة بن مالك، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: من أراد زيارة قبر الحسين (عليه السلام) لا أشراً ولا بطراً ولا رياءً ولا سمعةً محصت ذنوبه كما يحص الثوب في الماء، فلا يبقى عليه دنس، ويكتب الله له بكل خطوة حجة، وكل ما رفع قدماً عمرة؛ [تهذيب الاحكام، ج 6، ص 44؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 446]

امام صادق (عليه السلام) فرمود: هرکس که اراده کند زیارت قبر امام حسین (عليه السلام) را، نه از روی تکبر و نخوت و نه ریا و نه سمعه، گناهانش پاک می گردد همان گونه که لباس و جامه در آب پاک می گردد؛ پس باقی نمی ماند بر او آلودگی و ناپاکی و خداوند

شعائر حسینی.....317

متعال می نویسد برای او به تعداد تمام قدم های برداشته شده، ثواب یک حج و هر قدمی که برداشته ثواب عمره برای او می نویسد.

عن علی بن معمر، عن بعض أصحابنا قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): إن فلاناً أخبرني أنه قال لك: إنني حججت تسع عشرة حجة وتسع عشرة عمرة، فقلت له: حج حجة أخرى، واعتمر عمرة أخرى يكتب لك زيارة قبر الحسين (عليه السلام)، فقال: أيما أحب إليك أن تحج عشرين حجة أو تعتمر عشرين عمرة أو تحشر مع الحسين (عليه السلام)؟ فقلت: لا، بل أحشر مع الحسين (عليه السلام) قال: فزر أبا عبدالله (عليه السلام)؛

.

[تهذيب الاحكام، ج 6، ص 48؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 447؛ بحارالانوار، ج 98، ص 37
[علی بن معمر از بعضی از اصحاب ما روایت می کند که گفت، به امام صادق (علیه السلام)
عرض کردم: فلانی به من گفت که به شما بگویم من نوزده حج به جا آوردم و نوزده عمره!
حضرت به من فرمود که به آن شخص بگویم: حج کن دیگری، به جا بیاورد عمره ی
دیگری [تازه] نوشته می شود برای تو [ثواب] زیارت قبر حسین (علیه السلام). پس امام
فرمود: کدام یک محبوب تر است به سوی تو، اینکه بیست حج و بیست عمره به جا بیاوری
یا محشور شوی با حسین (علیه السلام)؟ عرض کردم: نه! بلکه [دوست دارم که] محشور
شوم با حسین (علیه السلام). امام فرمود: پس زیارت کن ابا عبدالله الحسین (علیه السلام).

عن الحسين بن أبي غندر، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: كان الحسين (عليه السلام) ذات يوم في حجر النبي (صلى الله عليه وآله) وهو يلاعبه ويضاحكه، فقالت عائشة: يا رسول الله ما أشدَّ إعجابك بهذا الصبي! فقال لها: ويلك

318.....شعائر حسینی

كيف لا أحبه ولا أعجب به وهو ثمرة فؤادی وقرّة عینی، أما إنّ أمتی ستقتله، فمن زاره بعد وفاته كتب الله له حجة من حجّی، قالت: یا رسول الله حجة من حجّجک؟ قال: نعم وحجتین، قالت: حجّتین؟ قال: نعم واربعاً، فلم تزل تزاده وهو یزید حتی بلغ سبعین حجة من حجج رسول الله (صلی الله علیه وآله) بأعمارها؛ [جامع احادیث الشیعة، ج

12، ص 396؛ مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 272]

امام صادق(علیه السلام) فرمود: امام حسین(علیه السلام) روزی در کنار رسول خدا(صلی الله علیه وآله) بود و نبی مکرم اسلام با ایشان که طفل بود بازی می کرد و او را می خنداند، پس عایشه گفت: ای رسول خدا(صلی الله علیه وآله)! چیست شدت اعجاب و علاقه ی تو به این کودک؟ پس رسول خدا به عایشه فرمود: وای بر تو! چگونه او را دوست نداشته باشم و به وسیله ی او به شگفتی در نیایم در حالی که او میوه ی قلبم است و نور چشم من .

.....

آگاه باش به اینکه امتم او را به قتل می رسانند، پس هر کس که بعد از وفاتش او را زیارت کند خداوند می نویسد برای او [ثواب] حجی از حج های مرا. عایشه گفت: ای رسول خدا! حجی از حج های شما؟ رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمود: بله! و دو حج. عایشه پرسید: دو حج؟ رسول خدا فرمود: بلی! و سه حج، پس همین طور زیاد فرمودند، تا رسید به هفتاد حج از حج های رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در طول عمرش.

عن ابن عباس عن النبی (صلی الله علیه وآله) أنه أخبره بقتل الحسین «إلی أن قال:» من زاره عارفاً بحقه كتب الله له ثواب ألف حجة وألف عمرة، ألا ومن زاره فقد زارنی،

شعائر حسینی.....319

ومن زارنی فکأنما زار الله، وحقّ علی الله أن لا یعذبّه بالنار، ألا وإنّ الإجابة تحت قبّته، والشفاء فی تربته، والأئمة من ولده، الحدیث؛ [وسائل الشیعة، ج 10، ص 352] ابن عباس گفت: پیامبر(صلی الله علیه وآله) خبر داد مرا به قتل حسین تا آنجا که فرمود: هرکس حسین(علیه السلام) را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد، خداوند متعال برای چنین شخصی ثواب هزار حج و هزار عمره را می نویسد. و آگاه باشید کسی که او را زیارت کند، پس قطعاً مرا [نیز] زیارت کرده و هر کس که مرا زیارت کند پس مثل این است که خداوند را زیارت کرده و بر خداوند حق است که [زائر] او را به آتش عذاب نکند. آگاه باشید به اینکه در زیر قبه ی حسین(علیه السلام) اجابت [دعا] هست و در تربتش شفا و درمان، و امامان از فرزندان اویند.

زیارت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام)

خود در عشق زیارت می سوزم، چگونه مانع دیگران شوم

مسئله‌ی بسیار مهمی که در طول حیات فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) واقع شد، اصرار مکرر به معظم له در خصوص عدم دخالت در مراسم عزاداری و اظهار نظر صریح در خصوص بعضی قضایای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بود. ایشان تا آخر عمرشان حاضر نشدند در بعضی از قضایا که احتمال داشت از آنها، جهت تضعیف شعائر استفاده شود دخالت کنند و بارها و بارها می فرمودند: «من در دستگاه امام حسین (علیه السلام) دخالت نمی کنم. خوشا به حال آنان که مورد عنایت حضرت امام حسین (علیه السلام) قرار می گیرند، که آخرتشان تضمین است.» و حتی در پاسخ به کسانی که اصرار می کردند که هم اکنون که در عراق کشتار است، چرا فتوا نمی دهید مردم به زیارت نروند، و از جان خود مواظبت کنند، مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمود: «من کسی نیستم که نظر دهم. با توجه به اینکه من خود را خادم سالار شهیدان (علیه السلام) می دانم و در عشق زیارت حضرت (علیه السلام) می سوزم، چگونه مانع مردم شوم از نائل شدن به فیض اعظم، ولو جان انسان در این راه از دست برود. هرکس در راه زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) از دنیا برود شهید است و در آخرت از

شعائر حسینی.....321

اجر بالایی برخوردار خواهد بود؛ زیرا که او در راه زیارت
سیدالشهدا(علیه السلام) از دنیا رفته، همان راهی که طی کردن آن افضل
اعمال می باشد».

سفر به سرزمین کرب و بلا

من در قضایای سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام)

دخالت نمی کنم

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در حفظ شعائر سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام) سخت تلاش می کردند و همواره مقابل شبهات ایستادگی کرده و با افراد شبهه افکن با صراحت و شجاعت مقابله می نمودند. بعد از سقوط حکومت عراق و کشتار شیعیان مظلوم آن دیار توسط «وهابیون»، همواره از مرحوم میرزا (قدس سره) در خصوص سفر به کربلا و بعضی عزاداری ها سؤال می شد (آنان که این سؤال ها را می کردند، انتظار داشتند مرحوم میرزا (قدس سره) سفر به کربلا با آن وضعیت موجود و انجام بعضی مراسم را تحریم کنند). مرحوم میرزا (قدس سره) با کمال اخلاص و فروتنی در جواب سؤال کنندگان می فرمود: «من در دستگاه سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام)، مداخله نمی کنم، دخالت در این امور جرئت می خواهد که من آن جرئت را ندارم. هر گفتاری، فردا در نزد پروردگار جواب می خواهد و من توان جوابگویی را ندارم. من خود عاشق حسینم و حاضریم همه ی هستی خود را در راه او فدا کنم و معتقدم، دشمنان هر کاری بکنند، باز هم مردم در جهت زیارت و ارادت به سالار شهیدان (علیه السلام) کوتاهی

شعائر حسینی.....323.

نخواهند کرد؛ بلکه شوق و علاقه‌ی آنان بیش از پیش خواهد شد. هرکس می‌تواند در این مسائل تکلیف خودش را تشخیص دهد، چه اشکال دارد انسان در راه زیارت سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام)، جان خود را فدا کند! چه اشکال دارد انسان با ترس، هراس و خوف به زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) برود مگر ما از خاندان اهل بیت (علیهم السلام) برتریم؟! آنان در راه خدا از همه‌ی هستی خود گذشتند. خداوند این جوانان مخلص را حفظ کند که این گونه با اخلاص، ارادت خود به اهل بیت (علیهم السلام) را نشان می‌دهند. من برای همه‌ی آن عزیزانی که در راه احیای شعائر حسینی تلاش می‌کنند، دعا می‌کنم.¹

1. عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر (عليه السلام): ما تقول فيمن زار أباك على خوف؟ قال: يؤمنه الله يوم الفزع الأكبر، وتلقاه الملائكة بالبشارة، ويقال له: لا تخف ولا تحزن هذا يومك الذي فيه فوزك؛ [كامل الزيارات، ص 242، ح 359؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص

[456]

زراره گفت، محضر مبارک حضرت باقر (علیه السلام) عرضه داشتم: چه می‌فرمایید درباره‌ی کسی که با خوف و هراس، پدر شما را زیارت کند؟

324.....شعائر حسینی

حضرت فرمودند: در روزی که فزع اکبر است، حق تعالی او را امان دهد و فرشتگان به وی بشارت داده و به او می گویند: مترس و محزون مباش! امروز روزی است که تو در آن رستگار می شوی.

عن أبي بكير، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: قلت له: إنني أنزل الأرجان وقلبي ينازعني إلى قبر أبيك، فإذا خرجت فقلبي وجل مشفق حتى أرجع خوفاً من السلطان والسُّعاة وأصحاب المسالح، فقال: يا ابن بكير أما تحب أن يراك الله

.

فينا خائفاً؟ أما تعلم أنه من خاف لخوفنا أظله الله في ظلّ عرشه، وكان محدثه الحسين(عليه السلام) تحت العرش، وآمنه الله من أفزاع يوم القيامة، يفزع الناس ولا يفزع، فإن فزع وقرته الملائكة وسكنت قلبه بالبشارة؛ [بحارالانوار، ج 98، ص 11؛ جامع

احاديث الشيعة، ج 12، ص 434]

پسر بکیر گفت، محضر مبارک امام(علیه السلام) عرضه داشتیم: من به شهر ارجان وارد شده و در آنجا نازل شدم اما قلب و دلم آرزوی زیارت قبر مطهر پدر بزرگوارتان را داشت، از این رو از شهر به قصد زیارت آن جناب خارج شدم، اما دلم ترسان و لرزان بود و از خوف و ترس سلطان، ساعیان و عمال وی و مرزبانان تا زمان مراجعت در وحشت و دهشت بودم.

حضرت فرمودند: ای پسر بکیر! آیا دوست نداری که خداوند تو را از کسانی که در راه ما ترسان و خائف می باشند، محسوب فرماید؟

آیا می دانی کسی که به خاطر خوف ما خائف باشد، حق تعالی او را در سایه‌ی عرش مکان دهد و هم صحبتش حضرت امام حسین(علیه السلام) در زیر عرش می باشد و حق تعالی او

شعائر حسینی..... 325.

را از فزع های روز قیامت در امان می دارد؛ مردم به فزع و جزع آمده اما او فزع نمی کند، پس اگر فزع کند فرشتگان آرامش کرده و به واسطه ی بشارت دادن قلبش را ساکت و ساکن می نمایند.

عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال: يا معاوية لا تدع زيارة قبر الحسين (عليه السلام) لخوف، فإنَّ من تركه رأى من الحسرة ما يتمنى أن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك وسوادك فيمن يدعو له رسول الله (صلى الله عليه وآله) وعليه فاطمة والأئمة (عليهم السلام)؟ أما تحب أن تكون ممن ينقلب بالمغفرة لما مضى و يغفر له ذنوب سبعين سنة؟ أما تحب أن تكون ممن يخرج من الدنيا وليس عليه ذنب يتبع به؟ أما تحب أن تكون غداً ممن يصافحه رسول

.....

الله (صلى الله عليه وآله)؟! [كامل الزيارات، ص 230]

معاوية بن وهب گفت، حضرت امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ای معاویه! به خاطر خوف و هراس، زیارت قبر امام حسین (عليه السلام) را ترک مکن؛ زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند چنان حسرتی ببیند که تمنا و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمره ی کسانی محسوب کند که رسولش (صلى الله عليه وآله) و حضرات علی، فاطمه و ائمه (عليهم السلام) برایش دعا می کنند؟ آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد برایت طلب غفران کنند؟

326.....شعائر حسینی

آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند در حالی که گناه قابل مؤاخذه ندارند؟

آیا دوست نداری فردای قیامت از کسانی باشی که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با آنها مصافحه می کنند؟

عن یونس بن ظبیان، عن أبی عبدالله(علیه السلام) قال: قلت له: جعلت فداک زیارة قبر الحسین(علیه السلام) فی حال التَّقیّة؟ قال: إذا أتیت الفرات فاغتسل ثمّ ألبس أثوابک الطّاهرة ثمّ تمرّ بإزاء القبر وقل: صلّی الله علیک أبا عبدالله، صلّی الله علیک یا أبا عبدالله، صلّی الله علیک یا أبا عبدالله، فقد تمّت زیارتک؛ [کامل الزیارات، ص 244، ح 362؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 457]

یونس بن ظبیان می گوید، محضر مبارک حضرت ابی عبدالله(علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! زیارت قبر امام حسین(علیه السلام) در حال تقیه چگونه است؟ حضرت فرمودند: وقتی به فرات رسیدی، غسل کن و لباس های پاک و طاهر خود را بپوش، سپس عبور کن تا مقابل قبر برسی و بگو:

.

صلّی الله علیک یا أبا عبدالله؛ صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله!

صلّی الله علیک یا أبا عبدالله؛ صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله!

صلّی الله علیک یا أبا عبدالله؛ صلوات و رحمت خدا بر شما ای ابا عبدالله!

پس زیارتت صحیح و تمام می باشد.

شعائر حسینی.....327

عن محمد بن مسلم - فی حدیث طویل - قال: قال لی أبو جعفر محمد بن علی (علیهما السلام): هل تأتي قبر الحسين (عليه السلام)؟ قلت: نعم علی خوف و وجل، فقال: ما كان من هذا أشدّ، فالتّواب فيه علی قدر الخوف، و من خاف فی إتيانه أمن الله روعته يوم القيامة يوم يقوم النّاس لربّ العالمين، وانصرف بالمغفرة، وسلّمت علیہ الملائكة وزاره النّبی (صلی الله علیہ وآله) ودعا له وانقلب بنعمة من الله وفضل لم یمسسه سوءٌ واتّبع رضوان الله - ثمّ ذکر الحدیث -؛ [جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 442؛ موسوعة احادیث اهل البيت، ج 4، ص 405] محمد بن مسلم در ضمن حدیث طولانی گفت، حضرت باقر (علیه السلام) به من فرمودند: آیا به زیارت قبر حسین (علیه السلام) می روی؟

عرض کردم: بلی! اما با خوف و هراس.

فرمودند: هر قدر در زیارت خوف بیشتر باشد، به همان مقدار ثواب نصیب خواهد شد و کسی که در زیارتش خائف و بیمناک باشد، در روزی که مردم برای حساب پروردگار عالمیان به پا می خیزند، حق تعالی او را در امان قرار داده و خوف و وحشت او را برطرف می کند و با آمرزش گناهان برگشته و فرشتگان بر او سلام نموده و نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) به زیارتش آمده و برای او دعا می فرمایند و به واسطه ی نعمت الهی حالش دگرگون شده و فضلی که هیچ مکروه و بدی با آن همراه نیست شامل اش شده و به دنبال آن رضوان خدا نصیبش می گردد.

برترین عمل، سفر به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)

کسی در قضایای مرتبط با امام حسین (علیه السلام) مؤاخذه نمی شود یکی از تجار اخیار می گوید: خدا این توفیق را نصیب من کرد که بتوانم بانی شوم و تعداد چهل نفر از زائرین عتبات مقدسه را راهی کشور عراق کنم؛ همزمان با مهیا شدن، درگیری در عراق شدید شد به طوری که ترسیدم برای زائرین اتفاقی رخ دهد. خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم و از ایشان سؤال کردم: «با تعدادی زائر عاشق می خواهیم به عراق مشرف شویم ولیکن خوف داریم؟» مرحوم میرزا (قدس سره) گفتند: «اگر واقعاً خوف دارید سفر را به تأخیر بیندازید.» با توجه به اینکه همه ی زائرین مهیا بودند، سخت بود آن سفر را به تأخیر بیندازم، از این رو به مرحوم میرزا (قدس سره) گفتم: «آقا! اگر آنها را به زیارت بردم و خدای ناکرده برای آنان اتفاقی افتاد فردای قیامت مؤاخذه خواهیم شد؟» ناگهان دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) آهی کشیدند، که نشان از عشق سرشار ایشان به زیارت کربلا بود و گفتند: «کسی به خاطر امام حسین (علیه السلام) مؤاخذه نمی شود! (یعنی اگرچه شخصی خوف داشته باشد و زیارت سیدالشهدا برود، ثواب زیارت را کسب خواهد کرد).» این کلام در دل من جای گرفت و قوت قلبی برای سفر به سوی عتبات مقدسه شد. میرزا (قدس سره) آن قدر با

شعائر حسینی..... 329.

اخلاص و قاطعیت این کلام را بیان کرد که هرگاه یاد آن می افتم، بی اختیار اشک، چشمانم را فرا می گیرد. این کلام چنان قوتی در وجودم ایجاد کرد که علی رغم آن درگیری ها به زیارت عتبات مقدسه مشرف شدیم و دائم در ذهنم مرور می کردم که کسی به خاطر امام حسین (علیه السلام) فردای قیامت مؤاخذه نمی شود. روحش شاد باد که در هر کلامش دنیایی از معنا نهفته بود.¹

1. عن أبان قال: سمعته يقول: قال أبو عبد الله (عليه السلام): من أتى قبر أبي عبد الله (عليه السلام) فقد وصل رسول الله (صلى الله عليه وآله) وصلنا و حرمت غيبته، و حرم لحمه على النار و أعطاه بكلّ درهم أنفقته عشرة آلاف مدينة له في كتاب محفوظ، و كان الله له من وراء حوائجه، و حفظ في كلّ ما خلف، و لم يسأل الله شيئاً إلاّ أعطاه وأجاب فيه، إمّا أن يعجله و إمّا أن يؤخره له؛ [كامل الزيارات، ص 127]

ابان گفت، شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) رود محققاً به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و به ما اهل بیت احسان نموده و غیبتش جایز نبوده و گوشتش بر آتش حرام است و در مقابل هر یک درهمی که انفاق کرده، خداوند متعال انفاق اهالی و سکنه‌ی ده هزار شهری که در کتابش مضبوط و معلوم است را به او اعطا می فرماید و به دنبال آن حوائج و نیازمندی هایش را روا می فرماید و آنچه را که از خود باقی گذارد حق تعالی حافظ آنها است و درخواست

چیزی از خدا نمی کند، مگر آنکه باری تعالی اجابتش می فرماید اعم از آنکه سریع و بدون مهلت حاجتش را روا کرده یا با تأخیر و مهلت آن را برآورده نماید.

عن الحلبي، عن أبي عبدالله (عليه السلام) - في حديث طويل - قال: قلت: جعلت فداك ما تقول فيمن ترك زيارته وهو يقدر على ذلك؟ قال: أقول: إنه قد عَقَّ رسول الله (صلى الله عليه وآله) وعَقَّنَا واستخَفَّ بأمر هو له، و من زاره كان الله له من وراء حوائجه،

.

و كفى ما أهمه من أمر دنياه، و أنه ليجلب الرِّزْق على العبد، ويخلف عليه ما أنفق ويغفر له ذنوب خمسين سنة، ويرجع إلى أهله وما عليه وزرٌ ولا خطيئةٌ إلا و قد محبت من صحيفته، فإن هلك في سفره نزلت الملائكة فغسلته، وفتحت له أبواب الجنة، ويدخل عليه روحها حتى ينشر، وإن سلم فتح له الباب الذي ينزل منه الرِّزْق و يجعل له بكل درهم أنفقته عشرة آلاف درهم، و ذخر ذلك له فإذا حُسر قيل له: لك بكل درهم عشرة آلاف درهم، وإن الله نظر لك و ذخرها لك عنده؛ [كامل الزيارات، ص

246، ح 366؛ وسائل الشيعه، ج 10، ص 334؛ بحارالانوار، ج 54، ص 172]

حلبی در ضمن حدیثی طولانی نقل کرده، محضر مبارک امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: فدایت شوم! چه می فرمایید درباره ی کسی که با داشتن قدرت، زیارت آن حضرت را ترک می کند؟ حضرت فرمودند: این شخص عاق رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و عاق ما اهل بیت می باشد و امری که به نفع او است را سبک شمرده است.

شعائر حسینی.....331

و کسی که آن حضرت را زیارت کند خداوند متعال حوائجش را برآورده نماید و آنچه از دنیا مقصود او است را کفایت فرماید.

و نیز زیارت آن حضرت موجب جلب رزق برای زائر می باشد.

و آنچه در این راه اتفاق کرده بر او باقی مانده و یادگارش خواهد بود و همچنین زیارت آن حضرت موجب می شود گناهان پنجاه ساله‌ی او آمرزیده شده و وی به اهلش باز گردد در حالی که بر عهده اش نه وزر و بالی بوده و نه لغزشی، و آنچه از گناه در صحیفه‌ی اعمالش ثبت شده جملگی محو و پاک می گردد.

اگر زائر در سفر زیارت فوت شود، فرشتگان نازل گشته و او را غسل می دهند و نیز درب هایی از بهشت به روی او گشوده می شود و نسیم خوش آن در قبر بر او وزیده و در آنجا

.

پراکنده و منتشر می گردد. و اگر وی در سفر زیارت سالم و از گزند مرگ در امان ماند، دربی به روی او گشوده می شود که رزق و روزی وی از آن نازل می گردد و در مقابل هر درهمی که اتفاق کرده، ده هزار درهم قرار داده می شود و آن را برای وی ذخیره کرده و هنگامی که محشور شد و از قبر بیرون آمد به او گفته می شود:

در مقابل هر درهمی که در سفر زیارتت خرج کردی، ده هزار درهم مال تو است و خداوند به تو نظر نموده و آنها را نزد خودش برای تو ذخیره کرد.

هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) إن رجلاً أتاه فقال له: يا ابن رسول الله (صلى الله عليه وآله) هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم ويصلي عنده، ويصلي خلفه ولا يتقدم عليه، قال: فما لمن أتاه؟ قال: الجنة إن كان يأتهم به، قال: فما لمن تركه

332.....شعائر حسینی

رغبةً عنه؟ قال: الحسرة يوم الحسرة، قال: فما لمن أقام عنده؟ قال: كل يوم بألف شهر، قال: فما للمنفق في خروجه إليه والمنفق عنده؟ قال: الدرهم بألف درهم - و ذكر الحديث بطوله - ؛ [جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص 435]

هشام بن سالم از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده است، مردی محضر مبارک امام(علیه السلام) مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا(صلی الله علیه وآله)! آیا پدر بزرگوار شما (امام حسین(علیه السلام)) زیارت بشود؟ حضرت فرمودند: بلی! و علاوه بر آن نزد آن جناب نماز نیز خوانده شود اما باید توجه داشت که نماز را پشت قبر بخوانند و بر آن مقدم نشوند.

راوی می گوید: چه اجری است برای کسی که آن حضرت را زیارت کند؟ حضرت فرمودند: بهشت! مشروط بر اینکه از آن جناب پیروی کرده و به حضرتش اقتدا نماید.

راوی می گوید، گفتم: کسی که از روی بی میلی و عدم رغبت زیارت آن حضرت را ترک کند، چه برای او می باشد؟ حضرت فرمودند: در روز حسرت، حسرت خواهد خورد.

.

عرض کرد: چه اجر و ثوابی است برای کسی که نزد قبر آن جناب اقامه کند؟ حضرت فرمودند: در مقابل هر روز، هزار ماه منظور می گردد. عرض کرد: کسی که در راه سفر متحمل هزینه شده و در نزد قبر مطهر انفاقاتی نماید چه اجر و ثوابی دارد؟ حضرت فرمودند: در مقابل هر دره‌می که انفاق و خرج کرده، هزار درهم برایش منظور می شود.

شعائر حسینی.....333

عن ابن سنان قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام) جعلت فداك إن أباك كان يقول في الحج: يحسب له بكل درهم أنفق ألف درهم، فما لمن ينفق في المسير إلى أبيك الحسين (عليه السلام)؟ فقال: يا ابن سنان يحسب له بالدرهم ألف و ألف - حتى عدّ عشرة - ، و يرفع له من الدرجات مثلها، ورضا الله تعالى خير له، و دعاء محمد و دعاء أمير المؤمنين والأئمة (عليهم السلام) خير له؛ [وسائل الشيعة، ج 14، ص 481، بحارالانوار، ج 98، ص 50]

از ابن سنان روایت شده که گفت، محضر مبارک حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: فدایت شوم! پدر بزرگوارتان راجع به حج می فرمودند:

در مقابل هر دره‌می که شخص انفاق می کند، هزار درهم منظور می شود. اکنون بفرمایید، چه اجر و ثوابی است برای کسی که در سفر زیارت پدرتان، حضرت امام حسین (علیه السلام) انفاق نماید؟

حضرت فرمودند: ای ابن سنان! در مقابل هر دره‌می که شخص انفاق کند، هزار و هزار... - همین طور شمردند تا به ده هزار رسید - منظور می گردد و به همین مقدار درجه اش را بالا می برند و رضایت و خشنودی حق تعالی از وی و دعای حضرت محمد (صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین و حضرات ائمه (علیهم السلام) برای او بهتر از آن می باشد.

عن صفوان الجمال، عن أبي عبدالله (عليه السلام) - في حديث طويل - قال: قلت: فما

.....

لمن صَلَّى عنده يعني الحسين (عليه السلام) - قال: من صَلَّى عنده ركعتين لم يسأل الله تعالى شيئاً إلا أعطاه إياه، فقلت: فما لمن اغتسل من ماء الفرات ثم أتاه؟ قال: إذا

334.....شعائر حسینی

اغتسل من ماء الفرات وهو يريده تساقطت عنه خطاياہ کیوم ولدته أمّہ، قلت: فما لمن
جہز إلیہ و لم يخرج لعلّہ تصيبہ قال: يعطيه الله بكلّ درهم أنفقہ من الحسنات مثل جبل
أحد ويخلف عليه أضعاف ما أنفق، ويصرف عنه من البلاء ممّا قد نزل فيدفع ويحفظ
في ماله - وذكر الحديث بطوله -؛ [کامل الزیارات، ص 239؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص

[263]

صفوان جمال از حضرت صادق(علیه السلام) حدیثی طولانی را نقل کرده و در ضمن آن
می گوید، محضر مبارک امام(علیه السلام) عرضه داشتم: چه اجر و ثوابی است برای کسی
که نزد قبر مطهر آن حضرت (حضرت امام حسین(علیه السلام)) نماز بخواند؟

حضرت فرمودند: کسی که نزد قبر آن جناب دو رکعت نماز بخواند، چیزی را از خدا
نخواستہ مگر آنکه حق تعالی آن را به وی اعطا می فرماید.

عرض کردم: چه اجر و ثوابی است برای کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت
آن حضرت می رود؟

امام(علیه السلام) فرمودند: هنگامی که با اراده‌ی زیارت آن حضرت، از فرات غسل می کند
تمام گناهانش ریخته شده و پاک می گردد مثل اینکه تازه از مادر متولد گردیده.

عرض کردم: ثواب و اجر کسی که به دلایلی نمی تواند به زیارت برود، اما دیگری را مجهز
ساخته و به زیارت فرستاده چه می باشد؟ حضرت فرمودند: در مقابل هر یک درهمی که
خرج کرده، خداوند متعال به قدر کوه أحد از حسنات به وی داده و چند برابر هزینه ای را
که متحمل شده، برایش باقی می گذارد و نیز بلاهایی که نازل شده را از وی دور
می گرداند و همچنین مال و دارایی وی را حفظ و نگهداری می فرماید.

زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)

تا جوان هستید به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) بشتابید

از کسانی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) با دیدن آنها خیلی خوشحال می شدند و اشک در چشمانشان حلقه می زد، جوانانی بودند که عازم سفر به عتبات مقدسه بودند، با مشاهده ی آنان، ضمن طلب دعا یادآور ایامی می شدند که در نجف / شرف مشغول تحصیل بودند و می فرمودند: آن موقع ما در سنی بودیم که هر شب جمعه موفق می شدیم به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) برویم و توفیقی بود که از دست ما رفت، خوشا به حال آنان که موفق اند! فرزندانم! تا جوان هستید کوله بار خود را پر کرده و کاری کنید که رو سفید به ملاقات خدا بروید. یکی از چیزهایی که عاقبت به خیری به دنبال دارد، زیارت با اخلاص سیدالشهدا (علیه السلام) است که زیارت آن بزرگوار آثار عجیبی دارد. چه بسیار بزرگانی که توفیقشان را از سیدالشهدا (علیه السلام) گرفتند و توانستند به جامعه خدمت کنند. خداوند متعال به سبب گذشت سیدالشهدا (علیه السلام) ویژگی خاصی را به زائرین او داد که یکی از آن موارد غفران گناهانشان می باشد. شیطان در کمین است و از هر لحظه استفاده می کند تا خدای ناکرده شخص را گول بزند. باید مواظب بود، دنیا دار امتحان است و یکی از راه هایی که می توان بر

شیطان غلبه کرد، باب الحسین (علیه السلام) است، به او متوسل شوید و زائر واقعی او باشید. خداوند برای زائر سیدالشهدا (علیه السلام) امتیازات خاصی قرار داده است، تا جوان هستتید قدر بدانید^۱.

1. عن غسان البصری، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: من أتى قبر أبي عبدالله (عليه السلام) عارفاً بحقه غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر؛ [الكافي، ج 4، ص 592؛ كامل الزيارات، ص 262]

امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که قبر ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) را در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی او را می‌بخشد.

عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين (عليه السلام) فإن إتيانه يزيد في الرزق ويمد في العمر مدافع السوء، وإتيانه مفترض على كل مؤمن يقرّ للحسين بالإمامة من الله؛ [كامل الزيارات، ص 284، ح 456؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 413]

امام باقر (علیه السلام) فرمود: امر کنید شیعیان ما را به زیارت قبر حسین (علیه السلام) که به تحقیق زیارت ایشان رزق را زیاد و عمر را طولانی می‌کند و بدی و شر را دفع می‌نماید و (زیارت آن حضرت) بر هر مؤمنی که اقرار به امامت حضرتش از سوی حق تعالی دارد، واجب و لازم است.

شعائر حسینی 337.

عن إسحاق بن عمار قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: ليس شيء في السماوات إلا وهم يسألون الله أن يؤذن لهم في زيارة الحسين (عليه السلام)، ففوج ينزل وفوج يعرج؛ [تهذيب الاحكام، ج 6، ص 46]

امام صادق (عليه السلام) فرمود: نیست چیزی در آسمان ها الا اینکه آنها از خداوند اذن مسئلت می کنند برای زیارت امام حسین (عليه السلام)، وپیوسته گروهی فرود می آیند و گروهی دیگر به آسمان باز می گردند.

.

عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال: كنت عند أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد (عليه السلام) فدخل رجل من أهل طوس فقال: يا ابن رسول الله ما لمن زار قبر أبي عبد الله الحسين بن علي (عليهما السلام)؟ فقال: من زار قبر الحسين وهو يعلم أنه إمام من قبل الله مفترض الطاعة على العباد غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، وقبل شفاعته في خمسين مذنباً، ولم يسأل الله عز وجل حاجة عند قبره إلا قضاها له... الحديث؛ [وسائل الشيعه، ج 14، ص 415]

عبدالله بن فضل هاشمی نقل می کند: من نزد امام صادق (عليه السلام) بودم، مردی از اهل طوس وارد شد، پس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! چه مقامی هست برای کسی که زائر قبر ابی عبدالله الحسین بن علی (عليهما السلام) می باشد؟ حضرت فرمود: کسی که زیارت کند قبر حسین (عليه السلام) را در حالی که آن شخص می داند که او امام است از طرف خداوند و واجب الطاعت هست بر بندگان، خداوند گناهان گذشته و آینده ی او را می آمرزد و شفاعت او را در حق پنجاه گناهکار قبول می کند و از خداوند در نزد قبر (امام

338.....شعائر حسینی

حسین(علیه السلام)) چیزی را مسئلت نمی کند مگر اینکه خداوند او را حاجت روا می کند.

عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: موضع قبر أبي عبدالله الحسين منذ يوم دفن فيه روضة من رياض الجنة؛ [کامل الزیارات، ص 456؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 579] امام صادق(علیه السلام) فرمود: موضع و جایگاه قبر ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) از آن روز که دفن شده، باغی از باغ های بهشت است.

وعنه، قال: وقال (عليه السلام): موضع قبر الحسين (عليه السلام) ترعة من ترع الجنة؛ [کامل الزیارات، ص 456؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 324] امام صادق(علیه السلام) فرمود: موضع و جایگاه قبر ابی عبدالله(علیه السلام) آبراهی از آبراه های بهشت است.

....

قال: وقال (عليه السلام) من زار قبر الحسين (عليه السلام) جعل ذنوبه جسرا على باب داره ثم عبرها كما يخلف أحدكم الجسر وراءه إذا عبره؛ [کامل الزیارات، ص 286؛ من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 581] امام صادق(علیه السلام) فرمود: کسی که زیارت کند قبر حسین(علیه السلام) را، خداوند قرار دهد گناهایش را پلی بر در خانه اش و او از روی آن پل عبور می کند، مانند کسی که از پل بگذرد و آن را پشت سر نهاده است (یعنی گناهان را نیز پشت سر قرار داده و از آنها پاک شده باشد).

قال: وقال (عليه السلام): من أتى الحسين (عليه السلام) عارفاً بحقه كتب الله عز وجل في أعلى عليين؛ و فرمود: کسی که اتیان کند زیارت امام حسین(علیه السلام) در حالی که

شعائر حسینی..... 339.

عارف به حق آن حضرت باشد خداوند عزوجل می نویسد [اسم] او را در اعلیٰ علین.

[المزار، ابن مشهدی، ص 325؛ بحارالانوار، ج 98، ص 70]

عن هارون بن خارجه قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): إنهم يروون أن من زار قبر الحسين (عليه السلام) كانت له حجة وعمره، قال: من زاره والله عارفاً بحقه غفر الله له ما

تقدم من ذنبه وما تأخر؛ [وسائل الشيعة، ج 14، ص 419؛ بحارالانوار، ج 98، ص 23]

هارون بن خارجه گفت، محضر امام صادق (عليه السلام) عرض کردم: روایت می کنند به اینکه هرکس زیارت کند قبر حسین بن علی (عليه السلام) را برای او پاداش و ثواب یک حج و عمره است. حضرت فرمود: هرکس زیارت کند او را (امام حسین (عليه السلام)) قسم به خداوند، در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی او را می آمرزد.

عن داود الرقي قال: سمعت أبا عبدالله (عليه السلام) يقول: ما خلق الله خلقاً أكثر من الملائكة وإنه لينزل من السماء كل مساء سبعون ألف ملك يطوفون بالبيت ليلاً حتى إذا طلع الفجر انصرفوا إلى قبر النبي (صلى الله عليه وآله) فسلموا عليه، ثم يأتون قبر أمير المؤمنين علي (عليه السلام) فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر الحسن فيسلمون

.....

عليه، ثم يأتون قبر الحسين (عليه السلام) فيسلمون عليه، ثم يرجون إلى السماء قبل أن تطلع الشمس، ثم تنزل ملائكة النهار سبعون ألف ملك فيطوفون بالبيت الحرام نهارهم حتى إذا دنت الشمس للغروب انصرفوا إلى قبر رسول الله (صلى الله عليه وآله) فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر أمير المؤمنين (عليه السلام) فيسلمون عليه، ثم يأتون قبر الحسن

فیسلّمون علیه، ثمّ یأتون قبر الحسین (علیه السلام) فیسلّمون علیه، ثمّ یرجون إلی

السما قبل أن تغیب الشمس؛ [ثواب الاعمال، ص 96؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 293]

داود رقی می گوید، شنیدم که امام صادق (علیه السلام) می فرمود: خداوند مخلوقاتی از نظر تعداد، افزون تر از فرشتگان نیافریده است. به راستی که در هر شامگاه هفتاد هزار ملک از آسمان فرود می آیند و آن شب را بر گرد خانه‌ی خدا طواف می کنند و بعد از طلوع فجر به زیارت قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) روانه می شوند و بر آن حضرت سلام می کنند و سپس به زیارت قبر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می شتابند و بر آن حضرت درود می فرستند، سپس به زیارت قبر امام حسن (علیه السلام) می روند و بر آن حضرت سلام می کنند، آن گاه به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) می روند و درود خود را نثار آن حضرت کرده و پیش از طلوع آفتاب به آسمان عروج می کنند. آن گاه هفتاد هزار فرشته روز به زمین می آیند و تا ساعتی پیش از غروب آفتاب به طواف خانه‌ی خدا مشغول می شوند، سپس به زیارت قبر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می روند و درود خود را نثار او می کنند، سپس به زیارت قبر امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) رفته و بر او درود می فرستند پس از آن عازم زیارت قبر امام حسن (علیه السلام) شده و بر او سلام می کنند، سپس به زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) نایل می گردند و بر او سلام می کنند، آن گاه پیش از آنکه آفتاب غروب کند، به آسمان عروج می کنند.

عن ربیع بن عبدالله قال: قلت لأبی عبدالله (علیه السلام) بالمدينة أين قبور الشهداء؟

.....

فقال: أليس أفضل الشهداء عندكم الحسين (علیه السلام)؟ أما والذي نفسي بيده إنّ

شعائر حسینی 341

حول قبره أربعة آلاف ملك شعث غبر يبيكونه إلى يوم القيامة؛ [ثواب الاعمال، ص 97؛

وسائل الشیعه، ج 14، ص 422]

ربعی بن عبدالله می گوید، در مدینه به امام صادق (علیه السلام) عرضه داشتم: قبور شهدا در کجا قرار دارد؟ فرمود: مگر در نزد شما قبر امام حسین (علیه السلام) بزرگ ترین و بهترین شهدا نیست؟ سوگند به آن که جانم در دست (قدرت) اوست، همانا در اطراف قبر او چهار هزار ملک که ژولیده موی و غبار آلودند، تا روز قیامت بر آن حضرت می گریند.

عن هارون بن خارجه، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قال الحسين بن علي (عليهما السلام): أنا قتيل العبرة، قتلت مكروباً وحقيق على الله أن لا يأتيني مكروب إلا رده الله وقلبه إلى أهله مسروراً. [بحار الانوار، ج 98، ص 45؛ جامع احاديث الشیعه، ج 12، ص 379] وفي (عيون الأخبار) بأسانيد تقدمت في إسباغ الوضوء عن الرضا (عليه السلام) عن أبيه، قال: سئل جعفر بن محمد (عليه السلام) عن زيارة قبر الحسين (عليه السلام)، فقال: أخبرني أبي (عليه السلام) أن من زار قبر الحسين بن علي (عليهما السلام) عارفاً بحقه كتبه الله في عليين، ثم قال: إن حول قبره سبعين ألف ملك شعثاً غبراً يبيكون عليه إلى

يوم القيامة؛ [وسائل الشیعه، ج 14، ص 422؛ جامع احاديث الشیعه، ج 12، ص 365]

روایت شده از امام رضا (علیه السلام) از پدرش که فرمود: سؤال شد از امام جعفر صادق (علیه السلام) در مورد زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) پس حضرت فرمود: خبر داد مرا پدرم به اینکه هرکس زیارت کند قبر امام حسین بن علی (علیهما السلام) را در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، خداوند نام او را در اعلیٰ علیین می نویسد. پس حضرت فرمودند: به تحقیق در اطراف قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) هفتاد هزار ملک با حالتی محزون، غمگین و ژولیده گریه می کنند بر امام

.

حسین (علیه السلام) تا روز قیامت.

عن محمد بن مسلم، قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمد (عليهما السلام) يقول: إنَّ الحسين بن علي (عليه السلام) عند ربِّه عزَّ وجلَّ ينظر إلى موضع معسكره ومن حله من الشهداء معه، وينظر إلى زواره وهو أعرف بهم وبأسمائهم وأسماء آبائهم ودرجاتهم ومنزلتهم عند الله عز وجل من أحدكم بولده، وإنه ليرى من سكنه فيستغفر له ويسأل آباءهم عليهم السلام أن يستغفروا له، ويقول: لو يعلم زائري ما أعدَّ الله له لكان فرحه أكثر من غمِّه، وإن زائرَه لينقلب وما عليه من ذنب؛ [وسائل الشيعة، ج 14، ص 422؛ جامع

احاديث الشيعة، ج 12، ص 364]

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: امام حسين (عليه السلام) در نزد خداوند متعال به یاران خود و کسانی که در رکابش شهید شدند نگاه می کند و به زوارش نیز نظر می کند و آنها را بهتر از دیگران می شناسد و نام آنها، نام پدرانشان و منزلت آنها را نزد خدا از شناخت پدر نسبت به فرزند بهتر می داند و هرکس او را زیارت کند، بر او استغفار بطلبد و طلب می کند از پدرشان آنکه او را استغفار نمایند و می فرماید: اگر زائر من بداند غیر از خدا منزلت خود را همین خوشحال بودند و غمشان کمتر بود و زائر امام حسین (عليه السلام) گناهانش محو شده و بی گناه می گردد.

عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر (عليه السلام) وجعفر بن محمد (عليه السلام) يقولان: إنَّ الله عوض الحسين (عليه السلام) من قتله أن الإمامة من ذريته والشفاء في تربته، وإجابة الدعاء عند قبره، ولا تعد أيام زائريه جاثيا وراجعا من عمره؛

[وسائل الشيعة، ج 14، ص 423]

شعائر حسینی.....343.

محمد بن مسلم می گوید، شنیدم از امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) که این دو بزرگوار می فرمودند: و به تحقیق خداوند عوض داد شهادت امام حسین(علیه السلام) را به امامت بعضی از

ذریه اش و شفا در تربتش و اجابت دعا در نزد قبرش و شمرده نمی شود ایام آمد و شد زائر آن حضرت از عمرش.

عن حمران بن أعین قال: زرت الحسين(عليه السلام) فلما قدمت قال لي أبو جعفر(عليه السلام): ابشر يا حمران فمن زار قبور شهداء آل محمد(عليهم السلام) يربد بذلك صلة نبیه خرج من ذنوبه كيوم ولدته أمّه؛ [وسائل الشیعة، ج 14، ص 423]

حمران بن اعین می گوید: زیارت کردم امام حسین(علیه السلام) را، پس مدتی نگذشت که امام باقر(علیه السلام) به من فرمود: بشارت باد به تو ای حمران! پس هر کسی که زیارت کند قبور شهدای آل محمد(صلی الله علیه وآله)، اراده می کند به سبب آن صله ی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) و خارج می شود از گناهانش مانند روزی که از مادر متولد شده است.

عن عبدالله الطحان، عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: ما من أحد يوم القيامة إلا وهو يتمنى أنه من زوّار الحسين (عليه السلام) لما يرى لما يصنع بزوّار الحسين(عليه السلام) من كرامتهم على الله تعالى؛ [کامل الزیارات، ص 258، ح 388]

344.....شعائر حسینی

امام صادق(علیه السلام) فرمود: در روز قیامت، کسی نیست، مگر آنکه آرزو می کند که زائر
اباعبدالله الحسین(علیه السلام) می بود؛ چرا که می بیند خداوند با زوار امام حسین(علیه
السلام) با چه کرامت و عطوفتی رفتار می کند.

345.....شعائر حسینی

زیارت سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام)

زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) مقدم بر مرجعیت

بعد از سقوط رژیم ظالم عراق، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بسیار تلاش کردند که جهت زیارت عتبات عازم کشور عراق شوند اما بعضی از مسئولین به دلیل وضعیت امنیتی صلاح نمی دیدند. ایشان بارها و بارها تصمیم گرفتند برای زیارت عتبات مقدسه حرکت کنند اما موفق به این امر نشدند. یک روز یکی از آقایان به ایشان گفت: «آقا! شما مرجع هستید و جامعه به شما نیاز دارد، زیارت مستحب است ولیکن حل مشکل شرعی مردم بر دوش شما می باشد. شما به تقویت حوزه، تربیت طلاب و دفاع از مبانی برحق تشیع می پردازید و این کار کمی نیست، بنابراین فعلاً فکر زیارت نباشید.» ناگهان مشاهده شد مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زده، فرمود: من این طور فکر نمی کنم! فضل کربلا و زیارت سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) بسیار عظیم است و اگر کسی هم به درجه ای نائل می شود، به برکت توسل به خاندان اهل بیت (علیهم السلام) است. آرزوی من زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) است و به مرجعیت فکر نکرده و نمی کنم و این مذهب صاحب دارد و او خود، پاسدار و نگهبان آن است. اگر وضعیت عراق خوب شود، ان شاء

شعائر حسینی.....347

اللّٰه به زیارت خواهم رفت و مرجعیت مانع این کار نمی شود.» و بارها می فرمود: چه توفیقی در ایام تحصیل در نجف / شرف داشتیم! شب های جمعه به کربلا مشرف می شدیم و به ساحت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) عرض ادب می کردیم و بهترین ایام عمرمان همان روزها بود و فکر نمی کردیم روزی از این فیض الهی محروم شویم، ولیکن هر آنچه واقع شود قضای الهی است و ما راضی به رضای او هستیم.¹

1. حدّثنی عبدالله بن أبی یعفر قال: سمعتُ أبا عبدالله (علیه السلام) يقول لرجلٍ من مَوَالیه: یا فلان أتزورُ قبرَ أبی عبدالله الحسین بن علی (علیهما السلام)؟ قال: نَعَمْ إني أزوره بين ثلاث سنين أو سنتين مرّة، فقال له - وهو مصفرُّ الوجه - : أما والله الَّذي لا إله إلا هو لو زُرْتَه لكان أفضلَ لك ممّا أنت فيه! فقال له: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَكلُّ هذا الفضل؟ فقال: نَعَمْ والله، لو إني حدّثتكم بفضلِ زیارته وبفضلِ قبره لتركتمُ الحجَّ رأساً وما حجَّ منكم أحدٌ، ويحك أما تعلم أن الله اتخذ [بفضل قبره] كربلاءَ حَرَمًا آمِنًا مباركاً قبل أن يتخذ مَكَّةَ حَرَمًا؟ قال: ابن أبی یعفر: فقلت له: قد فرض الله على الناس حجَّ البيت ولم يذكر زیارته قبر الحسین (علیه السلام) فقال: وإن كان كذلك فإنّ هذا شيء جعله الله هكذا، أما سمعت قول أبی أمیر المؤمنین (علیه السلام) حيث يقول: إنّ

348.....شعائر حسینی

باطن القدم أحقُّ بالمسح من ظاهر القدم ولكنَّ الله فرض هذا على العباد؟! أو ما علمتَ أنَّ الموقف لو كان في الحَرَم كان أفضل لأجل الحَرَم ولكنَّ الله صنع ذلك في غير الحَرَم؛ [كامل الزيارات، ص 449، ح 674؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 402]

عبدالله بن ابی یعفور گفت، از حضرت ابا عبدالله(علیه السلام) شنیدم که به شخصی از دوستانش فرمودند:

.....

فلانی! به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) می روی؟

آن شخص گفت: بلی! من هر سه سال یا دو سال، یک مرتبه به زیارتش می روم.

حضرت - در حالی که صورتشان زرد شده بود - فرمودند: به خدایی که معبودی غیر از او نیست، اگر او را زیارت کنی، برتر است برای تو از آنچه در آن هستی!

آن شخص عرض کرد: فدایت شوم! آیا تمام این فضل برای من هست؟

حضرت فرمودند: بلی! به خدا سوگند! اگر من فضیلت زیارت آن حضرت و فضیلت قبرش را برای شما بازگو کنم، به طوری کلی حج را ترک کرده و احدی از شما دیگر به حج نمی رود، وای بر تو! آیا نمی دانی خداوند متعال به واسطه‌ی فضیلت قبر آن حضرت، کربلا را حرم امن و مبارک قرار داد، پیش از آنکه مکه را حرم امن نماید؟

ابن ابی یعفور می گوید محضرش عرضه داشتم: خداوند متعال حج و زیارت بیت الله را بر مردم واجب کرده اما زیارت قبر امام حسین(علیه السلام) را بر مردم واجب نکرده است،

پس چطور شما چنین می فرمایید؟

شعائر حسینی 349.

حضرت فرمودند: اگرچه همین طور است، اما در عین حال خداوند متعال فضیلت زیارت آن حضرت را این گونه قرار داده است. مگر نشنیده ای کلام امیر المؤمنین (علیه السلام) را که فرمودند:

کف پا سزاوارتر است به مسح نمودن از ظاهر و روی پا، اما در عین حال حق تعالی مسح روی پا را بر بندگان واجب کرده است؟!

و نیز مگر نمی دانی اگر حق تعالی موقف (محل محرم شدن) را حرم قرار می داد، به خاطر شرافتی که در حرم هست، افضل و برتر بود اما خداوند متعال آن را در غیر حرم قرار داده است.

عن عُمر بن یزید بَیَّاعِ السَّابَرِی، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إِنَّ أَرْضَ كَعْبَةَ قَالَتْ:

.....

مَنْ مِثْلِي؛ وَقَدْ بَنَى اللَّهُ بَيْتَهُ عَلَى ظَهْرِي وَيَأْتِيَنِي النَّاسُ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ، وَجُعِلَتْ حَرَمَ اللَّهِ وَأَمْنُهُ؟! فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ كَفَى وَقْرِي؛ فَوَعَزَّتِي وَجَلَالِي مَا فَضَّلَ مَا فَضَّلْتَ بِهِ فِيمَا أُعْطِيتَ بِهِ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْإِبْرَةِ غَمَسَتْ فِي الْبَحْرِ فَحَمَلَتْ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ، وَلَوْ لَا تُرْبَةُ كَرْبَلَاءَ مَا فَضَّلْتُكَ؛ وَلَوْ لَا مَا تَضَمَّنَتْهُ أَرْضُ كَرْبَلَاءَ لَمَا خَلَقْتُكَ وَلَا خَلَقْتُ الْبَيْتَ الَّذِي افْتَخَرْتَ بِهِ؛ فَقَرَّى وَاسْتَقَرَّى وَكَوْنِي ذَبِيئاً مُتَوَاضِعاً ذَلِيلاً مَهِيناً غَيْرَ مُسْتَكْبِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ لَأَرْضِ كَرْبَلَاءَ وَإِلَّا سَخْتُ بِكَ وَهَوَيْتُ بِكَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛ [وسائل الشيعة، ج

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: زمین کعبه در مقام مفاخرت گفت: کدام زمین مثل من است، و حال آنکه خداوند خانه اش را بر من بنا کرده و مردم از هر راه دوری متوجهی من می شوند، و من حرم خدا و مأمن قرار داده شده ام؟!

خداوند متعال به سویش وحی کرد و فرمود: بس کن و آرام بگیر! به عزت و جلالم قسم آنچه را که تو برای خود فضیلت می دانی، در قیاس با فضیلتی که به زمین کربلا اعطا نموده ام، همچون سوزنی است که در دریا فرو برند و آن سوزن با خود از آب بردارد، و اساساً اگر خاک کربلا نبود، این فضیلت برای تو نبود و نیز اگر نبود آنچه که این خاک آن را در بر دارد، تو را نمی آفریدم و خانه ای را که تو به آن افتخار می کنی خلق نمی کردم؛ بنابراین آرام بگیر، ساکت، متواضع، خوار و نرم باش و نسبت به زمین کربلا استکبار و طغیانی از خود نشان مده، والا تو را فرو برده و در آتش جهنم قرار می دهم.

عن عمرو بن ثابت عن أبيه، عن أبي جعفر(عليه السلام) قال: خلق الله تبارك و تعالی أرض كربلاء قبل أن يخلق الكعبة بأربعة وعشرين ألف عام، وقدسها وبارك عليها، فما زالت قبل خلق الله الخلق مقدسة مباركة، ولا تزال كذلك حتى

.

يجعلها الله أفضل أرض في الجنة وأفضل منزل ومسكن يسكن الله فيه أولياءه في

الجنة؛ [كامل الزيارات، ص 451، ح 677؛ مستدرک سفینه البحار، ج 9، ص 86]

عمرو بن ثابت، به نقل از پدرش گفت، امام باقر(علیه السلام) فرمودند:

خداوند تبارک و تعالی بیست و چهار هزار سال پیش از خلقت کعبه، زمین کربلا را آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد و پیوسته قبل از خلقت مخلوقات، مقدس و مبارک بود تا

شعائر حسینی.....351

آن را برترین زمین در بهشت نمود و برترین منزل و مسکنی قرارش داد که اولیا و دوستانش در بهشت در آن سکنا می گزینند.

عن أبي الجارود قال: قال علي بن الحسين (عليه السلام): اتخذ الله أرض كربلاء حرماً آمناً مباركاً قبل أن يخلق الله أرض الكعبة ويتخذها حرماً بأربعة وعشرين ألف عام، وأنه إذا زلزل الله تبارك و تعالى الأرض وسيّرها رفعت كما هي بتربتها نورانية صافية، فجعلت في أفضل روضة من رياض الجنة، وأفضل مسكن في الجنة، لا يسكنها إلا النبيون والمرسلون - أو قال أولوا العزم من الرسل - وأنها لتزهر بين رياض الجنة كما يزهر الكوكب الدرّي بين الكواكب لأهل الأرض يغشى نورها أبصار أهل الجنة جميعاً، وهي تنادي: أنا أرض الله المقدّسة الطيّبة المباركة التي تضمّنت سيّد الشهداء وسيّد شباب أهل الجنة؛ [كامل الزيارات، ص 451، ح 678]

ابی الجارود می گوید، حضرت زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:

خداوند متعال بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک گرداند، و هر گاه حق تعالی بخواهد کوهی زمین را لرزاند و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلا را همراه

.

تربتش، در حالی که نورانی و شفاف هست بالا برده و آن را در برترین باغ های بهشت قرار داد و آن را بهترین مسکن در آنجا می گرداند و ساکن نمی شود در آن، مگر انبیاء و مرسلین (یا به جای این فقره فرمودند: و ساکن نمی شود در آن مگر رسولان اولو العزم).

این زمین بین باغ های بهشت می درخشد، همان طوری که ستاره ی درخشنده بین ستارگان نورفشانی می نماید، نور این زمین چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدایی بلند می گوید:

من زمین مقدس، طیب، پاکیزه و مبارکی هستم که سید الشهداء و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.

قال أبو جعفر (عليه السلام): الغَضْرِيَّةُ هِيَ الْبَقْعَةُ الَّتِي كَلَّمَ اللَّهُ فِيهَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ (عليه السلام)، وَنَاجَى نُوحًا فِيهَا، وَهِيَ أَكْرَمُ أَرْضِ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ فِيهَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَنْبِيََاءَهُ، فَزُورُوا قُبُورَنَا بِالْغَضْرِيَّةِ؛ [كامل الزيارات، ص 452، ح 680]

در روایتی آمده است که حضرت ابوجعفر (علیه السلام) فرمودند: غاضریه (کربلا) مکانی است که خداوند متعال در آنجا با موسی بن عمران (علیه السلام) تکلم نمود و نوح با خداوند مناجات کرد، این زمین کریم ترین و شریف ترین بقاع روی زمین بوده، و اگر این معنا نبود هرگز خداوند متعال اولیاء و انبیایش را در آن به ودیعه نمی گذارد، پس بر شما است که قبور ما را در غاضریه زیارت کنید.

وقال أبو عبد الله: «الغَضْرِيَّةُ تَرْبَةُ مِنْ بَيْتِ الْمَقْدَسِ؛ [جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 576] حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند: غاضریه تربتی است از بیت المقدس.

عن حَمَّادِ بْنِ أُيُوبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): يَقْبُرُ ابْنِي بِأَرْضِ يَقَالَ لَهَا: كَرْبَلَاءُ، هِيَ الْبَقْعَةُ

.

شعائر حسینی..... 353.

كانت فيها قبة الإسلام، التي نجا الله عليها المؤمنين الذين آمنوا مع نوح في الطوفان؛

[كامل الزيارات، ص 452، ح 682؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 324]

حماد بن ايوب، از حضرت صادق(عليه السلام) روايت کرده اند، از پدر گراميش، از اميرالمؤمنين(عليه السلام) که حضرت فرمودند، رسول خدا(صلى الله عليه وآله) فرمودند:

فرزندم در زمینی دفن می شود که به آن «کربلا» می گویند.

کربلا، بقعه و مکانی است که در آن «قبة الاسلام» (مراد بصره است) بوده و این همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح مؤمنینی را که به آن حضرت ایمان داشتند، همراه آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رهانید.

عن ابن ميثم التمار، عن الباقر(عليه السلام)، قال: مَنْ بات ليلة عرفة في كربلاء وأقام بها حتى يعيد وينصرف، وقاه الله شرَّ سنته؛ [كامل الزيارات، ص 452؛ مرقد الامام الحسين(عليه السلام)، ص 78]

از ابن ميثم تمار، از حضرت باقر(عليه السلام) نقل شده که آن جناب فرمود: کسی که شب عرفة در کربلا بیتوته کرده و آن شب را به عبادت به پا دارد تا وقتی که مراجعت کند، خداوند منان او را از شر آن سال حفظ می نماید.

عن الفضل بن يحيى، عن أبيه، عن أبي عبدالله(عليه السلام)، قال: زوروا كربلاء ولا تقطعوه، فإن خير أولاد الأنبياء ضمنتهم، ألا وإن الملائكة زارت كربلاء ألف عام من قبل أن يسكنه جدّي الحسين(عليه السلام)، وما من ليلة تمضي إلا وجبرائيل وميكائيل يزورانها، فاجتهد يا يحيى أن لا تفقد من ذلك الموطن؛ [كامل الزيارات، ص 453، ح 684؛ بحارالانوار، ج 89، ص 109]

فضل بن يحيى از پدرش از حضرت صادق(عليه السلام) نقل کرده که آن جناب فرمودند:

354.....شعائر حسینی

کربلا را زیارت کرده و آن را ترک نکنید؛ زیرا این سرزمین بهترین فرزندان آدم(علیه السلام) را در

.

خود گرفته. بدانید و آگاه باشید که هزار سال قبل از اینکه جدم حسین(علیه السلام) در آن ساکن گردد، فرشتگان، این سرزمین را زیارت کرده اند و شبی سپری نمی شود مگر آنکه جبرئیل و میکائیل این مکان را زیارت می کنند، بنابراین ای یحیی! (مقصود «یحیی» پدر «فضل» می باشد) سعی کن این مکان از تو فوت نشود و از دستت نرود.

عن عبدالله بن میمون القداح، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: مرَّ أمير المؤمنين(عليه السلام) بکربلاء فی أناس من أصحابه فلما مرَّ بها اغرورقت عيناه بالبكاء، ثم قال: هذا مناخُ ركابهم وهذا ملقى رحالهم، وهنا تُهْرَق دماؤهم، طوبى لك من تربة عليك تُهْرَق دماء الأحيّة؛ [کامل الزیارات، ص 453، ح 685؛ بحارالانوار، ج 98، ص 116]

عبدالله میمون قداح از حضرت صادق(علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: امیرالمؤمنین(علیه السلام) با گروهی از اصحابشان از کربلا عبور نمودند. چشم های مبارکشان غرق در اشک شد و سخت گریستند، سپس فرمودند: اینجا محل خواباندن مرکب هایشان بوده، و اینجا محل گذاردن اثاثشان می باشد و اینجا خون هایشان می ریزد، سپس خطاب به زمین فرمودند: خوشا به حالت ای زمین که خون دوستان خدا بر روی تو می ریزد.

عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: خرج أمير المؤمنين علي(عليه السلام) يسير بالناس حتى اذا كان من كربلاء على مسيرة ميل أو ميلين تقدّم بين أيديهم حتى صار بمصارع

شعائر حسینی.....355

الشهداء، ثم قال: قبض فيها مائتا نبيٍّ ومائتا وصيٍّ ومائتا سبط، كلهم شهداء بأتباعهم. فطاف بها على بغلته خارجاً رجلاه من الركاب فأنشأ يقول: مَنَاحَ رِكَابٍ وَمَصَارِعُ الشهداء، لا يسبقهم من كان قبلهم ولا يلحقهم من أتى بعدهم؛ [كامل الزيارات، ص 453، ح 686؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 517]

حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند: امیرالمؤمنین، علی (عليه السلام) با جماعتی از مردم از شهر خارج شده

.....

تا به یک یا دو میلی کربلا و به محل افتادن شهدا رسیدند، سپس فرمودند:

در این مکان دویست پیغمبر و دویست وصی پیغمبر و دویست سبط پیغمبر قبض روح شده که تمام آنها شهید هستند، پس از این کلام پای مبارک از رکاب بیرون آورده و در حالی که روی قاطر بودند آن مکان را طواف کرده و در حین طواف می فرمودند: محل خواباندن مرکب ها، و محل افتادن شهدا، شهدای قبل از ایشان بر آنها سبقت نگرفته اند و کسانی هم که بعد از آنها خواهند آمد به ایشان ملحق نخواهند شد. (این عبارت کنایه است از اینکه از بدو خلقت تا انقراض عالم، هیچ یک از شهدا مقام و منزلت شهدا کربلا را ندارند).

عن عمرو بن ثابت، عن أبيه عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: خلق الله تعالى كربلاء قبل أن يخلق الكعبة بأربعة وعشرين ألف عام، وقدسها وبارك عليها، فما زالت قبل أن يخلق الله الخلق مقدسة مباركة، ولا تزال كذلك، ويجعلها أفضل أرض في الجنة.

[كامل الزيارات، ص 454، ح 687]

356.....شعائر حسینی

عَمرو بن ثابت أبا المِقْدَام، عن أبيه عن أبي جعفر(عليه السلام) مثله، و زاد فيه:
وأفضل منزل ومسكن يسكن الله فيه أولياءه في الجنة. [كامل الزيارات، ص 454، ح 688؛
تهذيب الاحكام، ج 6، ص 72]

عمر بن ثابت به نقل از پدرش گفت، حضرت باقر (علیه السلام) فرمودند: خداوند متعال
کر بلا را بیست و چهار هزار سال قبل از کعبه آفرید و آن را مقدس و مبارک قرار داد، و
پیوسته قبل از خلقت مخلوقات، مقدس و مبارک بود و بعد از آفرینش آنها نیز چنین
می باشد. حق تبارک و تعالی آن را با فضیلت ترین زمین های موجود در بهشت قرار داده
است.

عمر بن ثابت ابا المقدام و او از پدرش و او از حضرت باقر (علیه السلام) مثل آن را نقل
کرده است، منتها فقره ی ذیل را به آن افزوده است:

.

و برترین منزل و مسکنی است که خداوند متعال دوستانش را در بهشت در آن اسکان
می دهد.

عن صفوان الجمال قال: سمعت أبا عبد الله(عليه السلام) يقول: إنَّ الله تبارك و تعالی
فضَّل الأرضين والمياه بعضها على بعض، فمنها ما تفاخَرَتْ ومنها ما بَعَتْ، فما مِن ماء
ولا أرض إلاَّ عوقبت لتركها التَّواضع لله، حتَّى سلَّط اللهُ المشركينَ على الكعبة،
وأرسل إلى زَمَزم ماءً مالِحاً حتَّى أفسد طعمه، وإنَّ أرض كربلاء وماء الفُرات أوَّلُ
أرض وأوَّل ماء قدَّسَ الله تبارك و تعالی، فبارك الله عليهما، فقال لها: تكلمی بما
فضَّلک الله تعالی فقد تفاخرتِ الأرضون والمياه بعضها على بعض؟ قالت: أنا أرض الله

شعائر حسینی.....357

المَقْدَسَةُ المباركة؛ الشِّفَاءُ فِي تَرْبَتِي وَمَائِي، وَلَا فخر، بَلْ خَاضَعَةُ ذَلِيلَةً لِمَنْ فَعَلَ بِیْ ذَلِكْ، وَلَا فخر عَلٰی مَنْ دُونِی، بَلْ شُكْرًا لِلَّهِ. فَأَكْرَمَهَا وَزَادَ فِي تَوَاضُعِهَا وَشَكَرَهَا اللَّهُ بِالْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَأَصْحَابِهِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام): مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالٰی؛ [کامل زیارات، ص 455، ح 690؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص

[516]

صفوان جمال نقل کرد که حضرت صادق (علیه السلام) می فرمودند: خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین ها و آب ها را بر بعضی دیگر تفضیل و برتری داد، پاره ای تفاخر و تکبر نموده و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند، از این رو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت؛ زیرا تواضع و فروتنی در مقابل خدا را ترک کردند، حتی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلط کرد و به «زمزم» آبی شور وارد نمود تا طعمش فاسد گردید.

اما زمین کربلا و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند متعال، مقدس و پاکیزه شان نمود و به آنها برکت داد و سپس به آن زمین فرمود:

سخن بگو به آنچه خدا تو را به آن فضیلت داده، مگر نبوده که زمین ها و آب ها بعضی بر

.....

برخی دیگر تفاخر و تکبر نمودند؟!

زمین کربلا عرضه داشت: من زمین خدا هستم که من را مقدس و مبارک آفرید، شفا را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده؛ بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل می باشم، چنانچه بر زمین های دون خود نیز فخر نمی کنم؛ بلکه خدا را شکر و سپاس می کنم. پس خداوند متعال به واسطه ی حسین (علیه السلام) و

اصحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود. سپس حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند:

کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

حدَّثَنِي قُدَامَةُ بْنُ زَائِدَةَ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام): بَلَّغْنِي يَا زَائِدَةُ أَنَّكَ تَزُورُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) أحياناً؟ فقلت: إِنَّ ذَلِكَ لَكَمَا بَلَغَكَ، فَقَالَ لِي: فَلِمَاذَا تَفْعَلُ ذَلِكَ وَلَكَ مَكَانٌ عِنْدَ سُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يَحْتَمِلُ أَحَدًا عَلَى مَحَبَّتِنَا وَتَفْضِيلِنَا وَذِكْرِ فَضَائِلِنَا وَالْوَجَابِ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنْ حَقِّنَا؟ فقلت: وَاللَّهِ مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَا أَحْفِلُ بِسَخَطِ مَنْ سَخَطَ، وَلَا يَكْبُرُ فِي صَدْرِي مَكْرُوهٌ يَنَالُنِي بِسَبَبِهِ، فَقَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، فقلت: وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ، يَقُولُهَا - ثلاثاً - وأقولُهَا - ثلاثاً - فقال: أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ ثُمَّ أَبْشِرْ، فَلَاخْبِرَنَّكَ بِخَبَرٍ كَانَ عِنْدِي فِي النَّخْبِ الْمَخْزُونَةِ، فَإِنَّهُ لَمَّا أَصَابَنَا بِالطَّفِّ مَا أَصَابَنَا وَقُتِلَ أَبِي (عليه السلام) وَقُتِلَ مَنْ كَانَ مَعَهُ مِنْ وَلَدِهِ وَإِخْوَتِهِ وَسَائِرِ أَهْلِهِ وَحَمَلَتْ حُرْمُهُ وَنَسَاؤُهُ عَلَى الْأَقْتَابِ يَرَادُّ بَنَاءَ الْكَوْفَةِ، فَجَعَلَتْ أَنْظُرَ إِلَيْهِمْ صَرَخِي وَلَمْ يَوَارُوا، فَعَظُمَ ذَلِكَ فِي صَدْرِي وَاشْتَدَّ لَمَّا أَرَى مِنْهُمْ قَلْقِي، فَكَادَتْ نَفْسِي تَخْرُجَ، وَتَبَيَّنَتْ ذَلِكَ مِنِّي عَمَّتِي زَيْنَبُ الْكُبْرَى بِنْتُ عَلِيٍّ (عليهما السلام) فَقَالَتْ: مَا لِي

.....

أراك تجود بنفسك يا بَقِيَّةَ جَدِّي وَأَبِي وَإِخْوَتِي؟! فقلت: وكيف لا أجزع وأهلُعُ وقد

شعائر حسینی 359.

أرى سيدي وإخوتي وعمومتى و ولد عمى وأهلى مخرجين بدمائهم، مرملين بالعري، مسلمين، لا يكفنون ولا يوارون، ولا يعرج عليهم أحد، ولا يقربهم بشر، كأنهم أهل بيت من الديلم والخزر؟! فقالت: لا يجزعنك ما ترى، فوالله إن ذلك لعهد من رسول الله (صلى الله عليه وآله) إلى جدك وأبيك وعمك، ولقد أخذ الله ميثاق أناس من هذه الأمة لا تعرفهم فراعنة هذه الأمة وهم معروفون في أهل السماوات أنهم يجمعون هذه الأعضاء المتفرقة فيوارونها وهذه الجسوم المضرجة، وينصبون لهذا الطفّ علماً لقبر أبيك سيد الشهداء لا يدرس أثره ولا يغفو رسمه على كرور الليالي والأيام، وليجتهدن أئمة الكفر وأشياع الضلالة في محوه و تطيبسه فلا يزداد أثره إلا ظهوراً وأمره إلا علواً، فقلت: و ما هذا العهد وما هذا الخير؟! [كامل الزيارات، پاورقى، ص 444.

بحارالانوار، ج 28، ص 57 و ج 45، ص 179؛ العوالم، ص 362]

قدامه بن زائده از پدرش نقل کرد که حضرت سجاد (علیه السلام) فرمودند:

ای زائده! خبر به من رسیده که گاهی به زیارت قبر ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) می روی؟

عرض کردم: همان طور است که خبر به سمع شما رسیده.

حضرت فرمودند: برای چه مبادرت به چنین فعلی می‌ورزی درحالی که تو نزد سلطان، مکانت و منزلتی داشته و وی کسی است که تحمل ندارد ببیند شخصی به ما محبت داشته، ما را بر دیگران برتری می دهد، فضایل ما را ذکر می کند و حقّی که از ما بر این امت واجب است را رعایت می نماید؟

محضر مبارکش عرض کردم: به خدا سوگند قصدم از این فعل فقط رضایت خدا و رسول خدا بوده و از غضب و سخط کسی که بر من غضب نماید، ترس و وحشتی ندارم و امر

.

مکروهی که از ناحیه‌ی این فعل به من برسد هرگز در سینه ام گران و سنگین نیست و بر من قابل تحمل می باشد.

حضرت فرمودند: تو را به خدا سوگند، امر چنین است؟

عرض کردم: به خدا سوگند، امر چنین است.

حضرت سؤالشان را سه بار تکرار فرموده و من نیز جوابم را سه بار بازگو نمودم.

سپس حضرت فرمودند: بشارت باد ترا، بشارت باد ترا، بشارت باد تو را، لازم شد خبر دهم تو را به حدیثی که نزد من بوده و از احادیث نخبه و برگزیده ای است که جزء اسرار مخزونه می باشد و آن این است: زمانی که در طف (کربلا) آن مصیبت به ما وارد گشت و پدرم (علیه السلام) و تمام فرزندان، برادران و جمیع اهلس که با او بودند کشته شدند، و حرم و زنان آن حضرت را بر روی شتران بی جهاز نشانده و ما را به کوفه برگرداندند، پس به قتلگاه ایشان چشم دوختم و ابدان طاهره‌ی ایشان را برهنه و عریان دیدم که روی خاک افتاده و دفن نشده اند، این معنا بر من گران آمد و در سینه ام اثرش را یافته و هنگامی که از ایشان چنین منظره ای را مشاهده کردم اضطراب و بی آرامی در من شدت یافت به حدی که نزدیک بود روح از کالبدم خارج شود، این هیئت و حالت را وقتی عمه ام زینب کبری، دختر علی بن ابی طالب (علیهما السلام) از من مشاهده نمود فرمود:

این چه حالی است از تو می بینم، ای یادگار جد، پدر و برادرم! چرا با جان خود بازی می کنی؟!

من گفتم: چگونه جزع و بی تابی نکنم در حالی که می بینم سرور، برادران، عموها، پسر عموها و اهل خود را در خون خویش طپیده، عریان و برهنه بوده، جامه هایشان را از بدن

شعائر حسینی 361

بیرون آورده اند، بدون اینکه کفن شده یا دفن گردیده باشند، احدی بالای سرشان نبوده و بشری نزدیکشان نمی شود، گویا ایشان از خاندان دیلم و خزر می باشند؟!

عمه ام فرمود: آنچه می بینی تو را به جزع نیاورد، به خدا سوگند این عهد و پیمانی بوده که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) با جدت (امیرالمؤمنین(علیه السلام)) و پدرت (سیدالشهداء(علیه السلام)) و عمویت (حضرت مجتبی(علیه السلام)) نموده و خداوند متعال نیز از گروهی از این امت که در شمار ستمکاران و سرکشان نمی باشند پیمان گرفته است، ایشان در بین اهل آسمان ها معروف و مشهورند که این اعضای قلم شده را جمع کرده و دفن نموده و این ابدان و اجساد خون آلود را به خاک سپرده و در این سرزمین برای قبر پدرت، سیدالشهداء نشانه ای نصب کرده که اثرش هیچ گاه کهنه و مندرس نشده و گذشت شب و روز آن را محو نمی کند، و بسیاری از رهبران کفر و الحاد و ابناء ضلالت و گمراهی سعی در نابود کردن آن می نمایند اما به جای اینکه رسم و نشانه‌ی آن از بین رود، ظاهرتر و آشکارتر می گردد.

من پرسیدم: این چه عهد و میثاقی بوده و این چه حدیث و خبری می باشد؟
فَقَالَتْ: نَعَمْ، حَدَّثَنِي أُمُّ أَيْمَنَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زَارَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَعَمَلَتْ لَهُ حَرِيرَةً، وَأَتَاهُ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِطَبِيقٍ فِيهِ تَمْرٌ؛ ثُمَّ قَالَتْ أُمُّ أَيْمَنَ: فَأَتَيْتُهُمْ بِعُسٍّ فِيهِ لَبَنٌ وَ زُبْدٌ، فَأَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) مِنْ تِلْكَ الْحَرِيرَةِ، وَشَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَشَرَبُوا مِنْ ذَلِكَ اللَّبَنِ، ثُمَّ أَكَلُوا وَأَكَلُوا مِنْ ذَلِكَ التَّمْرِ وَالزُّبْدِ، ثُمَّ غَسَلَ

رسولُ الله (صلى الله عليه وآله) يده وعلى يصبُّ عليه الماء، فلَمَّا فرغ من غَسْل يده مسح وجهه، ثمَّ نظر إلى عليٍّ و فاطمة والحسن والحسين (عليهم السلام) نظراً عرفنا به السرور في وجهه ثمَّ رَمَقَ بَطْرَفه نحو السماء ملياً، ثمَّ [أنه] وجَّه وجهه نحو القبلة وبسط يديه و دعا ثمَّ خرَّ ساجداً وهو يَنشِجُ فأطال النَّشِج (كذا) وعلا نحيبه وجرت دموعه، ثمَّ رفع رأسه وأطرق إلى الأرض ودموعه تقطر كأنها صوب المطر، فحزنت فاطمة وعليّ والحسن والحسين (عليهم السلام) وحزنت معهم لما رأينا من رسول الله (صلى الله عليه وآله) عليه وآله

.....

وهبناه أن نسأله حتَّى إذا طال ذلك قال له عليٌّ؛ وقالت له فاطمة: ما يُبكيك يا رسول الله لا أبكي الله غينيك فقد أقرح قلوبنا ما نرى من حالك؟!

فقال: يا أخى سررت بكم - وقال مُزاحِم بن عبدالوارث في حديثه ههنا: - فقال: يا حبيبي إننى سررت بكم سروراً ما سررت مثله قطّ وإننى لأنظر إليكم وأحمدُ الله على نعمته على فيكم. إذ هبط على جبرئيل (عليه السلام) فقال: يا محمد (صلى الله عليه وآله) إنَّ الله تبارك وتعالى أطلع على ما فى نفسك وعرف سرورك بأخيك وابنتك وسبطيك فأكمل لك النعمة وهنأك العطية، بأن جعلهم وذرياتهم ومحبيهم وشيعتهم معك فى الجنة، لا يفرق بينك وبينهم، يحبون كما تحبى ويُعطون كما تعطى حتى ترضى وفوق الرضا على بلوى كثيرة تنالهم فى الدنيا ومكاره تصيبهم بأيدى أناس ينتحلون ملئتكم ويزعمون أنهم من أمتك بُراء من الله ومنك خطباً خطباً وقتلاً قتلاً، شتى مصارعهم،

شعائر حسینی..... 363.

نَائِيَةُ قُبُورِهِمْ، خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ لَهُمْ وَلَكَ فِيهِمْ، فَاحْمَدِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَلَى خَيْرَتِهِ وَارْضَ بِقَضَائِهِ.

فَحَمْدُ اللَّهِ وَرِضَايَةُ بِقَضَائِهِ بِمَا اخْتَارَهُ لَكُمْ؛

پس عمه ام فرمود: بلی! ام ایمن برایم نقل نمود که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) روزی از روزها به منزل حضرت فاطمه(علیها السلام) نزول اجلال فرمود و حضرت فاطمه(علیها السلام) برای آن جناب حریره درست کردند و حضرت علی(علیه السلام) طبقی نزد حضرت آوردند که در آن خرما بود. سپس ام ایمن گفت: من نیز قدحی که در آن شیر و سر شیر بود را خدمتشان آوردم. رسول خدا(صلی الله علیه وآله)، امیرالمؤمنین، فاطمه و حسنین(علیهم السلام) از آن حریره میل کرده و سپس همگی آن شیر را آشامیدند و از آن خرما و سر شیر تناول نمودند، بعد امیرالمؤمنین(علیه السلام) آب به روی دست های آن حضرت می ریختند و رسول خدا دست های مبارکشان را شستند. پس از آنکه آن جناب از شستن دست ها فارغ شدند، به پیشانی دست کشیده آن گاه به طرف علی،

....

فاطمه، حسن و حسین(علیهم السلام) نظری که حاکی از سرور و نشاط بوده نموده، سپس با گوشه‌ی چشم به جانب آسمان نگریست، آن گاه صورت مبارک را به طرف قبله کرده و دست ها را گشاد و دعا نمود و پس از آن به حال گریه به سجده رفته و با صدای بلند می گریستند و اشک هایشان جاری بود.

سپس سر از سجده برداشته و به راه افتادند در حالی که اشک های آن حضرت قطره قطره می ریخت، گویا باران در حال باریدن بود. از این صحنه حضرت فاطمه، علی، حسن و حسین(علیهم السلام) محزون شده و من نیز متأثر گشته و اندوهگین شدم اما همگی از

سؤال نمودن پرهیز کرده و از آن حضرت نپرسیدیم که سبب این گریه چیست، تا گریستن آن جناب به درازا کشید، در این هنگام علی و فاطمه (علیها السلام) پرسیدند: چه چیز شما را گریانده ای رسول خدا؟ خدا هرگز چشمان شما را نگریند! قلب ما از این حال شما جریحه دار گردیده!

حضرت فرمودند: ای برادر من! به واسطه‌ی شما مسرور گشتم... مزاحم بن عبدالوارث در حدیث خود به اینجا که می‌رسد، می‌گوید: نقل است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) در جواب امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

ای حبیب من! من به واسطه‌ی شما چنان مسرور و شادمان شدم که تاکنون این طور خوشحال نشده بودم، و به شما نگریستم و خدا را بر نعمت شما که به من داده، حمد و سپاس نمودم، در این هنگام جبرئیل (علیه السلام) بر من فرود آمد و گفت: ای محمد (صلی الله علیه وآله)! خداوند متعال بر آنچه در نهان تو است اطلاع داشته و می‌داند که سرور و شادیت به واسطه‌ی برادر، دختر و دو سبط تو می‌باشد، پس نعمتش را بر تو کامل کرده و عطیه اش را بر تو گوارا نمود؛ یعنی ایشان و ذریه‌ی آنها و دوستان و شیعیانشان را در بهشت با تو همسایه نمود، بین تو و ایشان تفرقه و جدایی نمی‌اندازد، ایشان از عطا‌ی بدون

.....

منت او منتفع شده همان طوری که تو از آن بهره مند می‌شوی و به آنها اعطا می‌شود، همان طوری که به تو اعطا می‌گردد تا آن جایی که راضی و خشنود شده؛ بلکه فوق رضایت ایشان و به تو حق تعالی عنایت می‌فرماید، و این لطف و عنایت در مقابل آزمایش

شعائر حسینی.....365.

و ابتلائات بسیاری است که در دنیا متوجه ایشان شده و ناملایماتی که وسیله‌ی مردم و آنهایی که از ملت و کیش تو می باشند و خود را از امت تو پنداشته در حالی که از خدا و از تو بسیار دور هستند به ایشان می رسد، گاهی ضربه های شدید و غیر قابل تحمل از ناحیه‌ی این گروه متوجه ایشان شده و زمانی با قتل و کشتار ایشان مواجه می گردند. قتلگاه ها ایشان مختلف و پراکنده، و قبورشان از یکدیگر دور می باشد، خیرجویی نما از خدا برای ایشان و برای خودت. حمد و سپاس خدای عز وجل و آنها بر خیرش و راضی شو به قضای او، پس حمد خدای به جا آورده و راضی شدم به قضایش به آنچه برای شما اختیار فرموده.

ثم قال لي جبرئيل: يا محمد إن أخاك مضطهدٌ بعدك مغلوبٌ على أمتك متعوبٌ من أعدائك، ثم مقتولٌ بعدك يقتله أشرُّ الخلق والخلِقة، وأشقَى البرية، يكون نظيرَ عاقرِ الناقة ببلد تكون إليه هجرته و هو مغرَسٌ شيعه و شيعة ولده، وفيه على كلِّ حالٍ يكثر بلواهم ويعظم مُصابهم، وإنَّ سبطك هذا - وأومي بيده إلى الحسين(عليه السلام) - مقتولٌ في عصابة من ذُرِّيَّتِكَ وأهل بيتك وأخيار من أمتك بضفة الفرات بأرض يقال لها: كربلاء، مِن أجْلِها يكثر الكُرب والبلاء على أعدائك وأعداء ذُرِّيَّتِكَ في اليوم الذي لا ينقضي كُربُه، ولا تَفنى حُسرتُه، وهي أطيب بقاع الأرض، وأعظمها حُرمةً، يُقتل فيها سبطك وأهلُه، وأنها مِن بطحاء الجَنَّة، فإذا كان ذلك اليوم الذي يُقتل فيه سبطك وأهلُه، وأحاطت به كتائبُ أهل - الكفر واللَّعنة، تَزَعزعتِ الأرضُ من أقطارها ومادتِ الجبال

.....

اضطرابها واصطفقت البحار بأمواجها، وماجت السماوات بأهلها غضباً لك يا محمد ولذريتك، واستعظاماً لما يُنتهك من حُرمتك، ولشراً ما تكافى به في ذريتك وعترتك، ولا يبقى شيء من ذلك إلا استأذن الله عز وجل في نُصرة أهلک المستضعفين المظلومين الذين هم حجة الله على خلقه بعدك. فيوحى الله إلى السماوات والأرض والجبال والبحار ومن فيهن: إني أنا الله؛ الملك القادر الذي لا يفوته هارب ولا يعجزه ممتنع، وأنا أقدر فيه على الانتصار والانتقام، وعزتي وجلالي لأعذب من وتر رسولي وصفي؛ وانتَهك حُرمتَه وقَتَلَ عترته ونَبَذَ عَهْدَه وظَلَمَ أهل بيته عذاباً لا أعذبه أحداً من العالمين، فعند ذلك يضيح كل شيء في السماوات والأرضين بلعن من ظلم عترتك واستحل حُرمتك، فإذا برزت تلك العصابة إلى مضاجعها تولى الله عز وجل قبض أرواحها بيده وهبط إلى الأرض ملائكة من السماء السابعة معهم آية من الياقوت والزمرّد مملوءة من ماء الحياة، وحُلُّ من حُلِّل الجنة وطيب من طيب الجنة، فغسلوا جثثهم بذلك الماء وألبسوها الحلل، وحطّوها بذلك الطيب، وصلت الملائكة صفّاً صفّاً عليهم، ثم يبعث الله قوماً من أمّتك لا يعرفهم الكفار لم يشركوا في تلك الدماء بقول ولا فعل ولا نيّة، فيوارون أجسامهم ويسيرون رسماً لقبر سيّد الشهداء بتلك البطحاء، يكون علماً لأهل الحقّ و سبباً للمؤمنين إلى الفوز، وتحفّه ملائكة من كلّ سماء مائة ألف ملك في كلّ يوم وليلة، ويصلّون عليه ويطوفون عليه ويسبحون الله عنده ويستغفرون الله لمن زاره، ويكتبون أسماء من يأتيه زائراً من أمّتك مُتقرباً إلى الله تعالى وإليك بذلك، وأسماء آبائهم وعشائريهم وبلدانهم، ويوسمون في وجوههم بميسم نور عرش الله: «هذا زائر قبر خير الشهداء وابن خير

الأنبياء» فإذا كان يوم القيامة سطع في وجوههم من أثر ذلك الميسم نور تغشى منه الأبصار يدلُّ عليهم ويعرفون به، وكأني بك يا محمد بيني وبين ميكائيل، وعلى أماننا، و معنا من ملائكة الله ما لا يحصى عددهم، ونحن نلتقط من ذلك الميسم في وجهه من بين الخلائق، حتى ينجيهم الله من هول ذلك اليوم وشدائده، وذلك حكم الله وعطاؤه لمن زار قبرك، يا محمد أو قبر أخيك أو قبر سيّطيك لا يريد به غير الله عزّ وجلّ، وسيجتهد أناس ممّن حقّت عليهم اللّعة من الله والسخط أن يغفوا رسم ذلك القبر ويمحو أثره، فلا يجعل الله تبارك و تعالى لهم إلى ذلك سبيلاً. ثم قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): فهذا أبكاني وأحزنني؛ [كامل الزيارات، ص 444]

سپس جبرئیل به من گفت:

ای محمد! برادرت پس از تو منکوب و مغلوب امت قرار گرفته و از دشمنانت در تعب و رنج واقع می شود، و بعد از تو او را بدترین مخلوقات و شقی ترین مردم می کشد، قاتل آن حضرت نظیر پی کننده ی ناقه ی صالح است، وی به منظور انجام این کار به شهری هجرت می کند که آن شهر محل نشو و نمای شیعه و پیروان آن حضرت و فرزندش می باشد، در آن شهر ابتلائات ایشان (اهل بیت(علیهم السلام)) بسیار، و مصیبت به ایشان عظیم می باشد، و این سبط شما (جبرئیل با دست اشاره به حضرت حسین(علیه السلام) نمود) با جماعتی از فرزندان و اهل بیت شما و نیکانی از امت در کنار فرات واقع در سرزمینی که به آن «کربلا» می گویند کشته می شود.

368.....شعائر حسینی

کربلا را از این جهت کربلا گویند که حزن و بلاهایی که از دشمنان شما و دشمنان فرزندان شما در روزی که حزن و اندوهش تمام شدنی نبوده و حسرت آن زوال پذیر نیست، به عمل می آید، بسیار و زیاد می باشد.

این زمین پاکیزه ترین اماکن واقع بر روی زمین بوده و احترامش از تمام بقاع بیشتر است، در

.

آن، سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند.

کربلا از زمین های بهشت است، هرگاه روزی که در آن سبط تو و اهل بیتش کشته می شوند فرا برسد و لشکر اهل کفر و لعنت او را احاطه نمایند، به جهت غضب به خاطر تو و فرزندان، ای محمد! و به منظور بزرگ شمردن هتک حرمت و تقبیح نمودن کرداری که نسبت به ذریه و عترت انجام شده، زمین بلرزد و کوه ها کشیده و اضطراب و جنبششان زیاد شود و امواج دریاها متلاطم گردد و آسمان ها اهلشان را به هم بریزاند، و از زمین، کوه ها، دریاها و آسمان ها چیزی باقی نمی ماند مگر آنکه از حق تعالی اذن می خواهند که اهل تو را، که مستضعفین و مظلومین بوده و حجت های خدا بعد از تو بر خلائق هستند را نصرت و یاری کنند، پس خداوند به آنها و موجودات در آنها وحی کرده و می گوید:

منم خداوند متعال، سلطانی که قادر است و کسی نتواند از او بگریزد. در توان هیچ خصم و دشمنی نیست که او را عاجز و ناتوان کند، من بر یاری کردن دوستانم قادر، و بر انتقام گرفتن از دشمنان متمکن هستم. به عزت و جلال خود قسم، آنان را که رسولم را تنها گذارده و برگزیده ام را رها کرده و حرمتش را هتک نموده و فرزندانش را کشته و عهدش را

شعائر حسینی.....369

نقض و زیر پای نهاده و به اهل بیتش ستم کرده اند، عذابی کنم که احدی از عالمیان را چنین عذابی نکرده باشم.

در این هنگام تمام موجودات سماوی و ارضی به ضجه درآمده و آنان که به عترت ستم کرده و هتک حرمتت را روا داشته اند را لعن و نفرین می کنند.

و هنگامی که آن جماعت (فرزندان، اهل بیت و نیکان از امت) به طرف گورها و قبرهایشان نمایان می شوند، حق تعالی خودش متولی قبض ارواح آنها به ید قدرتش شده و فرشتگان را از آسمان هفتم به زمین فرو فرستاده در حالی که با ایشان:

1. ظروفی از یاقوت و زمرد بوده، که مملو از آب حیات می باشند.

.

2. حله هایی از حله های بهشتی.

3. عطری از عطرهای بهشتی.

می باشد. پس فرشتگان بدن های ایشان را با آن آب ها شستشو داده و حله ها را به تن آنها کرده و با آن عطرها حنوط شان نموده و دسته دسته برایشان نماز می خوانند و پس از اتمام نماز، حق تعالی گروهی از امت که کفار، ایشان را نمی شناسند و در خون شهدا نه با گفتار و نه با کردار و نه با قصد شرکت کرده اند را گسیل داشته تا اجسام و ابدان آنها را دفن کنند و برای قبر سید الشهداء در آن سرزمین اثری نصب کرده تا برای اهل حق نشانه ای بوده و برای اهل ایمان سببی برای رستگاری باشد و در هر روز و شب از هر آسمانی صد هزار فرشته گرداگرد آن طواف کرده، و بر آن حضرت صلوات فرستاده و نزد قبرش تسبیح خدا گفته و برای زائرین آن جناب طلب آمرزش کرده و اسامی زائرین از امت را که قربه الی الله، آن حضرت را زیارت می کنند و نیز اسماء پدران، خویشاوندان و

شهرهای ایشان را می نویسند و در صورت های ایشان بامدادی که از نور عرش الهی است، این عبارت را نقش می بندند: «این شخص زائر قبر بهترین شهداء و زائر قبر فرزند بهترین انبیاء می باشد.

در روز قیامت از اثر این مداد، نوری ساطع شده که از پرتوش چشم ها تار می گردد و با این نور شناخته می شوند، و گویا تو ای محمد! بین من و میکائیل قرار گرفته و علی جلوی ما بوده و همراهان فرشتگانی حرکت می کنند که از کثرت، عدد ایشان معلوم نیست و به وسیله ی همین نوری که در صورت های ایشان هست، آنها را از بین خلایق دریافته و جدا می کنیم و بدین ترتیب حق تعالی ایشان را از هول و وحشت آن روز و سختی های آن، نجات می دهد و این حکم خدا است در حق کسانی که قبر تو را ای محمد، یا قبر برادرت یا قبر دو سبط تو را زیارت کرده باشند و البته گروهی از مردم که مستحق لعنت، سخط و غضب الهی هستند خواهند آمد که در محو کردن رسم و نشانه این قبر سعی کرده، و می کوشند

آن را از

.....

بین ببرند اما خداوند قادر، به ایشان چنین توانی را نخواهد داد.

سپس رسول خدا(صلی الله علیه وآله) فرمودند: این خبر من را گریاند و اندوهگین نمود.

قالت زینب: فلما ضرب ابن ملجم لعنه الله أبي(عليه السلام) و رأيت عليه أثر الموت منه قلت له: يا أبة حدثتني أم أيمن بكذا و كذا، وقد أحبيت أن أسمعه منك، فقال: يا بنية الحديث كما حدثتني أم أيمن، وكأني بك وبينات أهلك سبائا بهذا البلد أذلاء خاشعين تخافون أن يتخطفكم الناس؛ فصبراً صبراً، فوالذي فلق الحبة وبرء النسمة ما لله على ظهر الأرض يومئذ ولي غيركم و غير محبيكم و شيعتكم، و لقد قال لنا رسول

شعائر حسینی.....371

الله (صلی الله علیه وآله) حین أخبرنا بهذا الخبر: أَنَّ إبليس لعنه الله فی ذلك اليوم یطیرُ
فَرَحاً فِی جَوَلِ الْأَرْضِ كُلِّهَا بِشِیَاطِینِهِ وَعَقَارِیَّتِهِ فِیَقُولُ: یا معاشِرَ الشَّیَاطِینِ قَدْ أَدْرَكْنَا مِنْ
ذُرِّیَةِ آدَمَ الطَّلَبَةَ وَبَلَّغْنَا فِی هَلَاکِهِمُ الْغَايَةَ وَأُورَثْنَاهُمُ النَّارَ إِلَّا مَنْ اعْتَصَمَ بِهَذِهِ الْعِصَابَةِ،
فَاجْعَلُوا شِغْلَكُمْ بِتَشْكِیکِ النَّاسِ فِیهِمْ وَحَمْلِهِمْ عَلَى عِدَاوَتِهِمْ، وَإِغْرَائِهِمْ بِهِمْ وَأُولِیَائِهِمْ
حَتَّى تَسْتَحْکَمُوا [وَأ] ضَلَالَةَ الْخَلْقِ وَكُفْرَهُمْ، وَلَا یَنْجُو مِنْهُمْ نَاجٌ، وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَیْهِمْ
إِبْلِیسُ وَهُوَ كَذُوبٌ، أَنَّهُ لَا یَنْفَعُ مَعَ عِدَاوَتِكُمْ عَمَلُ صَالِحٍ وَلَا یُضُرُّ مَعَ مَحَبَّتِكُمْ
وَمَوَالَاتُكُمْ ذَنْبٌ غَیْرُ الْكِبَائِرِ؛

قال زائدة: ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَام) بَعْدَ أَنْ حَدَّثَنِي بِهَذَا الْحَدِيثِ: خَذَهُ
إِلَيْكَ، أَمَا لَوْ ضَرَبْتَ فِی طَلَبِهِ إِبَاطَ الْإِبْلِ حَوْلًا لَكَانَ قَلِيلًا؛ [كامل الزيارات، ص 444،
بحار الانوار، ج 45، ص 183]

حضرت زینب (علیها السلام) فرمود: زمانی که ابن ملجم پدرم را ضربه زد و من اثر مرگ را
در آن حضرت مشاهده کردم محضرش عرضه داشتم: ای پدر! ام ایمن برایم حدیثی چنین
و چنان نقل نمود، دوست دارم حدیث را از شما بشنوم.

.

پدرم فرمود: دخترم! حدیث همان طوری است که ام ایمن نقل کرده، گویا می بینم که تو و
دختران اهل تو در این شهر به صورت اسیران درآمده، خوار و منکوب می گردید، هر لحظه
هراس دارید که شما را مردم برابند، بر شما باد به صبر و شکیبایی! سوگند به کسی که
دانه را شکافته و انسان را روی زمین آفریده، کسی غیر از شما و غیر از دوستان و پیروانتان
نیست که ولی خدا باشد و هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) این خبر را برای ما

نقل می نمودند، فرمودند: ابلیس در آن روز از خوشحالی به پرواز در می آید، پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت هایش را فرا خوانده و به آنها می گوید:

ای جماعت شیاطین! طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفته و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیده و آتش دوزخ را نصیب ایشان نمودیم مگر کسانی که به این جماعت (مقصود اهل بیت پیغمبر(صلی الله علیه و آله)) پیوندند، از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در بین مردم تشکیک ایجاد کرده و آنها را بر دشمنی ایشان وادارید تا بدین وسیله گمراهی مردم و کفرشان مسلم و محقق شده و نجات دهنده ای بر ایشان بهم نرسد، ابلیس با اینکه بسیار دروغگو و کاذب است این کلام را به ایشان راست گفت، وی به آنها اطلاع داد.

اگر کسی با این جماعت (اهل بیت(علیهم السلام)) عداوت داشته باشد، هیچ عمل صالحی برایش نافع نیست چنانچه اگر با ایشان محبت داشته باشد هیچ گناهی غیر از معاصی کبیره ضرری به او نمی رساند.

زائده می گوید، سپس حضرت سجاد (علیه السلام) پس از نقل این حدیث برایم فرمودند: این حدیث را بگیر و ضبط کن، اگر در طلب آن یک سال شتر می دواندی و در کوه و کمر به دنبال آن تفحص می کردی، به تحقیق کم و اندک بود.

اطعام در مجالس اهل بیت (علیهم السلام)

اسراف در مجالس اهل بیت (علیهم السلام) وجود ندارد

یکی از مؤمنین اخیار به نام حاج صادق رفیعی می گوید: یکی از آقایان طلبه به مجلس ما آمد و از من اجازه خواست که میکروفون مجلس را به دست او دهم تا چند جمله ای با مردم صحبت کند. از حرف های آن آقا معلوم شد که از طعامی که شب های محرم توزیع می شود گله مند است و حتی به آشپزها تذکر داد که این قدر غذا پخت نکنید. آن شب گذشت تا آنکه خدا توفیق داد خدمت فقیه مقدس، میرزا/جواد تبریزی (قدس سره) در قم رسیدم و از ایشان مسئله را سؤال کردم که ما شب های وفیات و به خصوص شهادت سیدالشهدا (علیه السلام) اطعام می کنیم و غذاها زیاد می آید که مردم با خود می برند یا تقسیم می کنیم و در هر حال غذایی که پخته می شود بیشتر از تعداد حضار است. آقای رفیعی می گوید: مرحوم میرزا/ (قدس سره) در حالی که اشک در چشمانشان حلقه زد فرمود: «پخت اضافه در مجالس عزای اهل بیت (علیهم السلام)» به خصوص ایام محرم و صفر هیچ گونه اشکالی ندارد. ما برای مجالس اهل بیت (علیهم السلام) اسراف نداریم به خصوص برای سیدالشهداء (علیه السلام) بپزید و زیاد بپزید، اگر چه غذا اضافه آید. اطعام، سنت حسنه ای است که مؤمنین در طول

374.....شعائر حسینی

محرم، صفر و وفیات ائمه (علیهم السلام) بدان عمل می کنند و ان شاء الله
مزد آن را در آخرت خواهند گرفت.

فردای قیامت در صفوف خدام امام حسین (علیه السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و خدمت به مجالس اهل بیت (علیهم السلام)
یکی از مسائلی که در محضر مرحوم فقیه مقدس، میرزا جواد
تبریزی (قدس سره) بسیار مطرح می شد، مسئله‌ی کمک تجار به مجالس
سیدالشهداء (علیه السلام) از وجوه شرعیه است، سؤال می کردند آیا جایز
است از وجوه شرعیه در مجالس سیدالشهداء (علیه السلام) مصرف شود یا
خیر؟

مرحوم میرزا (قدس سره) با این مسئله طوری برخورد می کردند که
تجاری که برای سؤال خدمتشان می رسیدند با چشمان گریان از
مجلس خارج می شدند، و عظمت کمک به مجالس سیدالشهداء (علیه
السلام) بر آنان روشن می شد. مرحوم میرزا (قدس سره) می فرمودند: «چرا
شما که متمکن هستید و خدا به شما این قدرت را داده، نمی خواهید
به واسطه‌ی صرف وجوه، فردای قیامت در صف خدام امام حسین (علیه
السلام) قرار گیرید. باب امام حسین (علیه السلام)، باب مخصوصی است که
هرکس را توفیق عبور از آن نیست. ما سال ها درس خواندیم و شب و
روز زحمت کشیدیم، سرانجام امید ما، به عنایت اهل بیت (علیهم
السلام) است، به سیدالشهداء (علیه السلام) است، به حضرت فاطمه‌ی
زهرا (علیها السلام) و امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) که دست

ما را بگیرند تا حداقل جزء عزاداران آن بزرگواران به حساب بیاییم. سیدالشهداء(علیه السلام) هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما نمی خواهید از دارایی خود تبرع داشته باشید تا مجلس عزاداری سالار شهیدان با شکوه برگزار شود؟ زنده نگاه داشتن وقایع کربلا و برگزاری مجالس، موجب زنده نگاه داشتن دین می شود. فرزندان خود را حسینی بار بیاورید، شما اگر می خواهید (ان شاء الله) مورد شفاعت آن بزرگوار قرار بگیرید، از مال خود انفاق کنید و کمک کنید که عزاداری ها با شکوه برگزار شود و مقداری از سرمایه ی خود را، که خدا به شما عنایت کرده برای این کار اختصاص دهید تا فردا رو سفید باشید. اعمال صالح ذخیره کنید که از جمله ی آن اعمال همین کمک به هیئات مذهبی و مجالس اهل بیت(علیهم السلام) است.»

میرزای تبریزی (قدس سره) عاشق زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) عشق عجیبی نسبت به زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) داشتند و هر وقت می دیدند شخصی عازم زیارت عتبات مقدسه ی عراق است، اشک در چشمانش جمع شده و می گفت: «ای کاش خدا این توفیق را نصیب ما کند که زائر امام حسین (علیه السلام) باشیم.» آن گاه از ایامی که در نجف / شرف تشریف داشتند سخن به میان می آوردند و می فرمودند: هر شب جمعه توفیق داشتیم زائر امام حسین (علیه السلام) باشیم که زیارت از افضل اعمال است و زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) علاوه بر آنکه خود اجر و ثواب فراوان دارد، هرکس هم در جهت فرستادن زائر به هر شکل ممکن تلاش کند، مأجور است و موجب تقرب به خداوند متعال می باشد.

تا جوان هستید و توانایی دارید از زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) غافل نباشید که بعدها حسرت نخورید، زائرین سیدالشهدا (علیه السلام) جایگاه خیلی خوبی را دارند. با معرفت آن بزرگوار را زیارت کنید و از او کمک بخواهید که مقام والایی در نزد خداوند متعال دارد و هر آنچه داشت در راه خدا داد و حافظ زحمات رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شد. او مشاهده کرد که عده ای اهل دنیا، سنت رسول خدا (صلی الله علیه

378.....شعائر حسینی

وآله) را از بین برده و تلاش دارند آن را محو کنند. از این رو فرمودند: «فإنَّ السَّنةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ فَإِنْ تَجَبَّيْنَا دَعْوَتِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرِّشَادِ» [تاریخ الطبری، ج 4، ص 266؛ اعیان الشیعه، ج 1، ص 590؛ بحارالانوار، ج 44، ص 340] او جان خود و عده ای از اهل بیت(علیهم السلام) خود را فدا کرد تا حقایق بر دیگران روشن شود و دین احیا گردد و از این رو بقای دین به برکت ایثار سیدالشهداء(علیه السلام) است و خداوند به خاطر این ایثار آن مرتبه‌ی والا را به سیدالشهداء(علیه السلام) اعطا نمود، و برای زائرینش جایگاه خاصی معین کرد.¹

1. عن أبي عبد الله(عليه السلام) قال: إِنَّ زَائِرَ الْحُسَيْنِ جَعَلَ ذَنْبُهُ جَسراً عَلَى بَابِ دَارِهِ ثُمَّ عَبَّرَهَا، كَمَا يَخْلِفُ أَحَدُكُمْ الْجِسْرَ وَرَأَاهُ إِذَا عَبَّرَ؛ [كامل الزیارات، ص 286، باب 62، ح 462؛ موسوعه احادیث اهل البیت، ج 4، ص 408]
از حضرت صادق(علیه السلام)، روایت شده که فرمودند:
زائر حسین(علیه السلام) گناهانش را پلی بر درب خانه اش قرار داده که از آن عبور می کند همان طوری که یکی از شما وقتی از پل عبور نمودید آن را عقب سر می گذارید؛
یعنی زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) سبب می شود که گناهان محو و زائل گردند.

شعائر حسینی..... 379.

عن بشیر الدّهان، عن أبی عبدالله(علیه السلام)، قال: إنّ الرّجل لیخرج إلی قبر الحسین(علیه السلام)، فله إذا خرج من أهله بكلّ خُطوة مغفرة ذنوبه، ثمّ لم یزل یقدّس بكلّ خطوة حتّی یأتیه، فإذا أتاه نجاه الله عزّوجلّ فقال: عبدی سلنی أعطک، أدعنی أجبک، أطلب منی أعطک، سلنی حاجتک أقضها لک، قال: وقال أبو عبد الله(علیه السلام): وحقّ علی الله أن یعطی ما بذل؛[کامل الزیارات، ص 253، باب 49، ح 379 و ص 287، باب 62، ح 463] بشیر دهان، گفت، حضرت صادق(علیه السلام) درباره ی کسی که به زیارت قبر امام حسین(علیه السلام) می رود فرمودند:

وی هنگامی که از اهلش جدا می شود به هر قدمی که بر می دارد گناهانش آمرزیده می شود،

.

و به هر قدمی تقدیس و تنزیه شده تا به قبر مطهر می رسد، وقتی به آنجا رسید خداوند متعال او را خوانده و می فرماید:

بنده ی من از من سؤال کن تا به تو اعطا کنم، من را بخوان تا اجابت نمایم، از من طلب نما تا به تو بدهم، حاجتت را از من بخواه تا برآورده نمایم. راوی گفت، امام(علیه السلام) فرمودند:

و حق است بر خدا که آنچه بذل نموده را اعطا فرماید.

عن الحارث بن المغیره، عن أبی عبدالله(علیه السلام) قال: إنّ لله ملائکة موکّلین بقبر الحسین(علیه السلام) فإذا همّ الرّجل بزیارته أعطاهم ذنوبه، فإذا خطا محوها، ثمّ إذا خطا ضاعفوا حسناته، فما تزال حسناته تضاعف حتّی توجب له الجنّة، ثمّ اکتنفوه وقدّسوه

380 شعائر حسینی

وینادون ملائكة السماء أن قدسوا زوّار حبيب حبيب الله، فإذا اغتسلوا ناداهم محمد(صلى الله عليه وآله): يا وفد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة، ثم ناداهم أمير المؤمنين(عليه السلام): أنا ضامن لقضاء حوائجكم ودفع البلاء عنكم في الدنيا والآخرة، ثم اكتنفوهم عن أيمنهم وعن شمائلهم حتى ينصرفوا إلى أهاليهم؛ [كامل الزيارات، ص 287، باب 62، ح 464] حارث بن مغيرة گفت، حضرت صادق (عليه السلام) فرمودند:

خداوند متعال فرشتگانی دارد که موکل قبر مطهر حضرت حسین بن علی(علیهما السلام) می باشند، هنگامی که شخص قصد زیارت آن حضرت را می نماید، خداوند گناهان او را به این فرشتگان اعطا نموده و در اختیار آنها می گذارد و وقتی وی قدم گذارد فرشتگان گناهان او را محو می کنند سپس وقتی قدم بعدی را برداشت حسنات او را مضاعف می نمایند و پیوسته حسنات او را مضاعف کرده تا جایی که بهشت را برای وی واجب می گردانند، سپس اطرافش را گرفته و تقدیس و تنزیهش می نمایند و سپس فرشتگان آسمان را ندا می دهند

.....

که زوار حبيب خدا را تقدیس و تنزیه نمایید و وقتی زوار غسل زیارت نمودند، حضرت محمد(صلى الله عليه وآله) ایشان را ندا داده و می فرماید:

ای مسافرین خدا! بشارت باد شما را که با من در بهشت همراه خواهید بود.

سپس امیرالمؤمنین(عليه السلام) ایشان را ندا داده و می فرماید:

من ضامنم که حوائج شما را برآورده و در دنیا و آخرت بلا و محنت را از شما دور نمایم.

شعائر حسینی 381

پس از آن فرشتگان دور ایشان حلقه زده و از راست و چپ آنان را در برگرفته تا به اهل و خویشاوندان خود بازگردند.

عن جابر الجعفی، قال: قال أبو عبدالله (علیه السلام) فی حدیث طویل: فإذا انقلبت من عند قبر الحسين (علیه السلام) ناداك مناد لو سمعت مقالته لأقمت عمرک عند قبر الحسين (علیه السلام)، وهو يقول: طوبی لك أيها العبد قد غنمت وسلمت قد غفر لك ما سلف فاستأنف العمل - وذكر الحديث بطوله -؛ [کامل الزیارات، ص 288، باب 62، ح 465 و ص 376، باب 79، ح 621؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 248، ح 11944] جابر جعفی می گوید، حضرت صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی طولانی فرمود:

هنگامی که از نزد قبر مطهر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) برگشتی منادی تو را می خواند، که اگر صدا و گفتارش را می شنیدی حاضر بودی تمام عمر خود را نزد قبر مطهر بگذرانی.

منادی می گوید: ای بنده، خوشا به حال تو! همانا غنیمت بردی و سالم برگشتی، تمام گناهان گذشته ات پاک گردید پس از ابتدا عمل نما...

عن الخیرى، عن الحسين بن محمد القمى، قال: قال أبو الحسن موسى (علیه السلام): أدنى ما يثاب به زائر الحسين (علیه السلام) بشاطى الفرات إذا عرف حقّه وحرّمته وولایته أن يغفر له ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر؛ [کامل الزیارات، ص 263، باب 54، ح 399 و ص 288، باب 62، ح 466] حسین ابن محمد القمى می گوید، حضرت ابوالحسن ...

موسى (علیه السلام) فرمودند:

382..... شعائر حسینی

کمترین ثواب و اجر کسی که حضرت امام حسین(علیه السلام) را در کنار فرات زیارت می کند، مشروط به اینکه حق، حرمت و ولایت آن جناب را بشناسد، این است که گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزند.

عن عبدالله بن یحیی الکاهلی، عن أبي عبدالله(عليه السلام)، قال: من أراد أن يكون في كرامة الله يوم القيامة وفي شفاعته محمد(صلى الله عليه وآله)، فليكن للحسين زائراً ينال من الله الفضل والكرامة وحسن الثواب، ولا يسأله عن ذنب عمله في حياة الدنيا، ولو كانت ذنوبه عدد رمل عالج وجبال تهامة وزبد البحر، إن الحسين (عليهما السلام) قتل مظلوماً مضطهداً نفسه عطشاً هو وأهل بيته وأصحابه؛ [کامل الزیارات، ص 289، باب 62، ح 467؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 237، ح 11921] عبدالله بن یحیی الکاهلی می گوید، امام صادق(علیه السلام)، فرمودند:

کسی که می خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) شاملش گردد، پس باید حسین(علیه السلام) را زیارت کند، چه آنکه بالاترین کرامت حق تعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می شود و از گناهی که در زندگانی دنیا مرتکب شده وی را مورد سؤال و بازخواست قرار نمی دهند، اگرچه گناهانش به تعداد ریگ های بیابان، به بزرگی کوه های تهامه و به مقدار روی دریاها باشد. حسین بن علی(علیهما السلام) در حالی کشته شد که:

اولاً: مظلوم بود.

ثانیاً: نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود.

ثالثاً: خود، اهل بیت و اصحابش تشنه بودند.

الحسن بن راشد، قال: من خرج من بيته يريد زيارة قبر أبي عبدالله الحسين

.....

ابن علی (علیهما السلام) وکلّ الله به ملکاً فوضع إصبعة فی قفاه، فلم یزل یکتب ما یخرج من فیه حتّی یرد الحائر، فإذا خرج من باب الحائر وضع کفّه وسط ظهره ثمّ قال له: أمّا ما مضی فقد غفر لک فأستأنف العمل؛ [کامل الزیارات، ص 289، باب 62، ح 468 و ص 352، ح 605؛ وسائل الشیعة، ج 14، ص 486 ح 19662]

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند:

کسی که از خانه اش خارج شود، به قصد زیارت قبر مطهر حضرت ابا عبدالله حسین (علیهما السلام)، خداوند متعال فرشته ای را بر او می گمارد. پس آن فرشته انگشتش را در پشت او قرار داده و پیوسته آنچه از دهان این شخص خارج شود می نویسد تا به حائر وارد گردد و وقتی از حائر خارج شد کف دستش را وسط پشتش نهاده سپس به او می گوید:

آنچه گذشت، تمام مورد غفران و آمرزش واقع شد، اینک از ابتدا به عمل بپرداز و با همین اسناد.

عن عبدالله بن مسکان، قال: شهدت أبا عبدالله (علیه السلام) وقد أتاہ قوم من أهل الخراسان فسألوه، عن إتيان قبر الحسين (علیه السلام) وما فیه من الفضل. قال: حدّثنی أبی، عن جدّی أنّه کان یقول: من زاره یرید به وجه الله أخرجه الله من ذنوبه کمولود ولدته أمّه وشیعته الملائکة فی مسیره، فرفرفت علی رأسه قد صفّوا بأجنحتهم علیه حتّی یرجع إلی أهله، وسألت الملائکة المغفرة له من ربّه، وغشیته الرحمة من أعنان السماء، ونادته الملائکة: طبت وطاب من زرت، وحفظ فی أهله؛ [کامل الزیارات، ص

عبدالله بن مسکان می گوید:

حضور مبارک امام صادق (علیه السلام) رسیدم در حالی که گروهی از اهل خراسان خدمت آن جناب

مشرف شده بودند. ایشان از آن جناب راجع به زیارت قبر حضرت حسین بن علی (علیهما السلام) و ثوابی که در آن است سؤال نمودند؟

حضرت فرمودند، پدرم از جدم نقل کردند که می فرمودند:

کسی که آن حضرت را صرفاً برای خدا و به قصد قربت زیارت کند، خداوند متعال از گناهان رهايش نموده، و او را همچون نوزادی که مادر زاییده، قرار می دهد، و در طول سفرش فرشتگان مشایعتش کرده و بالای سرش بال های خود را گشوده و با این حال او را همراهی کرده تا به اهلش باز گردد، و نیز فرشتگان از خداوند می خواهند که او را بیمارزد و از اطراف و اکناف آسمان رحمت واسعه ی الهی او را فرا گرفته و فرشتگان ندا کرده و به وی می گویند: پاک هستی و آن کس که زیارتش نمودی نیز پاک و مطهر است و پیوسته وی را بین اهل و خویشانش حفظ می نمایند.

عن محمد البصری، عن أبي عبدالله (عليه السلام)، قال: سمعت أبي يقول لرجل من مواليه وسأله عن الزيارة، فقال له: من تزور ومن تريد به، قال: الله تبارك وتعالى، فقال: من صلى خلفه صلاة واحدة يرید بها الله لقي الله يوم يلقاه وعليه من النور ما يغشى له كل شيء يراه، والله يكرم زواره ويمنع النار أن تنال منهم شيئاً، وإن الزائر له لا يتناهی له دون الحوض، وأمير المؤمنين (عليه السلام) قائم على الحوض يصافحه

شعائر حسینی.....385.

ویرویه من الماء، وما يسبقه أحدٌ إلى وروده الحوض حتى يروى، ثمَّ ينصرف إلى منزله من الجنة، ومعه ملك من قبل أمير المؤمنين يأمر الصراط أن يذلَّ له، ويأمر النار أن لا يصيبه من لفحها شيء حتى يجوزها، ومعه رسوله الذي بعثه أمير المؤمنين (عليه السلام)؛ [كامل الزيارات، ص 238، ح 356؛ جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص 504، ح 4804] محمد بصری می گوید، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: از پدرم شنیدم به یکی از دوستانشان که

.

زیارت (امام حسین (علیه السلام)) سؤال کرده بود می فرمودند:

چه کسی را زیارت می کنی و چه کسی را با این زیارت اراده می نمایی؛ (یعنی با این زیارت قصد تقرب به چه کسی را داری؟) عرض کرد:

مراد و مقصودم خداوند تبارک و تعالی است، (یعنی قصدم تقرب به خدا می باشد).

حضرت فرمودند:

کسی که بعد از زیارت یک نماز خوانده و با این نماز قصد تقرب به خدا را داشته باشد در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه کرده باشد که تمام اشیایی که او را می بینند صرفاً نور مشاهده نمایند و خداوند متعال زوار قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) را مورد اکرام قرار داده و آتش جهنم را از رسیدن به آنها باز می دارد، و زائر در نزد حوض کوثر مقامی بسیار مرتفع و مرتبه ای لا یتناهی دارد و امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در کنار حوض ایستاده اند، با او مصافحه کرده و وی را از آب سیراب می فرماید. و احدی در وارد شدن بر حوض بر وی سبقت نمی گیرد، مگر پس از سیراب شدن او، و پس از سیراب گشتن به جایگاهش در بهشت برگشته در حالی که فرشته ای از جانب امیرالمؤمنین (علیه

السلام) با او بوده که به صراط امر می کند برای وی پائین بیاید و با او مدارا کرده تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنم فرمان می دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند، تا وی از آن گذر کند و نیز همراه او فرستاده ای است که امیرالمؤمنین(علیه السلام) آن را فرستاده اند.

هشام بن سالم، عن أبي عبد الله(عليه السلام) في حديث طويل، قال: أتاه رجل فقال له: يا بن رسول الله هل يزار والدك؟ قال: فقال: نعم، ويصلي عنده، وقال يصلي خلفه ولا يتقدم عليه، قال: فما لمن أتاه؟ قال: الجنة إن كان يأتي به، قال: فما لمن تركه رغبة عنه؟ قال: الحسرة يوم الحسرة، قال: فما لمن أقام عنده؟ قال: كل يوم بألف شهر، قال: فما للمُنْفِق في خروجه إليه والمُنْقِ عنده؟ قال:

.

درهم بألف درهم. قال فما لمن مات في سفره إليه؟ قال: تشيعه الملائكة، وتأتيه بالحنوط والكسوة من الجنة، وتصلّي عليه إذ كفّن، وتكفنه فوق أكفانه وتفرش له الریحان تحته وتدفع الأرض حتّى تصوّر من بين يديه مسيرة ثلاثة أميال، ومن خلفه مثل ذلك، وعند رأسه مثل ذلك، وعند رجليه مثل ذلك، ويفتح له باب من الجنة إلى قبره، ويدخل عليه روحها وريحانها حتّى تقوم الساعة. قلت: فما لمن صلى عنده؟ قال: من صلى عنده ركعتين لم يسأل الله تعالى شيئاً إلاّ أعطاه إياه، قلت: فما لمن اغتسل من ماء الفرات ثمّ أتاه؟ قال: إذا اغتسل من ماء الفرات وهو يريد تساقط عنه خطاياہ کیوم ولدته أمّه، قال: قلت: فما لمن یجهز إليه ولم یخرج لعلّة تصیبه؟ قال: یعطیه الله

شعائر حسيني.....387

بكلّ درهم أنفقه مثل أحد من الحسنات ويخلف عليه أضعاف ما أنفقه، ويصرف عنه من البلاء ممّا قد نزل ليصيبه ويدفع عنه ويحفظ في ماله. قال: قلت: فما لمن قتل عنده جار عليه سلطانٌ فقتله؟ قال: أوّل قطرة من دمه يُغفر له بها كلّ خطيئة وتغسل طينته التي خلق منها الملائكة حتّى تخلص كما خلصت الأنبياء المخلصين، ويذهب عنها ما كان خالطها من أجناس طين أهل الكفر، ويغسل قلبه ويشرح صدره ويملاً إيماناً، فيلقى الله وهو مخلصٌ من كلّ ما تخالطه الأبدان والقلوب، ويكتب له شفاعة في أهل بيته وألف من إخوانه، وتولّى الصلّاة عليه الملائكة مع جبرئيل وملك الموت، ويؤتى بكفنه وحنوطه من الجنّة، ويوسّع قبره عليه، ويوضع له مصابيح في قبره، ويفتح له بابٌ من الجنّة، وتأتيه الملائكة بالطّرف من الجنّة. ويرفع بعد ثمانية عشر يوماً إلى حظيرة القدس، فلا يزال فيها مع أولياء الله حتّى تصيبه النفخة التي لا تبقى شيئاً، فإذا كانت النفخة الثانية وخرج من قبره كان أوّل من يصفحه رسول

.

الله (صلى الله عليه وآله) وأمير المؤمنين (عليه السلام) والأوصياء (عليهم السلام)، ويبشّرونه ويقولون له: ألزمتنا وقيّموناه على الحوض فيشرب منه ويسقى من أحبّ. قلت: فما لمن حبس في إتيانه؟ قال: له بكلّ يوم يحبس ويغتمّ فرحةٌ إلى يوم القيامة، فان ضرب بعد الحبس في إتيانه كان له بكلّ ضربة حوراء، وبكلّ وجع يدخل على بدنه ألف ألف حسنة، ويُمحي بها عنه ألف ألف سيئة ويرفع له بها ألف ألف درجة، ويكون من محدّثي رسول الله (صلى الله عليه وآله) حتّى يفرغ من الحساب فيصافحه حملة العرش

388..... شعائر حسینی

وَيُقَالُ لَهُ: سَلْ مَا أَحْبَبْتَ. وَيُؤْتَى ضَارِبَهُ لِلْحِسَابِ، فَلَا يَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ وَلَا يَحْتَسِبُ بِشَيْءٍ، وَيُؤْخَذُ بِضَبْعَيْهِ حَتَّى يَنْتَهِيَ بِهِ إِلَى مَلِكٍ يَحْبُوهُ وَيَتَحَفَّهُ بِشَرْبَةٍ مِنْ الْحَمِيمِ، وَشَرْبَةٍ مِنَ الْغَسَلِينَ، وَيُوضَعُ عَلَى مَقَالٍ فِي النَّارِ، فَيُقَالُ لَهُ: ذُقْ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ فِيمَا أُتِيتَ إِلَى هَذَا الَّذِي ضَرَبْتَهُ، وَهُوَ وَقَدْ أَلَّفَهُ رَسُولُهُ، وَيَأْتِي بِالْمَضْرُوبِ إِلَى بَابِ جَهَنَّمَ وَيُقَالُ لَهُ: انْظُرْ إِلَى ضَارِبِكَ وَإِلَى مَا قَدْ لَقِيَ فَهَلْ شَفِيتَ صَدْرَكَ وَقَدْ اقْتَصَصَ لَكَ مِنْهُ؟ فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْتَصَرَ لِي وَلَوْلَدِ رَسُولِهِ مِنْهُ؛ [كامل الزيارات، ص 239، ح 357؛ جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص 437]

هشام بن سالم در حدیثی طولانی نقل کرده که شخصی نزد امام صادق (علیه السلام) مشرف شد و به آن جناب عرض کرد: ای پسر رسول خدا (صلی الله علیه وآله)! آیا پدر شما را می توان زیارت کرد؟

حضرت فرمودند: بلی! علاوه بر زیارت، نماز هم نزد قبر می توان خواند. منتها نماز را باید پشت قبر به جا آورد نه مقدم و جلوی آن.

آن شخص عرض کرد: کسی که آن حضرت را زیارت کند، چه ثواب و اجری دارد؟
حضرت فرمودند: اجر او بهشت است مشروط به اینکه به آن حضرت اقتدا کرده و از او تبعیت کند.

.

عرض کرد: اگر کسی زیارت آن حضرت را از روی بی رغبتی و بی میلی ترک کند، چه خواهد دید؟

حضرت فرمودند: روز حسرت (روز قیامت)، حسرت خواهد خورد.

شعائر حسینی..... 389.

عرض کرد: کسی که نزد قبر آن جناب اقامت کند اجر و ثوابش چیست؟

حضرت فرمودند: هر یک روز آن، معادل یک ماه می باشد.

عرض کرد: کسی که برای رفتن و زیارت نمودن آن حضرت متحمل هزینه و خرج شده و نیز نزد قبر مطهر پول خرج کند چه اجری دارد؟

حضرت فرمودند: در مقابل هر یک درهمی که خرج کرده، هزار درهم دریافت خواهد نمود.

عرض کرد: اجر کسی که در سفر به طرف آن حضرت فوت کرده چیست؟

حضرت فرمودند: فرشتگان مشایعتش کرده و از بهشت برای او حنوط و لباس آورده و وقتی کفن شد بر او نماز خوانده و روی کفنی که بر او پوشانده اند، فرشتگان نیز کفن دیگری قرار می دهند، و زیر او را از ریحان فرش می نمایند و زمین را چنان رانده و جلو برده که از جلو فاصله‌ی سه میل طی شده و از پشت و جانب سر و طرف پا نیز به اندازه‌ی همان مقدار مسافت و فاصله منهدم و ساقط می گردد و برای آن دربی از بهشت به طرف قبرش گشوده شده و نسیم و بوی خوش بهشتی به قبر او داخل گشته و تا قیام قیامت بدین منوال خواهد بود.

آن شخص می گوید، محضر مبارکش عرضه داشتم: کسی که نزد قبر نماز بگذارد، اجر و ثوابش چیست؟ حضرت فرمودند: کسی که نزد قبر مطهرش دو رکعت نماز بخواند از خداوند چیزی را درخواست نمی کند مگر آنکه حق جل علی آن را به او اعطا می فرماید. عرض کردم: اجر کسی که از آب فرات غسل کرده و سپس به زیارت آن جناب رود چیست؟ حضرت فرمودند: زمانی که شخص از فرات غسل کرده در حالی که اراده‌ی زیارت آن

.

حضرت را داشته باشد، تمام لغزش ها و گناهانش ساقط و محو شده و وی نظیر آن روزی می باشد که از مادر متولد شده است.

آن شخص می گوید، عرض کردم: اجر کسی که دیگری را مجهز کرده و به زیارت قبر آن حضرت بفرستد اما خودش به واسطه‌ی عارضه و مشکلی که پیش آمده به زیارت نرود چیست؟

حضرت فرمودند: به هر یک دره‌می که خرج کرده و انفاق نموده، حق تعالی به اندازه‌ی کوه احد حسنات برای او منظور فرموده و باقی می گذارد و بر او چند برابر آنچه متحمل شده و بلا و گرفتاری‌هایی که به طور قطع نازل شده تا به وی اصابت کرده را از او دفع می نماید و مال و دارایی او را حفظ و نگهداری می کند.

آن شخص می گوید، عرض کردم:

اجر و ثواب کسی که نزد آن حضرت کشته شود چیست، مثلاً سلطان ظالمی بر وی ستم کرده و او را آنجا بکشد؟

حضرت فرمودند: اولین قطره‌ی خونس که ریخته شود خداوند متعال تمام گناهانش را می آمرزد و طینتی را که از آن آفریده شده، فرشتگان غسل داده تا از تمام آلودگی‌ها و تیره‌گی‌ها پاک و خالص شود همان طوری که انبیای مخلص، خالص و پاک می باشند و بدین ترتیب آنچه از اجناس طین اهل کفر با طینت وی آمیخته شده، زدوده می گردد. و نیز قلبش را شستشو داده و سینه اش را فراخ نموده و آن را مملو از ایمان کرده و بدین ترتیب خدا را ملاقات کرده در حالی که از هرچه ابدان و قلوب با آن مخلوط هستند پاک و منزه می باشد. و برایش مقرر می شود که اهل بیتش و هزار تن از برادران ایمانی خود را بتواند شفاعت کند و فرشتگان با همراهی جبرئیل و ملک الموت، متولی خواندن نماز بر او می گردند و کفن و حنوطش را از بهشت آورده و در قبرش توسعه داده و چراغ‌هایی در آن

.

می افروزند و دربی از آن به سوی بهشت باز می کنند و فرشتگان برایش اشیای تازه و تحفه هایی بدیع از بهشت می آورند و پس از هیجده روز او را به خطیره القدس (بهشت) برده پس پیوسته در آنجا با اولیای خدا خواهد بود تا نفخه ای که با دمیده شدنش هیچ چیز باقی نمی ماند، دمیده شود و وقتی نفخه ی دومی دمیده شد و وی از قبر بیرون آمد، اولین کسانی که با او مصافحه می کنند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اوصیاء (علیهم السلام) بوده که به وی بشارت داده و می گویند: با ما باش! سپس او را کنار حوض کوثر آورده و از آن به او می نوشانند، سپس به هر کسی که او بخواهد و دوست داشته باشد نیز می آشامانند.

آن شخص می گوید، عرض کردم: اجر و ثواب کسی که به خاطر زیارت آن حضرت حبس شده چیست؟

حضرت فرمودند: در مقابل هر روزی که حبس شده و غمگین می گردد، سرور و شادی منظور شده که تا قیامت ادامه دارد و اگر پس از حبس او را زدند در قبال هر یک ضربه ای که به وی اصابت می کند یک حوریه به او داده شده و به ازای هر دردی که بر پیکرش وارد می شود، هزار هزار حسنه ملاحظه گردیده و هزار هزار لغزش و گناه از او محو و زایل گشته و هزار هزار درجه ارتقا داده می شود و از ندیمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محسوب شده تا از حساب فارغ گردد و پس از آن فرشتگانی که حمله ی عرش هستند با او مصافحه کرده و به او می گویند: آنچه دوست داری بخواه!

و زنده ی وی را برای حساب حاضر می کنند، پس هیچ سؤالی از او نکرده و با هیچ چیز اعمالش را نسنجیده و محاسبه نکرده؛ بلکه دو بازویش را گرفته و او را برده و به فرشته ای تحویل داده و آن فرشته به او جرعه ای از حمیم (آب داغ جهنم) و جرعه ای از غسلین

(آب چرک که از پوست و گوشت دوزخیان جاری می باشد) می چشاند و سپس او را روی تکه ای سرخ از آتش قرار داده و به وی می گویند: بجش! چیزی را که دست هایت پیش
پیش
به

.....

واسطه‌ی زدن شخصی که او را زدی برای تو فرستاده اند. کسی را که زدی، پیک و پیام آور خدا و رسول خدا بود و در این هنگام مضروب را آورده و نزدیک درب جهنم نگاه داشته و به او می گویند: به زنده‌ی خود بنگر و به آنچه به سرش آمده نظر نما! آیا سینه ات شفا می یابد؟ این عذابی که به او وارد شده به خاطر قصاص برای تو می باشد، پس می گوید: سپاس خدا را که من و فرزند رسول خدا را یاری فرمود.

عن عبدالله بن بکیر فی حدیث طویل، قال: قال أبو عبدالله (علیه السلام): یا بن بکیر إنَّ الله اختار من بقاع الأرض ستّة: البيت الحرام، والحرم، ومقابر الأنبياء، ومقابر الأوصياء، ومقاتل الشهداء، والمساجد التي يذكر فيها اسم الله، يا بن بکیر هل تدري ما لمن زار قبر أبي عبدالله الحسين (عليه السلام) إن جهله الجاهل، ما من صباح إلا وعلى قبره هاتفٌ من الملائكة يُنادي: يا طالب الخير أقبل إلى خالصة الله ترحل بالكرامة وتأمن الندامة يسمع أهل المشرق وأهل المغرب إلا الثقلين، ولا يبقى في الأرض ملك من الحفظة إلا عطف عليه عند رقاد العبد حتى يسبح الله عنده، ويسأل الله الرضا عنه. ولا يبقى ملك في الهوى يسمع الصوت إلا أجاب بالتقديس لله تعالى، فتشتدُّ أصوات الملائكة فيجيبهم أهل السماء الدنيا، فتشتدُّ أصوات الملائكة وأهل السماء الدنيا حتى تبلغ أهل السماء السابعة، فيسمع أصواتهم النبیون فيترحمون ويصلّون على

شعائر حسینی.....393.

الحسین(علیه السلام) ویدعون لمن زاره؛[کامل الزیارات، ص 241، ح 358؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 247] عبدالله بن بکیر در ضمن حدیثی طولانی می گوید، حضرت صادق(علیه السلام)فرمودند:

ای پسر بکیر! خداوند متعال از بقاع و اماکن روی زمین شش بقعه را اختیار فرموده؛ بیت الحرام و حرم (خود کعبه) مقابر و آرامگاه انبیا و اوصیا و محلی که شهدا برای احقاق حق به

شهادت رسیدند، و مساجدی که در آن نام خداوند عزوجل ذکر می شود. ای پسر بکیر! آیا می دانی اجر کسی که قبر حضرت ابی عبدالله(علیه السلام)الحسین(علیه السلام)را زیارت کند چیست؟

هیچ صبح و بامدادی نیست مگر آنکه هاتفی از فرشتگان بالای قبر آن حضرت فریاد می زند: ای خواستاران خیر! رو کنید به برگزیده ی خدا و کوچ کنید به طرف ارجمند و بزرگی (امام حسین(علیه السلام)) تا بدین ترتیب از ندامت و حسرت در امان باشید.

اهل مشرق و مغرب ندای این هاتف را می شنوند، مگر جن و انس و در زمین هیچ فرشته ای از فرشتگان حافظ و نگهبان در وقتی که بندگان خواب هستند، باقی نمی ماند مگر آنکه به قبر مطهر روی آورده و هجوم می کنند تا در آن مکان مقدس حق تعالی را تسبیح نموده و از درگاه جلالش بخواهند، تا از آنها راضی گردد و هیچ فرشته ای در هوا باقی نمی ماند که ندای هاتف را شنیده، مگر آنکه در جواب آن حق تعالی را تقدیس می کند و بدین ترتیب اصوات و صداهای فرشتگان بلند و قوی شده پس اهل و سکنه آسمان دنیا به آنها جواب داده و در نتیجه اصوات و صداهای فرشتگان و سکنه ی آسمان دنیا تشدید یافته به حدی که طنین آن به اهل و سکنه ی آسمان هفتم رسیده و بدین

394.....شعائر حسینی

ترتیب انبیای عظام صداهای ایشان را استماع کرده، پس بر حضرت امیرالمؤمنین(علیه السلام) رحمت و صلوات فرستاده و زائرین آن حضرت را دعا می کنند.

درب های رحمت الهی

میرزای تبریزی (قدس سره) و علاقه‌ی فراوان به خطبا

ویژگی خاص دیگری که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) داشتند و در افراد دیگر کمتر مشاهده می شد، علاقه‌ی فراوان به خطبا بود. اگر اهل منبر به دیدارشان می آمد و ایشان متوجه می شدند وی خطیب حسینی است، از جای خود بلند شده و سعی می کردند او را نزدیک خود بنشانند، سپس ضمن لبخند از حال آنها سؤال کرده و می فرمودند: «خوشا به حالتان که خادم امام حسین (علیه السلام) هستید. این توفیق بزرگی است که خدا به شما اعطا کرده، من چقدر دوست داشتم یک منبری باشم تا بتوانم در منبر به قضایای اهل بیت (علیهم السلام) خدمت کنم.» مرحوم میرزا (قدس سره) نصیحت می کرد که اهل منبر باید مردم را با قضایای مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر آشنا سازند. من هم زمانی که نجف بودم، در ایام تبلیغ موفق می شدم به مناطق ترک زبان عراق؛ از جمله بشیر سفر کنم و از آن سفرها عنایات بسیاری دیدم و خداوند متعال ابواب رحمت خود را بر من باز کرد. یک خطیب اگر با اخلاص خدمت کند و به مردم آگاهی دهد، علاوه بر مقام رفیعی که در آخرت نصیب او خواهد گردید، در دنیا به کسی محتاج نخواهد شد.

منزلت منبر و خطابه بر مظلومیت سید الشهداء (علیه السلام)

ای کاش من خطیب و منبری سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام)، بودم
جلسه‌ی درس فقه فقیه مقدس، میرزا/جواد تبریزی (قدس سره) در
مسجد اعظم، از امتیاز خاصی برخوردار بود؛ درس پربار و مجتهد
پروری که محل اجتماع عده‌ی بسیاری از فضلالی محترم حوزه بود و
به اعتراف اکثر آنها، درس مرحوم میرزا/قدس سره، مجتهدپرور بود.
امروزه شاگردان آن معظم له افتخار حوزه هستند و هنگامی که ایشان
بر کرسی درس قرار می‌گرفت، با مطرح نمودن فروع مختلف و
استدلال‌های محکم و دقیق، شاگردان را به سوی آموختن و فقیه شدن
هدایت می‌کرد و وجود شاگردان آن مرحوم (قدس سره) دلیل محکمی بر
این ادعا است.

روزی یکی از شاگردان اشکالی را از استاد سؤال کردند. مرحوم
میرزا/قدس سره) جواب دادند. شاگرد اشکال را بار دیگر تکرار کرد،
مرحوم میرزا/قدس سره) دوباره جواب دادند، برای بار سوم (با توجه به
ضیق وقت)، مرحوم میرزا/قدس سره) فرمودند: «جواب باشد بعد از
درس، اشکال مگیر و دیگر گوش بده!» شاگرد اصرار می‌کند، و
مرحوم میرزا/قدس سره) می‌فرماید: «بعد از درس. بس است، صحبت
نکن!» ناگهان شاگرد می‌گوید: «درس محل اشکال است، جلسه‌ی

شعائر حسینی..... 397

روضه خوانی نمی باشد!» مرحوم میرزا/قدس سره سخت ناراحت می شود و در حالی که بغض گلوی ایشان را می گیرد اشک در چشم مبارکشان حلقه زده و می فرماید: «این حرف را زن؛ مقام و منزلت منبر، و خطابه بر مظلومیت سیدالشهداء (امام حسین علیه السلام) بسیار عظیم است، ای کاش منبری امام حسین (علیه السلام) بودم! مقام آنان که در راه نشر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) بر منبر حسینی تلاش می کنند، بسیار والا است و فردا مایه‌ی حسرت دیگران خواهد شد. من دوست داشتم یک خطیب و منبری امام حسین (علیه السلام) باشم تا یک مرجع و مدرس؛ ولیکن صدایم یاری نکرد و امروز در راه نشر معارف علوم آل محمد (صلی الله علیه وآله) تلاش می کنم، که امید است مورد قبول درگاه ایزد منان بوده و رضایت اهل بیت (علیهم السلام) را به دنبال داشته باشد.» ایشان همان گونه که بغض گلوی ایشان را فرا گرفته بود فرمودند: «اگر تمام این تلاش هایی که ما می کنیم، ثوابش به قدر روضه ای حساب شود، کافی است؛ روضه بر ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) جایگاه خاص خود را دارد، که هرکس توفیق آن را نمی یابد.»

مقام و منزلت اهل بیت (علیهم السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) را ذکر کن

حجت الاسلام، شیخ منصوری می گوید: چندین بار توفیق یافتم در دفتر فقیه مقدس راحل میرزای تبریزی (قدس سره) ذکر مصیبتی داشته باشم و به ساحت مقدس اهل بیت (علیهم السلام) عرض ادب کنم. یک روز قبل از اینکه روضه‌ی خود را شروع کنم، خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم و چند دقیقه‌ای جلوس داشتم و از مطالب مختلف که اهل منبر مبتلا به آن هستند سؤال کردم، بعد پرسیدم: «آقا! می‌خواهم منبر بروم و اسم شما را هم ذکر کنم.» شیخ منصوری می‌گوید: «یک دفعه دیدم چهره‌ی میرزا (قدس سره) عوض شد و در حالی که دست خود را بالا و پایین می‌آوردند، فرمودند: «لا شیخنا! لا شیخنا! اسم مرا نیاور. اهل بیت (علیهم السلام) را ذکر کن، منبر جای ذکر نام این بزرگواران است. نام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، و صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) و... منبر جای نقل فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) است. ما که هستیم که ناممان ذکر شود.» شیخ منصوری می‌گوید: این کلام آن قدر دلنشین بود که از آن درس

شعائر حسینی.....399

بزرگی گرفتم و کاشف از عظمت این شخص بزرگوار است که چگونه
با تمام وجود سعی داشت نام اهل بیت (علیهم السلام) مقدم بر همه‌ی امور
باشد و اجازه نمی داد کسی شبهه‌ای ایجاد کند، و خود با تمام وجود
آماده بود تا با بیان و قلم از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) دفاع نماید.

تمام وقت خود را صرف ترویج مذهب

اهل بیت (علیهم السلام) نمایند

میرزای تبریزی (قدس سره) و نصیحت به مبلغین

حجت الاسلام، شیخ سعید سواری می گوید: علاقه‌ی خاصی بین من و فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) ایجاد شده بود و سال ها با ذوق و شوق در درس مرحوم میرزا (قدس سره) شرکت کرده و استفاده‌ی فراوان می کردم، گاهی وقت ها بعد از درس خدمت ایشان می رسیدم و اشکالات خود را مطرح می کردم. آن قدر شیفته‌ی این مرد الهی بودم که تصمیم گرفتم یک روز بعد از درس از ایشان طلب دعا کنم و بگویم که آقا من به شما خیلی علاقه دارم. یک روز بعد از درس خدمتشان رسیدم و ضمن طلب دعا گفتم: «آقا! من به شما خیلی علاقه دارم.» ایشان لبخندی زد و گفت: «شیخنا! من هم تو را دوست دارم، خدا تو را موفق کند.» قبل از رفتن به تبلیغ، خدمت مرحوم میرزا (قدس سره) رسیدم تا مرا نصیحت کنند، بنابراین نزد ایشان رفته و گفتم: «آقا! من در حال سفر به تبلیغ هستم چه می فرمایید؟» استاد بزرگوار (قدس سره) دست مرا گرفت و با حالتی بسیار معنوی که حاکی از ولای سرشار مرحوم میرزا (قدس سره) بود گفت: «شیخنا! تمام توان خود را در جهت نشر معارف، فضایل و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)

شعائر حسینی.....401

به کار ببر و فقط در این موارد مردم را ارشاد نما و ضمن تذکر نکات اخلاقی، از طرح مطالب دیگر خودداری کن و با بیان اخلاق، کردار و معارف اهل بیت(علیهم السلام) ضمن راهنمایی مردم، از مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به آنان بگو.

شیخ سواری می گوید: آن قدر مرحوم میرزا(قدس سره) این کلمات را با اخلاص و محبت به اهل بیت(علیهم السلام)، تذکر می داد که من مبهوت کلماتی بودم که از اعماق وجود ادا می شد، واقعاً مرحوم میرزا(قدس سره) استادی بود به تمام معنا، فقدان ایشان ضایعه‌ی بزرگی برای جهان تشیع بود که علی رغم گذشت سالیانی از رحلت آن بزرگوار، هنوز شاگردان ایشان(قدس سره) در حسرت غم فراقش می سوزند.

اجر و پاداش خطبا

اجر منبر سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام)

حجت الاسلام، شیخ نصیر/وی می گوید: من خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم و ایشان چون می دانست بنده خادم حضرت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) هستم مرا بسیار احترام کرده و استقبال گرم نمودند. سؤالی بود که همواره ذهن مرا مشغول کرده بود و دوست داشتم آن را از این مرجع ولایی ببرسم، بنابراین فرصت را مغتنم شمرده و سؤال کردم: «ما خطبا عادتاً وقتی می خواهیم جهت تبلیغ جایی برویم، به خصوص در ایام محرم و صفر یا رمضان، ابتدا متولی مسجد، حسینیه یا کسی که ما را دعوت کرده است، مبلغ را تعیین می کند و می گوید، مدتی که شما منبر می روید فلان مبلغ را می دهیم، و به اصطلاح نرخ منبر ما قبل از شروع مجالس تعیین می شود، بفرمایید ما که قبل از سفر مبلغ منبرمان مشخص است و در مقابل آن پول دریافت می کنیم، آیا این مسئله موجب نمی شود که اجر و ثواب برای ما ثبت نشود؛ زیرا اجر دنیوی ما تعیین می گردد؟» مرحوم میرزا (قدس سره) در حالی که لبخند معناداری زدند، فرمودند: «شما مأجورید و مزد شما محفوظ است، فردای قیامت رو سفید خواهید بود و خود حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) شفیع شما

شعائر حسینی.....403

خواهد بود. شما قرار می گذارید به طور مثال هر روز یک ساعت منبر بروید، آیا تا به حال شده یک ساعت و چند دقیقه منبر بروید؛ یعنی از وقتی که تعیین کرده اید کمی بیشتر شود؟» شیخ نصیر/وی می گوید: گفتم: «بله! اکثر اوقات این طور می شود.» مرحوم میرزا/قدس سره فرمودند: «همین قدر برای شما کافی است که چند دقیقه ای را بدون در نظر گرفتن چیزی، به عشق ائمه(علیهم السلام) منبر را طول می دهید و این مزدش کم نیست، هنیئاً لکم.»

منبری سید الشهدا(علیه السلام) مرضی امام زمان(علیه السلام)

مرجع تقلید یا خادم سید الشهدا(علیه السلام)

حجت الاسلام، شیخ علی دیانی می گوید: به شدت به مرحوم میرزا(قدس سره) علاقه داشتم و ایشان(قدس سره) هم به اینجانب محبت فراوان داشتند و هنگامی که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) را می دیدم، تمام وجودم مملو از شوق می شد. صورتی نورانی داشتند و تواضع، فروتنی و کمال اخلاقی در ایشان متجلی بود. با توجه به علاقه‌ی شدیدی که به این بزرگوار داشتم گاهی بعد از رحلت ایشان(قدس سره) موفق می شدم خواب ایشان را ببینم. یک شب خواب دیدم که مرحوم میرزا(قدس سره) با لباس سفید و صورتی بسیار نورانی در حال حرکت هستند و مردم منتظر نشسته بودند تا نماز جمعه را اقامه کنند. در عالم خواب گفتم، جلو بروم و از ایشان سؤالاتی بپرسم. نزد ایشان رفتم و گفتم: «آقا! بفرمایید که امام زمان(علیه السلام) بیشتر دوست دارند یک طلبه، مرجع تقلید شود یا خادم امام حسین(علیه السلام) (مراد منبری و روضه خوان)؟» یک دفعه دیدم مرحوم میرزا(قدس سره) شروع به گریه نمودند و اشک هایشان جاری شد به طوری که در عالم خواب اشک هایشان را مشاهده می کردم. فرمودند: «امام زمان(علیه السلام) بیشتر دوست دارد یک طلبه، خادم امام حسین(علیه السلام) شود.»

روح ولا، پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع

مواقف مرحوم میرزا (قدس سره) قلم ها را به حرکت درآورد

سید محمود غریفی بحرانی می گوید: با بررسی قرون مختلف پی می بریم که در قرن اخیر، مواقف شجاعانه‌ی فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در دفاع از عقاید برحق تشیع، رد شبهات و بر ملا کردن غرض مشککین، تمام شیعیان غیور صاحب قلم و گفتار را در دفاع از کیان تشیع به حرکت درآورد، به طوری که در این قرن، خطبا و قلم به داستان، مقاله‌ها، جزوه‌ها و کتاب‌های بسیاری تدوین کرده و سعی کردند هر شبهه‌ای را پاسخ دهند، و این همه برکات، مرهون مواقف شجاعانه و منحصر به فرد مرحوم میرزا (قدس سره) در سده اخیر است که قوت قلبی به ولایان داد و آنان را آگاه نمود و موجب تحریک احساسات مخلصین درگاه ولایت شد و با این حرکت الهی، صدها کتاب با عناوین مختلف به چاپ رسید که اکثر آنها حاوی روح ولا، پاسخ به شبهات و دفاع از کیان تشیع هستند.

برای نمونه می توان به کتب تدوین شده در خصوص صدقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) اشاره کرد. قبل از مواقف مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره)، در این خصوص کتب موجود بسیار محدود بود و شاید به 40 عنوان کتاب بیشتر نمی رسید، ولیکن امروزه

بعد از مواقف الهی مرحوم میرزا/قدس سره/ کتبی که تحت عنوان حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) به چاپ رسیده، به صدها جلد می‌رسد و این به برکت آن مدافع راستین فاطمی است که همه چیز خود را با اخلاص تمام در دفاع از کیان تشیع صرف نمود، لحظه‌ای درنگ نکرد و تا آخرین لحظه بر مواقف شجاعانه‌ی خود اصرار داشت و با کتابت استفتائات مختلف در خصوص دفاع از مظلومیت سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام)، ضمن تأکید بر شعائر حسینی آنها را تقویت نموده و نسل ولایی و عاشق اهل بیت(علیهم السلام) را تربیت نمود. روحش شاد باد که هر آنچه توان داشت در راه دفاع از کیان تشیع به کار گرفت.

بگو خادم سیدالشهدا (علیه السلام) هستم

خادم بودن بر سیدالشهدا (علیه السلام) شرف است

حجت الاسلام / اسماعیلی می گوید: خدمت فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم. از آنجا که چندین سال خدمت ایشان افتخار شاگردی را داشتم، تا مرا دیدند بسیار خوشحال شدند و مرا در کنار خود نشانند و سؤال کردند: «شیخ! کجا هستی، پیدایت نیست؟» گفتم: «آقا جان! من به تبریز رفته ام و آنجا مستقر شده ام.» سؤال کردند: «چکار می کنی؟» گفتم: «آقا! عمده‌ی وقتم صرف منبر می شود.» مرحوم میرزا (قدس سره) از من سؤال کرد: «اگر از تو سؤال کنند در تبریز چه می کنی، چه جواب می دهی؟» کمی به فکر فرو رفتم گفتم: «خطابه می خوانم و آخوندی می کنم.» ایشان (قدس سره) به من گفت: «شیخ! هر که از تو سؤال کرد در تبریز چه می کنی، بگو من خادم امام حسین (علیه السلام) هستم و خادم بودن برای سیدالشهدا (علیه السلام)، شرف است و منزلت والایی دارد. خوشا به حالت که به سیدالشهدا (علیه السلام) خدمت می کنی، آینده‌ی تو تضمین شده است. مرا از دعای خیر فراموش نفرما، خداوند به عزت تو بیفزاید.» شیخ / اسماعیلی می گوید: مدتی گذشت، یک روز اواخر شب در تبریز مجلسی داشتم، بعد از پایان مجلس به طرف منزل حرکت کردم، دیدم

عده ای جوان جلوی راهم را گرفتند و چون دیدند معمم هستم، به خاطر حس جوانی شروع به استعمال الفاظی کردند که حاکی از تمسخر آنها بود. بعد از آنکه به آنان نزدیک شدم یکی از آنها با حالت تمسخر گفت: «شیخ! چه کاره ای؟» یاد کلام مرحوم میرزا/قدس سره افتادم که گفت هر که سؤال کرد، بگو خادم حسینم. فوراً گفتم: «من خادم سیدالشهدا(علیه السلام) هستم.» یک دفعه یکی از آنها میان من و دیگر جوانان حائل شد و صدا زد برگردید کاری به شیخ نداشته باشید، این خادم سیدالشهدا(علیه السلام) است. از اینجا بود که به عظمت کلام مرحوم میرزا/قدس سره پی بردم.

عشق به زیارت

ترسیدم که آقا از حال بروند

حجت الاسلام، شیخ حیدر مولی می گوید: بعد از زیارت عتبات مقدسه، به قم مشرف شدم و با توجه به موضع گیری شجاعانه‌ی فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در قضیه‌ی دفاع از حضرت زهرا (علیها السلام) تصمیم گرفتم خدمت ایشان برسم، از این رو در دفتر معظم له حاضر شده و با استقبال گرم مواجه شدم. مرحوم میرزا (قدس سره) همین که فهمید من از روحانیون لبنانی و از خادمان منبر امام حسین (علیه السلام) می باشم، مرا در آغوش گرفت و از وضعیت عراق و به خصوص عتبات سؤال کردند، که زیارت شما چگونه بود و چه مشاهده کردی؟ سفر خود را برای ایشان تشریح کردم و گفتم: «توفیق یافتم که به سرداب حرم «ابوالفضل العباس (علیه السلام)» داخل شوم و منظره‌ی عجیبی مشاهده کردم.» همین که این حرف را زدم، دیدم مرحوم میرزا (قدس سره) چهره اش عوض شد و اشک در چشمانشان جمع گردید و خیره شدند که بینند چه چیزی را مشاهده کردم. برای مرحوم میرزا (قدس سره) نقل کردم که وارد سرداب شدم و آب، دور قبر مطهر را فرا گرفته بود، قبر مطهر حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) درون آب پنهان شده بود. به سقف نگاه کردم، دیدم سقف هیچ

گونه استحکامی ندارد، ولیکن به برکت وجود آن امام فداکار، حرم مطهر حضرت ابوالفضل (علیه السلام) استوار، ثابت و پایرجا است.

ناگهان دیدم مرحوم میرزا/ (قدس سره) اختیار خود را از دست داد و شروع به گریه کرد؛ به طوری که ترسیدم حالشان دگرگون شود. در فکر فرو رفتند و آن قدر منقلب شدند که به نظر می رسید صحنه مقابل چشم ایشان مجسم شده است. در سیمای این مرجع راحل، حب اهل بیت (علیهم السلام) موج می زد، در عشق زیارت می سوخت و اشک ها را پاک می کرد و می فرمود: «حضرت ابوالفضل (علیه السلام) چه فداکاری ها کرد؛ به آن حضرت توسّل کنید که حلال مشکلات است. او دین را به تمام معنا یاری کرد و با فداکاری او در کربلا، امام حسین (علیه السلام) هیچ گاه احساس تنهایی نمی کرد تا اینکه فرمود: «یا حُسَین اَذْرِکْ اَخاک». آن گاه میرزا/ (قدس سره) شروع به اشک ریختن کرد و آرزوی خود را برای زیارت ابراز نمود و فرمود: «ایامی که ما نجف بودیم، هر شب جمعه موفق می شدیم به زیارت امام حسین (علیه السلام) و ابوالفضل العباس (علیه السلام) نائل شویم؛ ولیکن الان این توفیق از ما سلب شده است. آرزو دارم به نجف برگردم و در کنار قبر ائمه (علیهم السلام) درد دل کنم.» اما مرحوم میرزا/ (قدس سره) به دلیل وضعیت امنیتی عراق تا هنگام وفات موفق به سفر به عتبات نشدند. ایشان مصداق بارز

شعائر حسینی.....411

عشق به اهل بیت (علیهم السلام) بوده و سربازی مخلص، فداکار و آماده
برای آن خاندان بودند و تا آخرین لحظات از مبانی حقه‌ی تشیع و
مسلمات مذهب دفاع کردند و در مقابل مشککین ایستادند.

عرض ارادت به ساحت مقدس سیدالشهدا(علیه السلام)

عرض ارادت میرزای تبریزی(قدس سره) به سیدالشهدا(علیه السلام)

یکی از سؤال هایی که همواره از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) پرسیده می شد و به صورت شبهه درآمده بود، در خصوص وقایعی است که اهل منبر ضمن مصائب اهل بیت(علیهم السلام) نقل می کنند و به اصطلاح با طرح آن مقاطع، گریه از مردم می گیرند. مرحوم میرزا(قدس سره) در حالی که اشک می ریختند، در جواب فرمودند: «مصائب اهل بیت(علیهم السلام) از آنچه که ثبت شده عظیم تر است به خصوص مصیبت سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام). اگر خطیب مطلبی را نقل کرد که موجب گریه شد و مردم را به واقعه‌ی کربلا نزدیک کرد مانعی ندارد، و در همان جا اشاره به مصدر کند و بگوید در فلان کتاب دیدم، همین مقدار کافی است. خطبا گاهی در مصائب خود، نقل حال می کنند و این امر مردم را منقلب می کند. طبیعی است وقتی علی اکبر(علیه السلام) به میدان می رود، وصف حالی بر سیدالشهدا(علیه السلام) وجود دارد و همچنین وقتی گلوی علی اصغر(علیه السلام) بر دستان سیدالشهدا(علیه السلام) به واسطه‌ی حرمله‌ی ملعون مورد هدف قرار می گیرد عرض حال دارد و خروج سیدالشهدا(علیه السلام) به میدان و وداع آخر و ملاقات با زینب(علیها

شعائر حسینی.....413

السلام) در آخرین لحظات، خود مناظری بسیار دردناکی است که خطیب
آن را به شکل گفتگو، به نقل حال در می آورد و مصیبت می خواند.»

مَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

هر گامی در راه امام حسین (علیه السلام) اجر و ثواب دارد

یکی از شاگردان مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می گوید:

من شبها فراوانی در خصوص شعائر حسینی برایم به وجود آمده بود و هر روز بعد از درس نزد فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) می رفتم و شبها در خصوص عزای حسینی را مطرح می کردم. به وضوح در چهره‌ی ایشان مشاهده کردم که چگونه با شنیدن اینکه بعضی شبه افکنی می کنند، می سوخت و اشک در چشمان مبارکشان حلقه می زد و با آرامش و با قاطعیت جواب می دادند. جواب های قوی و محکم موجب شده بود که هر روز شبها جدید را جمع آوری کرده و از آن بزرگوار سؤال می کردم و ایشان با تمام وجود و با حوصله حرف های مرا گوش داده و جواب می دادند. طی این چند روزی که خدمت ایشان می رسیدم، ندیدم حتی یک مورد از موارد مشهوری که عوام در عزاداری انجام می دهند را رد نماید و برایم بسیار عجیب بود. بعد از آنکه مرحوم میرزا (قدس سره) دیدند من مرتب سؤال می کنم، دست مرا گرفت و گفت: «شیخنا! بس است، هر گامی برای امام حسین (علیه السلام) بردارید، اجر و ثواب دارد و کسی به خاطر امام حسین (علیه السلام) مؤاخذه نمی شود. حفظ شعائر سیدالشهدا (علیه

شعائر حسینی.....415

السلام) مصداق بارز (مَنْ يُعَظِّمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)^۱ است و یکی از موارد دال بر حقانیت تشیع، واقعه‌ی کربلا است. امام حسین (علیه السلام) هرچه داشت در راه خدا فدا نمود، شما هم تا آنجا که می‌توانید مجالس و دسته‌های عزاداری را با شکوه برگزار کنید که ان شاء الله عزادار امام حسین (علیه السلام) محشور شوید.»

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة

میرزای تبریزی (قدس سره) و بوسیدن درب مرقد مطهر اهل بیت (علیهم

السلام)

یکی از مناظر بسیار قابل توجه، که از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) صادر شد و همگان را تأثیر عجیب قرار داد، زیارتی بود که مرحوم میرزا (قدس سره) به حرم مطهر حضرت زینب کبری (علیها السلام) و حضرت رقیه (علیها السلام) داشتند. در حال خروج و دخول حرم، ضمن بوسیدن ضریح، درب های ورودی حرم را نیز با شوق کامل می بوسیدند و این منظره ی معنوی، بسیار مؤثر بود.

ایشان می فرمودند: «حضرت زینب کبری (علیها السلام) در واقعه ی کربلا و بعد از آن، انقلابی عظیم ایجاد کرد و با حمایت از برادر مظلوم و شهیدش، سیدالشهدا (علیه السلام) و رساندن خبر ظلم هایی که در حق خاندان اهل بیت (علیهم السلام) در کربلا به دست عمال جور به وقوع پیوست، موجب تثبیت واقعه ی کربلا شد و کسی نتوانست آن جنایت ها را انکار کند و حضرت رقیه (علیها السلام) جگر گوشه سیدالشهدا (علیه السلام) در شام از دنیا رفت تا سند گویای مظلومیت سیدالشهدا (علیه السلام) و خاندانش باشد. به اسارت گرفتن اهل بیت (علیهم السلام) و واقعه ی خرابه ی شام از وقایع غیر قابل انکار است.»

شعائر حسینی.....417

فرزند میرزا/قدس سره) می گوید: میرزا/قدس سره) سعی داشتند بر حرف هایی که گاه گوشه و کنار زده می شد، خط بطلان بکشند و بفهمانند که چگونه در مقابل خاندان اهل بیت(علیهم السلام) باید تواضع کرد. مرحوم میرزا/قدس سره) یک زیارت تاریخی انجام داد و به همه یاد داد که چگونه در مقابل اهل بیت(علیهم السلام) عرض ادب کنند. از مرحوم میرزا/قدس سره) سؤال شد: «شما چرا مثل عوام زیارت می کنید؟» فرمودند: «ضمن آنکه این عمل تسکین قلبی برای خودم است، می خواهم به مردم نشان دهم که چگونه در مقابل این بزرگواران ارادت خود را نشان دهند و به حرف هایی که ممکن است بعضی ها بزنند، توجه نکنند. ما باید تا می توانیم ارادت خود به اهل بیت(علیهم السلام) را نشان دهیم و از آنان کمک بگیریم که آنها کشتی نجات هستند و ما برای قضای حاجات خود باید به آنان متوسل شویم.» (لازم به تذکر است که مرحوم میرزا/قدس سره) به شام سفر کردند و حرم حضرت رقیه(علیها السلام) را با آن شکوه و جلال زیارت کردند تا خط بطلانی بشکند بر افرادی که می گویند: حضرت رقیه(علیها السلام) در حالی که کودک بوده از دنیا رفته و زیارت کردن کودک نیازی نیست و...).

ان للحسین فی قلوب المؤمنین محبة مكنونه

تا این افراد هستند، ماجرای امام حسین(علیه السلام)

زنده و ابدی خواهد بود

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) می گوید: زمانی که ما در اربعین حسینی از نجف با پای پیاده به سمت کربلا حرکت می کردیم، در بین راه مردم با تمام وجود به پیشوازمان آمده و ما را مهمان می کردند. از بسیاری از آنها عذر می خواستم، ولیکن آنان به اصرار ما را مهمان می کردند. هرکس با امکاناتی که داشت از ما استقبال می کرد. در بین راه، شخصی به محض اینکه ما را دید، از دور شروع به دویدن کرد و از ما خواست که در منزل آنان مهمان شویم. از او عذر خواستیم، جلوی ما را گرفت و با تمام وجود گفت: «به حق ابوالفضل العباس(علیه السلام) نمی گذارم بروید! باید امشب مهمان ما باشید.» و هرچه خواستم وی را قانع کنم، قبول نکرد، شروع به گریه کرد و گفت: «مرا از ضیافت زوار امام حسین(علیه السلام) محروم نکنید.» به هر حال، با جمعی که بودیم، دیدیم نمی شود به خواهش و التماس وی جواب منفی داد. به ناچار به سمت منزل این عاشق حسین بن علی(علیهما السلام) حرکت کردیم. تمام اهل خانه با دیدن ما بلند شدند، یک گوسفند ذبح کرده و شام مفصلی آماده کردند. بعد از صرف شام،

شعائر حسینی.....419

رختخواب هایی که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته بود، در اختیار ما قرار دادند. مرحوم میرزا/قدس سره می فرمود: «ببینید مردم چگونه عاشق اباعبدالله الحسین(علیه السلام) هستند. تا اینها هستند، نام و حرکت امام حسین(علیه السلام) زنده خواهد ماند، إِنَّ لِلْحُسَيْنِ مَحَبَّةً مَكْنُونَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ^۱، إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا^۲.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

لباس عزا به تن کردن

میرزای تبریزی (قدس سره) و ایام حزن اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از ویژگی های فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) اهتمام خاص دادن به ایام وفیات، به خصوص حزن صدیقی شهیده (علیها السلام) و سیدالشهدا (علیه السلام) بود به طوری که از چهره و لباس ایشان می شد تشخیص داد که ایام عزاداری است. قبای سیاه به تن می کردند و اجازه نمی دادند در مجلس برایش متکا بگذارند (غیر از آخرین سال عمر که سرما برای ایشان مضر بود، از این رو با اصرار پستی برای ایشان گذاشته می شد تا سرما نخورند) و در مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) همچون باران اشک می ریخت. در شهادت ائمه ای اطهار (علیهم السلام) بسیار ابراز احساسات کرده و به شدت اشک می ریختند و با هیبتی ماتم زده و عزادار در مجلس حاضر شده و خطاب به منبری می فرمودند: «زیاد روضه بخوان!» به گونه ای اشک می ریختند که اطرافیان تحت تأثیر قرار می گرفتند. ایشان می فرمود: «بهترین لحظات زندگی من حضور در مجالس عزاداری و روضه ای اهل بیت (علیهم السلام) است.» از این رو ایشان به هر مناسبتی مجلس عزاداری بر پا نموده و خود نیز از اول تا آخر مجلس شرکت می کردند

شعائر حسینی.....421

و اگر خطیبی خدمت ایشان می رسید، کم اتفاق می افتاد که چند بیتی
در نزد مرحوم میرزا/قدس سره/نخواند و مجالس خصوصی میرزای
تبریزی/قدس سره/ از سه حالت خارج نبود یا بحث علمی بود یا نوشتن
استفتاء یا ذکر مناقب، فضایل و روضه‌ی اهل بیت(علیهم السلام).

عزاداری و عرض ارادت به مقام والای اهل بیت (علیهم السلام)

صورت این جوان عین جزع است

یکی از جوانان کاشان به دفتر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) مراجعه کرد، در حالی که دو طرف صورتش زخم هایی ایجاد شده و خون بر روی آن زخم ها بسته شده بود. به فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) گفت: «آیا آقا این گونه عزاداری، که موجب زخمی شدن صورت می شود را جایز می دانند؟» فرزند مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: به جوان گفتم، بهتر است خود آقا صورت شما را ببیند و نظر دهند (بعضی از جوانان هنگام عزاداری به صورت خود چنگ زده و آن را زخم می نمایند). جوان را نزد مرحوم میرزا (قدس سره) بردم و آن جوان سؤال خود را مطرح کرد. ناگهان اشک در چشمان مرحوم میرزا (قدس سره) حلقه زد و در حالی که دست خود را بر صورت و محل زخم آن جوان قرار دادند، فرمودند: «فرزندم! این عین جزع است. خداوند شما جوانان را در پناه امام زمان (علیه السلام) حفظ کند که شعائر را حفظ می کنید و مصداق بارز عزاداران حسینی هستید. بروید و با اخلاص به اباعبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب کنید که فردای قیامت روسفید خواهید بود. (ان شاء الله) حضرت امام حسین (علیه السلام) تمام هستی خود را در راه خدا فدا نمود و با اهدای خون خود، فرزندان و... شیعه

شعائر حسینی.....423

را بیمه کرد. به دوستانان سلام برسانید و بگویید، در این حرکتی که می کنید، مأجورید و این عزاداری و ابراز اخلاص به درگاه اهل بیت (علیهم السلام) بهترین ذخیره‌ی الهی در قیامت است. مرا هم دعا کنید، من هم برای شما دعا می کنم.» آن گاه مرحوم میرزا/قدس سره در حالی که صورتشان قرمز شده بود و اشک در چشم مبارکشان حلقه زده بود فرمودند: «خوشا به حال این جوانان! خوشا به حال این جوانان!»

مهما شربتم عذب ماء فاذكرونی

السلام عليك يا أبا عبدالله الحسين

یکی از خصوصیات بسیار معنوی و مؤثر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) توسلی است که بعد از آب نوشیدن پیدا می کردند. بارها مشاهده می شد که وقتی آب می نوشیدند، سر مبارک را به سوی آسمان و دست مبارک را بالا برده و در حالی که اشک در چشم ایشان حلقه می زد، می گفتند: «السلام عليك يا ابا عبدالله الحسين (عليه السلام)!» مرحوم میرزا (قدس سره) طوری زندگی می کرد که حس می شد تمام وقایع کربلا جلوی ایشان همواره مجسم است؛ زیرا در هر موردی که شمه ای از مصائب یا وصایای سیدالشهدا (عليه السلام) به میان می آمد، مرحوم میرزا (قدس سره) عکس العمل نشان می داد. از جمله، هنگام نوشیدن آب، که ضمن سلام فرستادن بر سیدالشهدا و یاد تشنگی آن حضرت (عليه السلام)، همگان را متوجه می کردند که «شیعتی مهما شربتم عذب ماء فاذكرونی»^{۱، ۲}.

1. معالی السبطین، ج 1، ص 325.
 2. عن داود الرقی قال: كنت عند أبي عبد الله (عليه السلام): إذ استسقى الماء، فلما شربه رأيته قد استعبر اغرورقت عيناه بدموعه، ثم قال لي: يا داود لعن الله قاتل الحسين (عليه السلام)، فما من عبد شرب الماء فذكر الحسين (عليه السلام) ولعن قاتله إلا كتب الله له مائة ألف حسنة، وحط عنه مائة ألف سيئة، ورفع له مائة ألف درجة،
-

وكانما أعتق مائة ألف نسمة وحشره الله تعالى يوم القيامة ثلج الفؤاد؛ [الكافي، ج 6، ص 391؛ كامل الزيارات، ص 212]

داود رقی می گوید: در محضر مبارک امام صادق (عليه السلام) بودم، حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک گردید سپس به من فرمودند:

ای داود! خدا قاتل حسین (عليه السلام) را لعنت کند، بنده ای نیست که آب نوشیده و حسین (عليه السلام) را یاد نموده و کشنده اش را لعنت کند، مگر آنکه خداوند منان صد هزار حسنه برای او منظور می کند و صد هزار گناه از او محو کرده و صد هزار درجه مقامش را بالا برده و گویا صد هزار بنده آزاد کرده و روز قیامت حق تعالی او را با قلبی آرام و مطمئن محشورش می کند.

عاشق زیارت سیدالشهدا(علیه السلام)

مکاشفه‌ی حضور فقیه مقدس(قدس سره) در کربلای معلی

حجت الاسلام، شیخ حسین مطلبی فشارکی می گوید: من در ماه جمادی الثانی سال 1428، یک شب قبل از شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) موفق شدم در کربلای معلی و در منزل مسکونی مرحوم میرزا(قدس سره) (در کربلا) که نزدیک حرم مطهر می باشد، بیتوته کنم. در حال دعا و ذکر بودم که دخترم، که اهل توسل است و در این جهت موفق می باشد فریاد زد: «بابا! بابا! مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) در اتاق عقبی نشسته است.» دخترم می گفت: «هنگامی که درب اتاق را باز کردم، یک لحظه ایشان را مشاهده کردم که در حال توسل بر روی زمین نشسته بود.» شیخ حسین فشارکی می گوید: من از این مکاشفه متعجب نشدم؛ زیرا که می دانستم مرحوم میرزا(قدس سره) چقدر عاشق سیدالشهدا(علیه السلام) بود و با این مکاشفه برایم روشن شد که روح بلند ایشان در کربلای معلی حضور دارد. اشخاصی مثل ایشان که خود را به تمام معنا فدای مذهب کرده بودند و در مجالس ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) از خود بیخود می شدند و آن گونه اشک می ریختند، حضور روح معنویشان در کربلای معلی بعید نمی باشد و خداوند این عنایت را به مرحوم میرزا(قدس سره) کرده است

شعائر حسینی.....427

که در آن سرزمین حضور یابند. یادش گرامی باد که عاشقانه در
مصائب اهل بیت(علیهم السلام) بی تاب می نمود و گریه های فراوان
می کرد و می فرمود: امام حسین(علیه السلام)، همه چیز خود را در راه
خدا فدا کرد.

عشق به خاندان عصمت و طهارت

میرزای تبریزی (قدس سره)، دل سوخته‌ی خاندان عصمت و طهارت (علیهم

السلام)

حجت الاسلام محمد امین پورامینی می گوید: استاد بزرگوارمان، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) دارای دلی سوخته و مملو از عشق به خاندان عصمت و طهارت بود، به هنگام بیماری به زیارت مرقد شریف حضرت رقیه (علیها السلام) در شام شتافت، و آنجا سخنانی ایراد فرمودند، که ضمن تثبیت فضیلت حضرت رقیه بنت الحسین (علیه السلام) و تأکید بر بودن قبر آن حضرت (علیها السلام) در مکان فعلی، به منحرفینی که درصدد تضعیف زیارت آن حضرت (علیها السلام) تلاش می کردند نیز جواب محکمی دادند، قلب دل سوختگان ولایت را شاد کرده و رونق خاصی به زیارت آن مکان مقدس دادند.

استاد الفقهاء والمجتهدين، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) هنگام زیارت و ورود به مرقد مطهر حضرت رقیه (علیها السلام)؛ (کشور سوریه، شام) دختر امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

یادگیری احکام شرعی و فراگیری مسائل فقهی از برترین کارهاست. شما می دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی، حدودی وجود دارد و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه (دلیل) اقامه

شعائر حسینی.....429

گردد، اما در پاره ای از امور مجرد، شهرت در ثبوت آنها کافی است و نیازی به اقامه ی بینه و یا چیز دیگری وجود ندارد؛ مثل آنکه کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است، از امام (علیه السلام) در مورد حکم این زمین (وقف) سؤال می شود، امام (علیه السلام) فرمودند: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است، خرید آن جایز نیست، و آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و مشعر، (که با شهرت ثابت می شود)، و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والان کسی نباشد که خود، محل دفن وی را در این مکان دیده باشد، اما بین مردم مشهور باشد که در این مکان دفن شده است، این شهرت کافی است. و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین (علیها السلام)، که از اول مشهور بود، گویا سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت (علیهم السلام) و حوادث آن پردازند. این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در میان اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه در این مکان، شهرت قائم است، حضرت، در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارتش شتافتیم، و احترام او را

باید پاس داشت؛ یعنی نگویید که رقیه دختر خردسال بوده، پس زیارتش چه فضیلتی دارد! علی اصغر(علیه السلام) که کودک شیرخواری بود، دارای آن مقامی است که روبه روی حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) در کربلا دفن گردید، گفته اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر، سیدالشهدا، امام حسین(علیه السلام) این کودک خردسال را به دست گرفته و نشان خواهد داد. دفن رقیه، طفل خردسال در شام، گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد؛ آن ستمی که تمام پیامبران، از آدم تا خاتم(علیهم السلام) بر آن گریستند، تا آنجا که خدا عزای امام حسین(علیه السلام) را بر آدم خواند، از این رو احترام این مکان لازم است. به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطلی که می گویند، حضرت رقیه طفلی خردسال بیش نبود پس زیارتش فضیلت ندارد، گوش فرا ندهید. مگر علی اصغر(علیه السلام) کودک خردسال نیست که در روز قیامت شاهی خواهد بود، و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد، ان شاء الله.

بنابراین بر همه واجب است که احترام مقام و مکان حضرت رقیه را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده ای که از گمراهی شیاطین است گوش فرا نداده و اعتنایی نکنند.

شعائر حسینی.....431

ما با زیارت دختر امام حسین (علیه السلام) (حضرت رقیه) به خداوند
متعال تقرب می جوئیم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی
نیز همه مظلوم بودند.

ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام)

علاقه را در قلب مردم بیشتر می کند

میرزای تبریزی (قدس سره) و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام)

همه ساله در نیمه‌ی شعبان، عده‌ای از طلاب ضمن برگزاری مجلس جشن به مناسبت ولادت باسعادت امام زمان (علیه السلام) در مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) قم، یک روز معتکف شده و برنامه‌های متنوع و بامعنوی برگزار می کردند و چند سالی بود که جهت اقامه‌ی نماز صبح روز میلاد حجت بن الحسن العسکری (علیه السلام) از فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) دعوت می نمودند. چند روز قبل از نیمه‌ی شعبان سال 1384 (سال آخر حیات مرحوم میرزا) یکی از عزیزانی که مسئول برنامه‌ی احیای شب نیمه‌ی شعبان بود به دفتر این مرجع فقیه تشریف آوردند و گفتند: می خواهیم ضمن اینکه مرحوم میرزا (قدس سره) توجهی به این مجلس داشته باشند، نماز صبح را هم اقامه کنند. ایشان بعد از حاضر شدن در محضر ایشان (قدس سره) درخواست خود را بیان کردند.

مرحوم میرزا (قدس سره) ضمن تشویق این گروه به این کار عظیم و مسئله‌ی جشن و اعتکاف در مسجد، فرمودند: «من برای نماز حاضر می شوم و کمک هم می کنم که ان شاء الله مجالس با عظمت برگزار

شعائر حسینی.....433

شود؛ البته به شرطی که در مراسم، روضه‌ی مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) نیز خوانده شود.» آن گاه اشک در چشم مبارکشان حلقه زد و در حالی که صدا در گلوی ایشان به لرزه درآمد، فرمودند: «بر مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) اشک بریزند و روضه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را بخوانید.» آن گاه فرمودند: «شاید سؤال کنید که چرا در روز جشن، روضه بخوانیم؟ زیرا آن قدر به اهل بیت (علیهم السلام) ظلم شد که معاندین، روز خوشی را بر ما نگذاشتند، تصور آن صحنه‌ها و آن ظلم‌ها انسان را بی تاب می‌کند. حضرت سیدالشهدا را آن گونه به شهادت رساندند و حتی به طفل شش ماهه هم رحم نکردند و در روی دستان پدرش، او را مورد هدف تیر قرار دادند و گلوی نازکش را شکافتند. امید است با توسل در آن مجلس، امام عصر (علیه السلام) عنایتی بفرماید و خداوند تفضلی کند که شیعه دلشاد شود.»

اهمیت دادن به ایام وفیات ائمه (علیهم السلام)

با اقدام فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

فاطمیه به عاشورای دیگری تبدیل شد

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) همیشه سفارش می کردند که ایام وفیات ائمه (علیهم السلام) با شکوه برگزار شود و تذکر می دادند که مجالس با معنویت و پر محتوا برگزار شود و در شأن خاندان رسالت (علیهم السلام) باشد. ایشان بر عزاداری سنتی تأکید داشتند و در ایام وفیات، به خصوص در ایام شهادت سالار شهیدان، حسین بن علی (علیهما السلام) با اندوه و حزن فراوان وارد مجلس می شدند و همواره آن روزها غمگین بودند و اگر کسی را مشاهده می کردند که می خندد یا مشغول کاری است که مناسب آن روز نیست، تذکر می دادند. از جمله یادگاری های فقیه مقدس، مرحوم میرزا جواد تبریزی (قدس سره) تبدیل فاطمیه ی حضرت فاطمه ی زهرا (قدس سره) به عاشورای دیگر است. ابتدا مردم در شهرهای ایران به ایام فاطمیه، آن بهای خاص را نمی دادند و بیرون آمدن گروه های عزاداری و حرکت هیئات مرسوم نبود؛ بلکه فقط مجالس عزاداری برگزار می شد (آن هم محدود)؛ بعد از موضع گیری مرحوم میرزا (قدس سره) و رد شبهاتی که در خصوص قضیه ی حضرت فاطمه ی زهرا (قدس سره) وارد شده بود، و

شعائر حسینی.....435

بعد از سخنرانی آتشینی که در درس خارج فقه ایراد فرمودند. فاطمیه رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. ایشان برای تثبیت فاطمیه و بیان اهمیت آن، در روز شهادت حضرت(علیها السلام) با جمعی از فضلا، طلاب و مؤمنین با پای برهنه بر روی زمین داغ به سوی حرم حضرت معصومه(علیها السلام) حرکت کردند، که با این حرکت، تمام هیئات و مراکز مذهبی الگو گرفتند و سال های بعد، هیئات برای عرض تسلیت به حضرت معصومه(علیها السلام) در روز شهادت حضرت زهرا(علیها السلام) بر سر و سینه زنان به طرف حرم مطهر روانه شدند و پایه ی این حرکت را مرحوم میرزا(قدس سره) بنا نهادند و با این حرکت عاشورایی، موفق شدند فاطمیه را به عاشورای دیگر تبدیل کنند و این یادگار آن مخلص درگاه حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) بود، ایشان تا آخرین سال های حیات خود، حتی سال آخر حیاتش، علی رغم تشدید بیماری، روز شهادت حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) برای عرض تسلیت به بی بی حضرت معصومه(علیها السلام) و عرض ادب به ساحت مقدس حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) پای برهنه بر روی زمین گرم از دفتر خود به سمت حرم مطهر روانه شدند و بر سینه و سر زنان و گریه کنان، مقداری از راه را پیاده حرکت کردند؛ ولیکن متأسفانه در نیمه ی راه به دلیل ضعف و ناتوانی نتوانستند پیاده به حرکت خود ادامه

دهند و بقیه‌ی راه را با ماشین (همراه عزاداران) حرکت کردند و آن سال، مرحوم میرزا/قدس سره) حال و هوای خاصی داشتند و با خلوص تمام در ایام فاطمیه بی تابی می کردند. گویا می دانستند که آخرین فاطمیه‌ی عمر شریفشان است و هنوز اشک های خالصانه‌ی آن عالم ربانی که همچون باران از گونه های مبارکشان جاری می شد، در خاطره ها باقی است و هرگز از ذهن ها پاک نمی شود که چگونه برای دفاع از مظلومیت فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) و مسلمات مذهب برحق تشیع، با اقدامی شجاعانه و پایی برهنه بر روی زمین تفدیده حرکتی جاوید گونه از خود به یادگار نهاد، تا درسی باشد برای دیگران که چگونه ارادت خویش را به اهل بیت(علیهم السلام) ابراز کنند. روحش شاد باد که با تمام وجود در راه دفاع از دین و مذهب، عمری تلاش نمود.

مقام و جایگاه حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام)

میرزای تبریزی (قدس سره) و توسل به ابوالفضل العباس (علیه السلام)
علاقه‌ی وافر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به مجالس
توسل به اهل بیت (علیهم السلام) زبانزد خاص و عام بود. ایشان در
مجلس عزای اهل بیت (علیهم السلام) بسیار اشک می ریختند و به شدت
ابراز احساسات کرده و سفارش می کردند که بگویید، روضه‌ی باب
الحوائج (ابوالفضل العباس (علیه السلام)) را بخوانند و با شنیدن لفظ
«ابوالفضل العباس (علیه السلام)» اشک در چشمانشان حلقه می زد و به
لفظ «عباس» علاقه‌ی خاصی داشتند و به خطبا می فرمودند: «به
ابوالفضل العباس (علیه السلام) توسل کنید که «باب الحوائج» است و این
شخصیت باوفا و شهید، تمام هستی خود را در راه خدا فدا کرد و
بهترین یار و یاور سالار شهیدان بود؛ به طوری که با شهادتش، مولا، ابا
عبدالله الحسین (علیه السلام) فرمودند: «الآن انْكَسَرَ ظَهْرِي»^۱ ایشان حضرت
ابوالفضل العباس (علیه السلام) را نسبت به مرتبه و مقام خود، معصوم
می دانست و در استفتائی از ایشان در خصوص عقیده‌ی بنی هاشم و
ابوالفضل العباس (علیهما السلام) آمده است: «هرچند که ایشان در رتبه‌ی
ائمّه (علیهم السلام) نیستند؛ ولیکن نسبت به رتبه و جایگاه خود، معصوم

۱. بحار الانوار، ج 45، ص 42؛ العوالم، ص 285.

هستند.» ایشان از خاطرات دوران تحصیل نجف می فرمودند: چه ایام با معنویتی بود، شب های جمعه موفق می شدیم ساقی کربلا را زیارت کنیم؛ آن فداکاری که با حماسه‌ی خود دین را بیمه کرد و با تمام وجود در خدمت سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) بود. او علمدار راستین و حامی واقعی بود، به طوری که امام حسین (علیه السلام) روز تاسوعا هنگامی که لشکر عمر بن سعد به خیام نزدیک شدند، خطاب به ابوالفضل العباس (علیه السلام) فرمود: «بنفسی أنت»؛ یعنی برادر، جانم فدای تو! این جمله را امام حسین (علیه السلام) در حق کسی به کار نبرده است و این دال بر مقام والای ابوالفضل العباس (علیه السلام) است.

السلام عليك يا ابا الفضل العباس (عليه السلام)

علاقه‌ی فراوان مرحوم میرزا (قدس سره)

به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام)

در موطن متعدد مشاهده شد که فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به خطبایی که خدمتشان می‌آمدند، می‌فرمود: «به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام) توسل کنید» و از آنان می‌خواستند که مجلس به نام آن بزرگوار برپا شود و هرگاه نام حضرت را بر زبان می‌آوردند، به سرعت چشمانشان پر از اشک می‌شد و در حالی که بغض گلوی ایشان را می‌گرفت، اسم علمدار با وفای کربلا را به زبان می‌آوردند. بسیار مشاهده شد کسانی که مشکل داشتند و از مرحوم میرزا (قدس سره) کمک می‌خواستند، آقا می‌فرمود: به حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام) توسل کنید که حلال مشکلات است و نباید از توسل به این بزرگوار غافل شد که مجرب است. مردی که تمام وجود خود را در راه خدا فدا نمود و با قدرت و اعتقاد کامل از دین دفاع کرد و تا زنده بود اجازه نداد کسی به خیام حرم نزدیک شود، این شخصیت تا زمانی که در میدان بود مولانا، ابا عبدالله (عليه السلام) احساس تنهایی نمی‌کرد، اما همین که حضرت ابوالفضل (عليه

السلام) بر زمین افتاد ابا عبدالله الحسین(علیه السلام)فرمود: الان کمرم شکست.

مرحوم میرزا/قدس سره) هرجا نام ابوالفضل(علیه السلام) را می شنیدند، خود به خود دگرگون می شدند و بارها و بارها از زبان مبارک ایشان شنیده شد که می فرمودند: «ابوالفضل العباس(علیه السلام) در دشت کربلا چه ها کرد، چه جان فشانی ها کرد، هرچه داشت در راه خدا فدا نمود و سیدالشهدا(علیه السلام) را تا آخرین لحظات تنها نگذاشت. پرچمدار راستین اسلام بود و آن قدر مقامش والا است که به «باب الحوائج» معروف شد؛ زیرا توسل به این بزرگوار مجرب است. به اهل منبر سفارش کنید که از ابوالفضل(علیه السلام) زیاد مصیبت بخوانند و اگر کسی گرفتار است و مشکلی دارد، بگویند به این بزرگوار متوسل شود. برای ابوالفضل العباس(علیه السلام) مجلس روضه خوانی بگذارید؛ ان شاء الله حاجاتتان برآورده می شود».

باب الحوائج

توسل به ابوالفضل العباس (علیه السلام)

آقای محمدرضا دشتی می گوید: یک روز اول وقت، خدمت فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) رسیدم، ایشان مطالب ولایی بسیار مفید و مؤثری نقل کردند، از جمله فرمودند: من از دوران جوانی به ابوالفضل العباس (علیه السلام) علاقه‌ی فراوان داشتم و به او توسل می کردم. بعد از آنکه تصمیم گرفتم دبیرستان را ترک کنم و به دروس حوزه مشغول شوم یک شب در عالم خواب دیدم که حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) سوار بر اسب هستند. خدمت آن بزرگوار سلام کردم و در حالی که آن وجود نازنین سوار اسب بودند، قسمت بالای زانوی ایشان را بوسیدم، ایشان فرمودند: این کتاب را بردار! در کنار ایشان یک جلد قرآن مشاهده کردم که جلد نداشت. آن را برداشتم و در این فکر بودم که چرا آقا، خود کتاب را به من نداد و امر کرد خودم بردارم، ناگهان ایشان فرمودند: میرزا! مگر نمی دانی که من دست در بدن ندارم؟ (آقای محمدرضا دشتی می گوید: خود مرحوم میرزا/قدس سره) گفتند که در عالم خواب اولین بار وجود نازنین ابوالفضل العباس (علیه السلام) او را میرزا خطاب کرد (مرحوم میرزا/قدس سره) در حالی که اشک می ریخت می فرمودند: ابوالفضل العباس (علیه

السلام) هرچه داشت در راه خدا داد و یار و یاور برادر خود بود و باب الحوائج است، بارها به او متوسل شدیم و حاجت گرفتیم و هرکس به این بزرگوار متوسل شود، ناامید برنمی گردد؛ خداوند مرتبه‌ی ولایی را به این قهرمان کربلا داده است.

وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ

توسل به ابوالفضل العباس (علیه السلام)

حجت الاسلام، شیخ محمد رضا ناصری قوچانی می گوید: روزی فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) به مناسبتی شمه ای از فضایل و مناقب ابوالفضل العباس (علیه السلام)، و مقام والای آن قهرمان کربلا را مطرح می کردند و در حالی که اشک چشمانشان را فرا گرفته بود، گفتند: «ابوالفضل العباس (علیه السلام) واقعاً باب الحوائج است.» و در ادامه فرمودند: «من مشکلی داشتم که برای حل آن زیاد به حضرت (علیه السلام) متوسل شدم. یک شب در عالم خواب خدمت قهرمان کربلا مشرف شدم، ایشان (علیه السلام) فرمودند: میرزا! به مراد خود خواهی رسید.» مرحوم میرزا (قدس سره) می گوید: «آن مشکل به برکت و عنایت آن حضرت (علیه السلام) حل شد و من به مراد خود رسیدم.» مرحوم میرزا (قدس سره) به توسل به باب الحوائج عجیب عقیده داشتند و همیشه به منبری ها می گفتند، به حضرت عباس (علیه السلام) توسل کنید. ایشان در مجلسی که روضه ی ابوالفضل العباس (علیه السلام) خوانده می شد به شدت گریه می کردند و مانند ابر بهاری اشک می ریختند، آن قدر می گریستند که چشمانشان قرمز می گشت و تا ساعتی چند، اثر بکاء بر چهره ایشان نمایان بود.

محبت و مودت اهل بیت (علیهم السلام)

سوزش پای مرحوم میرزا (قدس سره)

مؤسس فاطمیه و بزرگ پرچمدار انقلاب ایام فاطمیه به عاشورای دیگر، فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) در گرمای سوزان و با پای برهنه همه ساله، سوم جمادی الثانی، روز شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) جهت عرض ادب به ساحت مقدس فاطمه‌ی معصومه (علیها السلام) همراه با فضلا، طلاب و متدینین به سوی حرم مطهر حضرت فاطمه‌ی معصومه (علیها السلام) روانه می شدند. مرحوم میرزا (قدس سره) در سال 1383 با پای برهنه در میان موجی از عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) به سوی حرم حضرت معصومه (علیها السلام) حرکت کردند و گرمای سوزان موجب سوزش پای آن بزرگوار شد. بعد از مراجعه به دفتر، مرحوم میرزا (قدس سره) با توجه به زخمی که کف پایشان ایجاد شده بود به درمان و تمیز نمودن آن مشغول شدند. در آن هنگام حجت الاسلام والمسلمین، شیخ علی دهنین / حسائی و آقا زاده‌ی مرحوم میرزا (قدس سره) در اتاق نزد ایشان بودند. ناگاه مرحوم میرزا (قدس سره) رو به شیخ علی دهنین کرده و فرمودند: «ای شیخ ما! این هندی ها و پاکستانی ها که در ایام محرم، تأسیاً به درد و رنج های

شعائر حسینی.....445

سیدالشهدا امام حسین (علیه السلام) روی آتش (ذغال گداخته) حرکت می کنند و می گویند پاهایشان نمی سوزد و احساس (درد و سوزش) نمی کنند، راست می گویند؛ زیرا شما بین کف پایم از سوزش زخم شده اما من در طول مسیر حرکت، سوزشی احساس نکردم».

بگذار پاهایم برای مظلومیت

اهل بیت (علیهم السلام) بسوزد

مرحوم میرزا (قدس سره) و پاهای برهنه‌ی او در عزای فاطمیه

فرزند فقیه مقدس، میرزای تبریزی (قدس سره) می گوید: حرکت
مرحوم میرزا (قدس سره) با پای برهنه با جمعی از فضلا، طلاب و مؤمنین
در روز سوم جمادی الثانی؛ یعنی روز شهادت حضرت فاطمه‌ی
زهرا (علیها السلام) در فصل گرما واقع می شد؛ گرما بسیار سوزاننده بود،
حتی یک گام برداشتن بر روی زمین با پای برهنه مشکل بود، به طوری
که من طاقت نداشتم قدمی بردارم. از این رو به مرحوم والد (قدس سره)
گفتم: «آقا! گرما شدید است، شما اگر اذیت می شوید، کفش بپوشید.»
ایشان همان طور که به سینه می زد و گریه می کرد، فرمودند: «فرزندم!
بگذار پاهایم بسوزد. برای مصیبت حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)
هرکاری بکنم، کم است. مگر این دخت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)
چه گناهی داشت که این همه ظلم در حق او مرتکب شدند؟ پسرم!
مگر مصیبت حضرت کم بود؟ ما در مصیبت بی بی دو عالم (علیها السلام)
هر کاری کنیم، کم کرده ایم. می خواهم تا آنجا که در توان دارم در راه
حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) تلاش نمایم تا قیامت حسرت آن را
نخورم. اهل بیت (علیهم السلام) مصائب زیادی متحمل شدند،

شعائر حسینی.....447

سیدالشهدا(علیه السلام) هرآنچه داشت در راه خدا داد و مظلومانه شهید شد و اهل بیتش به اسارت رفتند. بگذار این پاها بسوزد به یاد مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام).» فرزند مرحوم میرزا(قدس سره) می گوید: وقتی به خانه برگشتیم، کف پای ایشان بر اثر شدت گرمای سوزان، آسیب دیده بود؛ ولیکن ایشان اشک می ریخت و می فرمود: این برای مصیبت حضرت فاطمه ی زهرا(علیها السلام) کم است؛ عاشَ سَعِيداً وَماتَ سَعِيداً.